

مجموعه مقالات کوتاه هجدهمین گردهم آیی سالانه باستان‌شناسی ایران



گردآورنده: روح اله شیرازی

به نام خداوند جان و خرد



۹۹۲۱۰-۳۸۲۲۹

مجموعه مقالات کوتاه هجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران

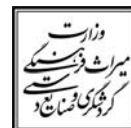
گردآوری و تدوین:

روح‌اله شیرازی



۱۳۹۹

سرشناسه	:	گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران (هجدهمین: ۱۳۹۹؛ تهران)
عنوان و نام پدیدآور	:	مجموعه مقالات کوتاه هجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران / گردآورنده روح‌اله شیرازی؛ ویراستار مرتضی خانی‌پور، ام‌البنین غفوری
مشخصات نشر	:	تهران: پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	:	۹۲۸ ص.: مصور (رنگی)، جدول، نمودار (رنگی)
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۸۹۷۷-۴۳-۸
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	کتابنامه
موضوع	:	آثار باستانی ماقبل تاریخ -- ایران -- کنگره‌ها
موضوع	:	Antiquities, Prehistoric -- Iran -- Congresses
موضوع	:	حفاری‌ها (باستان‌شناسی) -- ایران -- کنگره‌ها
موضوع	:	Excavations (Archaeology) -- Iran -- Congresses
موضوع	:	باستان‌شناسی -- ایران -- کنگره‌ها
موضوع	:	باستان‌شناسی -- ایران -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	:	Archaeology -- Iran -- Addresses, essays, lectures
شناسه افزوده	:	شیرازی، روح‌اله، ۱۳۴۹-، گردآورنده
شناسه افزوده	:	Research Institute of Cultural Heritage and Tourism
رده‌بندی کنگره	:	DSR ۴۴
رده‌بندی دیویی	:	۹۵۵/۰۰۴۳
شماره کتاب‌شناسی ملی	:	۷۵۴۸۵۳۷



مجموعه مقالات کوتاه هجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران

گردآوری و تدوین	:	روح‌اله شیرازی
ویراستار	:	مرتضی خانی‌پور و ام‌البنین غفوری
دبیرخانه دائمی گردهمایی سالانه باستان‌شناسی	:	فاطمه فرشی جلالی
طرح و اجرا	:	ام‌البنین غفوری
طراحی جلد	:	نینا رضایی
ناشر	:	پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۸۹۷۷-۴۳-۸
نوبت چاپ	:	اول / ۱۳۹۹
شمارگان	:	۱۰۰ نسخه
نشانی	:	خیابان امام خمینی، خیابان سی تیر، خیابان هنری رولن، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
تلفن	:	۰۲۱-۶۶۷۳۶۴۵۲-۶۰
تارنما	:	www.richt.ir
رایانامه	:	ccp@richt.ir
دورنگار	:	۰۲۱-۶۶۷۳۶۷۸۸
فروشگاه الکترونیکی کتاب	:	richtbook.ir

همه حقوق اثر برای ناشر محفوظ است.

طرح روی جلد: خمره بزرگ منقوش به نقوش انسانی و حیوانی، اواسط هزاره سوم پیش‌ازمیلاد، محوطه ZR.MS.051 دشت کفرود - ورزنه، اصفهان
این کتاب به مناسبت هجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران منتشر شده است. این گردهمایی از تاریخ ۱۶ تا ۱۸ اسفندماه ۱۳۹۹ به صورت مجازی برگزار شد.

ستاد برگزاری گردهمایی

رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری: بهروز عمرانی
معان اداری، مالی و توسعه مدیریت پژوهشگاه: ثریا طلوعی
معاون پژوهشی: منیژه هادیان دهکردی
سرپرست مدیریت پژوهشی: محمدحسین عزیزی خرائقی
رئیس پژوهشکده باستان شناسی: روح اله شیرازی
معاون اجرایی پژوهشکده باستان شناسی: سیامک سرلک
رئیس کل موزه ملی ایران: جبرئیل نوکنده
مدیر امور حقوقی و روابط بین الملل: منیر خلقی
مدیر انتشارات: سلیم سلیمی مؤید
مدیر امور مالی: فرهنگ عابدی
مدیر امور پشتیبانی: افشین کرمی

دبیر علمی گردهمایی: روح اله شیرازی

دبیر اجرایی: محمدحسین عزیزی خرائقی

مسئول دبیرخانه دائمی گردهمایی سالانه باستان شناسی: فاطمه فرشی جلالی

اعضای کمیته علمی گردهمایی

احمد آزادی
فریدون بیگلری
لیلا خسروی
علی رضا سرداری
سیامک سرلک
روح اله شیرازی
محمدحسین عزیزی خرائقی
فاطمه فرشی جلالی
محمد مرتضایی
معصومه مصلی
عباس مقدم
مهرداد ملک زاده
جبرئیل نوکنده

کمیته اجرایی گردهمایی

ثریا افشاری
عباس امامی
مرتضی خانی پور
نینا رضایی
محمد رضا رکنی
حسن رضانی
طوبی عبدی
محمدحسین عزیزی خرائقی
لیلا عزیز محمدی
ام البنین غفوری
فاطمه فرشی جلالی
معصومه مصلی

مدیر مسئول نمایشگاه: معصومه مصلی

مسئول نمایشگاه مجازی: احمد آزادی

مجری نمایشگاه مجازی: محمد رضا رکنی

فهرست مطالب

- ۱۵..... سخن ناشر.....
پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
- ۱۷..... مقدمه.....
دکتر علی اصغر مونسان / وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی
- ۱۹..... مقدمه.....
دکتر روح‌اله شیرازی / رئیس پژوهشکده باستان‌شناسی
- ۲۳..... میراث دیجیتال: ضرورتی بنیادی در پژوهش‌های باستان‌شناسی کشور.....
دکتر جبرئیل نوکنده / رئیس کل موزه ملی ایران
- ۲۵..... سومین فصل کاوش بین‌المللی ربع‌رشیدی تبریز ۱۳۹۸.....
آجورلو، بهرام، لورنز کورن، امین مرادی و حسین اسماعیلی عتیق
- ۳۳..... بررسی باستان‌شناختی مخزن سد آبریز، کَهِگیلویه.....
آزادی، احمد
- ۴۳..... گزارش فصل نخست کاوش کول تپه (آناهیتا) سرعین به منظور لایه‌نگاری و تعیین عرصه و پیشنهاد حریم.....
ابراهیمی، قادر
- ۴۹..... خواناسازی «سکوی بلند» و کاوش روشمند در آکروپل شوش.....
احمدزاده، لقمان، رامین یشمی، کوروش محمدخانی، مهدی امیدفر، مهرنوش زاده‌دباغ و بیژن حیدری‌زاده
- ۶۱..... بررسی باستان‌شناسی شهرستان بر خوار و بخش مرکزی شهرستان شاهین‌شهر و میمه.....
احمدی، عباسعلی
- ۶۷..... بررسی باستان‌شناسی مسیر کانال آب شهرهای اشنویه، نقده، نالوس و محمدیار.....
احمدی، نرگس
- ۷۵..... بررسی باستان‌شناختی مقابر دست‌کند صخره‌ای قابل انتساب به دوره فراخامنشی در دشت مرو دشت، استان فارس.....
احمدی‌نیا، احسان
- ۸۱..... برنامه حفر یک گمانه ۲×۲ متر به منظور پاسخگویی به استعلام در بافت قدیمی شهر رشت.....
ارجمندی، سارا و صادق عاقلی
- ۸۵..... بررسی باستان‌شناسی سایت میراث جهانی دره شام، در حوزه فرهنگی ارس.....
افشاری، ثریا، لیلا افشاری و وحید عزیزی آبی
- ۹۳..... بررسی استقرارهای هخامنشی دشت رامهرمز جهت تکمیل نقشه باستان‌شناسی.....
افشاری، لیلا، ثریا افشاری و وحید عزیزی آبی
- ۱۰۱..... گزارش بررسی محوطه‌های دارای شواهد فلز کاری کهن در دهستان گُل‌گُل کوه‌دشت لرستان.....
الیکایی دهنو، ثریا و مرتضی گراوند
- ۱۰۵..... فصل سوم کاوش باستان‌شناختی غار کلدنر.....
بازگیر، بهروز
- ۱۱۳..... کاوش نجات‌بخشی محوطه سوغانلوی ۲ پیرانشهر.....
بدافی، ابراهیم و سعید ستارنژاد
- ۱۱۹..... لایه‌نگاری محوطه برکمران پیرانشهر شواهدی از دوره مفرغ قدیم تا اسلامی.....
بدافی، ابراهیم، سعید ستارنژاد
- ۱۲۵..... گزارش کاوش مقدماتی محوطه ۹۱ سد چم شیر.....
بدیعی، مجید گورتی



- گزارش کوتاه بررسی باستان‌شناسی شهرستان گراش ۱۳۱
برفی، سیروس
- کاوش در غار وزمه و بررسی نواحی پیرامونی در کوه‌های قاضی‌وند، دشت اسلام‌آباد غرب، کرمانشاه ۱۳۹۸ ۱۳۷
بیگلری، فریدون، مرجان مشکور، سونیا شیدرنگ، مرتضی رحمتی، حسین داوودی، امیر ساعد موچشی، سجاد سمیعی و کامیار عبدی
- کاوش نجات‌بخشی تپه ریک‌آباد، حوضه زاب کوچک ۱۴۵
بیننده، علی
- گزارش کوتاه کاوش باستان‌شناختی به‌منظور خواناسازی کشتی تاریخی قروق ۱۵۱
توفیقیان، حسین
- کاوش بخش جنوبی خیابان چهارباغ عباسی ۱۵۷
جاوری، محسن
- بررسی و شناسایی غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای پارینه‌سنگی دشت ایذه (فصل دوم: شمال و شرق تالاب میانگران) ۱۶۹
جایز، مژگان، ته‌مینه ایزدیاری، فریبا بختیاری‌نسب، رضا رافعی، میراحمد زوار موسوی نیایی، ساناز شیروانی، عالیه عبداللهی و علی فیضی
- گزارش فصل هفتم پژوهش‌های باستان‌شناسی محوطه ریوی دشت سملقان، خراسان شمالی ۱۷۷
جعفری، محمد جواد و یودیت تومالسکی
- پژوهش‌های باستان‌شناسی (بررسی و شناسایی) شهرستان بندر ماهشهر (جنوب خوزستان - شمال غرب خلیج فارس) ۱۸۵
جوادی‌نیا، زهرا، مسعود صادقی راد
- گمانه‌زنی در محدوده ریل خط آهن جنوب، هفت‌تپه، استان خوزستان ۱۹۱
جوانمردزاده، اردشیر
- بررسی و تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه دمبیگان شهرستان قصرقند ۲۰۱
جوزی، زهره
- گزارش پنجمین فصل از پژوهش‌های میدانی مجموعه باستانی لیارسنگ بن شیرچاک - املش ۲۰۷
جهانی، ولی، سیده مانا روحانی رانکوهی، سارا محبوبی و سولماز رئوف
- کاوش تپه آناقیزلی چورس (ژئومغناطیس، عکس‌برداری هوایی و کاوش) ۲۱۱
حاجی محمدی، کیومرث، ساندرای هاینش کونتتر، علی درویش زاده و والتر کونتتر
- کاوش نجات‌بخشی محوطه سوغانلو ۶ (فصل دوم) ۲۲۱
حاجی محمدی، کیومرث و حامید نورسی
- بازنگری بررسی و شناسایی باستان‌شناختی حوضه آبریز کشفارود ۲۲۹
حبیبی، خلیل
- کاوش فصل چهارم محوطه استرک - جوشقان گورستانی از هزاره دوم و اوایل هزاره نخست پیش از میلاد ۲۳۵
حسین‌زاده، جواد، محسن جاوری، علی مولودی و آرکادیوش سولتیشیاک
- کاوش نجات‌بخشی محوطه کوی کیوان ازنا؛ شواهدی از دوران مس سنگی و دستکندهای دوران تاریخی - اسلامی ۲۴۳
حسینی سربیشه، بهزاد، سامر نظری و ابراهیم روستایی فارسی
- کاوش و گمانه‌زنی به‌منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم در مجموعه چهارطاقی نگار ۲۵۱
حشمدار راوری، امیر
- کاوش باستان‌شناسی در دولتخانه صفوی قزوین؛ محدوده زمین چوگان، فصل نخست: ۱۳۹۸ ۲۵۹
حیدری، نوذر
- کاوش به‌منظور پیگردی آثار معماری و گمانه‌زنی جهت تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه صدر اسلام گزک راین، استان کرمان ۲۶۷
حیدری باباکمال، یدالله
- گمانه‌زنی در محوطه تاریخی سیروان ۲۷۷
خانزادی، محمدجواد



- گزارش مقدماتی دومین فصل کاوش نجات بخشی محوطه سوغانلو، محدوده سد کانی سیب پیرانشهر، آذربایجان غربی ۲۸۳
خان محمدی، بهروز
- کاوش تل سنگی در حوضه رودخانه پلوار، استان فارس ۲۹۳
خانی پور، مرتضی، فرهاد زارع کردشولی، حمیدرضا کرمی و حامد مولایی کردشولی
- چهارمین فصل کاوش در بنای جهانگیر، ایلام ۳۰۱
خسروی، لیلا
- تعیین حریم محوطه باستانی قلاتگاه ۳۰۷
خطیب شهیدی، حمید
- فراپارینه سنگی و نوسنگی در دره سیمره، زاگرس مرکزی: بازنگری لایه نگاری در مرگه لان هلیلان، استان ایلام ۳۰۹
دارابی، حجت، تویبایس ریشتر و پدر مورتسن
- ترانسه ۱۲، گورستان نویافته دوره آهن ۲ و ۳ قره تپه سگزآباد (فصل چهارم) ۳۱۵
ده پهلوان، مصطفی، زهرا علی نژاد، عمار تازیک، بابک خدادادی، صلاح سلیمی، الهام فرنام، مرجان ملایرامی، رضا مجیدی نجفآبادی، زهرا شهروس وند و هانیه حسینی
- گزارش سوم کاوش نجات بخشی در محوطه اسمی ۱ (چتلی اول)، سد چندیر، خراسان شمالی ۳۳۱
رجبی، نوروز
- کاوش نجات بخشی محوطه ۴۵: سد چم شیر - رودخانه زهره، گچساران ۳۲۳
رجبی، نوروز
- گمانه زنی به منظور لایه نگاری در تپه فلا گیلان غرب (کرمانشاه) ۳۳۵
رستمی، هوشنگ و مهرداد پارسایی برازجانی
- فصل دوم کاوش نجات بخشی محوطه های سرنی ۱ و سرنی ۴، محدوده سد سرنی (شهرستان میناب، استان هرمزگان) ۳۳۹
رضایی، ایرج و مرتضی زمانی
- گزارش کوتاه بررسی باستان شناختی دشت های شهرستان دهلران، سال ۱۳۹۸ ۳۴۵
رفیعی، بابک، زهرا لرزاده، امیر خانمادی، مژگان جایز و بیان پیرانی
- گزارش کوتاه کاوش محوطه ۵۱ در شرق حوضه آبریز رودخانه زاینده رود، دشت کفروود - ورزنه، تابستان ۱۳۹۸ ۳۵۳
رفیعی علوی، بابک، علی شجاعی، یاسر جبرئیلی و هادی الهیاری
- بررسی و شناسایی آثار و محوطه های باستانی شهرستان جم و ریز، استان بوشهر ۳۶۳
رفیعی، نغمه و مهرداد پارسایی برازجانی
- کاوش نجات بخشی گورستان حاجی آباد: فصل اول ۳۷۱
روایی، مرجان
- گمانه زنی به منظور تعیین عرصه و حریم محوطه گورستانی بیجارگاه در موسی کلایه املش ۳۷۹
روحانی رانکوهی، سیده مانا، سارا محبوبی نیلزمندی، سولماز رئوف
- بررسی باستان شناسی چشم انداز محوطه قومس، دامغان (مرحله نخست) ۳۸۵
روستایی، کوروش
- تلاش به منظور کشف محل معبد لائودیسسه نهانند ۳۹۱
رهبر، مهدی
- کاوش علمی باستان شناسی در تپه نقاره چی نهانند بازنگری کاوش های دوره قاجار در تپه نقاره چی ۴۰۱
رهبر، مهدی
- گمانه زنی به منظور تدقیق عرصه و حریم قلعه اردشیر و دختر شهر کرمان ۴۰۳
ریاحیان گهرتی، رضا



- گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه تاریخی کهنه گوراب (لگموج) املش ۴۱۳
رئوف، سولماز سارا محبویی، مانا روحانی و اعظم کاظمی
- بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان سپیدان (استان فارس) ۴۱۹
زارع، راضیه
- پشت مالان، نویافته دوره مفرغی حوزه رودخانه زاب ۴۲۷
سراقی، سیاوش، عباس محمدی جونقانی و میترا پریدار
- صلاح / صالح ۱، استقرار متعلق به دوره آهن و دوره اشکانی در حوزه رودخانه زاب ۴۳۵
سراقی، سیاوش، میترا پریدار و عباس محمدی جونقانی
- پروژه باستان‌شناسی نجات‌بخشی خط لوله آب زابل به زاهدان در حریم محوطه شهر سوخته ۴۳۹
سرحدی دادیان، حسین و حسین مرادی
- نخستین فصل کاوش در گورستان یوسف خان خاوه - کهک، قم ۴۴۷
سرلک، سیامک، عمار کاوسی و هادی رفیعی
- گزارش کاوش حفار یک گمانه به منظور پاسخگویی به استعلام ملک واقع در خیابان پیروزی، خیابان نبرد شمالی شهر تهران ۴۵۷
سعادت، محسن
- گمانه زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه تاریخی طسمی جان ۴۶۰
سلیمانیان، فاطمه
- گزارش کوتاه کاوش در شهر سوخته، منطقه مسکونی شرقی فصل ۱۳۹۸ ۴۶۱
سیدسجادی، سید منصور، حسین مرادی و سعید پارسایان
- بررسی باستان‌شناختی دشت لار تهران ۴۶۷
سیری، محمد سپهر
- گزارش نخستین فصل کاوش نجات بخشی گورستان چالادئم شال خلخال، اردبیل شواهدی بر گسترش قلمرو مانناییان به دامنه‌های جنوبی رشته کوه البرز ۴۷۳
شایقی مغانلو، رضا و قادر ابراهیمی.
- فصل اول کاوش باستان‌شناسی گردآشوان در حوزه زاب کوچک (مس و سنگ جدید/حسنلوی VIII) ۴۸۱
شریفی، مهناز
- نتایج فصل نخست کاوش تپه باستانی تم گاوان، جیرفت ۴۸۹
شهسواری، میثم و نصیر اسکندری
- تعیین عرصه و پیشنهاد حریم و کاوش اضطراری گورستان هوکرد، شهرستان جیرفت ۴۹۷
شیخ اکبری‌زاده، سمیرا
- گزارش بررسی و مطالعه روشمند و علمی باستان‌شناسی - انسان‌شناختی نگارنده‌های (سنگ‌نگاره‌های) استان کردستان جهت دستیابی به نقشی شاخص برای گاهنگاری ۵۰۵
صادقی، سارا و سعید رحیمی
- فصل اول کاوش قلعه مدریش (محمد درویش) سیستان ۵۱۱
صارمی نایینی، داود، مرتضی گرگی، سلیمان حدادی نسب، مینا جعفری خان به‌بین و محمدجواد مرعشی
- گزارش کوتاه بررسی باستان‌شناسی شهرستان قیر و کارزین (بخش مرکزی) ۵۱۹
صفرزاده، سعید، سیروس برفی
- گزارش فصل اول کاوش باستان‌شناختی تپه گل افشان، شهرستان سمیرم ۵۲۵
طاهری، محمد حسین
- فصل دوم عملیات نجات بخشی (کاوش) سد پیغام چای ۵۳۱
طایفه قهرمانی، نسرين



- گمانه‌زنی استعلامی محوطه باستانی هزار جلفا در جهات تعیین عرصه و حریم محوطه تاریخی ۵۴۱
طحان، حسین و محمدرضا عسگری
- کاوش کورگان فخرآباد مشکین شهر (شمال غرب ایران) ۵۴۷
عبداللهی، سیاوش، سعید ستارنژاد، علی کریمی کیا و بهنام کریمی
- بازنگری بررسی و شناسایی محوطه‌های باستانی بخش مرکزی شهرستان نهاوند ۵۵۳
عرب، احمد علی
- گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه تاریخی توی ۵۵۹
عرب، حسنعلی
- کاوش نجات بخشی محوطه ۱۰ در محدود سد چم شیر ۵۶۵
عزیزی، اکبر
- دومین فصل کاوش محوطه پیش از تاریخی کله کوب آیسک، استان خراسان جنوبی ۵۷۱
عزیزی خرائقی، محمد حسین و ماساشی آب
- بررسی ژئوفیزیک و مستندنگاری باستان‌شناسی شهر اردشیر خوره (فیروزآباد) ۵۸۳
عسگری چاوردی، علیرضا، پی‌یر فرانچسکو کالیری، کوروش محمدخانی و علی اقرء
- گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم آق تپه ملک قلعه (قشلاق حسین آباد)، شهرستان قم ۵۸۹
عطایی، رضا، حمید کریمی و حسین ناصری صومعه
- مطالعات باستان‌شناسی محدوده آبگیر سد چم شیر، شهرستان گچساران (فصل دوم بهار ۱۳۹۸) ۵۹۵
عطائی، محمدتقی و شهرام زارع
- گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم تپه نماز گز - اصفهان ۶۰۳
علیان، علمدار و اصف نوروزی
- فصل دوم پژوهش‌های باستان‌شناختی در تپه خیبر روانسر، کرمانشاه: لایه‌نگاری ۶۱۱
علی بیگی، سجاد، نیکول بریش، شکوه خسروی، بهنام قنبری، مته الیزابت بانسیورگ توسن، حسین داودی، سامان مصطفی‌پور، حافظ قادری، سمیه زینعلی و رضا عزیزی
- گزارش بررسی باستان‌شناختی در محدوده منطقه ویژه اقتصادی قصر شیرین، کرمانشاه ۶۱۹
علی بیگی، سجاد و فرهاد فتاحی
- گزارش کوتاه گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه باستانی لوار - دیلمان - گیلان ۶۲۹
علی طالبش، بهزاد، رقیه مجتبی‌ای ثبوتی، سعید فرجام و مصطفی فیاضی
- گزارش مقدماتی بررسی باستان‌شناختی بخش مرکزی شهرستان کامیاران، استان کردستان ۶۳۷
فریدون‌پور، رزا، شهلا احمدی، بهنام قنبری و حمزه کریمی
- لایه‌نگاری تپه گل محله (قلاع کتی) سرخرود، محمودآباد، استان مازندران ۶۴۵
فلاح، میثم و میثم نیکزاد
- فصل دوم کاوش در محوطه کاسه‌گران ۴ و فصل اول کاوش در محوطه کاسه‌گران اجملی ۶۵۳
فلاحیان، یوسف
- تحلیل یافته‌های باستان‌شناختی محوطه معصومی آسیابسر ۶۶۱
قاسمی گرجی، سراله، علی کرمی گرجی، هادی میلادی گرجی و حکیمه رازی منصور
- بررسی و شناسایی باستان‌شناسی بخش درب گنبد شهرستان کوه‌دشت، لرستان ۶۶۷
قبادی‌زاده، حمزه و سیروان محمدی قصبیان
- گزارش مقدماتی نخستین فصل گمانه‌زنی به منظور لایه‌نگاری تپه کوشکله شهرستان سقز ۶۷۳
قسیمی، طاهر، ذبیح‌اله بختیاری، مسعود اکبری، آکام قسیمی و صلاح نصراللهی



- کاوش در پناهگاه صخره‌ای سُرّه ۱ ۶۷۹
 قاصدیان، الهام، حمید حریریان و سامان حیدری گوران
- سومین فصل کاوش باستان‌شناسی در تپه گرازبانی سیستان ۶۸۷
 کاوش، حسینعلی، سید مهدی میری، زینب محجوب و رضا ناصری
- کاوش باستان‌شناسی در قلعه سانسیز، طارم ۶۹۱
 کریمی، حمزه، بهنام قنبری، حمید عزیزی و جواد بهاری
- بررسی و تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه‌های منطقه حوض دار شهرستان هامون ۶۹۹
 کیخا، محمد
- فصل دوم کاوش در تپه برج نیشابور ۱۳۹۸ و تعیین عرصه و پیشنهاد حریم با روشی نوین و ترکیبی ۷۰۵
 گاراژبان، عمران، خوژنگ ژنگ، هادی صبوری و یوژنگ یانگ
- گزارش مقدماتی دومین فصل کاوش نجات بخشی محوطه قد کودان (سوغانلو ۴) ۷۱۳
 گراوند، افراسیاب و فاطمه ملک پور
- گزارش مقدماتی گمانه‌زنی تعیین عرصه و پیشنهاد حریم تپه اهرنجان ۷۱۹
 گراوند، افراسیاب و فاطمه ملک پور
- فصل اول برنامه پنج ساله بررسی و کاوش باستان‌شناسی محوطه ویرانشهر (شهرستان فاروج، استان خراسان شمالی) ۷۲۷
 لباف خانیکی، میثم، روکو رانته
- کاوش باستان‌شناسی در محوطه تاریخی قلعه دختر بازه هور (روستای رباط سفید- شهرستان مشهد- استان خراسان رضوی) ۷۳۳
 لباف خانیکی، میثم
- گزارش کوتاه گمانه‌زنی به منظور بازنگری در تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه‌های باستانی مریان و آق‌اولر تالش ۷۳۹
 مجتبیایی ثبوتی، رقیه، بهزاد علی‌طالبش، سعید فرجام، مینا ذکریزاده و مصطفی فایضی
- سال پنجم (فصل ششم) فعالیت‌های باستان‌شناسی و علوم باستان‌شناختی هیئت مشترک ایران- فرانسه در پاسارگاد (۱۳۹۸) ۷۴۷
 محمدخانی، کوروش و سباستین گندت
- تپه آتشفشان، نشانه‌هایی از یک قلعه دوران تاریخی در دامنه جنوبی کوه سبلان ۷۵۵
 محمد علیزاده سولا
- گمانه‌زنی و پیشنهاد حریم اریک تپه ۷۶۳
 محمدی، فریبا
- گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه چاه حسینی ۷۶۷
 مرتضوی، مهدی مرتضی گرگی و فریبا موسی پور نگاری
- گزارش کوتاه بررسی باستان‌شناسی شهرستان سردشت با هدف شناسایی محوطه‌های دوره آهن ۷۷۵
 معصومیان، محمد، تیم اسکولدبول و هدایت کلواری جانکی
- کاوش‌های باستان‌شناسی در تل چگاسفلی، پشته بارانی، فصل چهارم ۷۷۹
 مقدم، عباس
- گمانه زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم مجموعه‌های ساسانی کوشک اردشیر و زندان سلیمان روستای پُشت پَر شهرستان دشتستان ۷۸۷
 موسوی بیدلی، سید رسول و سیدمهدی آذربان
- گزارش مقدماتی فصل اول کاوش در دستکند زیرزمینی تفرش ۷۹۵
 موسوی‌نیا، مهدی
- دومین فصل از کاوش باستان‌شناختی تپه قلات سوغانلو - حوضه آبرگیر سد کانی سبب (پیرانشهر - آذربایجان غربی) ۸۰۱
 میراسکندری، سید محمود، زهرا جوادی‌نیا و مسعود صادقی



- ۸۰۷..... بررسی باستان‌شناسی دشت میبد میرجانی، محسن
- ۸۱۵..... کاوش لایه‌نگاری تپه گردی گوران (پیرانشهر) میرزایی، آریتا، بهنام قنبری و لیلا گرگری
- ۸۲۳..... کاوش و تعیین عرصه استقرار دورهٔ لپویی در محوطهٔ جلیان (مرودشت) میرزایی، آریتا، بهنام قنبری، حامد نورسی، لیلا گرگری، حامد مولایی، فضل‌الله حبیبی، ابوذر توکل
- ۸۲۷..... «قلعه رَشکان» یادگاری از دوره اشکانیان در غرب دریاچه ارومیه میرزایی دمیرجی، فرنگیس
- ۸۳۱..... گزارش مقدماتی تعیین عرصه و پیشنهاد حریم تپه شایگان - مهاباد نادری، رحمت
- ۸۴۱..... سومین فصل کاوش نجات‌بخشی گورستان ده پایین (ده‌دومن)، سد خرسان ۳ ناصری، رضا، داریوش توکلی‌مهر، لیلا کیخا، زینب محجوب، مهسا نجفی، زینب هادی، فاتح زارع‌فر، علی توکلی و شمیم امیری
- ۸۴۷..... بررسی باستان‌شناسی جنوب و جنوب غرب نیشابور نامی، حسن و آرمان وفایی
- ۸۵۵..... گزارش کاوش اضطراری تپه خاتونلر مهر دشت ملارد نعمتی، محمدرضا
- ۸۶۵..... هفتمین فصل کاوش باستان‌شناسی محوطه فیض‌آباد آران و بیدگل نوری شادمهانی، رضا و محسن جاوری
- ۸۶۹..... فصل نخست بررسی باستان‌شناختی منطقه سفیدکوه استان سیستان و بلوچستان واحدی، حسین و سجاد سمیعی
- ۸۷۵..... گزارش فصل نخست کاوش در غار پبده، لالی، استان خوزستان وحدتی‌نسب، حامد، محمدجواد شعاعی، مایکل پترالگیا
- ۸۸۱..... گزارش فصل دوم کاوش در غار قلعه‌گرد، آوج، استان قزوین وحدتی‌نسب، حامد، ژیل بریون و میلاد هاشمی سروندي
- ۸۸۷..... گزارش کوتاه فصل نخست کاوش لایه‌نگاشتی تپه قلعه بالا بیجار کردستان ولی‌پور، حمیدرضا
- ۸۹۹..... گزارش کاوش نجات‌بخشی سد مراش زنجان، محوطه جن‌دره‌سی هورشید، شقایق
- ۹۰۵..... کاوش نجات‌بخشی در محوطه ساسانی سوغانلوی ۳، سد کانی سیب پیرانشهر یزدانی، افشین، آرش لشکری و حامد مولایی کردشولی
- ۹۱۱..... گزارش مقدماتی کاوش در محوطه باستانی مسجد جامع اردبیل یوسفی، حسن
- گزارش فصل دوم کاوش در محوطه میمنت‌آباد، دشت تهران (شکل‌گیری تمایزات اقتصادی - سیاسی دوره آغازنگارش در فلات مرکزی ایران) یوسفی زشک، روح‌اله و حسن افشاری



سخن ناشر

فرهنگ ایرانی فرهنگی مانا و پایدار است و سبب این ماندگاری سه ویژگی انعطاف‌پذیری، تعامل فرهنگی و در نهایت هویت ملی است که به‌رغم تنوع و تکثر جامعه امروزی به انسجام ملی کمک کرده است. شناخت فرهنگ گسترده این سرزمین کهنسال تنها راه شناخت هویت ملی است و عزت ملی را به همراه می‌آورد. عزت ملی مانع گسیختگی می‌شود و انسجام و قدرت ملی را فراهم می‌سازد. فعالیت هر پژوهشکده پژوهشگاه میراث‌فرهنگی، حسب تکلیف تعیین شده بر آن، بر بخشی از فرهنگ گسترده ایرانی متمرکز است. عظمت این فرهنگ و تمدن به گونه‌ای است که شناخت دقیق آن نیاز به بررسی فرهنگ کشورهای مستقل کنونی منطقه نیز دارد. بررسی سریع اهداف پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری و تلاش برای تحقق آنها و فراهم‌ساختن بستری مناسب برای ارتقای کیفی فعالیت‌های پژوهشی مرتبط و پررنگ ساختن حلقه‌های فرهنگی فراموش‌شده و احیای هنرهای از یادرفته این مرز و بوم و همچنین در راستای اجرای ششمین وظیفه برشمردن برای پژوهشگاه، نیازمند این است که گزیده تحقیقات هر یک از پژوهشکده‌ها، به‌ویژه آثاری که حاصل همکاری مشترک پژوهشگاه و مؤسسات تحقیقاتی و آموزشی هم‌تراز بین‌المللی است، به هر شکل ممکن منتشر شود. انتشار این آثار تلاشی برای کاربردی کردن دانش به منظور رفع نیاز جامعه و تحقق اهداف برنامه راهبردی پژوهشگاه در راستای سند چشم‌انداز ۲۰ساله جمهوری اسلامی ایران است.

از سوی دیگر پژوهش عامل و مبنای پیشرفت و توسعه مستمر و پایدار در جامعه امروزی و به بیان ساده از اصول حاکم بر جوامع سده بیست‌ویکم و تدوین و انتشار یافته‌ها و دانش مرتبط با آن و مستندات مربوط عامل مؤثری برای شناخت وضعیت حاضر و ابزاری برای بهینه‌سازی برنامه‌های در دست اقدام و نیز راهنمای نسل آینده برای شناسایی و معرفی و هویت‌بخشی ایران است. به دلیل گستردگی حوزه فرهنگ و تعدد عوامل تأثیرگذار بر آن، معرفی و شناسایی فرهنگ ملی و میراث مرتبط با آن نخستین گام محسوب می‌شود. لذا پژوهشگاه بر آن است با همکاری پژوهشگران و استادان این رسالت را به انجام رساند و امید دارد با حرکت در این مسیر از همیاری و همراهی شما برخوردار شود تا بتواند گام مؤثری در این راستا بردارد.

پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری

بسمه تعالی

بیش از یک سال از شیوع بیماری همه‌گیر کووید ۱۹ گذشته و تمامی دنیا درگیر تبعات و نگرانی‌های این بلای جهانی شده که آسیب زیادی را به بخش‌های اقتصادی تحمیل کرده است. روابط انسانی عادی را به شدت تحت‌تاثیر قرار داده و قوانین فاصله‌گذاری اجتماعی، ما را از هرگونه روابط نزدیک انسانی محروم کرده است. در این میان شاید بزرگ‌ترین آسیب را در جهان، صنعت گردشگری و توریسم و امور فرهنگی، دیده است. امکان سفر به شدت محدود شده و بسیاری از پروژه‌های عمده در این بخش؛ به سختی به حیات خویش ادامه می‌دهند. وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی ایران از این موضوع مستثنا نبوده و شرایط تحریمی نیز علت مضاعفی ایجاد کرده است. در این میان با وجود همه این کاستی‌ها و مشکلات، این وزارتخانه تلاش کرده تا ماموریت‌های محوله را به نحو احسن به سرانجام برساند. پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری به عنوان بازوی علمی و پژوهشی وزارتخانه، نقشی به سزا در این مهم داشته و عملکرد بسیار چشمگیر آن در انجام ماموریت‌های محوله و روشن نگه داشتن چراغ پژوهش با همه مشکلات موجود، تحسین برانگیز است. باستان‌شناسی به عنوان بخشی از این پژوهشگاه سابقه‌ای طولانی حدود صد سال؛ در ایران داشته و می‌توان آن را سنگ بنای پژوهشگاه دانست، اداره‌کل باستان‌شناسی و عملکرد تحسین برانگیز آن در دوران گذشته و انجام پروژه‌های بزرگ باستان‌شناختی که موجب ایجاد شناختی روشن از سوابق فرهنگی/تاریخی این سرزمین شده است؛ به پژوهشگاه میراث فرهنگی و پژوهشکده باستان‌شناسی به ارث رسیده و باستان‌شناسان این پژوهشکده و دیگر باستان‌شناسی ایرانی و غیر ایرانی که به گونه‌ای اعضای این خانواده محسوب می‌شوند، نقشی مهم در این خصوص داشته‌اند که برگزاری گردهمایی‌های سالانه باستان‌شناسی کشور که اکنون به هجدهمین آن، پس از انقلاب اسلامی را گرامی می‌داریم؛ گویای همت بلند باستان‌شناسان ایرانی و دیگر باستان‌شناسی خارجی است که در این زمینه؛ همت کرده و چراغ دانش باستان‌شناسی را در این سرزمین؛ هر روز روشن‌تر، بر افروخته نگه داشته‌اند.

خوشبختانه در سالی که گذشت با همه مشکلات موجود، باستان‌شناسی ایران کارنامه قابل قبولی را از خود به جای گذاشت. انجام بیش از ۱۳۵ پروژه میدانی باستان‌شناسی در کل کشور، تلاش در هدفمند ساختن مطالعات باستان‌شناختی، انتشار نتایج کاوش‌های پیشین و برنامه‌ریزی جهت انجام پژوهشی‌های آتی، بخش کوچکی از فعالیت‌های انجام شده است. متأسفانه امسال به دلیل شرایط موجود و فاصله‌گذاری‌های اجتماعی امکان برگزاری حضوری این گردهمایی میسر نشد؛ اما خوشبختانه با تلاش و همت اعضای پژوهشکده باستان‌شناسی و پژوهشگاه میراث فرهنگی وقفه‌ای نیافتاد و این مهم هرچند به صورت مجازی؛ سرانجام به ثمر نشست. امید است که در سال پیش رو و پس از پشت سر گذاشتن این بیماری همه‌گیر، شرایط جهان و کشور عادی شده و پروژه‌های باستان‌شناسی هرچه بهتر و هدفمندتر، به هدف تعیین شده خویش که همانا شناخت فرهنگ/ هویت و سوابق درخشان و تاثیرگذار فرهنگ ایرانی است، نزدیک شوند.

علی اصغر مونسان

وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی



به نام آنکه جان را فکرت آموخت

مقدمه

اکنون که به یاری پروردگار دانا و توانا هجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران را برگزار می‌کنیم، جهان چهره‌ای آشفته به خود گرفته است. در پایان آخرین روز هجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی کشور (سی‌ام بهمن‌ماه یک‌هزار و سیصد و نود و هشت خورشیدی) خبر همه‌گیری ویروس کرونا در ایران بر زبان‌ها افتاد و زندگی‌مان را دگرگون ساخت.

گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران همواره فرصتی بوده تا باستان‌شناسان ایران و جهان گردهم آیند و آخرین نتایج و دست‌آوردهای باستان‌شناسی ایران را معرفی و به تبادل نظر و اندیشه بپردازند و زمینه‌ی برخورد آرا و اندیشه‌های علمی در این حوزه را فراهم کنند. متأسفانه امسال محدودیت‌های ناشی از فاصله‌گذاری اجتماعی برای پیشگیری از همه‌گیری کرونا، ما را وادار کرد تا این رخداد بزرگ علمی باستان‌شناسی ایران را به صورت مجازی و برخط برگزار کنیم و از اجتماع متخصصین امر در این زمینه محروم بمانیم.

در این سال برنامه‌های پژوهشی و کاوش‌های باستان‌شناسی نیز همچون سایر بخش‌های خصوصی و عمومی جامعه تحت‌تاثیر همه‌گیری این بیماری جدید قرار گرفت و ماهیت کار میدانی باستان‌شناسی، که مستلزم فعالیت گروهی و بلندمدت تعدادی از کارشناسان و کارگران است، را تحت‌الشعاع قرار داد. با این وجود، پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی برای حفظ ایمنی افراد در برنامه‌های میدانی (با توجه به ماهیت و نیازهای باستان‌شناسی) دستورالعملی را تنظیم کرد و در آغاز هر فصل کاری به سرپرستان ابلاغ کرد.

مجموعه گزارش‌های کوتاهی که در این مجلد به علاقه‌مندان و دانش‌پژوهان باستان‌شناسی ارائه می‌شود، بازتابی از فعالیت‌های میدانی پژوهشکده باستان‌شناسی بوده که در سال ۱۳۹۸ انجام شده است. در سال ۱۳۹۸ خورشیدی ۱۵۶ مورد مجوز فعالیت میدانی اعم از بررسی، کاوش و گمانه‌زنی صادر شده که از این تعداد ۱۳۲ مورد به انجام رسیده و ۲۴ مورد از این برنامه‌ها به دلایل گوناگون انجام نشده است. در اواخر سال ۱۳۹۸ با شیوع بیماری کرونا، تعداد مجوزهای صادره کاهش چشم‌گیری یافت. مایه افتخار است که گزارش‌های کوتاه هجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران می‌تواند تصویری به نسبت جامع را از وضعیت مطالعات باستان‌شناسی در ایران ارائه دهد.

در سال گذشته بسیاری از برنامه‌های پرسش‌محور پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی به دلیل محدودیت‌های مالی انجام نشد و بیشتر کاوش‌ها و بررسی‌های میدانی متمرکز بر برنامه‌های نجات‌بخشی و اضطراری بود. در این میان نتایج به‌دست‌آمده از چند پژوهش میدانی قابل توجه بوده که به معرفی شاخص‌ترین آنها می‌پردازیم. گورستان ده دومن در مرز بین استان کهگیلویه و بویر و چهار محال و بختیاری قرار دارد. در نتیجه سه فصل کاوش این محوطه ۳۶ گور متعلق به دوره عیلام قدیم تا جدید شناسایی شد. از این تعداد ۱۰ گور در فصل سوم کاوش در سال ۱۳۹۸ کشف شد که گزارش آن در این مجموعه آمده است. با توجه به یافته‌های تدفینی، اهمیت این گورستان (که از نیمه دوم هزاره سوم پیش از میلاد تا نیمه اول هزاره اول پیش از میلاد تدفین در آن انجام شده) در آن است که نشانگر برهم‌کنش‌های فرامنطقه‌ای با شرق و جنوب شرق ایران در هزاره سوم پیش از میلاد است. این محوطه احتمالاً بر سر راهی قرار داشته که از منتهی‌الیه شرق ایران آغاز و پس از عبور از کرمان و فارس به شوش و بین‌النهرین وصل می‌شده است.

از دیگر یافته‌های شاخص و ارزشمند سال ۱۳۹۸ می‌توان به پژوهش‌های میدانی در حوزه باتلاق گاوخونی و حاشیه‌ی کویر مرکزی ایران (دشت ورزنه) اشاره کرد. همواره تصور بر این بود که این ناحیه از ایران که در منطقه‌ی کویری قرار گرفته فاقد آثار شاخص تمدنی است. حال آن که این منطقه از لحاظ جغرافیایی در مرکز ایران قرار دارد و از این رو می‌توانسته به‌عنوان یک مفصل فرهنگی برای مرتبط کردن شرق، غرب، شمال و جنوب ایران عمل کند. برنامه‌های پژوهشی جدید که اخیراً دانشگاه هنر اصفهان در این ناحیه اجرا کرده منجر به شناسایی حدود ۲۰۰ محوطه‌ی باستانی از دوره‌های مختلف شده است. بر اساس این مطالعات جدید، دوره مفرغ قدیم یکی از دوره‌های با اهمیت و شکوفا در دشت ورزنه است. این در حالی است که تا پیش از این، دوره مفرغ قدیم چه در فلات مرکزی ایران و چه در فارس از دوره‌های کمتر شناخته‌شده در این حوزه‌های مهم فرهنگی به‌شمار می‌رفت. کاوش‌های انجام شده در یکی از محوطه‌های این دوره در پایین دست زاینده‌رود شواهدی از وجود استقرار دائمی و تدفین‌های باستانی را آشکار ساخته است. این شواهد تازه و مطالعات تطبیقی انجام شده بر روی آنها مبین



آن است که در هزاره سوم پیش از میلاد این منطقه با نواحی دور دستی همچون جنوب غرب، حوزه هلیل رود در جنوب شرق و مناطق زاگرس مرکزی در غرب ایران ارتباطات فرهنگی داشته است.

از جمله کشفیات اتفاقی جالب در فلات مرکزی ایران در سال ۱۳۹۸ خورشیدی می توان به گورستان خاوه در ۴۰ کیلومتری جنوب شهر قم و در ارتفاعات خاوه-وشنوه اشاره کرد. این گورستان که در پی خاک برداری و تسطیح زمین در طی عملیات عمرانی و ساختمانی شناسایی شد در منطقه‌ای بیلاقی با مراتع و منابع کافی آب واقع شده که با توجه به منابع زیست محیطی آن می توانسته به عنوان مکانی جهت سکونت موقت جوامع کوچ‌رو و دامدار باشد. در فصل نخست کاوش‌های باستان‌شناسی در گورستان مذکور سفالینه‌هایی متعلق به فرهنگ یانیق به دست آمد که حاکی از غنای فرهنگی این منطقه در دوره مفرغ است. گسترش فرهنگ یانیقی (کورا-ارس) به سرحدات فلات مرکزی ایران از نکات جالب و با اهمیت یافته‌های جدید در خاوه است.

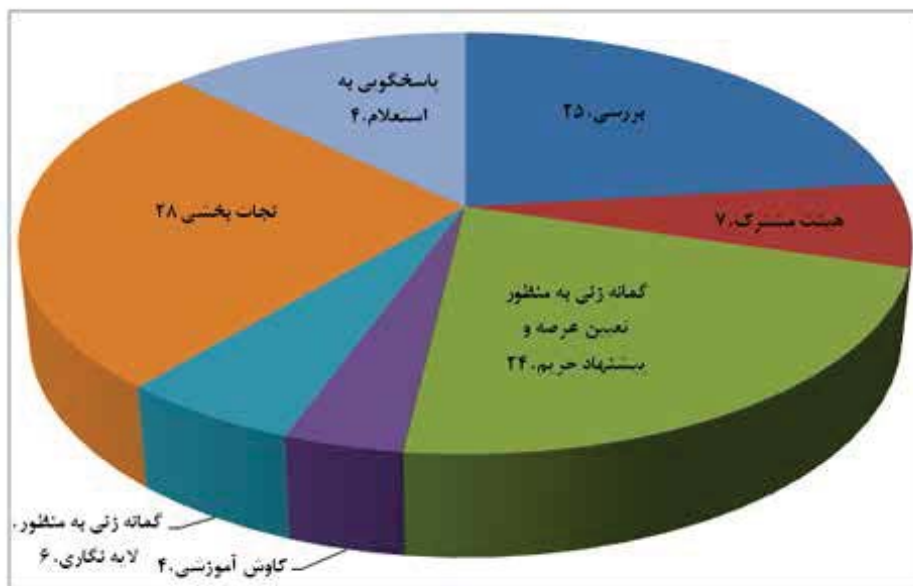
هسته اصلی مرکز اسناد پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی تا به امروز دارای ۳۲۴۹ جلد گزارش است که از این تعداد ۸۶ جلد آن در شش ماهه نخست سال ۱۳۹۹ به پژوهشکده ارسال شده و در سامانه اطلاعات مرکز اسناد ثبت شده است. همچنین تاکنون تعداد ۹۱۳ حلقه لوح فشرده به پژوهشکده ارسال شده که از این تعداد ۱۴۳ حلقه در سال جاری به پژوهشکده ارسال شده و در رایانه‌ی مرکز اسناد و همچنین در هارد دیسک‌ها ذخیره و نگهداری می‌شود. گزارش‌هایی که در قالب لوح فشرده به پژوهشکده ارسال شده، با کد شناسایی و رده‌بندی مختص به خود در آرشیو نگهداری می‌شود.

جامعه باستان‌شناسی ایران در سالی که گذشت در سوگ پیشکسوتان و استادان به نامی نشست که هر یک از آنان نقش به‌سزایی در امر پژوهش و آموزش باستان‌شناسی ایفا کردند. در بهمن‌ماه ۱۳۹۹ خورشیدی دکتر فیروز باقرزاده نخستین رئیس مرکز باستان‌شناسی ایران در سن نود سالگی به سرای باقی شتافت. او نخستین کسی بود که به تدوین ساختار و تشکیلات جدید برای باستان‌شناسی ایران پرداخت و گام‌های بلندی برای اعتلای دانش باستان‌شناسی برداشت. وی هم‌چنین نخستین رئیس کمیته میراث جهانی یونسکو بود و نقش مهمی در ثبت نخستین آثار شاخص ایران همچون تخت‌جمشید، میدان نقش جهان و چغازنبیل در فهرست میراث جهانی ایفا کرد. دکتر صادق ملک شه‌میرزادی نیز از دیگر اساتید برجسته‌ای بود که در سال گذشته روی در نقاب خاک کشید. او بی‌اغراق استاد و معلم قریب به اتفاق باستان‌شناسان ایرانی بود و در زمینه پژوهش نیز کارهای ماندگاری از خود به‌جای گذاشت که مهم‌ترین آنها مجلدات چندگانه پروژه‌ی بازنگری سیلک است. دکتر مسعود گلزاری از دیگر اساتید بزرگ باستان‌شناسی بود که نقش مهمی در آموزش نسل جدید باستان‌شناسی داشت و مطالعات و پژوهش‌های او در حوزه غرب ایران و مناطق کردنشین ماندگار خواهد ماند. دکتر حسن طلایی استاد باستان‌شناسی دانشگاه تهران در مهرماه ۱۳۹۹ به‌طور ناگهانی و بر اثر سکته قلبی درگذشت و جامعه باستان‌شناسی را در بهت و اندوه فرو برد. آقای جواد قندگر از باستان‌شناسان پرکار و کارشناسان حوزه شمال‌غرب ایران نیز در سال گذشته به جهان دیگر شتافت. برای تمامی این بزرگان غفران و رحمت الهی را مسئلت دارم.

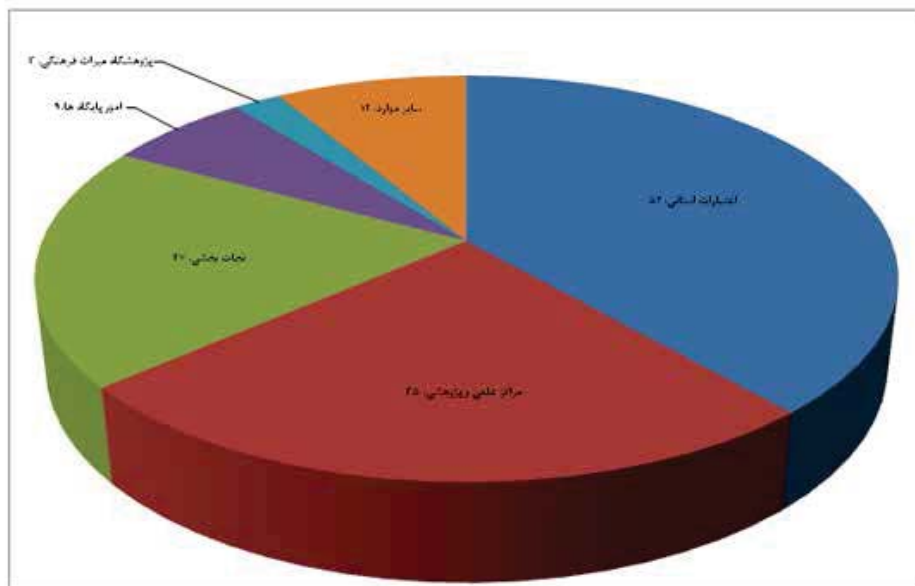
بایسته است سپاس خود را به تمام کسانی تقدیم دارم که ما را در برگزاری هرچه بهتر این گردهمایی مجازی یاری رسانده‌اند. نخست لازم است مراتب تقدیر و سپاس خود را به وزیر محترم میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی جناب دکتر علی‌اصغر مونس‌ان و معاونت محترم میراث‌فرهنگی وزارتخانه متبوع آقای دکتر محمدحسن طالبیان تقدیم دارم که با حمایت‌ها و پشتیبانی‌هایشان به برگزاری هر چه بهتر این رویداد علمی کمک کردند. از آقای دکتر بهروز عمرانی رئیس محترم پژوهشگاه که همواره با پشتکار مثال‌زدنی پیگیر کار برگزاری این گردهمایی بودند سپاسگزارم. از همراهی و همکاری آقای دکتر جبرئیل نوکنده نیز که در موقعیت‌های گوناگون پژوهشکده باستان‌شناسی را یاری کرده‌اند متشکرم. همچنین لازم است از دکتر سیامک سرلک معاون اجرایی پژوهشکده و دکتر محمدحسین عزیزی خرائقی دبیر اجرایی گردهمایی که هماهنگی‌ها و بار اصلی این رخداد بر دوش این عزیزان بوده بی‌نهایت قدردانی و سپاسگزاری شود. آوردن نام تمامی افرادی که در جریان برگزاری همایش ما را یاری کرده‌اند بر بلندی سیاهه خواهد افزود و باعث اطناب کلام می‌شود و بنابراین از آن چشم می‌پوشم اما قدردان تمام زحمات این عزیزان هستم. با این حال لازم است به‌طور ویژه از اعضای هیئت علمی پژوهشکده باستان‌شناسی و اعضای کمیته علمی که با هم‌اندیشی‌های خود مقالات این گردهمایی را بررسی کرده و برای ارائه شفاهی انتخاب کرده‌اند تشکر و قدردانی کنم. از هیئت اجرایی گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران یعنی کمیته اجرایی گردهمایی، معاونت اداری، مالی و توسعه مدیریت پژوهشگاه و مجموعه‌های وابسته به آن، معاونت پژوهشی، مرکز معرفی فرهنگی و انتشارات پژوهشگاه، مدیریت حراست پژوهشگاه نیز سپاسگزارم.

روح‌اله شیرازی

دبیر علمی هجدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران و
رئیس پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری

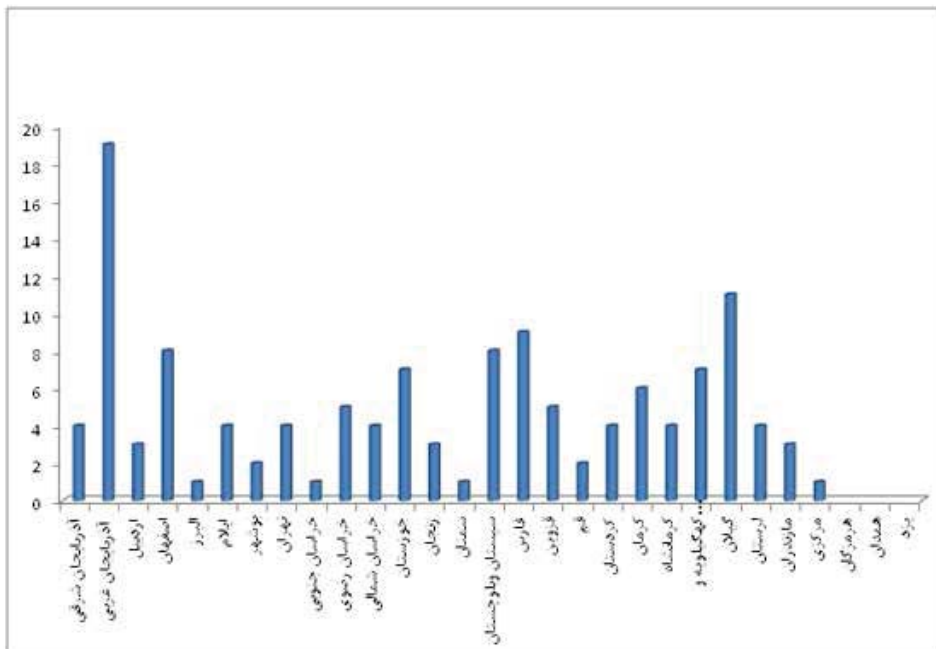


نمودار نوع فعالیت میدانی در سال ۱۳۹۸

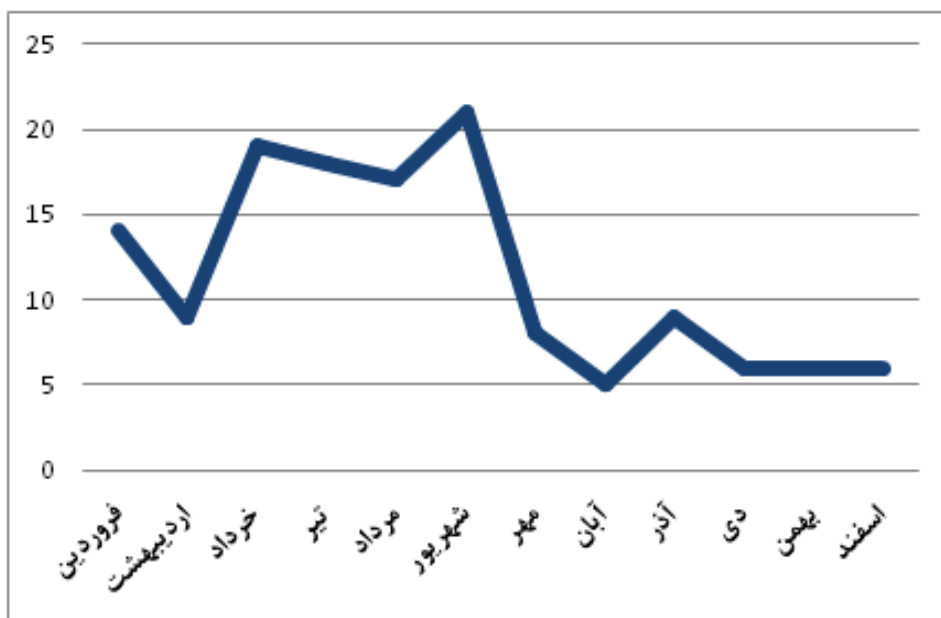


نمودار محل تامین اعتبار مجوزهای صادرشده در سال ۱۳۹۸





نمودار تعداد مجوزهای صادر شده به تفکیک استانی



نمودار تعداد مجوزهای صادر شده باستان‌شناسی در سال ۱۳۹۸



میراث دیجیتال: ضرورتی بنیادی در پژوهش‌های باستان‌شناسی کشور

در آستانه سال نو طبیعت، جشن سالانه باستان‌شناسی را به تماشا نشسته‌ایم. جا دارد ضمن تبریک این رخداد خجسته، یادی کنیم از بنیانگذار و بانی این رخداد ارزشمند، استاد فیروز باقرزاده گرامی، که در چند هفته اخیر ایشان را از دست دادیم. انشالله روان ایشان قرین رحمت الهی باشد.

گزارش‌های سالانه باستان‌شناسی که به همت استاد باقرزاده راه‌اندازی شد، در آغازین قدم‌هایش حرکتی ارزشمند، دشوار و ابتکاری بزرگ بود. همیشه هم شنیده‌ایم که اول هر کاری سخت‌ترین مرحله آن است، اما به گواه سوابق اجرایی‌ام اعتراف می‌کنم که در ایران تداوم هم بسیار کار دشواری است و اینکه امروز شاهد برگزاری هجدهمین دوره از این کنگره هستیم را باید به فال نیک بگیریم و به همه مدیران کنونی و گذشته دستگاه باستان‌شناسی کشور تبریک بگوییم.

در سالی که گذشت شاهد شیوع گسترده ویروس کرونا بودیم. اینکه امروز شاهد برگزاری این کنگره به صورت برخط هستیم در نوع خود تجربه جدید و منحصر به فردی است که ما کمتر آن را تجربه کرده بودیم. البته شیوع این ویروس را باید زنگ خطری برای میراث کشور در نظر بگیریم، این تجربه نشان داد که ما زیرساخت‌های دیجیتال لازم برای مواقع بحران را نداریم و در یک سال گذشته برای برگزاری جلسات و برنامه‌های این‌چنینی مشکلات جدی داشتیم. امروز می‌دانیم که اگر در کشور ما زلزله یا سیل جدی رخ دهد، مستندات تصویری و دیجیتالی کافی در مورد محوطه‌ها و بناهایمان نداریم. این مسائل نشان می‌دهد که باید تهیه میراث دیجیتال را جدی بگیریم و در رویکردهایمان تجدید نظر کنیم، به طور مثال در حوزه ساخت سدها، در کنار بررسی و کاوش‌ها، تهیه تصاویر سه بعدی از محوطه‌ها را هم در دستور کار خود قرار دهیم. در پرونده‌های ثبت آثار تنها به چند عکس و تهیه کروکی از محوطه‌ها اکتفا نکنیم و تهیه تصاویر سه بعدی و ویدئو از وضعیت محوطه‌ها را هم بگنجانیم تا در مواقع بروز حادثه اطلاعات کافی در مورد آثارمان داشته باشیم.

در سالی که گذشت تعداد قابل توجهی از همکاران داخلی و خارجی را از دست دادیم. پیشکسوتانی چون مسعود گلزاری، صادق ملک‌شهمیرزادی، حسن طلایی‌مغانجوقی، فیروز باقرزاده، عبدالله قوچانی، احمد تهرانی‌مقدم و جواد قندگر و از همکاران خارجی دیوید استروناخ و میشل کازانو را از دست دادیم. به روان همه این بزرگان سلام می‌فرستیم. برای همه شما بزرگواران آرزوی تندرستی و سلامتی دارم.

شاد و پیروز باشید

جبرئیل نوکنده

رئیس کل موزه ملی ایران



سومین فصل کاوش بین‌المللی ربع‌رشدی تبریز ۱۳۹۸

بهرام آجورلو*، لورنز کورن**، امین مرادی و حسین اسماعیلی عتیق

درآمد

نام‌بردار به تل کاشی که در شمال‌شرقی تپه‌های رشدیه قرار دارد^۱، با ساختارهای معماری که به روش ژئوفیزیکی در همان‌جا شناسایی شده‌اند، پیوندی معنادار دارد؟ دوره تاریخی آن‌ها کدام است؟ و در ادامه مطالعات معماری و مرمتی بخش نام‌بردار به برج بزرگ جنوبی و باروی جنوبی که در کاوش‌های سال ۱۳۹۷ خورشیدی سه کارگاه کاوش شماره ۰۴ و ۰۷ و ۰۸ در آن‌جا کندوکاو شدند، آیا اثری از پیوستگی سازه برج بزرگ جنوبی (GST) با درون و پشت باروی جنوبی دیده می‌شود؟

فرضیه و پنداره‌های پژوهشی هیئت برای پاسخ به این پرسش‌ها این بوده که: ساختارهای بزرگ معماری در بالای تپه‌های ربع‌رشدی باید از دو دوره ایلخانی و پسا-ایلخانی و در پیوند با موقوفات خواجه رشیدالدین باشند؛ هم‌چنین، آوار کاشی‌ها با ساختارهای معماری شناسایی شده با ژئوفیزیک هیچ پیوند معناداری ندارد؛ و برج بزرگ جنوبی (سده دهم هجری) از باروی جنوبی گسستگی ساختاری دارد.

عملیات میدانی

پیش از انجام کاوش، در خردادماه ۱۳۹۸ خورشیدی دومین فصل از نقشه‌برداری ژئوفیزیکی ربع‌رشدی با تأکید بر تپه‌های بالایی شمالی و شمال‌شرقی انجام شد. نقشه‌های ژئوفیزیکی وجود ساختارهای بزرگ معماری در تپه‌های بالایی را نشان می‌دهند که ساختار گوشه شمال‌شرقی - که بر میدان ورزش و خیابان پشتی اشراف دارد - دارای دو دیوار دراز در راستای شمالی - جنوبی است که از یکدیگر ۶۰ متر فاصله دارند. در سومین فصل (۱۳۹۸) از کاوش‌های باستان‌شناختی ربع‌رشدی پنج کارگاه کاوش ۵ × ۵ متر با شماره‌های ۰۹ تا ۱۳ تعیین شدند

۲. بخش نام‌بردار به تل کاشی در کاوش‌های دهه ۱۳۸۰ خورشیدی معاونت میراث‌فرهنگی آذربایجان شرقی شناسایی شد که سرپرست وقت هیئت باستان‌شناسی آن‌جا را همراه با ویرانه‌های ساختار بزرگ پلکانی، با نام «مسجد ایلخانی» معرفی کرد (ن. ک. روح‌انگیز ۱۳۸۵، ۱۳۸۷). مطالعات سال ۱۳۹۷ خورشیدی آقایان دکتر علی نعمتی بابایلو و کریستیان فوکس بر روی کاشی‌ها و ساختار پلکان نشان داده است که هیچ پیوندی میان کاشی‌ها و ساختار پلکانی نیست؛ بلکه از نظر آقای فوکس، ساختار پلکانی باید ویرانه یک آب‌انبار باشد (آجورلو ۱۳۹۷؛ آجورلو، کورن، فوکس ۱۳۹۷).

ربع‌رشدی یا رشدیه، در کوهپایه سرخاب، شمال‌شرقی تبریز (E 46.32; S 38.07) که در سال ۱۳۵۴ خورشیدی به شماره ۹۴۳ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شد، اثری چند دوره‌ای است که از روزگار ایلخانان تا میانه صفوی مسکونی بوده و سپس متروک شده است (آجورلو ۱۳۹۶؛ آجورلو ۱۳۹۷؛ آجورلو و دیگران، ۱۳۹۷؛ آجورلو و دیگران ۱۳۹۸؛ Roshan, Ajorloo, 2019; Ajorloo, Moradi, 2020). ربع‌رشدی هرچند که در وقف‌نامه ربع‌رشدی، به قلم خواجه رشیدالدین فضل‌ا... همدانی و نزه‌القلوب نوشته خمدان... مستوفی قزوینی «شهرچه‌ای» برای زندگی علما، فضلا، اطبا و حکما بوده است (آجورلو ۱۳۹۲)؛ اما هنگامی که عثمان‌پاشا و سنان‌پاشای عثمانی توانستند بر شهر تبریز چیره شوند، کاربری آن‌جا به «قلعه رشدیه» دگرگون شد (آجورلو و مرادی ۱۳۹۹) و حتی بلندی‌های کنونی ربع‌رشدی در نقشه‌های تبریز دوره قاجاری، مانند نقشه اسدا... خان مراغی، با نام «قلعه رشدیه» دیده و خوانده می‌شود.

در سومین فصل از کاوش‌های بین‌المللی هیئت مشترک باستان‌شناسی و مطالعات مرمتی - حفاظتی ربع‌رشدی که با مجوز شماره ۹۸۱۰۱۶۰۶ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۱۰ مقام محترم ریاست وقت پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، در شهریورماه - مهرماه ۱۳۹۸ خورشیدی به سرانجام رسید، بر مبنای رهیافت پژوهشی مرمت و حفاظت به روش تحلیل باستان‌شناختی بناهای تاریخی^۱ سه پرسش و فرضیه محوری در نظر گرفته شد:

کاربری ساختارهای بزرگ معماری که در بالای بخش شمال‌شرقی و شمالی تپه‌های رشدیه به روش ژئوفیزیکی شناسایی شده‌اند (تصویر ۱) چیست؟ و از کدام دوره تاریخی است؟ هم‌چنین، آیا توده انباشته کاشی‌های یافت‌شده از بخش

1. Archéologie du bâti

* عضو هیئت‌علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، سرپرست هیئت بین‌المللی ربع‌رشدی تبریز.

ajorloo@tabriziau.ac.ir

** عضو هیئت‌علمی دانشگاه اوتو فریدریش، بامبرگ.

lorenz.korn@uni-bamberg.de



که البته کاوش کارگاه شماره ۱۰ به سبب بایستگی‌های حفاظتی آوار کاشی‌ها ادامه نیافت و به فصل آینده واگذار شد؛ بنابراین، کارگاه‌های شماره ۰۹ در ادامه کاوش کارگاه شماره ۰۶ (۱۳۹۷) تل کاشی و شماره ۱۱ در پشت برج بزرگ جنوبی و شماره‌های ۱۲ و ۱۳ بالای شمال شرقی و شمالی تپه‌ها برای جستجوی بازمانده ساختارهای بزرگ معماری به کار پرداختند (تصویر ۲).

یافته‌ها و نتیجه‌های مقدماتی

در کارگاه شماره ۰۹ خاک‌برداری و کارهای حفاظت اولیه پاره‌کاشی‌های معرق سده هشتم ادامه یافت (تصویر ۳) و پس از انتقال پاره‌کاشی‌ها به پایگاه پژوهشی ملی ربح‌رشدی، بازمانده یک ساختار نامنظم آهکی و گلی بر روی خاک بکر پدیدار شد که هیچ پیوند معناداری با آوار کاشی‌ها نشان نمی‌داد (تصویر ۴). شایان یادآوری است که گونه‌شناسی این کاشی‌ها، گونه‌هایی از کاشی لعاب‌دار و زرین‌فام گونه تخت‌سلیمان تا معرق آبی- لاجوردی و کبود نام‌بردار به مسجد کبود تبریز (مظفریه) را دربر می‌گیرد.

در کارگاه شماره ۱۱ نشانه‌هایی از سه مرحله معماری خشتی و آجری از بازسازی باروی جنوبی پدیدار شد که کشف یک نمونه آجر کوبی گونه مهری / قالبی اصالت سده هشتم این بازسازی‌ها را ثابت کرد؛ دیوار کرسی‌چینی ساخته از سنگ‌های نیمه‌تراش قرمز فام، در مرحله چهارم بدین بارو افزوده و به دیگر سخن، ناماسازی شده است (تصویر ۵). شایان یادآوری است، نظر به اهمیتی که یافته‌های معماری کارگاه شماره ۱۱ دارد، با کاربری پوشش آجر و کاه‌گل، عضله‌سازی و داربست به حفاظت و نگهداری آن‌ها اقدام شد (تصویر ۶).

از کارگاه شماره ۱۱ هم‌چنین پاره چوب‌هایی پیدا شد که برای پژوهش‌های درخت‌گاه‌شناختی و آسیب‌شناسی چوب به دانشگاه هنر اصفهان فرستاده شد؛ به هر حال بررسی میکروسکوپی نمونه‌های چوب تاریخی - در دانشگاه هنر اصفهان بر پایه آیین‌نامه IAWA - وجود درختانی از گونه چنار با نام علمی *Plantanus orientalis* با آسیب لارو سوسک چنار‌خوار با نام علمی *Aeolesthes sarta* را تأیید کرده است.

در کارگاه شماره ۱۲ بازمانده‌های دو مرحله معماری پدیدار شد که مرحله نخست دارای نشانه‌های کف‌سازی آجری و کاشی‌های معقلی رایج در سده‌های هفتم و هشتم هجری است (تصویر ۷)؛ اما در مرحله دوم یا پسین، یک ساخت‌وساز شتابان و نابسامان از سنگ‌های ناتراش، خشت و آجر مستعمل و دارای تنوری در کف دیده می‌شود که گویا کاربری موقت و گذرا داشته است (تصویر ۸) که این مرحله می‌تواند به

سکونت پادگانی دوره صفوی تفسیر شود^۳. با توجه به اهمیت معماری مرحله دوم، کاوش در همین تراز متوقف شد و دیگر ادامه نیافت و اینک، با کاه‌گل، عضله‌سازی و داربست حفظ و نگهداری می‌شود (تصویر ۹).

در کارگاه شماره ۱۳ آثار یک مرحله معماری نابسامان و غیر مهندسی خاک‌برداری شد که با لاشه‌سنگ و خشت و گل ساخته شده و دارای تنوری در کف سازه است (تصویر ۱۰). این سازه بر روی خاک بکر قرار دارد. بازمانده‌های معماری یافت شده از کارگاه شماره ۱۳ باید هم‌زمان با معماری مرحله دوم کارگاه شماره ۱۲ بوده و بر یک سکونت گذرا و ناپایدار و شتابان دلالت کند. ناگفته نماند که از درون خاکستر تنور این ساختار، قطعه سفالی دارای نقش و کتیبه از دوره ایلخانی به دست آمد (تصویر ۱۱)، اما تفسیر اولیه نگارندگان / کاوش‌گران بر این است که همانند کاشی‌های کارگاه شماره ۰۹ و ۰۶ (۱۳۹۷) باید اثری جابه‌جا شده (off situ) باشد؛ چون که هیچ نسبت و پیوندی معنادار با سازه‌ها و ساختارهای معماری مهندسی‌ساز توصیف‌شده در موقوفات وقف‌نامه ربح‌رشدی ندارد.

سیاسگزاری

شایسته است که از همکاری و همراهی شماری از سروران ارجمندی که گروه بین‌المللی ایرانی و آلمانی رشیدی تبریز در سال ۱۳۹۸ خورشیدی را یاری دادند و پشتیبانی کردند، سپاس‌گزاری شود: آقایان دکتر بهروز عمرانی، دکتر روح اله شیرازی و آقای علی صدراپی از پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری؛ خانم دکتر یودیت تومالسکی^۴ مدیریت مؤسسه باستان‌شناسی آلمان در ایران؛ و خانم‌ها دکتر فرشته کمالی پاشایی از دانشگاه ارزروم و دکتر مینا سرابی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. پژوهش‌های آسیب‌شناسی چوب و درخت‌گاه‌شناختی ربح‌رشدی در دانشگاه هنر اصفهان انجام می‌شود که از آقای دکتر محسن محمدی آچاچیلویی کمال تشکر را داریم.

کتابنامه

آجورلو، بهرام ۱۳۹۲ "رهیافتی تاریخی به شهرسازی و مجموعه‌های معماری تبریز عهد ایلخانی"، *فصلنامه تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام* ۴ (۷): ۲۳-۱.

۱۳۹۶ گزارش فصل اول پژوهش‌های باستان‌شناختی و مرمتی ربح‌رشدی گروه پژوهشی بین‌المللی ایران و آلمان رشیدی تبریز، بایگانی پایگاه پژوهشی ملی ربح‌رشدی تبریز، وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی.

۳. دیرینگی ساختارهای گلی، خشتی و چینه‌ای که در سراسر باروی رشیدی دیده می‌شود به ساخت‌وسازهای شتابان شاه عباس یکم صفوی به هنگام لشکرکشی و تهدید مراد پاشای عثمانی در سال ۱۶۱۰ میلادی بازمی‌گردد.

Ajorloo, Moradi, 2020

4. Judith THOMALSKY; from DAI, Tehran.



۱۳۹۷ گزارش فصل دوم پژوهش‌های بین‌المللی باستان‌شناختی و مرمتی ربع رشیدی: هیئت پژوهشی بین‌المللی ایران و آلمان رشیدی تبریز، بایگانی پایگاه پژوهشی ملی ربع رشیدی تبریز، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی.

آجورلو، بهرام؛ کریستیان فوکس و امین مرادی
۱۳۹۷ "رهیافت‌های نوین پژوهشی به ربع رشیدی تبریز ۱۳۹۶"، مجموعه مقالات کوتاه گزارش‌های شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، ویرایش روح... شیرازی، جلد اول، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری: ۳۹-۴۳.

آجورلو، بهرام؛ لورنز کورن کریستیان فوکس
۱۳۹۸ "دومین فصل کاوش بین‌المللی ربع رشیدی تبریز ۱۳۹۷"، مجموعه مقالات کوتاه گزارش‌های هفدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، ویرایش روح... شیرازی، جلد اول، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری: ۱۱-۱۵.

تهرانی، فرهاد فخار
۱۳۷۹ "نقشه دارالسلطنه تبریز ۱۳۲۷ قمری اسد... خان مراغه"، مجله اثر ۱۷۷-۱۸۱: ۳۱-۳۲.

روح انگیز، لاله
۱۳۸۵ گزارش فصل دوم کاوش باستان‌شناسی محوطه ربع رشیدی، بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان شرقی.

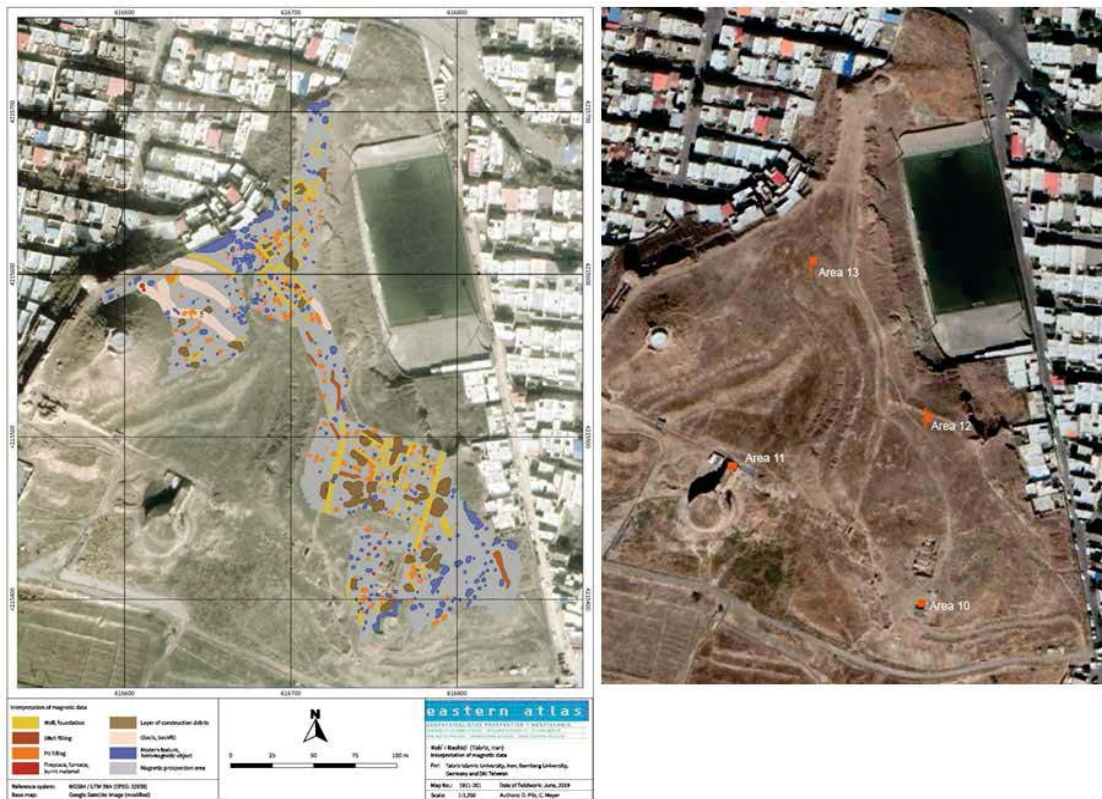
۱۳۸۷ گزارش فصل سوم کاوش باستان‌شناسی محوطه ربع رشیدی، بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان شرقی.

فضل... همدانی، خواجه رشیدالدین
۱۳۵۶ وقف‌نامه ربع رشیدی (۷۰۰ ق)، کوشش: مینوی، مجتبی و افشار، ایرج، تهران: انجمن آثار ملی ایران.

مستوفی، قزوینی، حمدالله
۱۳۳۶ نزهة القلوب (۷۴۰ ق)، به کوشش محمد دبیر سیاقی. تهران: طهوری.

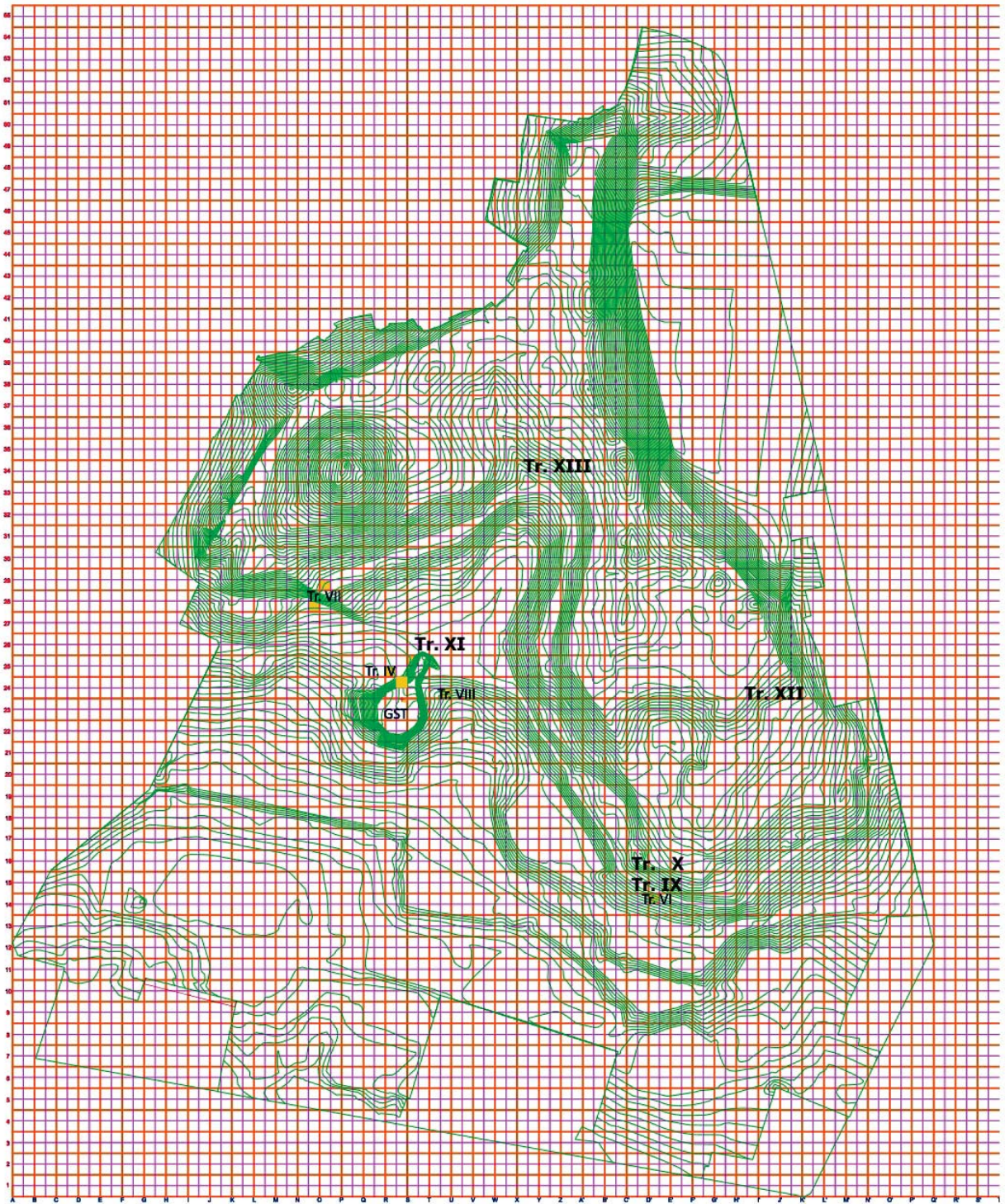
Ajorloo, Bahram; Amin Moradi
2020 "An analytical approach to the function and dating of the great southern tower at Rab'e Rashidi in Tabriz", *Bagh- Nazar* 17 (85): 51-64.

Roshan, Mojtaba; Bahram Ajorloo
2019 "The analytical revising of the structure known as the Ilkhanid bathhouse in the Rab'e Rashidi, Tabriz", *Bagh- Nazar* 15 (68): 5-14.



تصویر ۱. پراکندگی ساختارهای مدفون در بالای تپه‌های کاوشگاه ربع رشیدی که در نقشه برداری باستان‌ژئوفیزیکی سال ۱۳۹۸ خورشیدی شناسایی شده‌اند





تصویر ۲. نقشه پراکندگی کارگاه‌های کاوش شماره ۰۹ تا ۱۳ در کاوشگاه ربع‌رشیدی، سال ۱۳۹۸ خورشیدی



تصویر ۳. نمونه‌ای از پاره‌کاشی‌های یافته از کارگاه کاوش شماره ۰۹ کاوشگاه ربع‌رشیدی، سال ۱۳۹۸ خورشیدی

تصویر ۴. کف ساختار نامنظم آهکی و گلی یافته از کارگاه کاوش شماره ۰۹ کاوشگاه ربع‌رشیدی، سال ۱۳۹۸ خورشیدی؛ که روی خاک بکر قرار دارد



تصویر ۵. سه مرحله معماری سده هشتمی باروی جنوبی ربع‌رشیدی؛ یافته از کارگاه کاوش شماره ۱۱ پشت برج بزرگ، سال ۱۳۹۸ خورشیدی





تصویر ۶. حفاظت اولیه آثار معماری سده هشتمی یافته از کارگاه کاوش شماره ۱۱ پشت برج بزرگ، سال ۱۳۹۸ خورشیدی



تصویر ۷. نمونه‌ای از پاره‌کاشی‌های سده هفتم - هشتم هجری یافته از کارگاه کاوش شماره ۱۲ کاوشگاه ربع‌رشیدی، سال ۱۳۹۸ خورشیدی





تصویر ۸. تنور و آثار معماری یافته از کارگاه کاوش شماره ۱۲ کاوشگاه ربع رشیدی، سال ۱۳۹۸ خورشیدی



تصویر ۹. حفاظت اولیه آثار معماری یافته از کارگاه کاوش شماره ۱۲ کاوشگاه ربع رشیدی، سال ۱۳۹۸ خورشیدی





تصویر ۱۰. تنور و آثار معماری یافته از کارگاه کاوش شماره ۱۳ کاوشگاه ربع رشیدی، سال ۱۳۹۸ خورشیدی



تصویر ۱۱. سفال دوره ایلخانی دارای نقش و کتیبه



بررسی باستان‌شناختی مخزن سد آبریز، گهگیلویه

احمد آزادی*

درآمد

بررسی باستان‌شناختی مخزن سد آبریز، بر اساس مجوز شماره ۹۸۱۰۲۹۷۸ مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۵ در دی‌ماه و بهمن‌ماه سال ۱۳۹۸ با هدف شناسایی محوطه‌های موجود در مخزن این سد انجام شد. این بررسی در راستای اجرای طرح جامعی تحت‌عنوان "سد آبریز، سامانه انتقال آب و شبکه آبیاری و زهکشی دشت‌های دهدشت و چرام" است که در فاز اول، تنها بررسی مخزن سد انجام شد. ساختگاه سد آبریز بر روی رودخانه مارون و در منطقه دشمن-زیاری گهگیلویه قرار دارد. این طرح شامل سد آبریز، سامانه انتقال آب و شبکه آبیاری و زهکشی است. مخزن سد در حدود ۶۰۰ هکتار مساحت و سامانه این طرح شامل دو تونل و یک خط لوله است. تونل انتقال شماره یک به طول ۴۹۵۰ متر، تونل انتقال شماره دو به طول حدود ۶۱۶۰ متر تا اراضی دهدشت و چرام و خط انتقال لوله آب به طول حدود ۶۶۶۰ متر است.

موقعیت و توصیف منطقه بررسی

منطقه بررسی‌شده در غرب استان گهگیلویه و بویراحمد، در بخش مرکزی شهرستان گهگیلویه و تقریباً ۲۷ کیلومتری شمال‌شرقی شهر دهدشت قرار گرفته است. سد آبریز در بخش‌های شمالی منطقه گهگیلویه بر روی رودخانه مارون احداث خواهد شد. رودخانه مارون از رودخانه‌های جنوب‌غربی ایران است که از ارتفاعات کوه نیر (نور) و چشمه‌سارهای دامنه ارتفاعات سادات در رشته‌کوه زاگرس در استان گهگیلویه و بویراحمد سرچشمه می‌گیرد. منطقه بررسی با ارتفاع بین ۱۰۰۰ تا ۱۷۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد، چشم‌اندازی کوهستانی دارد و در میان ارتفاعاتی به نام سِرّه در ضلع شرقی، کَمَر سُلّه و سَرکور در ضلع شمال و کوه مور در بخش‌های جنوبی احاطه شده است. در این چشم‌انداز زیبا، بخشی از رودخانه مارون با

جهت شرق به غرب در جریان است. افزون بر این رودخانه، رودخانه سَرکور نیز در حوالی روستایی به همین نام سرچشمه گرفته و با جهت شمال به جنوب پس از طی مسافتی در حدود ۸ کیلومتر به رودخانه مارون می‌پیوندد.

شرح عملیات میدانی

روش بررسی به‌صورت پیمایشی و بر اساس نقشه ۱/۲۵۰۰۰ جهت بررسی موقعیت جغرافیایی منطقه بوده و ثبت محوطه‌های باستانی با دستگاه مکان‌یاب GPS و نمونه‌برداری از یافته‌های سطحی به روش دلبخواه انجام شد. در بررسی مخزن سد آبریز، برای دقت بیشتر در شناسایی محوطه‌ها، محدوده مخزن را به سه بخش تقسیم کردیم. این سه بخش عبارت بودند از: مسیر روستای دورق به سَرکور، مسیر روستای سَرکور تا حوالی روستای آبریز و مسیر روستای آبریز تا روستای آندرون بیدانجیر در دو سوی رودخانه مارون؛ تمام مخزن سد با مساحت حدود ۶۰۰ هکتار، به‌شکل پیمایشی و به‌صورت فشرده مورد بررسی قرار گرفت. چشم‌انداز زمین‌ریخت‌شناسی منطقه بررسی متشکل از دو واحد کوهستان و تراس‌های حاشیه رودخانه‌های مارون و سَرکور بود.

برای نام‌گذاری محوطه‌ها در صورت داشتن نام محلی از آن نام استفاده شد. در صورتی که در نام‌گذاری محوطه‌ها مواردی مانند دسترسی به نام‌های محلی و افرادی که بتوان از آن‌ها کمک گرفت پیش می‌آمد، از نام نزدیک‌ترین روستای نزدیک به آن یا عوارض طبیعی منطقه استفاده می‌شد. در صورت تَعَدُّد محوطه‌ها از شماره‌های سریال استفاده کردیم. برای مثال محوطه‌های آبریز ۱ و ۲ و ... هر محوطه دارای یک کُد ملی باستان‌شناسی اثر است که از سوی گروه نقشه باستان‌شناسی پژوهشکده و بر اساس نقشه‌های منطقه تعریف شده است.

در پایان بررسی مخزن سد آبریز، در مجموع شمار ۳۸ محوطه باستانی از دوره پارینه‌سنگی میانه تا سده‌های متأخر اسلامی شناسایی و بررسی شد (تصویر ۱). محوطه‌های

* استادیار پژوهشکده باستان‌شناسی aliazadi52@yahoo.com



شناسایی شده به انواع مختلفی قابل تقسیم‌بندی هستند؛ محوطه با معماری سنگی خشکه‌چین (۱۲ محوطه)، انبار غلات (۹ محوطه)، محوطه باغداری/کشاورزی (۹ محوطه)، پناهگاه صخره‌ای (۲ محوطه)، پراکندگی سفال و دست‌ساخته‌های تراشه سنگی (۲ محوطه)، پراکندگی سفال (۱ محوطه)، تپه (۱ محوطه)، غار (۱ محوطه) و آسیاب (۱ محوطه).

نتیجه‌گیری

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بیشترین گونه محوطه‌های شناسایی شده، محوطه‌های با معماری سنگی خشکه‌چین است (تصویر ۲). با توجه به سبک زندگی مردمان منطقه مورد بررسی تا چند دهه پیش که بر اساس شیوه کوچ‌نشینی بوده است، همانند بررسی‌های باستان‌شناختی پیشین منطقه (برای آگاهی در مورد این بررسی‌ها نک. به: آزادی و قزلباش ۱۳۹۰)، قابل پیش‌بینی بود که برخی محوطه‌های شناسایی شده از نوع کوچ‌نشینی باشد. در دوره اسلامی، به‌طور کلی در منطقه کَهگیلویه، الگوی استقرار این محوطه‌ها با الگوی روستاهای دهه‌های گذشته و حتی امروزی تقریباً یکسان است. آن‌ها معمولاً تک دوره‌ای بوده و بیشتر شامل محوطه‌های با پراکندگی سفال و معماری سنگی هستند که با استفاده از تکه‌سنگ‌های کوچک و بزرگ طبیعی و تا حدودی تراش‌خورده ساخته شده‌اند. با توجه به رویکرد تپه محوری در باستان‌شناسی ایران و کم‌رنگ بودن نقش باستان‌شناسی کوچ در پژوهش‌های میدانی، اهمیت این محوطه‌ها دوچندان بوده و لزوم انجام پژوهش‌های هدفمند در آن‌ها بیشتر احساس می‌شود.

یکی از مهم‌ترین محوطه‌های شناسایی شده تپه مله‌ی سوز است (تصویر ۳). با توجه به یافته‌های سطحی از جمله سفال‌ها (تصویر ۴)، دست‌ساخته‌های تراشه‌سنگی (تصویر ۵) و هاون‌های یافت‌شده، به نظر می‌رسد که این تپه، استقرار چند دوره‌ای احتمالاً از دوره نوسنگی تا مس‌وسنگ است. این تپه درست در حاشیه رودخانه سرکور قرار گرفته و مساحت آن در حدود ۰/۲۵ هکتار است. اهمیت این تپه در استفاده بهینه از پتانسیل‌های زیستی چشم‌انداز کوهستانی منطقه در دوران باستان است. این امر زمانی بیشتر اهمیت پیدا می‌کند که شمار به‌نسبت کم استقرارهای چند دوره‌ای را در منطقه کَهگیلویه مدنظر قرار دهیم.

انبار غلات یکی از نمونه‌های بسیار جالب‌توجه در بین گونه‌های مختلف محوطه‌های شناسایی شده در این منطقه هستند (تصویر ۶). از این گونه محوطه از تمام بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه کَهگیلویه تاکنون تنها در این منطقه

شناسایی شده است. انبارهای غلات بناهایی با ساختارهای مستحکم هستند که از دو بخش تشکیل شده‌اند. بخش نخست و اصلی در واقع ساختاری با پلان معمولاً مدور و در موارد معدودی مربع‌شکل است که با استفاده از سنگ‌های به نسبت درشت و به‌صورت خشکه‌چین ساخته شده است. این فضا معمولاً دارای یک ورودی است و در یک نمونه (محوطه آندورن ۴) ظاهراً در داخل آن سکویی تعبیه شده است. بخش دوم این محوطه‌ها فضای مسطحی است که درست در مقابل بخش نخست قرار گرفته و معمولاً پلانی نیم‌دایره دارد و دور تا دور آن به‌وسیله چند رَج سنگ احاطه شده است. از این فضا برای خرمن‌کوبی استفاده می‌شده است. بر اساس گفته‌های اهالی محل، در گذشته‌ای نه‌چندان دور هنگامی که اهالی منطقه بخشی از سال را در منطقه سرحد (منطقه سردسیر) به سر می‌بردند از این مکان‌ها برای نگهداری غلاتی که در فصل کشت گردآوری می‌کرده‌اند استفاده کرده و هنگام بازگشت آن‌ها را به‌وسیله چهارپایان خرمن‌کوبی می‌کردند. با توجه به اینکه برخی از این محوطه‌ها تا همین اواخر نیز مورد استفاده بوده‌اند تاریخ‌گذاری آن‌ها اندکی دشوار است با این حال، بر سطح و اطراف برخی از این محوطه‌ها یافته‌های سطحی مانند سفال مشاهده شده است؛ هرچند این یافته‌ها چندان شاخص نیستند اما به نظر می‌رسد که متعلق به دوران اسلامی باشند.

همان‌طور که می‌دانیم، کَهگیلویه منطقه‌ای کوهستانی بوده و زمین‌های قابل کشت آن بسیار محدود است؛ این قاعده درباره این منطقه نیز کاملاً صادق است. در چنین شرایطی و در نبود زمین کافی برای فعالیت‌های کشاورزی و باغداری، شواهد موجود نشان می‌دهد که پیشینیان این منطقه برای چیرگی بر این مشکل، به ستیز و تعامل با طبیعت درآمده و نتیجه آن ایجاد محوطه‌هایی سکوبندی شده در شیب‌های دامنه کوهستان‌ها است. این محوطه‌ها شامل بقایای دیوارهای سنگ‌چینی هستند که در شیب دامنه ارتفاعات ایجاد شده‌اند (تصویر ۷). هدف از ایجاد این دیوارها که به‌صورت خشکه‌چین ساخته شده‌اند مهار شیب طبیعی و ایجاد فضاهای مسطح و سکوماند است که بتوان برای فعالیت‌های کشاورزی یا باغداری از آن استفاده کرد. در این بررسی‌ها شماری از این محوطه‌ها شناسایی شد که ما آن‌ها را تحت‌عنوان محوطه‌های باغداری/کشاورزی معرفی کرده‌ایم. تقریباً تمام این محوطه‌ها در حاشیه دو رودخانه مارون و سرکور قرار گرفته‌اند و به نظر می‌رسد که قرارگیری این محوطه‌ها در حاشیه این رودخانه‌ها ارتباط مستقیمی با هم دارند اما موضوعی که اندکی چالش‌برانگیز بوده چگونگی استفاده از آب این رودخانه‌هاست که خیلی بر ما آشکار نیست.



دیگر محوطه‌های شناسایی شده در این بررسی، شامل محوطه با پراکندگی سفال و دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی، آسیاب (تصویر ۸)، پناهگاه صخره‌ای، غار (تصویر ۹) و یک محوطه با پراکندگی سفال (تصویر ۱۰) است که در چشم‌اندازهای گوناگون زمین‌ریخت‌شناسی منطقه بررسی واقع شده‌اند.

کتاب‌نامه

آزادی، احمد

۱۳۸۶ "بررسی باستان‌شناختی منطقه لیکک بهمنی، کَهگیلویه، نامه پژوهشگاه، شماره ۲۰ و ۲۱: ۱۲۰ - ۱۰۵.

۱۳۸۷ گزارش بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه کَهگیلویه، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

۱۳۸۸ گزارش فصل دوم بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه کَهگیلویه (آبان و آذر ۱۳۸۷)، پژوهشکده باستان‌شناسی، (منتشر نشده).

۱۳۸۹ گزارش فصل سوم بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه کَهگیلویه (آبان و آذر ۱۳۸۸)، پژوهشکده باستان‌شناسی، (منتشر نشده).

۱۳۹۲ "تپه بی‌بی‌زلیخایی؛ محوطه‌ای نویافته از دوره نوسنگی بی‌سفال در منطقه کَهگیلویه، زاگرس جنوبی"، *باستان‌شناسی ایران*، شماره ۳: ۳۱ - ۱۹.

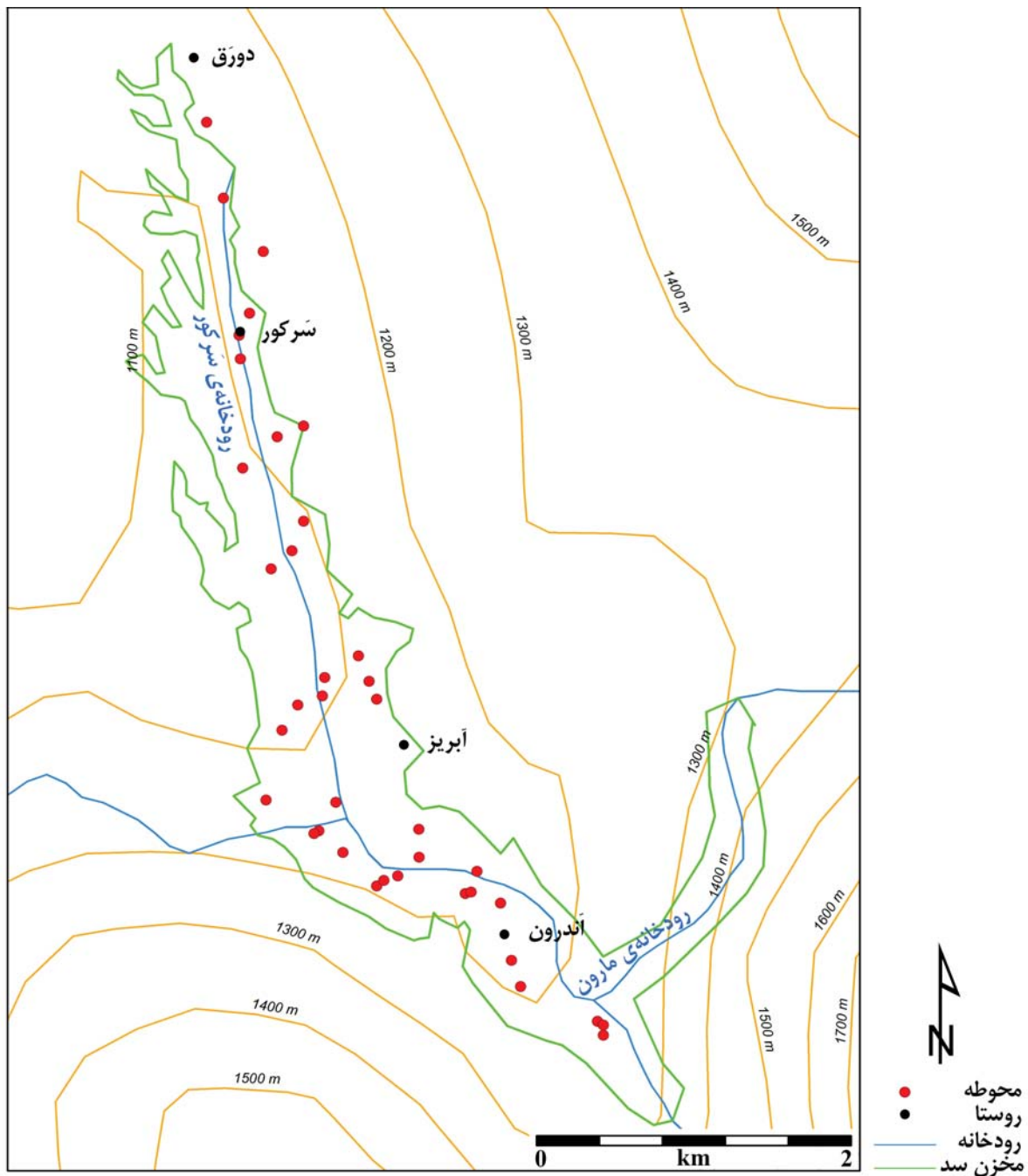
۱۳۹۳ "فصل چهارم بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه کَهگیلویه"، *مقاله‌های کوتاه دوازدهمین گردهم‌آیی سالانه باستان‌شناسی ایران*، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۳۱ - ۲۹.

۱۳۹۴ "گزارش مقدماتی بررسی‌های باستان‌شناختی خط لوله انتقال آب سد کوثر، کَهگیلویه"، *گزارش‌های چهاردهمین گردهم‌آیی سالانه باستان‌شناسی ایران*، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۳۵ - ۳۲.

آزادی، احمد و ابراهیم قزلباش

۱۳۹۰ "معرفی مکان‌های نویافته دوره نوسنگی در منطقه کَهگیلویه"، *باستان‌شناسی و تاریخ* ۴۸: ۱۶-۳.





تصویر ۱. پراکندگی محوطه‌های شناسایی‌شده در مخزن سد آبریز



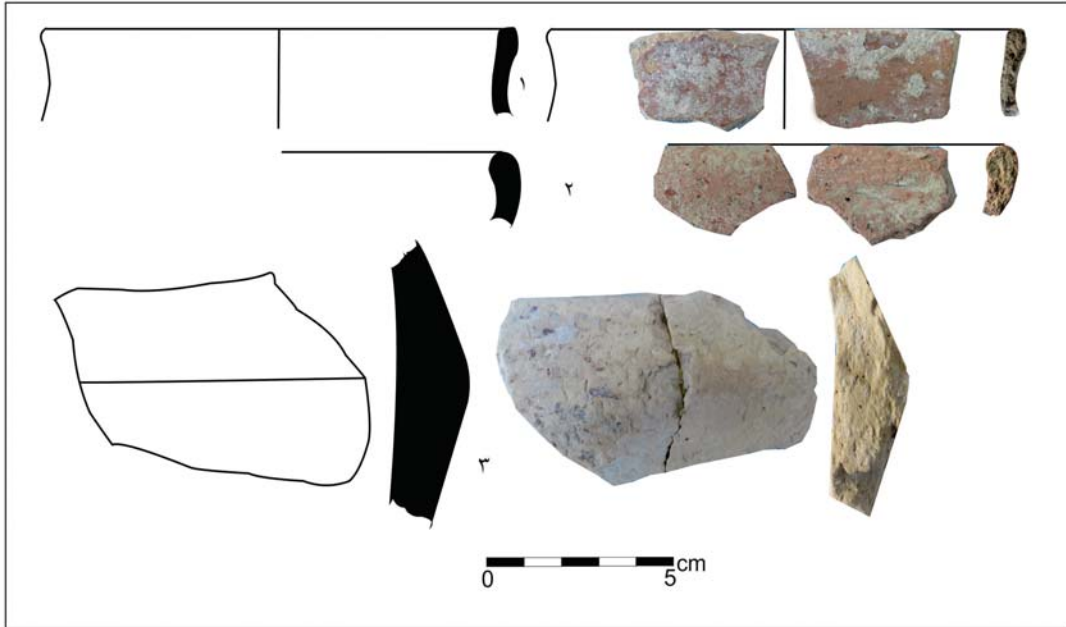


تصویر ۲. محوطه آبریز ۱، دید از غرب، نمونه محوطه‌های با معماری سنگی خشکه‌چین



تصویر ۳. تپه مله‌ی سوز، دید از شرق





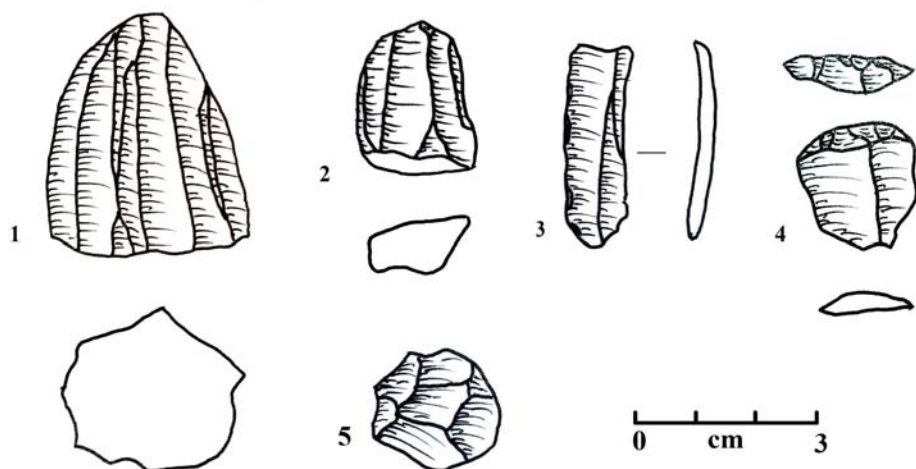
تصویر ۴. سفال‌های تپه‌ی مِله‌ی سوز



جدول ۱. جدول سفال‌ها

دوره	پخت	تزیین	نوع ساخت	پوشش/پرداخت		رنگ خمیره	شاموت	شماره طرح/عکس	شماره محوطه	نام محوطه
				بیرون	درون					
مس‌وسنگ (؟)، تاریخی (؟)	کافی	-	چرخ‌ساز	قهوه‌ای	قهوه‌ای	خاکستری تیره	ماسه‌ی نرم	۱	39RN1 J27107	مله‌ی سوز
"	"	-	"	-	-	قهوه‌ای مایل به قرمز	شن ریز	۲	"	"
"	ناکافی	-	"	-	-	نخودی	ماسه‌ی نرم و مواد گیاهی	۳	"	"
"	کافی	-	دست‌ساز	-	-	قهوه‌ای	شن ریز	۴	"	"
"	ناکافی	-	دست‌ساز؟	قرمز مایل به قهوه‌ای	قهوه‌ای روشن	نخودی	ماسه‌ی نرم و مواد گیاهی	۵	"	"
"	کافی	-	دست‌ساز؟	-	-	قهوه‌ای با مغز خاکستری	ماسه‌ی نرم و مواد گیاهی	۶	"	"
"	"	-	چرخ‌ساز	-	-	قهوه‌ای	ماسه‌ی نرم	۷	"	"
"	ناکافی	-	"	-	-	نخودی مایل به قهوه-ای با مغز خاکستری	ماسه‌ی نرم و مواد گیاهی	۸	"	"
"	"	-	"	نخودی مایل به قهوه‌ای	-	خاکستری	ماسه‌ی نرم و مواد گیاهی	۹	"	"
"	کافی	-	"	-	-	قهوه‌ای روشن	ماسه‌ی نرم و مواد گیاهی	۱۰	"	"
"	"	-	"	غلیظ گلی قهوه‌ای	غلیظ گلی قهوه‌ای	نخودی مایل به قهوه-ای روشن	ماسه‌ی نرم و مواد گیاهی	۱۱	"	"
"	"	-	"	غلیظ گلی قهوه‌ای	غلیظ گلی قهوه‌ای	خاکستری تیره	ماسه‌ی نرم	۱۲	"	"
"	"	-	"	دست مرطوب	دست مرطوب	قهوه‌ای	شن ریز	۱۳	"	"
"	"	-	چرخ‌ساز	نارنجی	-	قهوه‌ای روشن	شن ریز	۱۴	"	"





تصویر ۵. دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی تپه مله‌ی سوز؛ ۱ و ۲. سنگ مادر ریزتیغه، ۳. ریزتیغه روتوش‌شده، ۴. خراشنده انتهایی، ۵. خراشنده مدور



تصویر ۶. محوطه سرکور ۲، دید از شرق، نمونه محوطه‌های انبار غلات





تصویر ۷. محوطه آبریز ۷، دید از جنوب شرق، نمونه محوطه‌های باغداری / کشاورزی



تصویر ۸. آسیاب سَرکوره، دید از جنوب





تصویر ۹. اشکفت سَرکور، دید از شرق



تصویر ۱۰. محوطه با پراکندگی سفال آبریز ۹، دید از جنوب



گزارش فصل نخست کاوش کول تپه (آناهیتا) سرعین به منظور لایه‌نگاری

و تعیین عرصه و پیشنهاد حریم

قادر ابراهیمی*

درآمد

امروزه شهر سرعین با چشمه‌های آبگرم فراوان، مشهور به شهر چشمه‌های بهشتی در دامنه‌های ییلاق‌نشین کوهستان سبلان با آب‌وهوای خنک و دل‌نشین به‌عنوان یک شهر توریستی پر جاذبه شناخته می‌شود. از این رو، فضای شهری این شهر کوچک همه‌روزه با فعالیت‌های عمرانی روزافزون در ساخت مجتمع‌های رفاهی، خدماتی و گردشگری روبه‌رو است و در طی چند سال اخیر گسترش کالبد شهری این شهرستان برای تأمین اسکان مطلوب مسافران در ایام مختلف سال و مخصوصاً ایام پرتراфик تعطیلات تابستانی به‌دغدغه‌های بسیار جدی مسئولین این شهرستان تبدیل شده است. از طرف دیگر، در کنار جاذبه‌های طبیعی، گسترش جاذبه‌های گردشگری این شهرستان مبتنی بر میراث‌فرهنگی منطقه به‌منظور پایداری حضور طولانی‌مدت گردشگران یکی دیگر از دغدغه‌های مسئولین این منطقه است. در این میان، محوطه باستانی کول تپه سرعین تنها محوطه باستانی موجود در فضای شهری این شهرستان است که علاوه بر اینکه یکی از جاذبه‌های میراث‌فرهنگی شهر سرعین محسوب می‌شود به جهت گسترش فضای شهری نیز امروزه در معرض آسیب‌های جدی قرار دارد؛ بنابراین، با توجه به موقعیت این محوطه باستانی در فضای شهری شهرستان سرعین و جایگاه آن در حوزه گردشگری منطقه، مطالعات باستان‌شناسی در این محوطه با دو هدف عمده؛ نخست مطالعه محدوده مرکزی آن (تعیین عرصه) و تعیین محیط تاریخی آن (حریم) و دوم مطالعه پیشینه استقرارهای موجود در آن و ارزیابی کشش‌های موجود در این محوطه به‌منظور ایجاد سایت موزه در پیرامون آن طرح و برنامه‌ریزی شد. فصل نخست کاوش در این محوطه باستانی با اخذ مجوز از پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری کشور به شماره ۹۸۱۰۱۶۶ از تاریخ ۱۳۹۸/۰۲/۰۲ تا ۱۳۹۸/۰۵/۱۷ انجام شد.

موقعیت و محیط تاریخی محوطه کول تپه (آناهیتا) سرعین

کول تپه سرعین که با نام آناهیتا^۱ ثبت و شناخته شده است در ۲۰ کیلومتری غرب شهر اردبیل و داخل محدوده غربی بافت شهری سرعین قرار گرفته است (تصویر ۱). این محوطه شامل یک تپه و یک گورستان تاریخی-اسلامی در شمال شرقی تپه است (تصویر ۲). محوطه کول تپه بر بالای یک پشته طبیعی به شکل پشته‌ماهی در مختصات جغرافیایی به طول جغرافیایی ۴۸ ۴۰۲۶ و عرض جغرافیایی ۳۸ ۹۰۳۵ شکل گرفته و بر مرکز شهر سرعین اشراف کامل دارد. مساحت این محوطه با احتساب محوطه گورستان تاریخی-اسلامی آن بالغ بر ۲ هکتار است. ارتفاع محوطه کول تپه از زمین‌های اطراف آن در بلندترین قسمت نزدیک به ۱۵ متر می‌رسد. ۹ چشمه جوشان آبگرم در شرق محوطه کول تپه در کمتر از یک کیلومتری آن قرار دارند و وجود چشمه‌های آبگرم مختلف و متراکم در این منطقه یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری شهر امروزی سرعین مبتنی بر گردشگری و توریسم است؛ اما تنها چشمه طبیعی قابل شرب این منطقه در پایین‌دست غربی کول تپه قرار دارد که امروزه نیز به‌عنوان یک منبع آب شرب توسط گردشگران و اهالی منطقه استفاده می‌شود. وجود رسوب باتلاقی یا برکه‌ای در سرتاسر محدوده غربی کول تپه نشان می‌دهد که در گذشته آب این چشمه به‌صورت برکه‌مانند در این منطقه جمع می‌شده است که امروزه برای ساماندهی آب این چشمه طبیعی یک حوض بزرگ آب توسط شهرداری سرعین ساخته شده و به‌نوعی از جاذبه‌های گردشگری سرعین نیز در نظر گرفته می‌شود. وجود این چشمه به‌عنوان تنها آب قابل شرب سرعین از عوامل اصلی شکل‌گیری محوطه کول تپه و روستای سرعین از هزاره‌های پیش از تاریخ تا سده‌های حاضر در این مکان است.

۱. این نام در دهه شصت سده حاضر بر این محوطه مصطلح شده است. این در حالی است که نام آناهیتا هیچ سنخیتی با مدارک و شواهد باستانی موجود در این محوطه ندارد، بلکه سبب گمراهی مسافران و مردم عادی به جهت تشابه آن با معبد آناهیتای کنگاور واقع در استان کرمانشاه می‌شود. از این رو با آغاز پروژه باستان‌شناسی در این محوطه تصمیم به استفاده از اصلاح بومی آن یعنی کول تپه گرفته شد.

* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی پیش‌از تاریخ دانشگاه محقق اردبیلی

ebrahimiqader@gmail.com



شرح عملیات کاوش

همچنان‌که در بخش درآمد به آن اشاره شد، مطالعات باستان‌شناختی در کول تپه سرعین با دو هدف عمده حفاظتی و پژوهشی برنامه‌ریزی و اجرا شد.

برای هدف نخست یعنی تعیین عرصه محوطه و پیشنهاد ضوابط حریم منظری آن به منظور حفاظت و صیانت از محوطه و محیط تاریخی آن، پس از بررسی‌های پیمایشی در زمین‌های پیرامون محوطه به مساحت ۲۰ هکتار، ۱۲ گمانه آزمایشی در جوانب مختلف محوطه ایجاد شد. این گمانه‌ها در اکثر موارد به ابعاد $1/5 \times 1/5$ متر است که در برخی موارد و بسته به موقعیت و شرایط منطقه به 1×1 اکتفا شد. در این پروژه علاوه بر شناسایی و تعیین عرصه تپه باستانی کول تپه، گورستان تاریخی-اسلامی کنار تپه نیز به عنوان عرصه تاریخی- فرهنگی این محوطه در نظر گرفته شد. این گورستان دارای سنگ‌های قبور متعدد و مختلفی از دوران اسلامی است.

پس از انجام مطالعات اولیه یعنی تعیین عرصه محوطه، کاوش‌های گسترده در خود محوطه کول تپه آغاز شد. این کاوش‌ها نیز با دو هدف لایه‌نگاری محوطه به منظور مطالعه و تعیین توالی استقرار آن و کاوش در ابعاد بزرگ‌تر برای ارزیابی آثار معماری منسجم در کول تپه برای ایجاد سایت موزه در فصول آینده برنامه‌ریزی شد. از این‌رو، پس از بررسی محوطه و با در نظر گرفتن جوانب مختلف از جمله بحث حفاظتی آن، مناسب‌ترین مکان در دامنه شرقی برای تعیین توالی لایه‌نگاری که بیشترین میزان لایه‌های انباشتی را در بر داشت و در عین حال کمترین آسیب را ضمن کاوش برای محوطه ایجاد می‌کرد، انتخاب شد. دامنه‌های شرقی کول تپه در طی سالیان اخیر به سبب برداشت‌های بی‌رویه خاک این محوطه توسط اهالی بومی سرعین به صورت دیوارهایی گه‌گاه به ارتفاع نزدیک به ۱۰ متر ایجاد شده است؛ بنابراین، نخستین ترانشه (Trench I) در این منطقه برای لایه‌نگاری محوطه انتخاب شد (تصویر ۳). به منظور کمترین تخریب ناشی از عملیات خاک‌برداری، در ضمن کاوش بُعد عرضی این ترانشه در کمترین حد آن یعنی ۲ متر در نظر گرفته شد. طول آن نیز بسته به عمق پیشروی کاوش متغیر بود. کاوش از بالاترین نقطه محوطه آغاز و در عمق $13/5$ متری بالاترین نقطه ترانشه متوقف شد. در مجموع با کاوش در ترانشه I، ۲۳۵ واحد لایه‌نگاری اعم از لایه‌های انباشتی خاک و خاکستر، دیوارهای سنگی و خشتی، تدفین‌های انسانی و چاله‌های زباله شناسایی و ضبط شد. در ضمن کاوش در این ترانشه دو واحد تدفین انسانی نیز شناسایی شد. نخستین تدفین مربوط به یک نوزاد بود که درون یک خمره سفالی انجام شده بود. این خمره به نظر می‌رسد در کف یک واحد معماری دفن شده بود و درست بر

روی خمره نیز یک پیه‌سوز سفالی تعبیه شده بود. تدفین دوم در لایه‌های مربوط به دوره آهن قدیم بود. از آنجایی که استخوان‌های مربوط به این تدفین دارای نظم اسکلتی نیستند احتمالاً به یک تدفین ثانویه دوره آهن متعلق باشد. توالی لایه‌نگاری در ترانشه I سکونت در دوره‌های مفرغ قدیم، آهن، تاریخی و اسلامی را در محوطه کول تپه نشان می‌دهد.

با آغاز کاوش در ترانشه I و کشف شواهد معماری خشتی از دوران تاریخی در بالاترین لایه‌های محوطه، دومین ترانشه (Trench II) برای ارزیابی لایه‌های این دوران در بالای تپه برنامه‌ریزی شد. با توجه به اهداف کاوش در این ترانشه یعنی مطالعه فضاهای معماری در بالاترین سطوح محوطه، ابعاد ترانشه می‌بایست فضای بیشتری را در بر می‌گرفت؛ بنابراین مناسب‌ترین محدوده در بالای تپه به ابعاد 5×5 متر انتخاب شد (تصویر ۴). ترانشه II در قسمت غربی محوطه جایی که کمترین تغییرات را در سالیان اخیر دیده بود، انتخاب شد. کاوش در این ترانشه از بالاترین لایه‌های ترانشه تا عمق $1/5$ متری بالاترین سطح ترانشه در بردارنده آثار برجای مانده از استقرارهای موقت دوران مختلف اسلامی به خصوص سده‌های متأخر اسلامی بودند. در زیر آثار دوره اسلامی به ضخامت $1/5$ متر لایه‌های مربوط به دوران پیش از تاریخی و تاریخی قرار گرفته است. در این ترانشه در مجموع ۲۵ واحد لایه‌نگاری اعم از ساختارهای نامنظم سنگی، زباله‌دان‌های دوران اسلامی و لایه‌های مختلف از دوره آهن و دوره تاریخی بود. در گوشه شمال شرقی این ترانشه به منظور مطالعه بیشتر ویژگی‌های فرهنگی دوران تاریخی و آهن منطقه، کاوش در ابعاد 2×2 متر از عمق ۱۷۰ سانتی‌متری سطح ترانشه تا ۲۷۰ سانتی‌متری آن ادامه یافت. در کنار کاوش در دو ترانشه لایه‌نگاری و کاوش در فضای گسترده بالای تپه، سومین ترانشه (Trench III) برای ارزیابی لایه‌های قدیمی‌تر و کسب آگاهی‌های بیشتر از دوره‌های قدیمی‌تر کول تپه ایجاد و کاوش شد. ترانشه III در دامنه غربی محوطه و مشرف به برکه «تپه چشمه‌سی» به ابعاد 3×3 متر قرار دارد (تصویر ۵). کاوش در این ترانشه از بالاترین سطح تا عمق ۵۳۰ سانتی‌متر انجام شد. ضمن کاوش در این ترانشه، ۷۰ واحد لایه‌نگاشتی شناسایی و ثبت شد. در این ترانشه چندین فاز معماری گرد و چهارگوش دوره مفرغ قدیم فرهنگ کورا-ارس شناسایی شده است (تصویر ۶). از یافته‌های معماری شاخص در این ترانشه کشف یک واحد معماری مدور به سبک معماری مدور کورا-رسی است. این واحد معماری از حیث بخش‌های مختلف این بنا و تزیینات بکار رفته در دیواره داخلی آن و همچنین مواد به دست آمده از آن نشان می‌دهد که بنای حاضر نمی‌تواند یک بنای معمولی باشد (تصویر ۷).



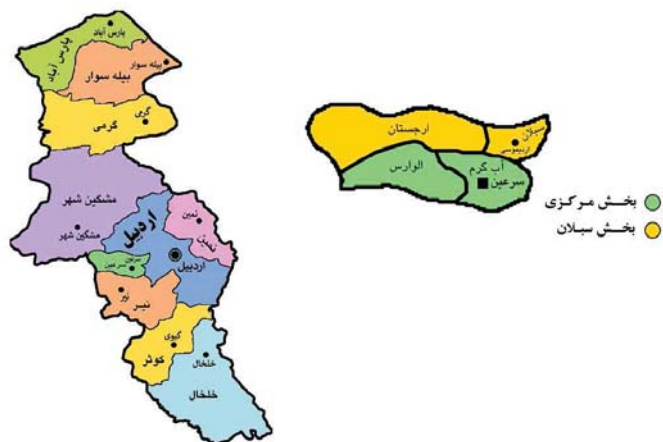
یافته‌ها

از بیشترین یافته‌های این کاوش می‌توان به گونه‌های مختلف سفالی فازهای مختلف دوره مفرغ قدیم، آهن، دوران تاریخی و دوران اسلامی اشاره کرد. در این راستا ۵۳۰۰ قطعه سفال (تمامی یافته‌های سفالی حاصل از کاوش اعم از شاخص و غیرشاخص) در تنوع رنگ خمیره، نوع قطعه و منقوش یا ساده بودن بدنه مطالعه و آمارگیری شد. علاوه بر سفال، یافته‌های بقایای استخوان جانوری و در موارد اندک نمونه‌های انسانی از دیگر یافته‌های حاصل از این کاوش است. سوزن‌ها و میخ‌های مفرغی و آهنی، پیکرک‌های انسانی و حیوانی از جنس سفال، انواع مهره‌های سفالی، سنگی از دیگر یافته‌ها در لایه‌های مختلف این محوطه بود. یکی از یافته‌های مهم در این فصل کاوش کشف پیکرک انسانی از لایه‌های متعلق به دوره مفرغ قدیم یعنی فرهنگ کورا-ارس است. همچنین از این محوطه دست‌افزارهای سنگی و ابسیدین، ادوات سنگی، ابزارهای استخوانی و سردوک‌های سفالی و استخوانی به دست آمد.

نتیجه‌گیری

همچنان‌که در مقدمه نوشتار حاضر بر آن تأکید شد؛ کاوش در کول تپه سرعین با دو هدف حفاظتی (تعیین عرصه و پیشنهاد حریم) و مطالعاتی (لایه‌نگاری) برنامه‌ریزی شد، از این‌رو نتایج حاصل از این کاوش را می‌توان از این دو منظر نتیجه‌گیری

و تدوین کرد. نتایج کاوش در ۱۲ گمانه در پیرامون محوطه کول تپه نشان می‌دهد که پهنه یا عرصه محوطه بیشتر از حدود پیرامون محوطه نیست. از این‌رو، محدوده مسطح شده پیرامون محوطه که امروزه به‌صورت سطح آسفالت‌شده اطراف تپه است جزئی از عرصه محوطه است. محدود بودن عرصه محوطه را می‌توان از برداشت‌های بی‌رویه خاک این تپه تا چند دهه اخیر دانست که تقریباً دامنه‌های شرقی محوطه را تا مرکز محوطه محدود کرده است؛ بنابراین محدوده عرصه اولیه محوطه محدود به وضعیت توپوگرافیکی تپه طبیعی است که به‌نوعی بستر محوطه نیز است. مطالعات لایه‌نگاری نیز نشان داد که نخستین استقرارها در این محوطه در دوره مفرغ قدیم شکل گرفته است. پس از مفرغ قدیم نیز در دوره آهن سکونت در آن ادامه یافته است. در این دوره ساخت ساختارهای معماری با سنگ‌های بزرگ معمول می‌شود. با توجه به شناسایی لایه‌های از سنگ‌های بزرگ در سرتاسر این محوطه به نظر می‌رسد قلعه‌ای مستحکم بر بالای آثار مفرغ قدیم بنا شده بود. پس از دوره آهن نیز این محوطه در دوران تاریخی سکونت می‌یابد. در دوران اسلامی نیز محوطه توسط جوامع کوچ‌رو به‌صورت فصلی مورد استفاده بوده است. از این دوران چاله‌های زیادی بر روی محوطه دیده می‌شود که به‌وسیله دورریزهای آشپزخانه‌ای پر شده‌اند. گورستان اسلامی با سنگ مزارهای متعدد نیز مؤید حضور این جوامع به‌صورت مستمر در این مکان است.



تصویر ۱. موقعیت استان اردبیل و شهرستان سرعین در پهنه سیاسی ایران و منطقه شمال‌غرب ایران



تصویر ۲. نمای کلی از محوطه کول تپه سرعین (دید از شمال محوطه)



تصویر ۳. موقعیت ترانشه لایه‌نگاری (ترانشه I) در دامنه شرقی کول تپه سرعین



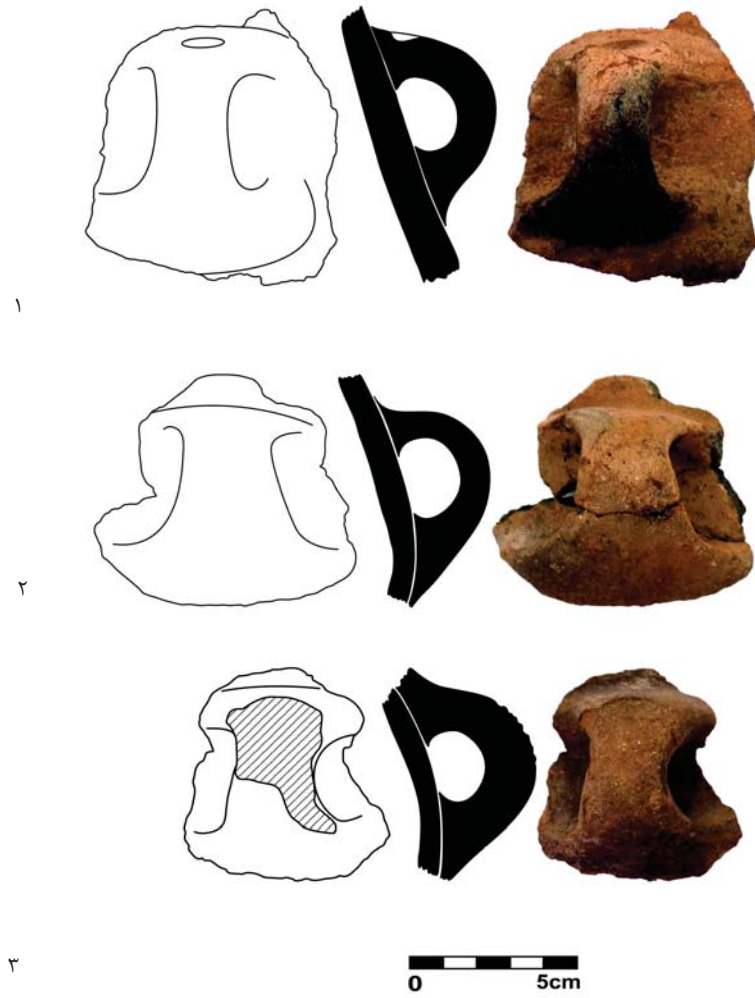


تصویر ۴. موقعیت ترانشه II در بلندترین قسمت محوطه به منظور مطالعه فضاهای معماری بالای محوطه



تصویر ۵. موقعیت ترانشه III در دامنه غربی محوطه به منظور گردآوری اطلاعات بیشتر از دوره‌های قدیمی‌تر محوطه





تصویر ۶ نمونه دسته‌های مشهور به دسته نخجوانی از ویژگی‌های بارز فرهنگ کورا-ارس؛ به دست آمده از ترانسه III



تصویر ۷. نمای کلی از یک نمونه واحد معماری مدور متعلق به دوره مفرغ قدیم در کول تپه سرعین



خواناسازی «سکوی بلند» و کاوش روشمند در آکروپل شوش

لقمان احمدزاده*، رامین یشمی، کوروش محمدخانی، مهدی امیدفر، مهرنوش زاده‌دباغ و بیژن حیدری‌زاده

درآمد

پس از وقفه‌ای طولانی، از سرگیری پژوهش‌های هدفمند و روشمند باستان‌شناسی در تپه آکروپل شوش با توجه به نتایج جالب توجه به دست آمده از بررسی آرکتئوئوفیزیکی در تابستان ۱۳۹۷ خورشیدی ضروری به نظر می‌رسید. به همین دلیل، در هشتم دی‌ماه ۱۳۹۷ تصمیم بر آن شد تا یک برنامه پژوهشی در این زمینه تنظیم شود. در پی اعلام موافقت پژوهشکده باستان‌شناسی (طی مجوز شماره ۹۸۱۰۲۰۶۱ در تاریخ ۱۳۹۸/۰۷/۱۶) مقدمات کار آماده شد تا «هیأت پژوهش‌های باستان‌شناسی شوش» شکل بگیرد (تصویر ۱) و کار خود را آغاز کند. عملیات میدانی پروژه در پنج مرحله آماده‌سازی، نقشه‌برداری، تجهیز کارگاه، بررسی، کاوش و حفاظت سپری شد. فصل نخست این عملیات از تاریخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۷ آغاز و تا ۱۳۹۸/۱۰/۱۶ ادامه یافت.

در سال‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ میلادی بخش‌هایی از یک سازه بزرگ و چشم‌گیر که به نام «سکوی بلند» شناخته می‌شود توسط ژان پرو و دنی کنال در تپه آکروپل شوش کاوش شد (ر.ک. Canal 1978). پس از کاوش‌های کنال، این محدوده به دلیل رها شدن بخش‌های کاوش شده و ماهیت آسیب‌پذیر بافت سازه‌های خشتی آشکار شده در برابر عوامل طبیعی همچون باد، باران، تغییرات شدید آب‌وهوایی منطقه و لانه‌سازی جانوران دچار آسیب‌های شدیدی شده است (تصویر ۲). یکی از هدف‌های اصلی این پروژه خواناسازی نمای کاوش‌شده این ساختار خشتی به منظور مرمت، حفاظت و کمک به کاهش میزان آسیب‌پذیری آن در برابر عوامل طبیعی بود.

هدف بعدی، کاوش یکی از ناهنجاری‌های شناسایی شده در بررسی آرکتئوئوفیزیکی سال ۱۳۹۷ به سرپرستی کوروش محمدخانی بود (تصویر ۳). هرچند به گفته کاوشگران پیشین در این بخش از تپه آکروپل لایه‌های باستانی تا سطح خاک

بکر کاوش شده‌اند، اما ناهنجاری‌های دوقطبی قوی ثبت شده، نشانگر وجود فضاهای متمایز در این بخش بود. این احتمال وجود داشت که این فضاهای متمایز، ساختارهایی آجری در زیر سطح باشند. از آن رو که کاوش‌های تل چگاسفلی در دشت زیدون (۴۵ کیلومتری جنوب شهر بهبهان و در گوشه جنوب‌شرقی استان خوزستان) به سرپرستی عباس مقدم نشان داد که برخی از فضاهای معماری و گورهای هزاره پنجم پیش از میلاد دارای ساختارهای آجری هستند (مقدم ۱۳۹۷)، این احتمال وجود داشت که ناهنجاری‌های ثبت شده در آکروپل شوش نیز نشان‌دهنده فیچرهای مشابهی باشند. نظم و ترتیب این ناهنجاری‌ها و قرار گرفتن آن‌ها هم‌راستا با ضلع جنوبی سکوی بلند نیز بر این احتمال می‌افزود.

هدف دیگر این پروژه تعیین تاریخ نخستین استقرار در آکروپل شوش است. عباس علیزاده برای نخستین بار بر پایه چندین تکه سفال منقوش متعلق به دوره شوشان جدید ۱ که از کاوش‌های لویی لوبرتون و سال‌ها بعد، از کاوش‌های ماری ژوزف استو و هرمان گش در آکروپل به دست آمده‌اند، اشاره کرده است که نشان‌دهنده وجود یک دوره پیش از آغاز نخستین دوره استقرار (شوش I / شوش A) شناخته شده در شوش است (Alizadeh 1992). اما منشأ این سفال‌های شاخص به دلیل یافت شدن بر روی بقایای ساختمانی متأخرتر در هاله‌ای از ابهام قرار داشت. از سوی دیگر، خاک بکر در نقاط مختلف آکروپل زیر بقایای استقرار شوش I گزارش شده بود. افزون بر این، در سال ۱۳۸۳ چندین تکه سفال منقوش مربوط به دوره شوشان میانه از سطح آکروپل یافت شده است (احمدزاده، منتشر نشده). پی بردن به چگونگی وجود این شواهد در پیشینه اسکان و تحول اجتماعی شوش، که به‌طور سنتی تصور می‌شود به اواخر هزاره پنجم پیش از میلاد باز می‌گردد، بسیار مهم است. به منظور رسیدن به اهداف اشاره شده، موارد راهبردی زیر در دستور کار قرار گرفتند؛ (۱) پاکسازی پوشش گیاهی متراکمی که بیشتر محوطه را فراگرفته بود، (۲) ثبت مختصات جغرافیایی دقیق نقاط ثابت نقشه‌برداری موجود بر روی تپه



* کارشناس ارشد باستان‌شناسی دوران پیش از تاریخ، پایگاه میراث جهانی شوش
loghman_susa@yahoo.com

کارگاه کاوش ۲ (Operation 2)

محل ایجاد کارگاه کاوش ۲ با توجه به اولویت تعیین شده بر پایه بررسی آرکئولوژیکی به روش مغناطیس‌سنجی انتخاب شد (محمدخانی ۱۳۹۷). این کارگاه به ابعاد ۵×۵ متر در گوشه جنوب‌شرقی بقایای توده‌ای از خشت قرار گرفته که در پیشینه باستان‌شناسی شوش به «پشته تدفین» مشهور شده است (تصویر ۷).

بسترهای ۱ تا ۱۵ در OP2 از نهشته‌های درهم‌ریخته‌ای تشکیل شده بودند که در جریان کاوش‌های گذشته در این محدوده انباشته شده‌اند. به علت آن که کاوش در این نهشته‌ها نتیجه‌ای مغایر با هدف اصلی و اولیه ما به دست داد، ادامه کار با گشودن یک گمانه آزمایشی پیشرو (T.T.2) در میانه بخش جنوبی کارگاه پی گرفته شد. در گمانه آزمایشی، درست در زیر نهشته‌های درهم‌ریخته، یک لایه دست‌نخورده (بستر ۱۶) که از روی هم نهشته شدن لایه‌های رسوبی ریزدانه بسیار نازک به صورت افقی شکل گرفته آشکار شد که هیچ بقایای فرهنگی/باستان‌شناختی دربر نداشت. توصیفی که مَرگان (1927:49) و کنال (1978:22) از خاک بکر در این محدوده گزارش کرده‌اند با این لایه همخوانی دارد. در زیر این لایه که حدود ۵۵ سانتی‌متر ضخامت داشت، نهشته‌هایی (بسترهای ۱۷ و ۱۹) با ماهیتی متفاوت آشکار شدند که در بردارنده سفال‌های شاخص دوره شوشان جدید ۱ (به‌ویژه سفال‌های شاخص با نقش‌مایه نقطه‌ای) بودند. کاوش در نهشته‌های لایه شوشان جدید ۱ در OP2 به دلیل برخورد به یک توده چینه‌ای (بستر ۱۸) که بیشتر فضای گمانه آزمایشی پیشرو را فراگرفته بود، در عمق ۶۱/۶۴ متری از سطح دریا فعلاً متوقف شد.

پس از پایان پیشروی در عمق کارگاه OP2، برای تعیین قدمت لایه‌های رسوبی و استقراری با استفاده از روش تابناکی نورانگیخته (Optical Stimulation Luminescence, OSL) از بخش‌های مختلف گمانه پیشرو نمونه‌برداری شد (تصویر ۸). نتایج آزمایشگاهی این نمونه‌ها در گزارش نهایی ارائه خواهند شد.

یافته‌ها

مجموعه یافته‌های این فصل، از بررسی سطحی و کاوش در کارگاه‌های محدوده پروژه به دست آمده‌اند. در کاوش OP2، گردآوری دقیق نمونه‌های گاه‌نگاری نسبی و مطلق از سفال و نمونه‌های رادیوکربن (C14)، همگام با جمع‌آوری صحیح و کامل دست‌ساخته‌های سنگی و یافته‌های استخوانی مورد توجه قرار گرفت.

هم‌زمان با آغاز کاوش در OP2، چند تکه سفال منقوش متعلق به اواسط هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد از بسترهای

آکروپل ۳) تهیه نقشه ناهمواری رقومی زمین‌مرجع از تپه آکروپل ۴) شبکه‌بندی محدوده پروژه، تصویربرداری هوایی با استفاده از پهپاد برای تهیه تصاویر هوایی مایل و تخت به‌منظور تهیه تصویر موزاییکی تخت یکپارچه نهایی (Orthomosaic Photo)، مدل سه‌بعدی به‌همراه مدل ارتفاع رقومی (DEM) زمین‌مرجع. از شیوه‌های گوناگون تصویرسنجی نیز برای تهیه تصاویر تخت و مدل‌های سه‌بعدی از کارگاه‌ها بهره‌برداری شد.

موقعیت و توصیف محدوده پژوهش

این پژوهش در محدوده ترانشه بزرگ مَرگان در آکروپل شوش شکل گرفت. کاوش‌های بزرگ مقیاس در این محدوده یک گودال بزرگ با چند دیواره عمودی در شرق و غرب و تعدادی تراس مصنوعی در شمال آن ایجاد کرده است. ترانشه بزرگ مَرگان از سمت جنوب به ترانشه جنوبی مکنم و یک پشته بزرگ از خاک‌های دست‌ریز حاصل از کاوش محدود شده است. یک پشته بزرگ دیگر از خاک‌های دست‌ریز در غرب این محدوده دیده می‌شود (تصویر ۴).

شرح عملیات میدانی

طی این فصل پژوهش میدانی دو کارگاه کاوش در تپه آکروپل ایجاد شد. این کارگاه‌ها که «Operation 1» و «Operation 2» نامیده شدند (از این پس OP1 و OP2)، در محدوده ترانشه بزرگ مَرگان در آکروپل قرار گرفته‌اند (تصویر ۵).

کارگاه کاوش ۱ (Operation 1)

هدف ما در این فصل بازیابی بخشی از پایه (SOCLE) سازه یادمانی مشهور به سکوی بلند در محدوده جنوب‌شرقی آن بود که در کاوش‌های سال ۱۹۷۲ ژان پرو آشکار شده بود (Perrot 1972؛ Canal 1978). مشاهده وضعیت فعلی این بخش و مقایسه آن با عکس‌های منتشر شده از چهار دهه پیش نشان‌دهنده فرسایش شدید بافت‌های آشکار شده پس از کاوش است. پی‌گردی‌ها و خواناسازی ما در این محدوده، به بازیابی نماها و سطوح بخشی از پایه سازه یادمانی انجامید. حدود ۶۰ سانتی‌متر نهشته رسوبی روی بخش‌های آشکار شده در کاوش‌های پیشین را پوشانده بود. خشت‌های مستطیل‌شکل به کار رفته برای ساخت پایه این سازه در این محدوده در راستای شمال‌غربی-جنوب‌شرقی چیده شده‌اند. پس از مستندنگاری بخش‌های بازیابی شده از پایه این سازه یادمانی به‌منظور تولید نقشه جزئی‌نگر و مدل سه‌بعدی آن، فعالیت‌های حفاظتی آغاز شدند. افزون بر این، چندین آبکند بزرگ ایجاد شده در نماهای این سازه یادمانی برای جلوگیری از پیشروی بیشتر آن‌ها مسدود و پُر شدند (تصویر ۶).



درهم‌ریخته ۱ و ۲ یافت شدند (تصویر ۹، الف-ب). نقش مایه یکی از آن‌ها (تصویر ۹، الف) بخش پشتی بدن یک جانور خالدار را نشان می‌دهد. این تکه سفال شباهت نزدیکی با نمونه‌های گزارش شده از چغامیش (Fig. Alizadeh 2008, 291: Fig. 41. B; 1996, Pl. 176. R, Pl. 192. C دارد که به دوره شوشان میانه تاریخ‌گذاری شده‌اند. نقش مایه جانوران با بدن خالدار در مجموعه سفال‌های دوره شوشان میانه تپه بندبال (Le Berton 1947, Fig. 40. 15 and 17, Fig 41. 10 همان جوی (همان Fig. 14-15) نیز دیده می‌شود. مشاهده سفال‌های اواسط هزاره پنجم پیش از میلاد در این محدوده جالب توجه و چالش برانگیز است.

وجود سفال‌های شاخص دوره‌های اشکانی، ایلامی، شوش II، شوش پایانی و شوش I در کنار یکدیگر نشان‌دهنده درهم‌ریختگی بسترهای ۲ تا ۱۵ است. هیچ یافته‌ای از بستر ۱۶ به دست نیامد، اما از بسترهای ۱۷ و ۱۹ سفال‌های نخودی ساده، نخودی منقوش، قهوه‌ای با پوشش قرمز و خاکستری یافت شدند (تصویر ۹، ل-م). با توجه به بررسی اولیه، شمار قابل توجهی تکه سفال نخودی با نقش مایه نقطه‌ای در میان مجموعه یافته‌ها دیده شد که شاخص مطمئنی برای دوره شوشان جدید ۱ به شمار می‌آیند (تصویر ۹، د-ک). پیش از این، شواهد این دوره در شوش از بستر باستان‌شناختی قابل اعتمادی شناخته نشده بود.

نتیجه‌گیری

کاوش در OP2 با توجه به هدف اصلی و اولیه آن نتیجه‌ای متفاوت در پی داشت. حجم زیادی از سفال و سنگ‌های حرارت دیده در میان نهشته‌های درهم‌ریخته فوقانی OP2 یافت شدند که به احتمال زیاد ناهنجاری‌های آشکار شده در بررسی مغناطیس‌سنجی این محدوده به دلیل وجود آن‌ها بوده است. ممکن است ناهنجاری‌های دیگر ثبت شده در بررسی مغناطیس‌سنجی هم که در یک راستا و با فاصله از یکدیگر در جنوب سکوی بلند دیده می‌شوند، فیچرهایی که پیش از این به نظر می‌رسیدند نبوده و انباشت خاک‌های کاوش نقاط دیگر هستند که درون طبقه پنج (Niveau V) ترانشه بزرگ ریخته شده‌اند. می‌دانیم که پس از رها شدن ترانشه بزرگ آکروپل به دلیل تصور رسیدن به خاک بکر، مکنم کاوش‌ها را با گشودن یک ترانشه در جنوب این تپه پی‌گیری کرده است (de Mecquenem 1934). به نظر می‌رسد ترانشه بزرگ آکروپل، فضای مناسبی برای انتقال و تخلیه بخشی از خاک‌های این کارگاه کاوش جدید بوده است. در واقع، نهشته‌های درهم‌ریخته فوقانی کارگاه کاوش OP2 بخشی از خاک‌های تخلیه شده از ترانشه

جنوبی آکروپل است که به درون ترانشه بزرگ ریخته شده‌اند. کاوش‌های محدود ما در OP2 تردیدی باقی نمی‌گذارد که باستان‌شناسان پیشین (برای مثال de Morgan 1927؛ Le Brun؛ Stève and Gasche 1971؛ de Mecquenem 1934؛ Canal 1978؛ 1971، 1978) در تشخیص سطح خاک بکر در این محدوده دچار اشتباه شده‌اند. در واقع آن‌ها یک لایه را که احتمالاً از نهشته شدن رسوبات ریزدانه در پی یک جریان آرام و تدریجی تشکیل شده به عنوان خاک بکر گزارش کرده‌اند؛ اما با توجه به شواهد به دست آمده، این لایه وقفه‌ای میان دوره‌های شوشان جدید ۱ و شوشان جدید ۲ (شوش I) در شوش است. نمی‌دانیم سطح بالایی این لایه با سطح آغازین نخستین لایه شوش I که مرگان و کنال گزارش کرده‌اند مماس بوده یا لایه‌های دیگری بین این دو وجود داشته‌اند. زیرا کاوش‌های پیشین در این محدوده نهشته‌های دوره شوش I را به طور کامل، و به احتمال زیاد بخشی از لایه نهشته رسوبی ریزدانه را برچیده‌اند (تصویر ۸).

به طور کلی نمونه سفال‌های به دست آمده از بسترهای ۱۷ و ۱۹ به دوره شوشان جدید ۱ تاریخ‌گذاری می‌شوند. اما از بستر ۱۹ شماری تکه سفال منقوش هم در مجموعه وجود دارد که احتمالاً می‌توانند به دوره شوشان میانه متأخر هم متعلق باشند.

کتاب‌نامه

- محمدخانی، کوروش
 ۱۳۹۷ گزارش بررسی آرکئولوژیک به روش مغناطیس‌سنجی در محوطه میراث جهانی شوش: پایگاه میراث جهانی شوش (منتشر نشده).
- مقدم، عباس
 ۱۳۹۷ کاوش‌های باستان‌شناسی در گورستان تل چگاسفلی، فصل نخست، زمستان ۱۳۹۴، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- ۱۳۹۸ نیایشگاه چگاسفلی، کاوش‌های فصل سوم، زمستان ۱۳۹۷، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- Alizadeh, Abbas
 1992 *Prehistoric Settlement Patterns and Cultures in Susisna, Southwestern Iran*. Ann Arbor: University of Michigan.
- 2008 *Chogha Mish, volume II: The last 6 seasons of Excavations*. Oriental Institute Publications 130. Chicago: Oriental Institute.
- Canal, Denis
 1978 "La Haute terrasse de l'Acropole de Suse". *Paléorient* 4: 169-176.
- de Mecquenem, R.
 1934 "Fouilles de Suse 1929-1933", *Memoires de la Delegation en Perse*, XXV, 25: 177-237.
- Kantor, Helene and P. Delougaz
 1996 "Chogha Mish", *Volume I, Plates: The First Five Seasons*,



1961-1971, Edited by Abbas Alizadeh Oriental Institute Publication 101. Chicago: Oriental Institute.

Le Breton, L.

1947 "Note sur la ceramique peinte aux environs de Suse et a Suse", *Memoires de la Mission Archeologique en Iran* XXX: 120-219.

le Brun, Alain

1971 "Recherches stratigraphiques à l'Acropole de Suse, 1969-1971", *Cahiers de la Délégation archéologique française en Iran (DAFI)* 1, p. 163-216.

1978 "Suse, chantier 'Acropole 1'". *Paléorient* 4: 177-192.

Morgan, Jacques de.

1927 "La préhistoire orientale", *Tome III: L'ASIE ANTERIEURE*. Published by Librairie Orientaliste, Paul Geuthner, Paris.

Steve, M-J. & H. Gasche

1971 "L'Acropole de Suse: Nouvelles fouilles". *Memoires de la Délégation en Iran*, XLVI, Paris Geuthner.



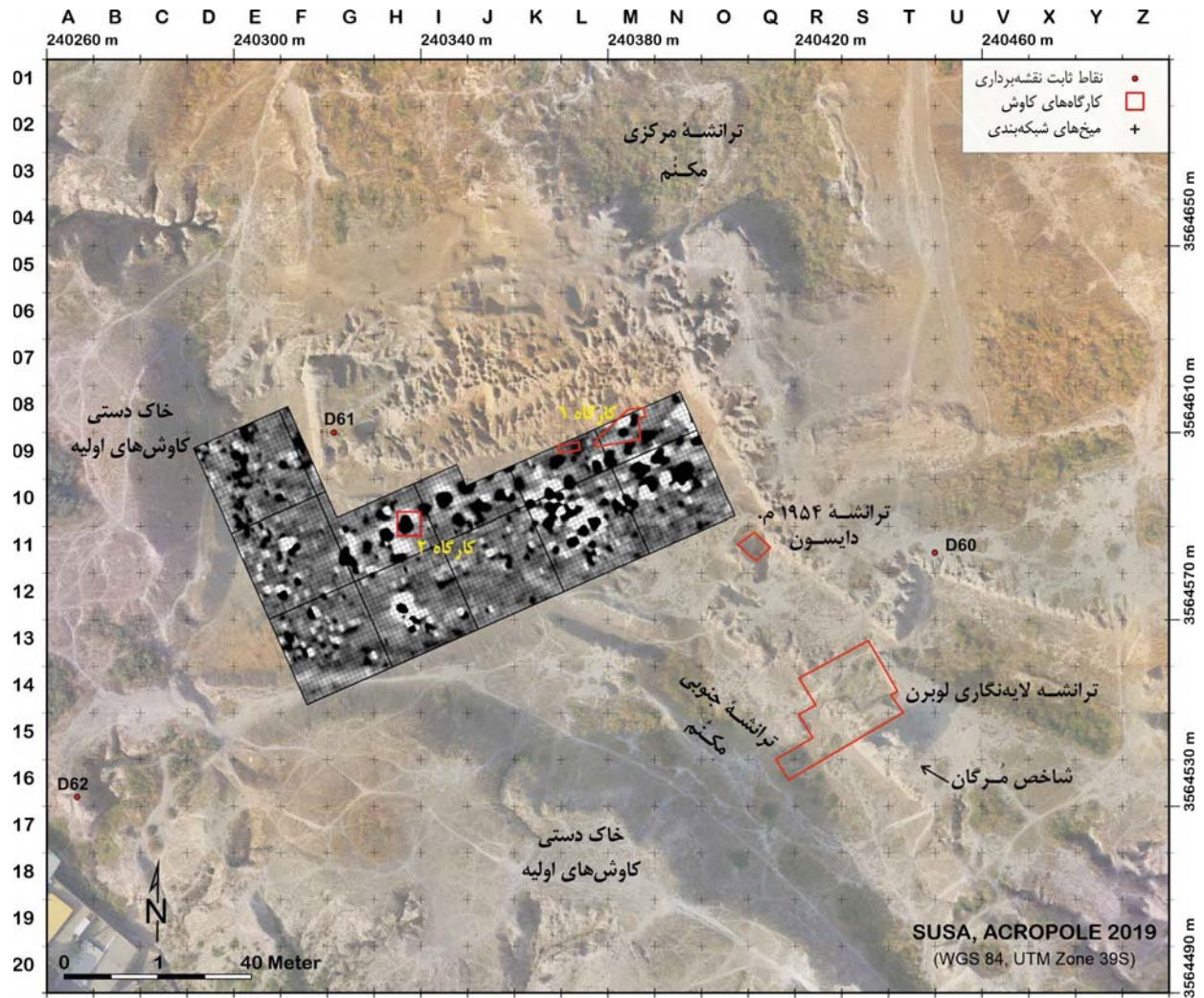
تصویر ۱. اعضای هیأت پژوهش‌های باستان‌شناسی شوش؛ از راست: رامین یشمی، مهرانوش زاده‌دباغ، مهدی امیدفر، بیژن حیدری‌زاده و لقمان احمدزاده؛ کوروش محمدخانی و عباس باورسایبی در تصویر نیستند.





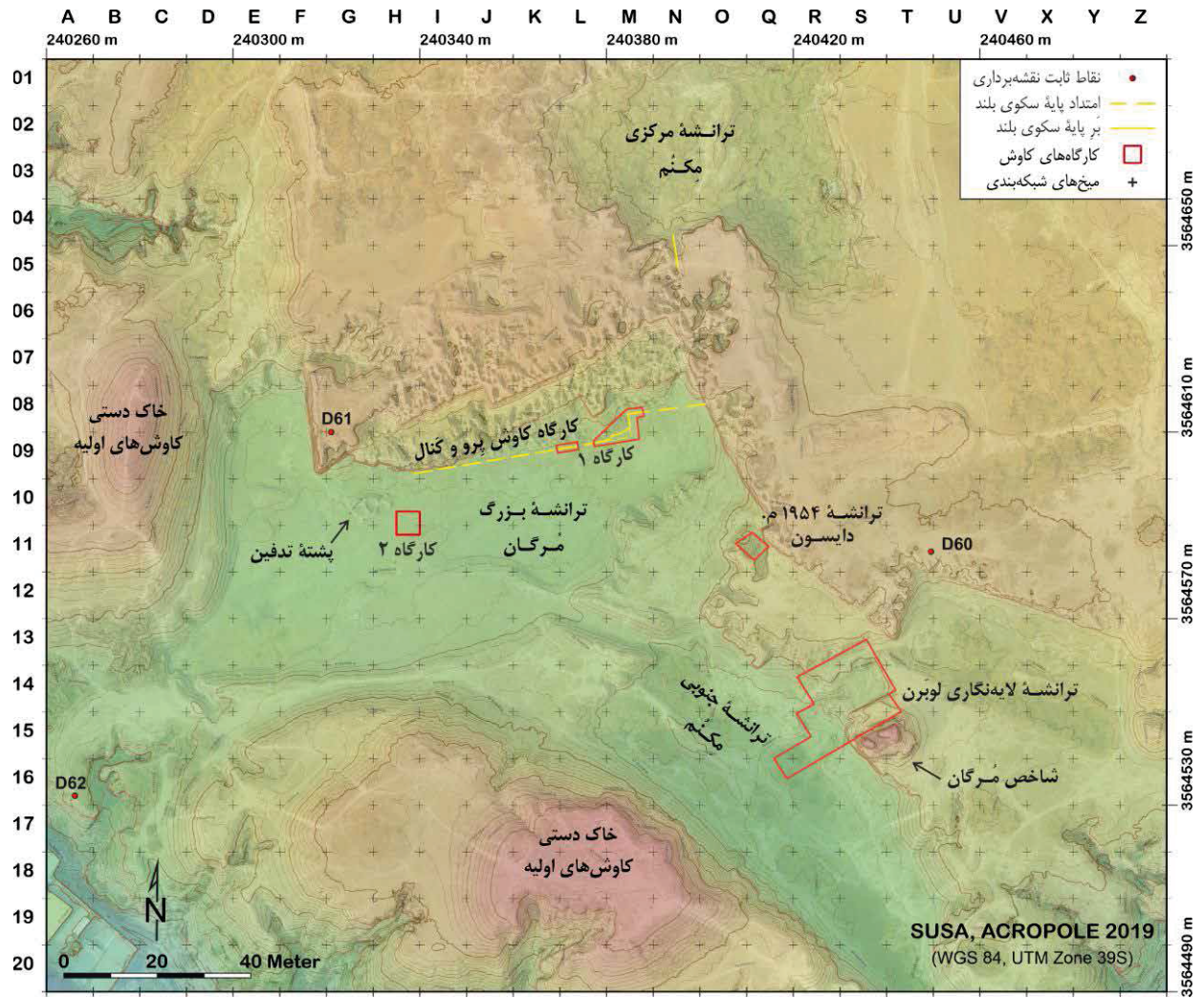
تصویر ۲. ترانشه بزرگ دمرگان در آکروپل (دید از جنوب غربی) (تصویر از لقمان احمدزاده)





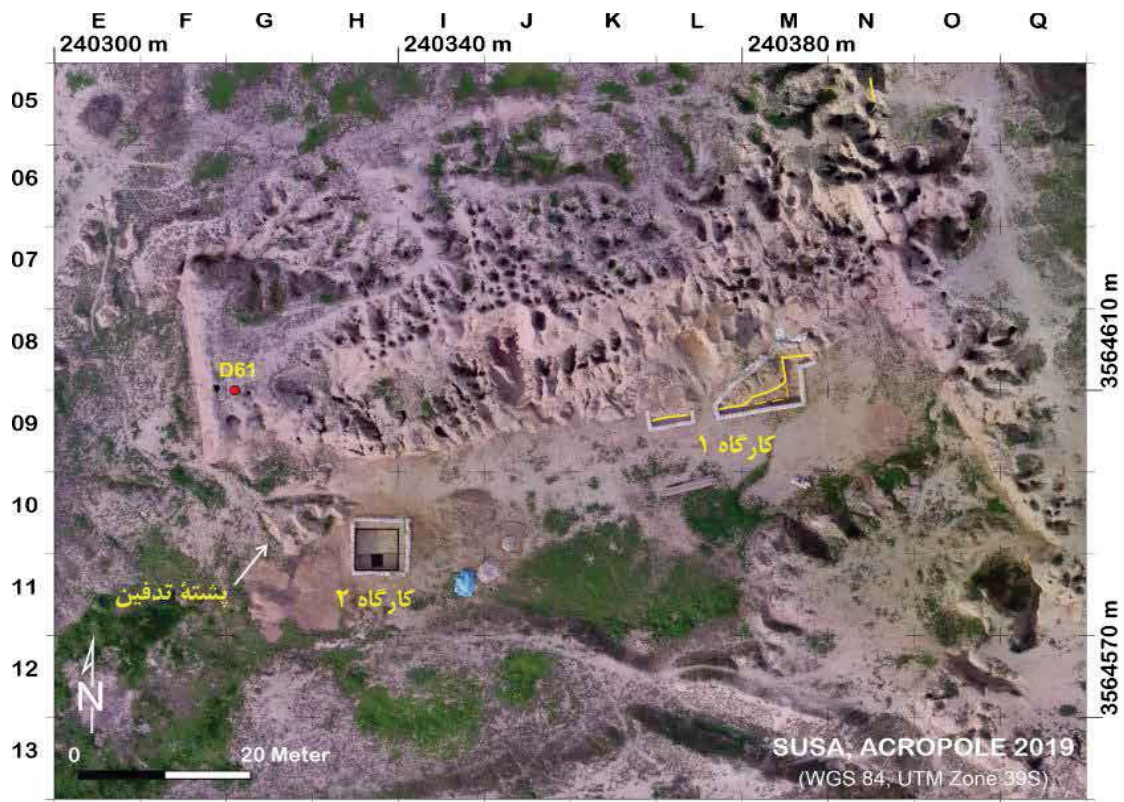
تصویر ۳. هم‌پوشانی نقشه مغناطیس‌سنجی بر روی تصویر هوایی آکروپل و محدوده کارگاه‌های کاوش (نقشه از لقمان احمدزاده و کوروش محمدخانی)





تصویر ۴. نقشه ناهمواری محدوده مورد پژوهش و پیرامون آن در تپه آکروپل (نقشه از لقمان احمدزاده)





تصویر ۵. ترانسه بزرگ آکروپل و محدوده کارگاه‌های ایجاد شده؛ بالا: عکس نقشه محدوده پژوهش، پایین: تصویر هوایی مایل (دید از جنوب‌غربی) (تصاویر و پردازش از لقمان احمدزاده و عباس باورسای)





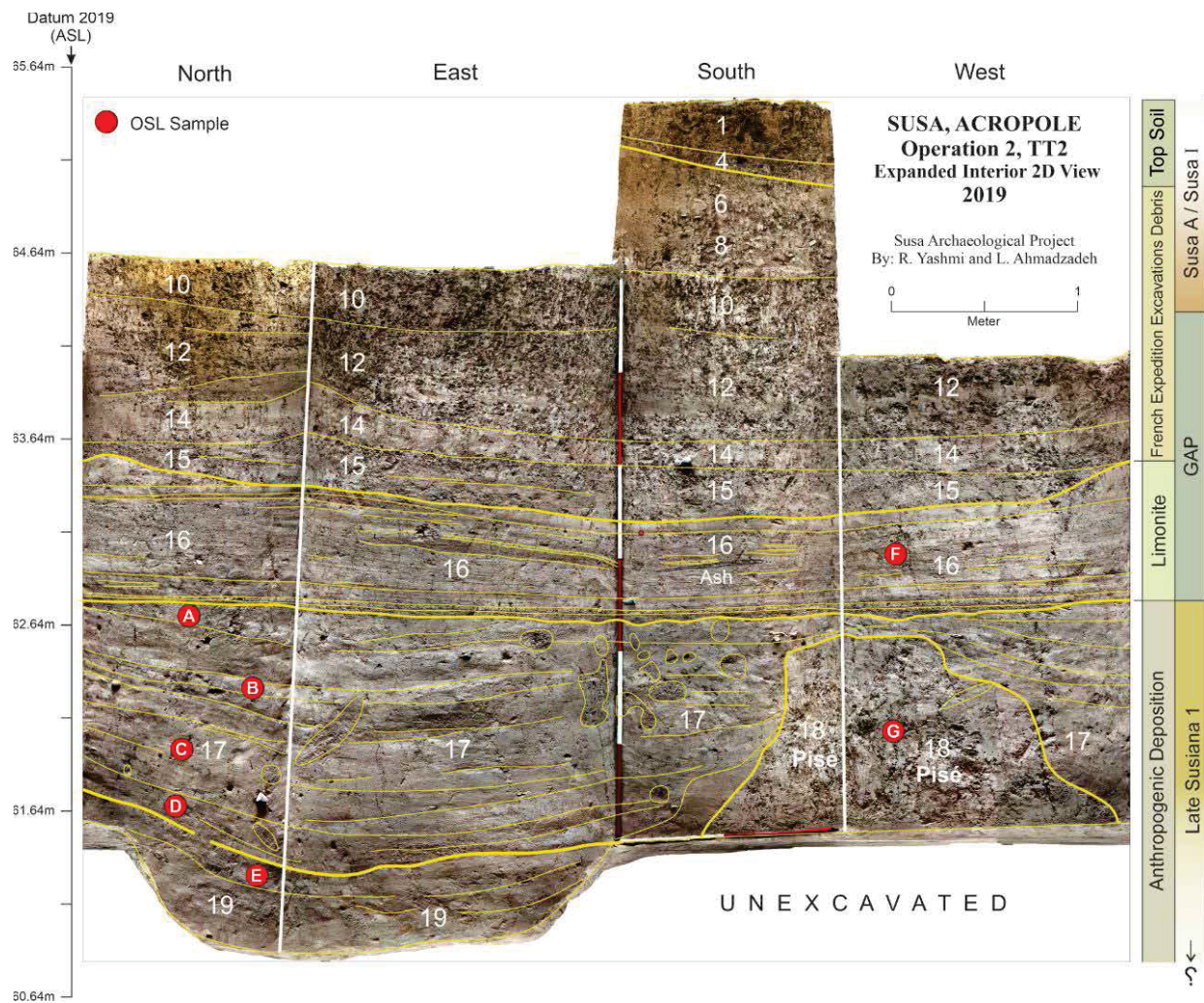
تصویر ۶. فعالیتهای حفاظتی اضطراری در محدوده سکوی بلند آکروپول و کارگاههای کاوش (تصویر از مهدی امیدفر)





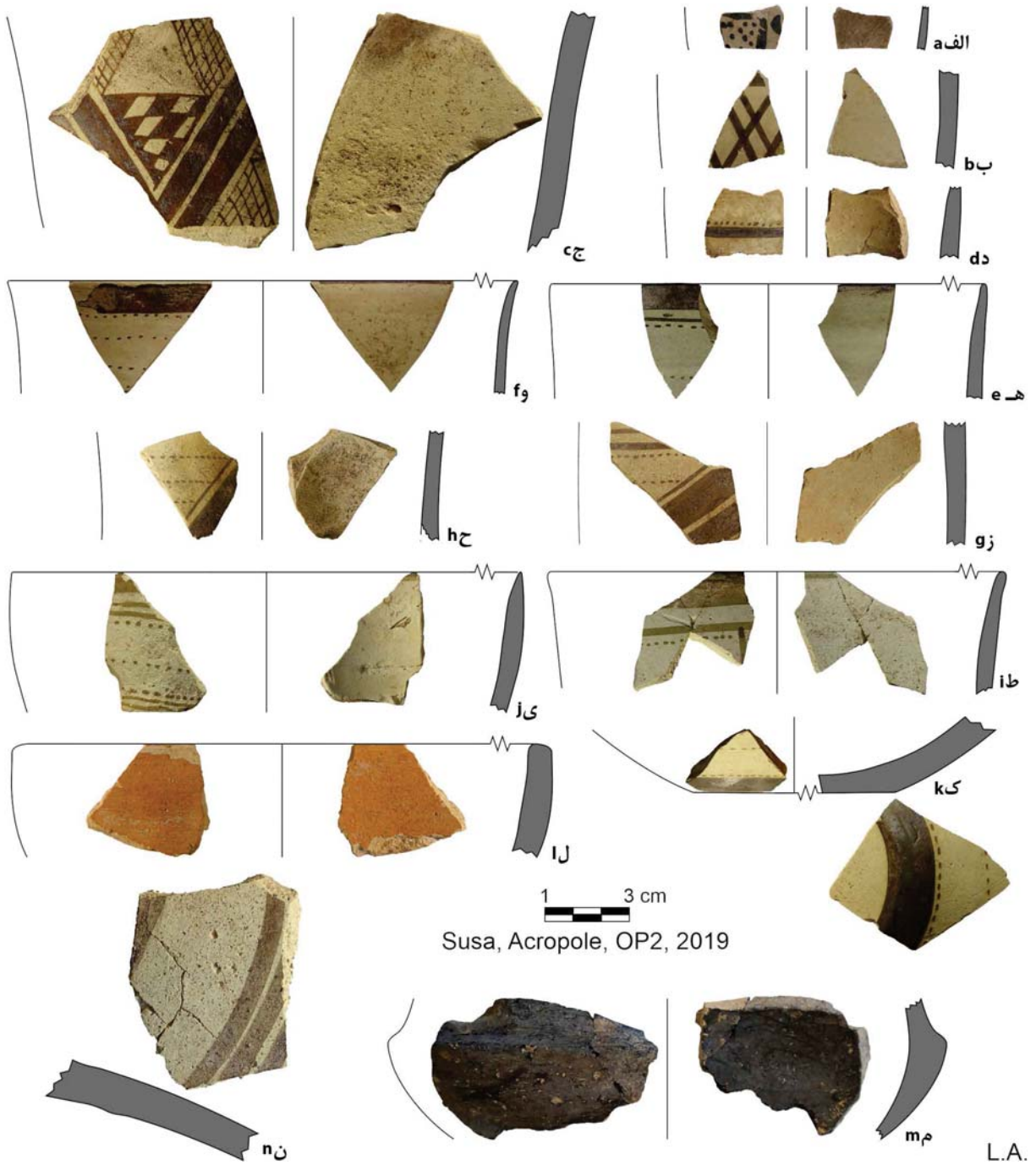
تصویر ۷. تصویر هوایی تخت کارگاه کاوش ۱ و کارگاه کاوش ۲ (تصاویر و پردازش از لقمان احمدزاده)





تصویر ۸. نمای داخلی گسترده دو بُعدی گمانه آزمایشی پیشرو در کارگاه کاوش ۲ (OP2) و مکان نمونه برداری های OSL (تصاویر و پردازش از رامین یشمی و لقمان احمدزاده)





تصویر ۹. نمونه سفال‌های به‌دست آمده از بسترهای ۱۷ و ۱۹ گمانه آزمایشی پیشرو در OP2 (طراحی از لقمان احمدزاده)؛ الف. (SA0004-1) نخودی مایل به خاکستری، رنگ نقش قهوه‌ای سوخته، شاموت نامشهود؛ ب. (SA0001-3) نخودی مایل به کرم، رنگ نقش قهوه‌ای مایل به سبز، شاموت نامشهود؛ ج. (SA0189-7) نخودی زردگونه، رنگ نقش قهوه‌ای مایل به قرمز، شاموت نامشهود؛ د. (SA0189-2) نخودی مایل به زرد، رنگ نقش قهوه‌ای، شاموت نامشهود؛ هـ. (SA0192-2) نخودی مایل به سبز، رنگ نقش قهوه‌ای سوخته و مایل به سبز، شاموت نامشهود؛ و. (SA0192-1) نخودی، رنگ نقش قهوه‌ای مایل به قرمز، شاموت نامشهود؛ ز. (SA0192-7) نخودی مایل به کرم، رنگ نقش قهوه‌ای، شاموت نامشهود؛ ح. (SA0192-8) نخودی مایل به زرد، رنگ نقش قهوه‌ای مایل به سبز، شاموت نامشهود؛ ط. (SA0259-2) نخودی مایل به خاکستری، رنگ نقش قهوه‌ای مایل به سبز، شاموت نامشهود؛ ی. (SA0259-1) نخودی مایل به خاکستری، رنگ نقش قهوه‌ای مایل به سبز، شاموت نامشهود؛ ک. (SA0259-4) نخودی مایل به زرد، رنگ نقش قهوه‌ای سوخته، شاموت نامشهود؛ ل. (SA0259-9) قهوه‌ای روشن، پوشش قرمز مایل به آجری، بدون نقش، شاموت نامشهود؛ م. (SA0297-3) خاکستری، سطح بیرونی و درونی صیقلی، شاموت نامشهود؛ ن. (SA0259-6) نخودی مایل به سبز، رنگ نقش قهوه‌ای مایل به سبز، شاموت شن ریزه.

بررسی باستان‌شناسی شهرستان برخوار و بخش مرکزی شهرستان شاهین‌شهر و میمه

عباسعلی احمدی*

درآمد

با توجه به کثرت آثار باستانی و یادمان‌های تاریخی منطقه و عدم انجام تحقیقات جامع در رابطه با شناسایی و بررسی این آثار، عدم شناخت صحیح پیشینه فرهنگی و تاریخی منطقه و عدم شناخت آن توسط مردم و مسئولین امور شهرستان که از یک‌طرف باعث بی‌تفاوتی مردم نسبت به ارزش تاریخی فرهنگی آثار و تخریب آن‌ها و از طرف دیگر موجب بی‌اطلاعی مسئولین نسبت به وجود این آثار و نادیده‌گرفتن آن‌ها در پروژه‌های عمرانی و طرح‌های هادی شده است؛ ضرورت یافت تا با انجام بررسی باستان‌شناسی از یک‌طرف اثری قابل ارجاع در انجام طرح‌های مختلف در معرض اطلاع تمامی نهادهای اجرایی شهرستان قرار گیرد و از طرف دیگر بستر لازم به‌منظور انجام مطالعات باستان‌شناختی، تهیه نقشه باستان‌شناسی استان و کشور، حفظ، احیاء و تعیین حریم آثار و محوطه‌ها فراهم شود. بر همین اساس طبق مجوز شماره ۹۸۱۰۷۰۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۱ پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، بررسی باستان‌شناسی شهرستان برخوار و بخش مرکزی شهرستان شاهین‌شهر و میمه از تاریخ ۱۳۹۸/۰۴/۰۱ (با تمدید مجوز مذکور) تا پایان تابستان ۱۳۹۸ انجام شد.

موقعیت، توصیف و پیشینه مطالعاتی منطقه مورد بررسی

دشت برخوار با پهنه‌ای حدود ۳۶۰۱ کیلومتر مربع، در شمال شهرستان اصفهان، در ۴۸ و ۳۲ پهنای شمالی و ۴۱ و ۵۱ درازای خاوری نسبت به نیمروز گرینویچ قرار گرفته و بلندی آن از سطح دریا به‌طور متوسط حدود ۱۵۷۰ متر است. تا سال ۱۳۳۷ برخوار یکی از دهستان‌های بخش حومه اصفهان محسوب می‌شد و از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۶ به یکی از بخش‌های تابع شهرستان اصفهان تبدیل می‌شود. در سال ۱۳۶۶ بخش برخوار از اصفهان جدا شد و به همراه بخش میمه، شهرستان

برخوار و میمه را تشکیل داد. مرکز این شهرستان شاهین‌شهر بود و از دو بخش برخوار در جنوب و میمه در شمال غربی تشکیل می‌شد. بعد از مدتی در این تقسیم‌بندی تغییراتی ایجاد شد به این صورت که به ۳ بخش برخوار مرکزی به مرکزیت شاهین‌شهر، بخش برخوار به مرکزیت دولت‌آباد و بخش میمه به مرکزیت شهر میمه تبدیل شد. این تغییرات کماکان ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۳۸۵ بخش برخوار به‌عنوان شهرستان برخوار به مرکزیت دولت‌آباد از دو بخش دیگر جدا شد و بخش میمه و بخش برخوار مرکزی به مرکزیت شاهین‌شهر، شهرستان شاهین‌شهر و میمه را تشکیل دادند. این منطقه از شمال شرق به شهرستان اردستان، از شمال به شهرستان نطنز، از شمال غرب به میمه، از غرب و جنوب غرب با شهرستان علویجه و دهق، نجف‌آباد، خمینی‌شهر، از جنوب به شهر اصفهان و از شرق به بخش کوهپایه اصفهان محدود می‌شود.

محدوده جغرافیایی مورد بررسی در این پژوهش، ناحیه برخوار کهن است که در متون گذشته همواره با عنوان رستاق برخوار و بلوک برخوار به‌عنوان یکی از نواحی اصفهان نامبردار بوده است (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۲۰؛ مستوفی، ۱۳۶۲: ۵۰؛ الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۹۹ - ۳۰۳). این محدوده با بخش برخوار شهرستان برخوار و میمه در سال ۱۳۶۶، بخش برخوار مرکزی و برخوار پیش از سال ۱۳۸۵ و شهرستان برخوار و بخش مرکزی شهرستان شاهین‌شهر و میمه امروزی مطابقت دارد. همچنین برخی قسمت‌ها و سکونتگاه‌های جنوبی، جنوب غربی و جنوب شرقی برخوار نیز در نتیجه گسترش فضاهای شهری اصفهان در محدوده شهری اصفهان قرار گرفته است. برخوار کهن از لحاظ جغرافیایی در بردارنده دشت برخوار و کوهستان‌هایی است که در مجاورت شمالی و غربی آن قرار گرفته است. این منطقه دارای آب و هوایی گرم و خشک با پوشش بیابانی بوده و فاقد رودخانه دائمی است. عمده‌ترین منبع تأمین آب منطقه در گذشته قنات و چاه آب بوده، این منبع آب در کنار زمین حاصلخیز و عبور برخی شاهراه‌های عمده ارتباطی از دلایل شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های منطقه بوده است.





مطالعات مرتبط به آثار باستانی این منطقه به دو دسته قابل تقسیم است. دسته اول مطالعاتی است که به شکل موردی و محدود، عمدتاً بر چند بنای شاخص و انگشت‌شمار منطقه صورت گرفته است؛ از جمله این موارد می‌توان به تحقیقات آندره گدار و فیلیپ اسمیت بر روی مسجد سین و مسجد گز (گدار و دیگران ۱۳۸۴)، دونالد ویلبر بر روی مسجد گز و کاروانسرای معدوم شده سین (ویلبر ۱۳۹۳)، ماکسیم سیرو بر روی کاروانسراها، چند قلعه، یک مقبره و یکی از مساجد (سیرو ۱۳۵۷) و لطف‌الله هنرفر در خوانش کتیبه‌های مساجد سین و گز و برخی کاروانسراها (هنرفر ۱۳۵۰) اشاره کرد. دسته دوم مطالعاتی است که آثار منطقه را به صورت یک کل و با دیدگاهی باستان‌شناختی مورد بررسی قرار داده است. نخستین نمونه این دست در سال ۱۳۷۸ توسط نگارنده در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی انجام شد که بر اساس آن بیش از ۶۰ بنای شاخص، شناسایی و بررسی شد (احمدی ۱۳۸۰). این آثار عمدتاً به دوران صفوی و قاجار تعلق داشتند. در سال ۱۳۸۴ در قالب برنامه شناسایی آثار باستانی و جاذبه‌های گردشگری استان اصفهان، طرح شناسایی آثار باستانی برخوردار به سرپرستی نگارنده انجام شد که طی آن بیش از ۶۰۰ بنا، محوطه و تپه باستانی شناسایی شد (احمدی ۱۳۸۴). کثرت آثار شناسایی شده در این طرح، از عمده دلایل تشکیل دو نمایندگی میراث فرهنگی و گردشگری در این منطقه شامل نمایندگی شهرستان شاهین‌شهر و میمه و نمایندگی شهرستان برخوردار بود. در سال ۱۳۸۸ نگارنده در قالب رساله دکتری خویش به بررسی و تحلیل فضایی یکی از عظیم‌ترین مجموعه‌های خشتی منطقه و کشور، قلعه مورچه‌خورت پرداخت (احمدی ۱۳۸۸). کاوش باستان‌شناختی تپه نماز گز در سال ۱۳۹۳، تنها کاوش باستان‌شناسی انجام شده در این منطقه است (احمدی ۱۳۹۳). به‌رغم تلاش‌های نگارنده در شناسایی، ثبت ملی و مطالعه باستان‌شناختی آثار منطقه که برخی نتایج آن در قالب مقالاتی چند منتشر شده است؛ با این وجود با توجه به مباحث پیش‌گفته و لزوم برداشت یافته‌های سطحی محوطه‌ها، انجام بررسی باستان‌شناختی منطقه به‌عنوان اثری قابل ارجاع در مطالعات باستان‌شناسی این ناحیه اصفهان و فلات مرکزی ایران بیش از پیش ضرورت یافت.

شرح عملیات میدانی

بررسی میدانی منطقه به شیوه پیمایشی و نمونه‌برداری یافته‌های سطحی به شیوه تصادفی بوده است. با توجه به

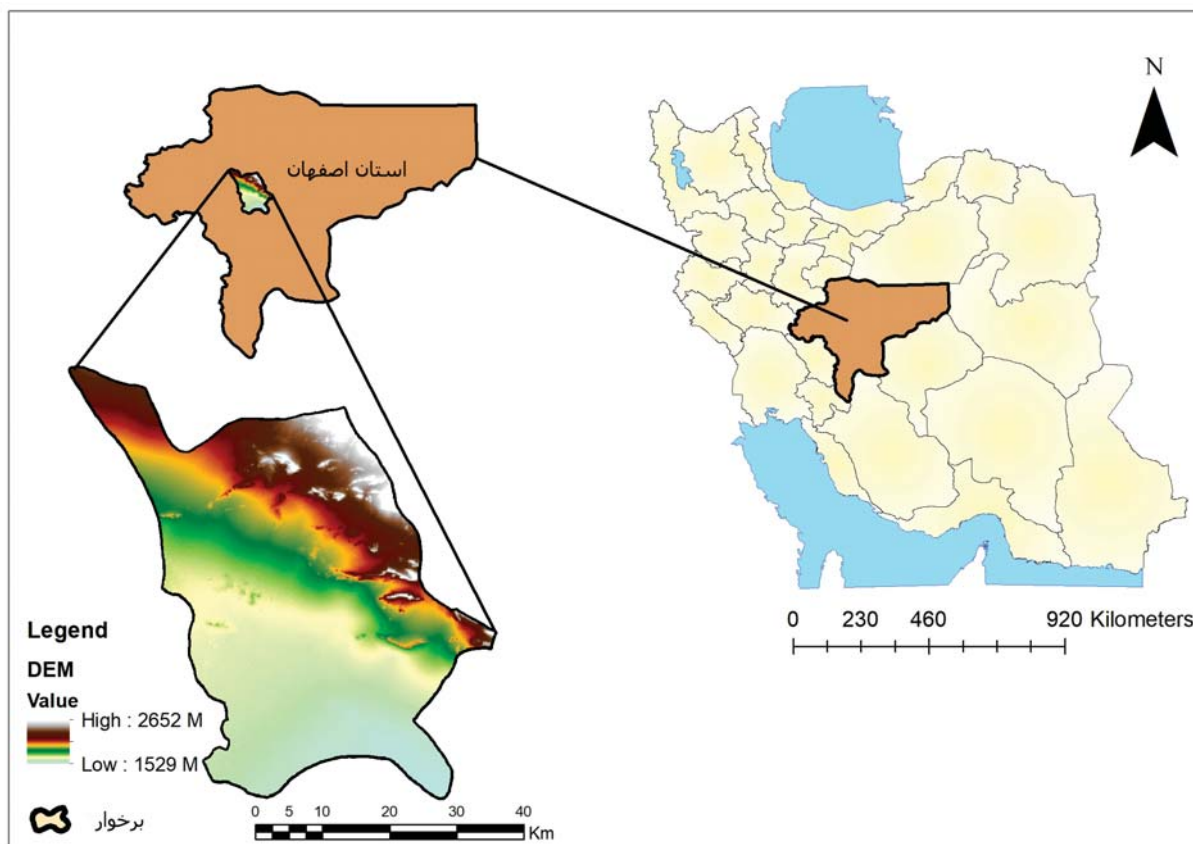
وسعت منطقه مورد بررسی، شرایط زیست‌محیطی، توپوگرافی منطقه و چگونگی کاربری اراضی، شیوه پیمایش آثار در قسمت‌های گوناگون منطقه متفاوت بوده است؛ بدین‌صورت که در مواردی با استفاده از وسیله نقلیه و در مواردی بدون استفاده از وسیله نقلیه انجام شده است. بررسی‌های پیشین نگارنده در دو دهه گذشته به‌ویژه طرح شناسایی اجرا شده در سال ۱۳۸۴، گفته‌های سالخوردگان محلی، تصاویر هوایی سازمان نقشه‌برداری کشور، تصاویر ماهواره‌ای کرونا و تصاویر ماهواره‌ای گوگل ارث به همراه خط سیرهای باستانی قابل پی‌گرد، از جمله عوامل تأثیرگذار در شناسایی آثار و تسریع این شناسایی بوده است. با توجه به کثرت بناهای دوره اسلامی منطقه به‌ویژه آثاری همچون منازل، قنوات، ایوان باغی‌ها و اقامتگاه‌های کشاورز، در این فصل، شناسایی این‌گونه آثار مدنظر قرار نگرفته است. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد این‌گونه آثار در سال ۱۳۸۴ شناسایی و مستندسازی شد. در مجموع هر کدام از محوطه‌های شناسایی شده با علامت BO به‌عنوان اختصار نام برخوردار، شماره‌گذاری شده است. مستندسازی آثار با نقشه‌های ۱:۵۰۰۰۰ سازمان نقشه‌برداری کشور، استفاده از دستگاه موقعیت‌یاب ماهواره‌ای، عکاسی و برداشت پلان کلیه آثار معماری انجام شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری

در مجموع بررسی انجام‌شده، بیش از سیصد محوطه شناسایی شد. از لحاظ دوره زمانی محوطه‌های یاد شده به دوره تاریخی و اسلامی تعلق دارد. نبود محوطه‌های دوره پیش‌ازتاریخ در این منطقه، نکته‌ای عجیب و جالب‌توجه است که می‌توان دلایل چندی را برای آن مطرح کرد. محوطه‌های دوره تاریخی مربوط به دو دوره اشکانی و ساسانی بوده و بیش از ۲۰ مورد است. این محوطه‌ها شامل تپه، گورستان و بنا است. یک قلعه خشتی و یک قلعه سنگی از آثار جالب‌توجه ساسانی شناسایی شده در این فصل محسوب می‌شود. آثار دوره اسلامی از تعدد و تنوع برخوردار بوده و شامل تپه‌ها، بافت‌های شهری و روستایی، مساجد، مقابر، مدارس، تکایا، کاروانسراها، انواع قلاع، کبوترخانه‌ها، آسیاب آبی، طاحونه، حمام، پل و بند، میل راهنما، آب‌انبار، کوره، گورستان، شترگلو، چاپارخانه و اقامتگاه‌های شاهی است. شناسایی سه محوطه دست‌نکند و همچنین سه محوطه دارای سنگ‌نگاره از دیگر موارد شایان توجه شناسایی شده در این بررسی محسوب می‌شود.

کتابنامه

- ابن خردادبه، عبدالله بن عبدالله
۱۳۷۰ مسالك والممالك. ترجمه دکتر حسین قره چانلو، تهران: (بی نا).
- احمدی، عباسعلی
۱۳۸۰ بررسی، معرفی و شناسایی بناهای تاریخی منطقه برخوار اصفهان از دوران صفوی تا قاجار، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه باستان‌شناسی. (منتشر نشده)
- ۱۳۸۴ طرح شناسایی و بررسی باستان‌شناسی منطقه برخوار، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان اصفهان. (منتشر نشده)
- ۱۳۸۸ فضا و جامعه در شهرک‌های اقماری اصفهان عصر صفوی (مطالعه موردی مورچه‌خورت و قورتان). رساله دوره دکتری باستان‌شناسی. دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه باستان‌شناسی. (منتشر نشده)
- ۱۳۹۳ گزارش اولین فصل کاوش باستان‌شناسی تپه نمازگر، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان اصفهان. (منتشر نشده)
- الاصفهانی، محمد مهدی بن محمد رضا
۱۳۶۸ نصف جهان فی تعریف اصفهان، به تصحیح منوچهر ستوده، تهران: امیرکبیر.
- سیرو، ماکسیم
۱۳۵۷ راه‌های باستانی ناحیه اصفهان و بناهای وابسته به آن‌ها، ترجمه مهدی مشایخی، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- گدار، آندره و دیگران
۱۳۸۴ آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، ج، چ ۴، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مستوفی، حمدالله بن ابی بکر
۱۳۶۲ نزهة القلوب، به اهتمام و تصحیح گای لسترنج، تهران: دنیای کتاب.
- ویلبر، دونالد
۱۳۶۸ معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان، ترجمه عبدالله فریار، چ ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
- هنر فر، لطف‌الله
۱۳۵۰ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، چ ۲، تهران: ثقفی.



تصویر ۱. موقعیت جغرافیایی شهرستان برخوار و شهرستان شاهین‌شهر و میمه



تصویر ۲. تپه ساسانی عبدالرحمان در حین تخریب در سال ۱۳۹۱، دید از جنوب

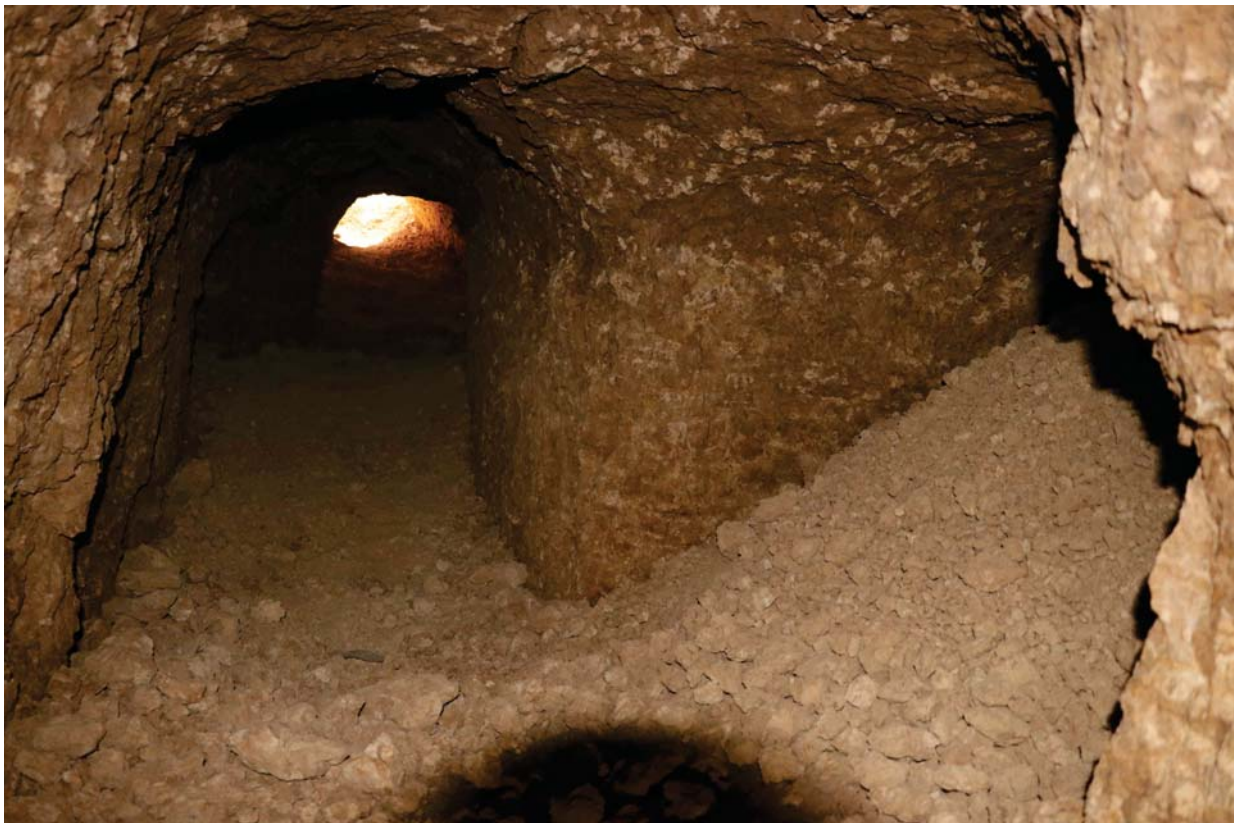


تصویر ۳. تپه ساسانی عبدالرحمان بعد از تخریب کامل با بیل مکانیکی در تیر ماه ۱۳۹۸، دید از جنوب



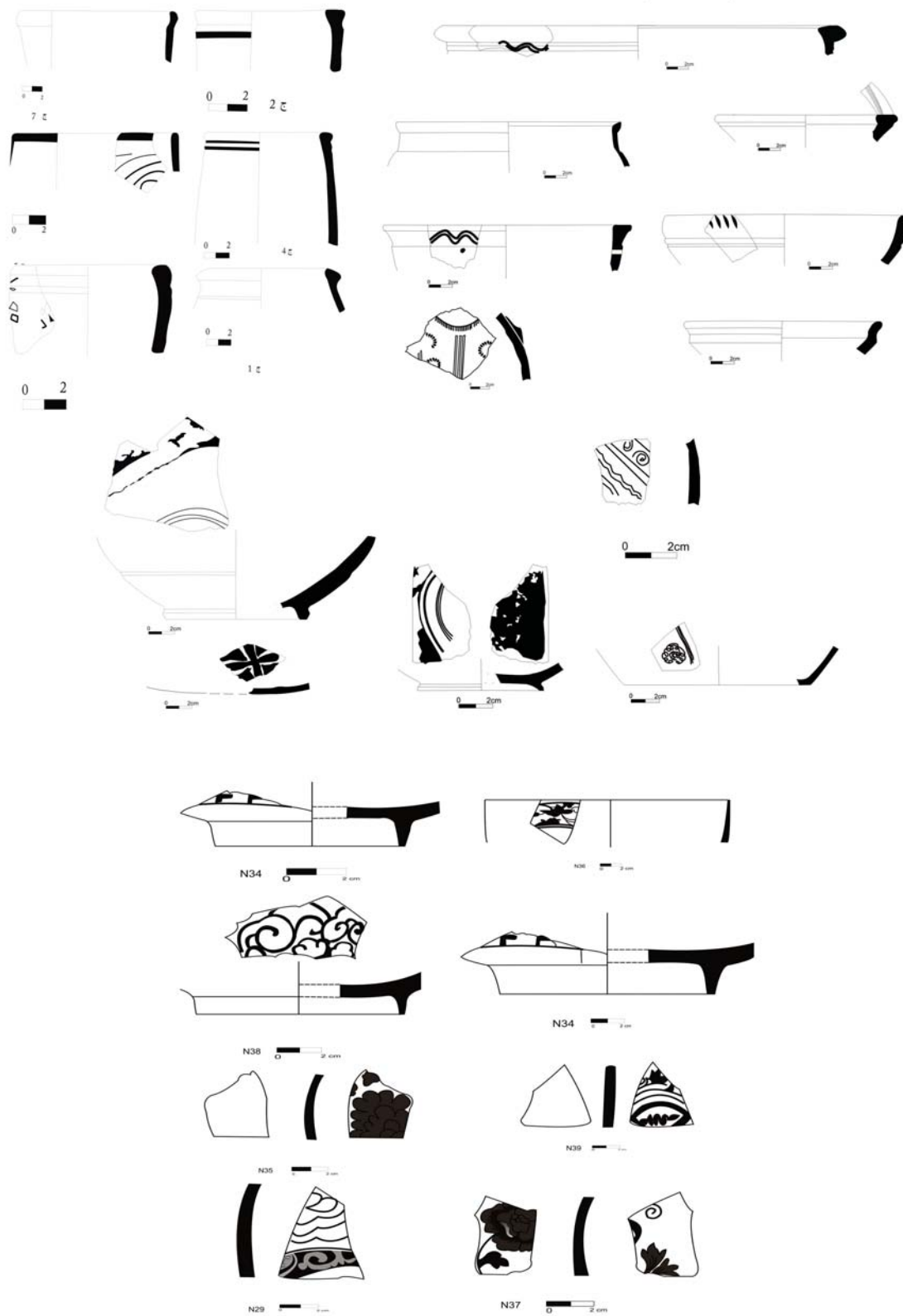


تصویر ۴. یکی از محوطه‌های ساسانی منطقه بر فراز کوه، دید از جنوب شرق



تصویر ۵. یکی از محوطه‌های دستکند، دید از غرب





تصویر ۶. نمونه‌هایی از طرح سفال‌های دوره اسلامی



بررسی باستان‌شناسی مسیر کانال آب شهرهای اشنویه، نقده، نالوس و محمدیار

نرگس احمدی*

درآمد

طرح پایدار آبرسانی شهرهای نقده، محمدیار، اشنویه و نالوس طرحی از وزارت نیرو است با هدف تأمین، تصفیه و انتقال آب شهرهای مذکور تا سال ۱۴۲۰ که توسط شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان غربی در دست مطالعه و اجرا است. محدوده جغرافیایی طرح، در دو شهرستان اشنویه و نقده در جنوب غربی دریاچه ارومیه واقع شده که نیاز آبی شهرهای نقده و محمدیار و ۴۷ روستا در شهرستان نقده و ۱۲ روستا در شهرستان اشنویه را تحت پوشش قرار خواهد داد. بررسی باستان‌شناسی مسیر کانال آب با مجوز شماره ۹۸۱۰۱۰۳۳ مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۳ پژوهشکده باستان‌شناسی از تاریخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۴ لغایت ۱۳۹۸/۰۵/۱۵ انجام شد.

موقعیت و توصیف منطقه مورد بررسی

محدوده بررسی مسیر کانال آبی است در استان آذربایجان غربی، جنوب غربی دریاچه ارومیه در شهرستان‌های اشنویه و نقده. چشم‌انداز طبیعی منطقه را ارتفاعات، دشت و تپه ماهورها شکل می‌دهد. در بخش‌های غربی و شمال غرب اشنویه، کوهستان کيله شین در مرز ایران و کردستان عراق قرار دارد با کوه‌های راندولا، بابوله، کوه بژسینا و دالامپر با جهت شمال غربی- جنوب شرقی که سرچشمه رودخانه گدار هستند، گدار، شاهرگ حیاتی تمدن‌های دشت سولدوز بوده و به دریاچه ارومیه می‌ریزد. منطقه مورد مطالعه در ناحیه کوهستانی و بیشتر دشت‌های بین آن و در مسیر این رودخانه است. بوته‌های کوتاه با تراکم زیاد بر روی تپه ماهورها و باغات سیب و گیلان و مزارع ذرت و گندم در دشت‌ها، پوشش گیاهی اصلی منطقه را تشکیل می‌دهد.

مسیر کانال از سد چپرآباد (که هنوز آبیگری نشده) در جنوب شهر نالوس به عنوان ابتدای کانال آغاز می‌شود سپس به تصفیه‌خانه‌ای در مجاورت این شهر می‌رسد. از آنجا از یک طرف به شهر اشنویه و از طرف دیگر به سمت شهر نقده و محمدیار حرکت می‌کند (شکل ۱).

شرح عملیات میدانی

بررسی‌های باستان‌شناسی مسیر ۶۲ کیلومتری کانال در دو سطح انجام شد: سطح اول، به عرض یک و نیم کیلومتر از هر طرف کانال (شکل ۲) و سطح دوم، همان مسیر، به عرض ۲۰۰ متر از هر طرف در بررسی‌های میدانی این مسیر مساحتی در حدود ۱۸/۶۰۰ هکتار پیمایش و تعداد ۲۹ محوطه مورد شناسایی شد. توالی فرهنگی محوطه شناسایی شده از دوران مس‌وسنگ تا سده‌های متأخر اسلامی را دربر می‌گیرد (شکل ۳).

نامگذاری محوطه‌ها برای محوطه‌های شهرستان اشنویه با حروف اختصاری OSHNV و اعداد به ترتیب و برای محوطه‌های شهرستان نقده از حروف اختصاری NGHD و اعداد به ترتیب استفاده شده است. در این بررسی تلاش شد ابتدا محوطه‌های موجود در محدوده طرح مورد شناسایی قرار گرفته و سپس وضعیت آنها نسبت به مسیر کانال آب، ارزیابی شود. از ۲۹ محوطه شناسایی شده ۴ محوطه شامل یک محوطه مربوط به سده‌های میانی اسلامی و یک گورستان مربوط به سده‌های متأخر و نیز یک مسجد سده‌های میانی و همچنین یک محوطه چند دوره‌ای مس‌وسنگ، هزاره اول پیش از میلاد، اشکانی و ساسانی در فهرست آثار ثبت نشده‌اند. محوطه‌های شناسایی شده در جدول شماره ۱ آمده است.

تجاوز به حریم و حتی ساخت‌وساز و کشاورزی بر روی عرصه محوطه‌ها و خاکبرداری و همچنین کاوش‌های قاچاق در ابعاد وسیع از ویژگی‌های محوطه‌های شناسایی شده است.



یافته‌ها

به‌طور کلی در این بررسی، یافته‌های سطحی به دلیل وجود علف‌های هرز انبوه بر روی محوطه‌ها بسیار اندک بود. در مجموع تعداد ۳۳۳ یافته از سطح محوطه‌ها جمع‌آوری شد که تمامی آن‌ها را سفال تشکیل می‌دهد جز ۱ مورد ابزار سنگی که از محوطه ساخسی تپه به‌دست آمد.

سفال‌های به‌دست‌آمده از دوره پیش از تاریخ تا سده‌های متأخر را دربرمی‌گیرد. بیشترین آن‌ها را سفال‌های لعابدار و بدون لعاب سده‌های میانی اسلامی و بعد از آن نمونه‌ای با دست‌ساز با خمیره شن ریز و درشت و گاه دوران مس‌وسنگ (تصویر ۵) و همچنین سفال‌های شاخص دوران اشکانی و ساسانی و در نهایت نمونه‌های متعلق به دوران هزاره اول پیش از میلاد تشکیل می‌دهد.

نتیجه‌گیری

محدوده مورد بررسی در واقع در دشت سولدوز غربی قرار گرفته است. منطقه‌ای در امتداد رودخانه گدار و از کانون‌های عمده فرهنگ و تمدن در دوران مس‌وسنگ تا هزاره اول پیش از میلاد است که محوطه‌های بسیار مهمی همچون دینخواه را در خود جای داده است. از آنجا که روستاهای جدید تداوم استقرارهای کهن هستند، مسیر کانال آب انتقالی نیز در حاشیه رود گدار و در امتداد جاده‌های اصلی تعیین شده است. در بررسی محدوده یک و نیم کیلومتری این مسیر کانال آب، تعداد ۲۹ محوطه شناسایی شد. در میان این محوطه‌ها، تپه‌هایی چون دینخواه تپه و گرد حسنعلی که در سال‌های ۱۹۳۶ مورد بررسی و کاوش قرار گرفته‌اند نیز جای می‌گیرند. پراکنش این محوطه‌ها به این صورت است:

۱۴ محوطه چند دوره‌ای شامل: متعلق به دوره پیش از تاریخی - اسلامی، پیش از تاریخی - تاریخی محوطه تاریخی - اسلامی و محوطه پیش از تاریخی - تاریخی - اسلامی / ۱۰ محوطه دوره میانه اسلامی / ۳ محوطه مس‌وسنگ تا هزاره اول پیش از میلاد / ۲ محوطه دوران تاریخی (اشکانی و ساسانی)

در محدوده ۲۰۰ متری کانال، تعداد ۷ محوطه شناسایی شد که هیچ یک از آن‌ها تعیین عرصه و حریم نشده‌اند و ارزیابی آنها نسبت به مسیر کانال به این صورت است:

۱. محوطه مخزن شهید بهشتی OSHNV1: (سده‌های میانی اسلامی) در طرح آسیب نمی‌بیند، به این دلیل که مخزن قبلا در فاصله ۳۰ متری این محوطه ساخته شده است.

۲. تپه نالوس 2 OSHNV6: (اشکانی و ساسانی و سده‌های میانی اسلامی) به دلیل عبور کانال از میان محوطه در معرض تخریب قرار دارد.

۳. تپه نالوس ۱ (بدرالدین) OSHNV9: (اشکانی)، در خطر است چون مسیر کانال دقیقا از پای عرصه محوطه عبور می‌کند.

۴. تپه قَرَه سَقَل OSHNV12: (مس‌وسنگ) در طرح آسیب نمی‌بیند چون مسیر کانال در امتداد جاده اصلی در فاصله ۱۰۰ متری محوطه عبور می‌کند

۵. تپه میرآباد 18 NGHD: (مس‌وسنگ، اشکانی و ساسانی و سده‌های میانی اسلامی) در خطر است زیرا مسیر کانال دقیقا از پای عرصه محوطه عبور می‌کند.

۶. تپه کول (بیگم قلعه) 24 NGHD: (هزاره اول پیش از میلاد و سده‌های میانی اسلامی) در طرح آسیب نمی‌بیند، چون کانال در فاصله ۹۳ متری تپه عبور می‌کند.

۷. ساخسی تپه 28 NGHD: (مس‌وسنگ و سده‌های میانی اسلامی) در خطر است چون روستا بر روی بخشی از عرصه اصلی محوطه ایجاد شده و کانال از میان عرصه اصلی عبور می‌کند (شکل ۴).

کتاب‌نامه

- پیتسونو، گابریل؛ س. اشتاین و ا. و. ماسکارلا
۱۳۸۸ مجموعه مقالات تمدن دینخواه تپه، تهران: گنجینه هنر.
- خضری، سعید
۱۳۷۹ جغرافیای طبیعی کردستان مکریان با تاکید بر حوزه زاب، تهران: ناقوس.
- خطیب شهیدی، حمید؛ بهروز عمرانی و اکبر عابدی
۱۳۹۱ هشتماد سال باستان‌شناسی ایران، باستان‌شناسی پیش از تاریخ شمال غرب ایران، تهران: نشر پارینه.
- دایسون، رابرت و اسکاروایت ماسکارلا
۱۳۸۸ مجموعه مقالات تمدن‌های دشت سولدوز (اشنویه - نقده)، تهران: گنجینه هنر.
- صدرايي، علی
۱۳۷۹ پژوهش‌های باستان‌شناسی از بیگم قلعه نقده تا تاریخ آباد پیرانشهر، تهران: ترجمه حسنلو.
- گابریل پیتسونو و اسکاروایت ماسکارلا و دیگران
۱۳۸۸ مجموعه مقالات تمدن دینخواه تپه، تهران: گنجینه هنر.



کد اثر	نام محوطه	نوع اثر	گاهنگاری
OSHNV1	مخزن خیابان شهید بهشتی	محوطه	سده‌های میانی اسلامی
OSHNV2	بُرد زرد	محوطه	سده‌های میانی اسلامی
OSHNV3	آرامستان شیخ اسماعیل	گورستان	سده‌های متاخر اسلامی
OSHNV4	تپه حسن آباد	تپه	هزاره اول پیش‌ازمیلاد، اشکانی و سده‌های میانی اسلامی
OSHNV5	محوطه و زیارتگاه شیخ رَش	محوطه	هزاره اول پیش‌ازمیلاد و سده‌های میانی اسلامی
OSHNV6	نالوس ۲	محوطه	تاریخی (اشکانی و ساسانی) و سده‌های میانی اسلامی
OSHNV7	محوطه و گورستان شیخ آل	محوطه	تاریخی (اشکانی و ساسانی) و سده‌های میانی اسلامی
OSHNV8	محوطه بُرد اسپه	محوطه	مس‌وسنگ، تاریخی (اشکانی و ساسانی) و سده‌های میانی اسلامی
OSHNV9	نالوس ۱ (بدرالدین)	تپه	اشکانی
OSHNV10	دین خواه	تپه	مس‌وسنگ، مفرغ و هزاره اول پیش‌ازمیلاد
OSHNV11	گرد موزا	تپه	مس‌وسنگ
OSHNV12	قَرَه سَقَل	تپه	مس‌وسنگ
OSHNV13	کهنه ده گرجی	تپه	مس‌وسنگ، هزاره اول پیش‌ازمیلاد و تاریخی (اشکانی و ساسانی)
OSHNV14	گرد گورا (نرزبوه)	تپه	مس‌وسنگ و تاریخی (اشکانی و ساسانی)
OSHNV15	حسنعلی بانو	تپه	مس‌وسنگ، هزاره اول پیش‌ازمیلاد و تاریخی (اشکانی و ساسانی)
OSHNV16	کانی حوا (کهنه قلعه)	گورستان	سده‌های متاخر اسلامی
NGHD17	نَرزَمَز	تپه	مس‌وسنگ، هزاره اول پیش‌ازمیلاد و تاریخی (اشکانی و ساسانی)
NGHD18	میراوه	تپه	مس‌وسنگ، تاریخی (اشکانی و ساسانی) و سده‌های میانی اسلامی
NGHD19	فالاجیق	تپه	مس‌وسنگ و سده‌های متاخر اسلامی
NGHD20	مسجد فالاجیق	بنا	سده‌های میانی اسلامی
NGHD21	آدی گوزل	محوطه	سده‌های میانی اسلامی
NGHD22	سلیمان	تپه	سده‌های میانی اسلامی
NGHD23	عَبْدَل	تپه	سده‌های میانی اسلامی
NGHD24	کول	تپه	هزاره اول پیش‌ازمیلاد و سده‌های میانی اسلامی
NGHD25	تپه لَر	محوطه	سده‌های میانی اسلامی
NGHD26	چای آراسی	محوطه	سده‌های میانی اسلامی
NGHD27	کانی مام سید	محوطه	ساسانی
NGHD28	ساخسی تپه	تپه	مس‌وسنگ و سده‌های میانی اسلامی
NGHD29	نظام آباد	تپه	تاریخی (اشکانی و ساسانی) و سده‌های میانی اسلامی

جدول ۱. محوطه‌های شناسایی شده در بررسی





تصویر ۱. نمای کلی تپه گرد موزا



تصویر ۲. تپه بدرالدین و ساختوساز بر روی عرصه آن





تصویر ۳. ساختار خشتی نمایان شده در تپه بدرالدین

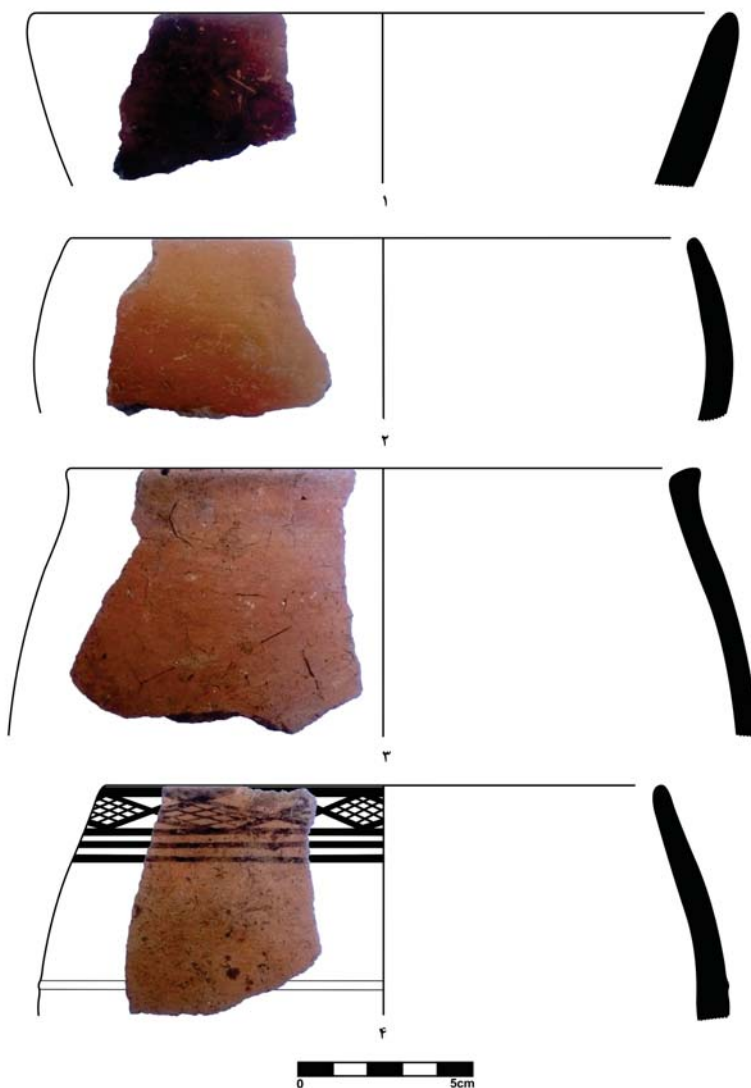


تصویر ۴. محوطه نالوس ۲ (در معرض تخریب)



کاتالوگ تصویر ۵: محوطه قلاجیق مربوط به دوره مس‌وسنگ

گونه سفال	رنگ خمیره	تمپر	پوشش سطحی	نوع ساخت	کیفیت پخت
ساده	خاکستری تیره	شن ریز و درشت و کاه	گلی رقیق	دست ساز	ناقص
ساده	خاکستری روشن	شن ریز و درشت و کاه	گلی رقیق - پرداخت	دست ساز	کافی
ساده	قهوه ای روشن	شن ریز و درشت و کاه	گلی غلیظ	دست ساز	کافی
منقوش با نقوش هندسی	قهوه ای روشن	شن ریز و درشت و کاه	گلی رقیق	دست ساز	کافی

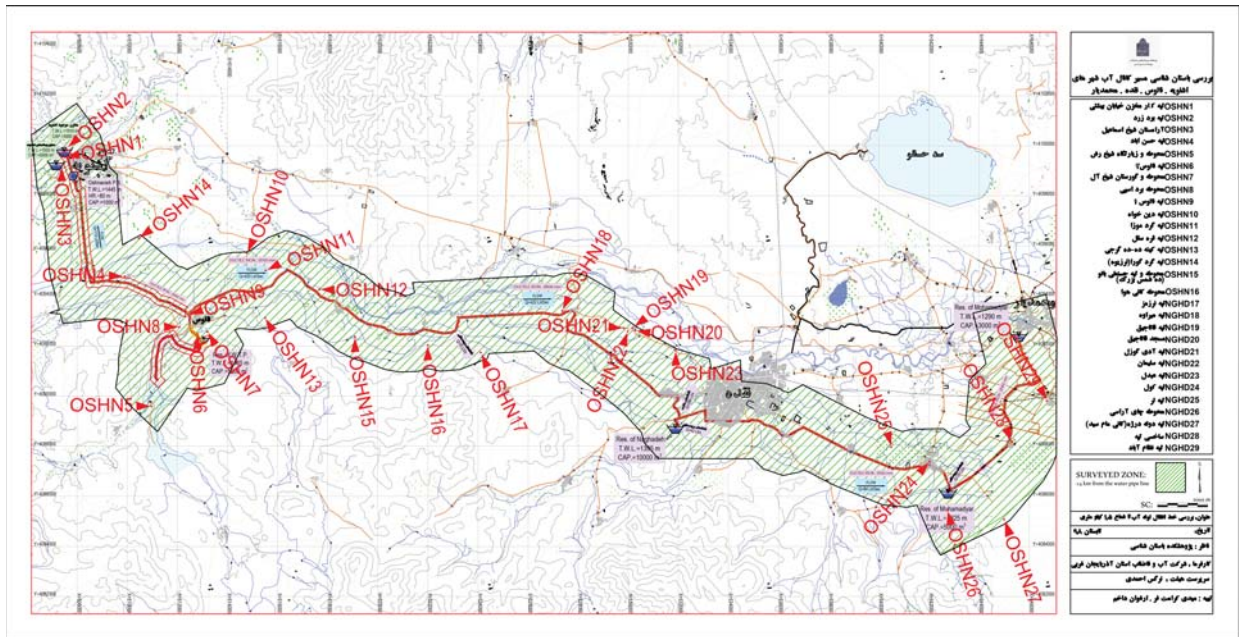


تصویر ۵. سفال‌های مس‌وسنگ تپه قلاجیق



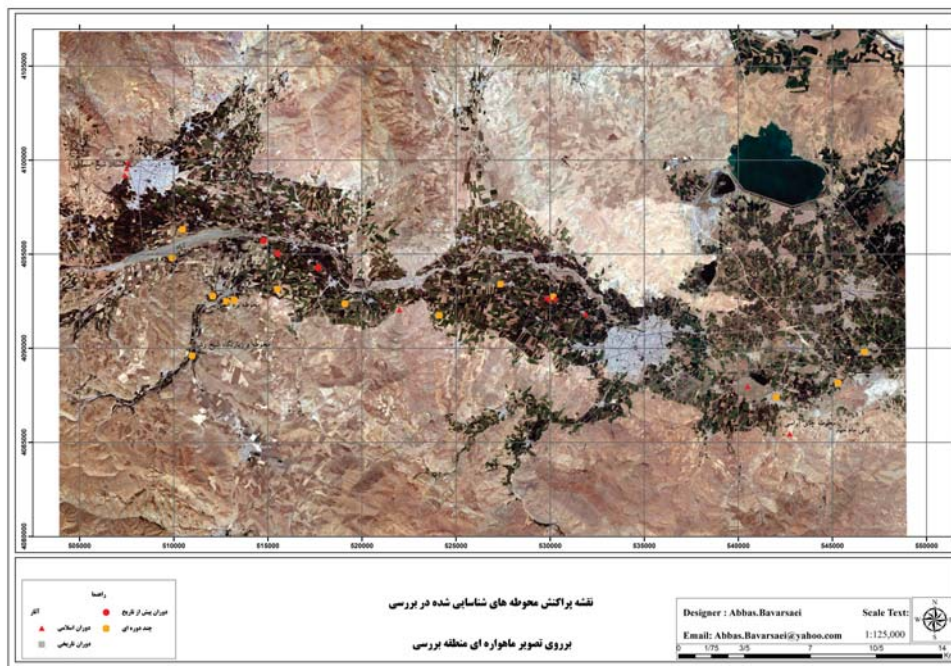


شکل ۱. مسیر کانال آب بر روی تصویر ماهواره‌ای



شکل ۲. محوطه‌های شناسایی شده در محدوده یک و نیم کیلومتری از هر طرف کانال





شکل ۳. پراکنش محوطه‌ها بر روی تصویر ماهواره‌ای



شکل ۴. عبور مسیر کانال آب از حریم ساخسی تپه



بررسی باستان‌شناختی مقابر دست‌کندِ صخره‌ای قابل انتساب به دوره فراخامنشی در دشت مروودشت، استان فارس

احسان احمدی‌نیا*

درآمد

پژوهشگران حوزه تاریخ، غالباً از نیم هزاره پی آمدِ فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی تا برآمدن شاهنشاهی ساسانی در پارس باستان با عنوان "دوران تاریک" یاد می‌کنند (Wiesehofer 1994: 11). تاریخ؛ به این مفهوم که شناخت ما از رویدادهای آن در زوایای تاریک تاریخی قرار دارد و از حیطة شناخت گسترده و قابل‌اتکا به دور مانده است. در نبود کاوش‌های گسترده در سکونتگاه‌های منتسب به دوره فراخامنشی و با در نظر گرفتن همه مشکلات روش‌شناختی در بررسی اسناد تاریخی (نک؛ احمدی‌نیا ۱۳۹۹: ۱۲-۳)، یکی از مهم‌ترین مدارک مادی موجود از این دوران، فارغ از سایر مدارکی چون سکه‌ها، سکونتگاه‌ها و بناهای یادمانی را باید مدارک تدفینی به حساب آورد. این مدارک، شامل چندین مقبره صخره‌ای کامل یا نیمه‌تمام در دشت مروودشت و تعدادی محوطه تدفینی با تدفین‌های توده سنگی است که غالباً به این بازه زمانی منتسب شده (بوشارلا ۱۳۹۲: ۴۳۱؛ ۳۰۴؛ Haerincck 1984: 304; Gall 1974; Wiesehöfer 1994: 80-88) و بنابراین جایگاه ویژه‌ای در مطالعه ساختار اجتماعی دوره مزبور پیدا می‌کنند. با این حال، مدارک تدفینی برخلاف اهمیت بسیار زیاد، اغلب در مطالعات دوره فراخامنشی مورد غفلت واقع شده‌اند و در نتیجه کاوش‌های معدود در محوطه‌های منسوب به این دوره، تکیه اصلی بر مطالعات سکه‌شناسی بوده است.

بررسی در دشت مروودشت

در مناطق مختلف فارس، تدفین‌های یادمانی دست‌کند متعددی کشف شده که غالباً به بازه زمانی بین شاهنشاهی هخامنشی تا پایان شاهنشاهی ساسانی منسوب شده‌اند. در این میان، دشت مروودشت^۲ (نقشه ۱) بیشترین نمونه‌های چنین مدارکی را در خود جای داده است. در نبود اطلاعات جامع تاریخی و فقر کاوش‌های باستان‌شناختی در استقرارها و یادمان‌هایی که بتوانند شواهدی از مناسبات قدرت در دوره فراخامنشی پارس باستان را ارائه کنند، دسته‌ای از مدارک بر جای مانده، یعنی مدارک تدفینی-یادمانی مرتبط با رأس هرم قدرت در فارس، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کنند. این بازمانده‌ها تا کنون به صورت جامع و تفسیری مورد توجه و پژوهش قرار نگرفته‌اند؛ بنابراین، مطالعه این مدارک بر اساس توصیفات دقیق باستان‌شناختی و سپس قرار دادن آن‌ها در یک چشم‌انداز گسترده بر اساس بررسی‌های میدانی جدید، می‌تواند به درک بهتر ما از تحولات تاریخی این سده‌های کمترشناخته‌شده کمک کند. هدف از بررسی پیمایشی انجام‌شده در پژوهش حاضر، در درجه اول یافتن شواهد باستان‌شناختی، در راستای تدوین چارچوبی گاه‌شناختی برای مقابر یادمانی دست‌کند قابل انتساب به دوره فراخامنشی در دشت مروودشت بوده است. بر این اساس، طرح پژوهشی "بررسی عرصه و چشم‌انداز تدفین‌های دست‌کند صخره‌ای دشت مروودشت" در زمستان ۱۳۹۷ و در راستای مطالعات رساله نگارنده تقدیم مراجع مربوطه شد و پس از کسب مجوز به شماره ۹۷۱۰۵۵۶۲، در بهار ۱۳۹۸ به انجام رسید. از آنجاکه گاه‌شناسی آثار صرفاً پس از اتمام مطالعات میسر می‌شود، در مرحله اول تمامی یادمان‌های مشاهده‌شده در

۱. مبانی مطالعاتی، تفسیری و معرفت‌شناختی تدفین‌ها به‌منایه مدارکی در راستای تحقیقات جامعه‌شناسی تاریخی دست‌کم از اوایل سده نوزدهم به این سو توسط انسان‌شناسان و سپس باستان‌شناسان طراز اولی چون فریزر (۱۸۸۶)، تیلور (۱۸۷۱)، روبرتسون (۱۸۹۴)، هرتز (۱۹۶۰)، بارتل (۱۹۸۲)، بینفورد (۱۹۷۱)، تینتر (۱۹۷۸)، ساکس (۱۹۷۱)، هادر (۱۹۸۱) و پارکر پی یرسون (۱۹۸۱) پایه‌ریزی و بحث شده است.

* دانش‌آموخته دکترای تخصصی باستان‌شناسی تاریخی، دانشگاه تهران
E.Ahmadinya@yahoo.com





بررسی حتی نمونه‌های طاقچه استودانی کتیبه‌دار که به دوره ساسانی-اوایل اسلام تاریخ‌گذاری می‌شوند نیز ثبت و ضبط و بررسی جامع شدند. سپس، نمونه‌های قابل انتساب به دوره فراهخامنشی را جداگانه مورد مطالعه قرار دادیم. بررسی‌ها در ۳ سطح طراحی و اجرا شده است. در بخش نخست عرصه اصلی اثر یا به عبارتی خود یادمان‌ها به‌دقت مورد بررسی و ثبت و ضبط قرار گرفتند، در مرحله دوم عرصه پیرامونی شامل محوطه اطراف هر اثر بررسی شد و در نهایت، بررسی‌ها در حریم یک تا دو کیلومتری یادمان‌ها انجام شده است. برای شناسه (=کُد) گذاری محوطه‌ها از ترکیب حروف بزرگ و کوچک انگلیسی به همراه اعداد استفاده کرده‌ام. شناسه (=کُد) های مزبور ۵ بخشی است؛ Ma کوتاه شده Marvdasht، PA کوتاه شده Post-Achaemenid، ۲۰۱۹ سال بررسی و عدد سه رقمی و حروف انگلیسی بعد از آن شناسه (کُد) اختصاص یافته به محوطه است.

گاهنگاری آثار

بدون شک توصیف و گاهنگاری پایه اولیه مباحث باستان‌شناختی است. ارائه هرگونه تحلیل تاریخی مبتنی بر تفسیر مدارک مادی، بدون در دست داشتن یک چارچوب گاه‌شناختی (نسبی یا مطلق) ناقص است. مقابر دست‌کند صخره‌ای اغلب فاقد کتیبه هم‌زمان با ساخت بنا هستند^۴ و غالباً از درون آن‌ها مواد بر جای (=in situ) باستان‌شناختی بسیار کمی به دست می‌آید. در این شرایط، گاهنگاری این دسته آثار بسیار دشوار و پیچیده بوده و لازم است تا محقق برای رسیدن به گاهنگاری مقرون به واقعیت، از چندین روش در کنار هم استفاده کند. به این ترتیب، در این پژوهش نیز به‌منظور گاهنگاری آثار مورد مطالعه، چندین شیوه در کنار هم مورد استفاده قرار گرفته است. الف) بررسی میدانی در عرصه و شعاع صد متری اطراف مقابر، به‌منظور گاهنگاری نسبی محوطه با توجه به احتمال وجود آثار فرهنگی نظیر سفال، ساختارها یا آثار قابل تاریخ‌گذاری دیگر. ب) گاهنگاری بافتی (بر اساس چشم‌انداز باستان‌شناسی): بررسی میدانی در حومه و شعاع یک کیلومتری اطراف مقابر به‌منظور شناسایی محوطه‌های استقرار مرتبط و هم‌زمان. پ) گاهنگاری سبک‌شناختی: گاهنگاری بر اساس شواهد

۴. سنت ایجاد کتیبه‌هایی با استفاده از رنگ یا نوعی مُرکَب نوشتاری بر روی سنگ در دوره فراخامنشی در محوطه‌هایی از دوره الیمایی چون پل نگیں و تنگ چلو در شهرستان اندیکا شناسایی شده است (نک؛ سرداری زارچی و دیگران، ۱۳۹۳؛ Bivar & Shaked, 1964)

بنابراین احتمال دارد برخی از یادمان‌های سنگی دارای کتیبه‌های بوده که به‌وسیله رنگ ایجاد شده بودند و در حال حاضر یا اثری از آن‌ها باقی نمانده و یا شواهد اندکی از آن‌ها دیده شده است. نگارنده حین بازدیدهای میدانی از برخی مقابر دست‌کند در حوزه بررسی (مانند مقابر لانه طاووس و خوریگان)، شواهدی از برخی حروف رنگی ایجاد شده در داخل آثار مشاهده کرده است.

موجود در مقابر شامل شیوه‌های فن تراش و پرداخت صخره و مطالعه تزیینات به کار گرفته شده. ت) گاهنگاری تطبیقی: مطالعه سبک و شکل فضایی-ساختاری مقابر و مقایسه آن‌ها با نمونه‌های تاریخ‌گذاری شده در فارس یا سایر مناطق.

برآیند

طبق بررسی‌های نگارنده و با توجه به مطالعات گاه‌شناختی انجام‌شده بر اساس روش‌های اشاره‌شده در بالا، یادمان‌های تدفینی منفرد یا مجتمعی چون خوریگان، فالونک، کوه سبز، سعادت آباد، آخور رستم، تنگ زندان، معدن شرقی نقش رستم، لانه طاووس، برزن شمالی تخت جمشید، قدمگاه یا چاشتخوار، ۵ نمونه از دره شمالی استخر و دو نمونه شاخص بر فراز کوه حسین و بالای نقش رستم با احتمال بیشتری (نسبت به سایر دوران نظیر هخامنشی و ساسانی) قابل تاریخ‌گذاری به دوره فراهخامنشی هستند (نقشه شماره ۲). همچنین از مجموع ۱۲ محوطه تدفین صخره‌ای بررسی‌شده، شش محوطه (تنگ زندان، برزن شمالی، لانه طاووس، استخر، معادن بین حاجی آباد-نقش‌رستم و محوطه فراز نقش‌رستم) به‌عنوان مجموعه‌های تدفینی صخره‌ای مطرح‌اند، حال آنکه در باقی موارد (قدمگاه، آخور رستم، سعادت آباد، خوریگان، کوه سبز و فالونک) با تدفین‌های دست‌کند صخره‌ای منفرد سروکار داریم (تصاویر ۱ و ۲ و ۳).

مطالعات ما نشان می‌دهد که تدفین‌های بررسی‌شده با چهار رده استقراری در ارتباط‌اند. طبق بررسی محدودده‌های پیرامونی مقابر، برخی از آن‌ها با شهرها و یا شهرک‌های بزرگ مرتبط هستند. نمونه بارزی در این زمینه مقابر استخر و برزن شمالی تخت‌جمشید هستند که با دو شهر عمده در کوره استخر یعنی شهر استخر به‌عنوان کرسی ایالت و احتمالاً شهر شاهی یا یادمانی پارسه در اوایل دوره فراهخامنشی در ارتباط‌اند. نمونه‌های دیگری چون تنگ زندان، قدمگاه، فالونک و احتمالاً سعادت‌آباد با شهرک‌ها و یا روستاهای بزرگ فراهخامنشی مرتبط‌اند. نمونه‌های فراز نقش‌رستم به‌احتمال بسیار یا با پارسه و محوطه‌های شاهی در ارتباط‌اند و یا به دلیل بافتار آیینی، استثنائاً شواهدی از تدفین‌های مرتبط با روحانیون بلند پایه را عرضه می‌کنند و سرانجام نمونه‌های بسیار قابل توجه آخور رستم، لانه طاووس، معدن شرقی نقش رستم، خوریگان و کوه سبز نیز با محدوده‌های استقراری کوچک‌تری مرتبط‌اند که غالباً در چشم‌انداز آن‌ها زمین‌های کشاورزی و مراتع گسترده‌ای قرار گرفته است. این محدوده‌ها به‌زعم ما با واحدهای ارضی کوچکی که می‌توان آن‌ها را با تیول‌ها برابر انگاشت ارتباط و پیوستگی دارند.

1960 *Death and the Right Hand*, translated by R. and C. Needham, Free Press, Glencoe III.

Hodder, I.

1982 "Social Structure and Cemeteries: A Critical Appraisal", in: D. Rathz, T. Dickinson and L. Watts (eds.), *Anglo-Saxon Cemeteries* 1979, BAR British Series 82: 161-169.

Parker Pearson, M.

1982 "Mortuary Practices, Society and Ideology: an Ethnoarchaeological Study", in: I. Hodder (ed.), *Symbolic and Structural Archaeology*, Cambridge University press, Cambridge: 99-113.

Robertson Smith, W.

1894 *The Religion of the Semites*, Adams and Charles Black, New York.

Saxe, A.

1971 "Social Dimensions of Mortuary Practices in a Mesolithic Population from Wadi Halaf, Sudan", *Memoirs of the Society for American Archaeology* 25, Approaches to the Social Dimensions of Mortuary Practices: 39-57.

Tainter, J.

1978 "Mortuary Practices and the Study of Prehistoric social systems", *Advances in Archaeological Method and Theory* 1: 105-114.

Tylor, E. B.

1871 *Primitive Culture*, J. Muarray, London.

Von Gall, H.

1974 "Neue Beobachtungen zu den sog. Medischen Felsgrabern", in: F. Bagherzadeh (ed.), *Proceedings of the 2nd Annual Symposium on Archaeological Research in Iran, 29th Oct. 1st Nov. 1973*, Teheran: Iranian Center for Archaeological Research, 139-154.

Wiesehöfer, J.

1994 *Die dunklen Jahrhunderte der Persis: Untersuchungen zu Geschichte und Kultur von Färs in frühhellenistischer Zeit (330-140 v.Chr.)*, Zetemata 90, München.

یادآوری این نکته ضروری است که نقطه قوت این بررسی،

در درجه اول انجام یک بررسی باستان‌شناختی متمرکز بر روی یادمان‌های دست‌کند تدفینی در دشت مرو دشت و تلاش برای بازنگری و مطالعه دقیق‌تر این یادمان‌ها، تدوین چارچوب‌های گاه‌شناختی مستدل و قرار دادن آن‌ها در یک چشم‌انداز باستان‌شناختی و تهیه طرح، پلان و تصاویر مستند است. سپس، مطالعات تفسیری بیشتر بر اساس این بررسی‌ها در رساله دکترای نگارنده (احمدی‌نیا ۱۳۹۹) به تفصیل ارائه شده است.

کتاب‌نامه

احمدی‌نیا، احسان

۱۳۹۹ بررسی شواهد تدفینی دوره فراخامنه‌شی در فارس به‌منظور مطالعه فرآیندهای تداوم و تغییر قدرت اجتماعی از ۳۳۰ پیش از میلاد تا ۲۲۴ میلادی (مطالعه موردی مقابر صخره‌ای دست‌کند در دشت مرو دشت)، رساله دکترای باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، (منتشر نشده).

بوشارلا، رمی

۱۳۹۲ ایران، دز: امپراتوری هخامنشی: پژوهش‌های نوین، زیر نظر پی‌یر بریان و رمی بوشارلا، ترجمه م. بهفروزی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

Bartel, B.

1982 "A History Review of Ethnological and Archaeological Analyses of Mortuary Practice", *Journal of Anthropological Archaeology* 1, Issue 1: 32-58.

Binford, L. R.

1971 "Mortuary Practices Their Study and Their Potential", in: *Memoirs of the Society for American Archaeology* 25, Approaches to the Social Dimensions of Mortuary Practices: 6-29.

Bivar, A. D. H. & Sh. Shaked

1964 "The Inscriptions at Shimbār", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* 27/2: 265-290.

Frazer, J. G.

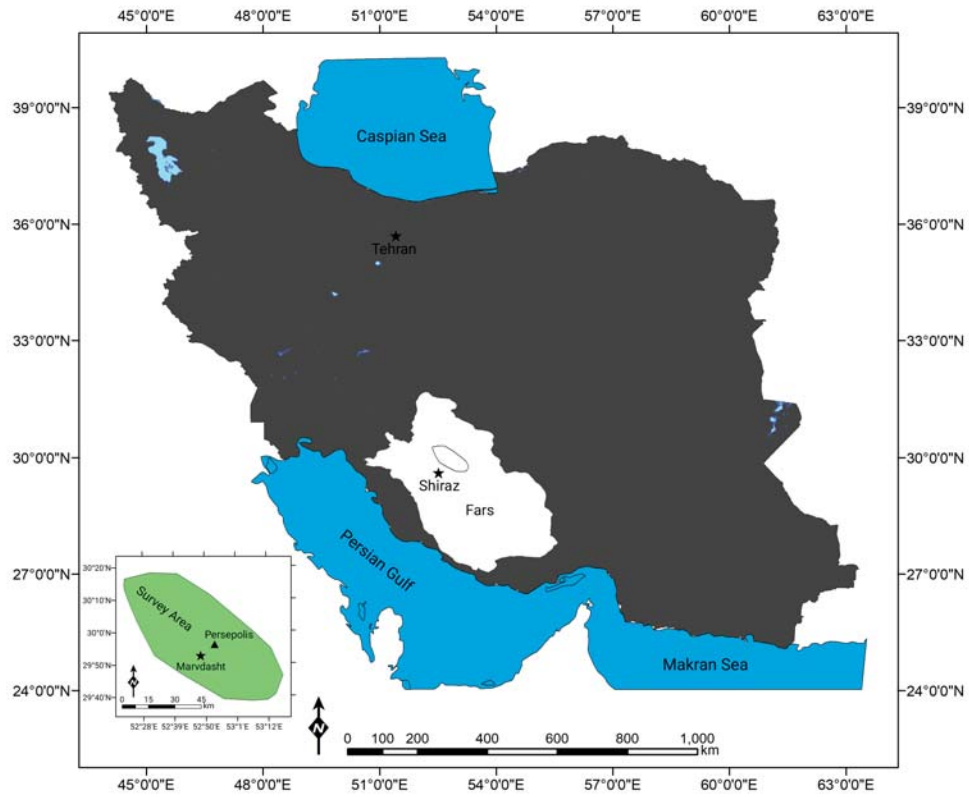
1886 "On Certain Burial Customs as Illustrate of the Primitive Theory of the Soul", *Journal of Royal Anthropological Institute of Great Britain and Ireland* 15: 64-104.

Haerincq, E.

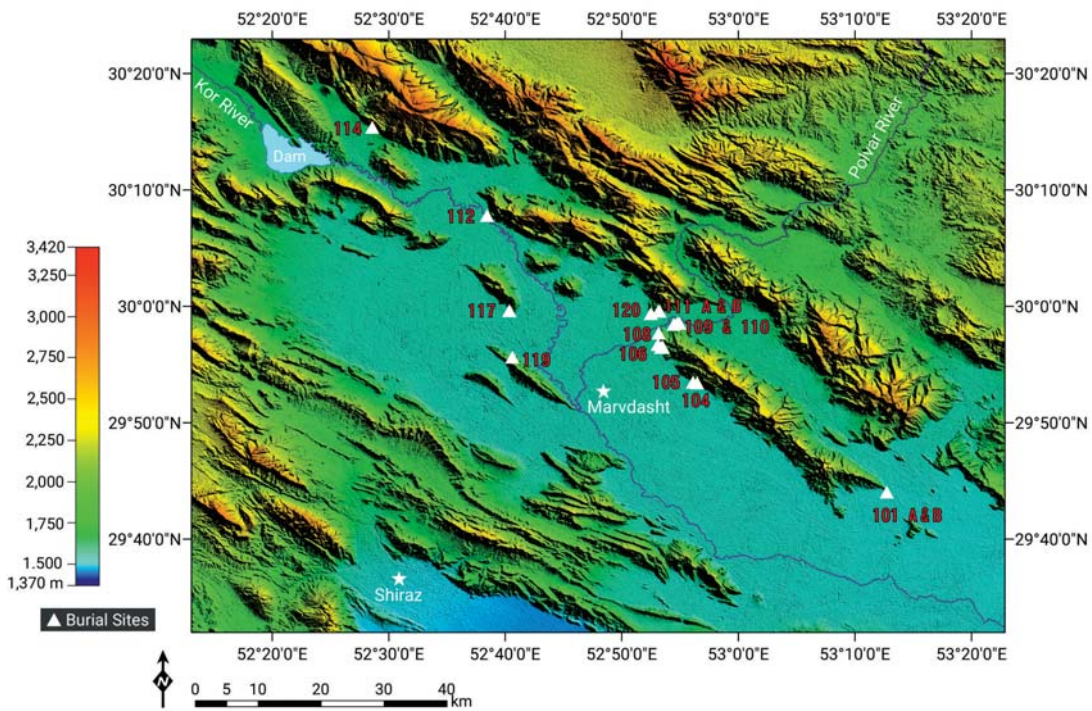
1984 "L'Iran méridional, des Achéménides jusqu'à l'avenement de l'Islam, Bilan des Recherches", in: R. Boucharlat & J. F. Salles (eds.), *Arabie Orientale, Mésopotamie et Iran méridional de l'Age du fer au début de la période islamique, Recherche sur les Civilisations*, Paris: 299-306.

Hertz, R.





نقشه ۱. موقعیت مکانی محدوده بررسی شده (دشت مرودشت، استان فارس)

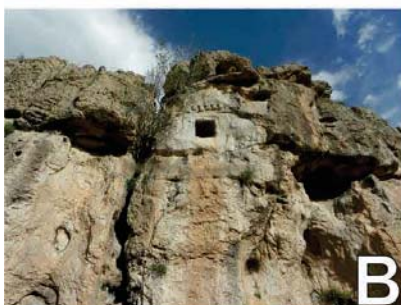


نقشه ۲. یادمان‌های دست‌کند تدفینی قابل تاریخ‌گذاری به دوره فراخامنشی در دشت مرودشت





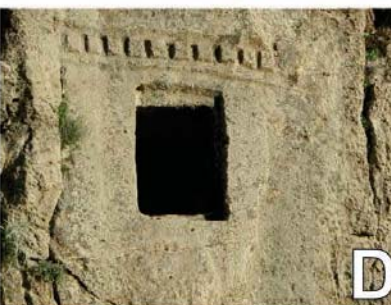
A



B



C



D



E



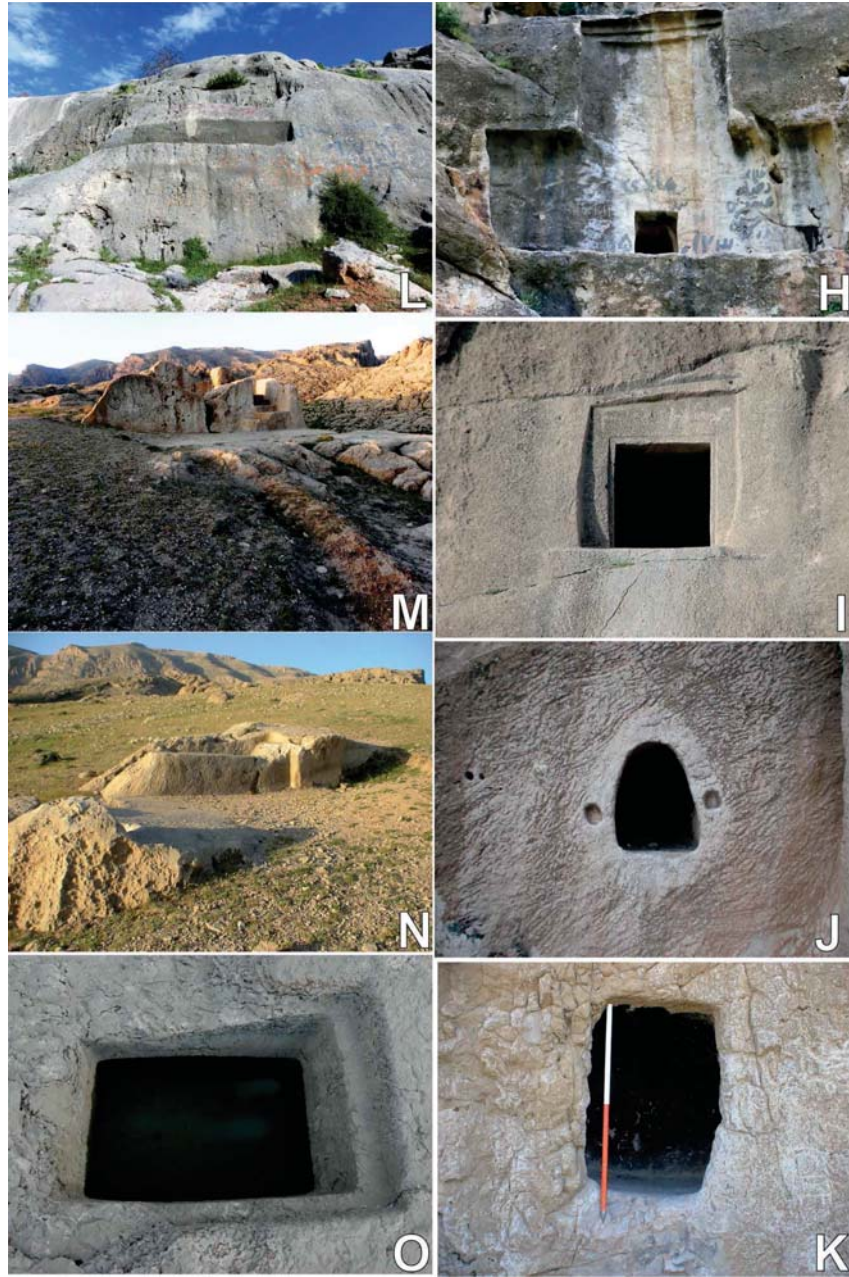
F



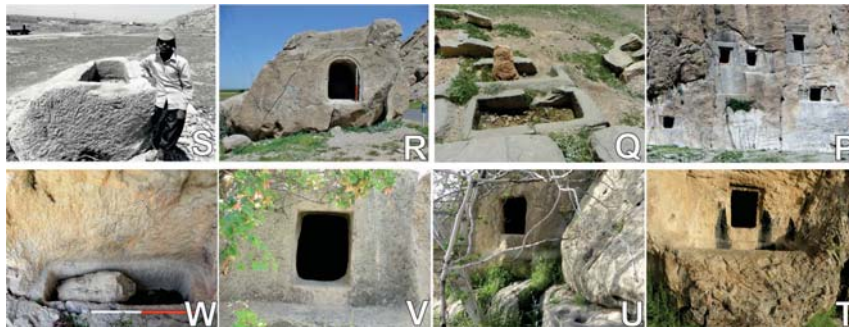
G

تصویر ۱. یادمان‌های تدفینی دست‌کند فراخامنشی در نیمه جنوب شرقی دشت مرودشت (A- چاشتخوار B-C-D- استخر E-F-G- برزن شمالی تخت جمشید)





تصویر ۲. یادمان‌های تدفینی دست‌کند فراهامنشی در نیمه جنوب‌شرقی دشت مرودشت (P-Q-S- تنگ زندان R- آخور رستم T-U-V-W- لانه طاووس)



تصویر ۳. یادمان‌های تدفینی دست‌کند فراهامنشی در نیمه شمال غربی دشت مرودشت (H- فالونک I- خوریگان K-J- معدن شرقی نقش رستم L- سعادت‌آباد M-N- فراز نقش رستم O- کوه سبز)



برنامه حفر یک گمانه ۲×۲ متر به منظور پاسخگویی به استعمال در بافت قدیمی شهر رشت

خدیجه (سارا) ارجمندی* و صادق عاقلی

درآمد

مهم‌ترین دلیل برای ابهت و شکوه و آبادانی این مقبره و محوطه آن بوده است به طوری که مردم رشت اعتقاد به آن داشته و اموات خود را به صورت گورهای دو طبقه و سه طبقه و به‌عنوان زیارتگاه و مأمن خانوادگی تدفین می‌نموده‌اند. کاوش‌های انجام شده در طی سال‌های گذشته در این محوطه بر این سهم صحه می‌گذارد و اثبات این امر را به انجام می‌رساند.

شرح عملیات میدانی

طی گودبرداری برای احداث ساختمان در محوطه یادشده، گوری در فاصله حدود ۵۰ متری شمال شرقی مسجد خواهر امام، در دیواره غربی ترانشه، در عمق حدود ۵۵ سانتی‌متری از سطح کوچه آسفالت‌ه و ارتفاع حدود ۳ متری از کف ترانشه نمایان و تخریب شده که با توجه به شواهد اولیه مانند مصالح و معماری آن (مصالح آجر و سقف جناغی) به نظر می‌آید که این گور مربوط به ادوار میانی اسلامی خصوصاً دوره‌های تیموری و ایلخانی باشد. برای مشخص کردن وضعیت نهایی گور، نوع معماری و محتویات احتمالی آن و حصول نتیجه، گمانه‌ای به ابعاد ۲×۲ متر در محل موردنظر ایجاد شد. از آنجایی که این گور در بخش شرقی خود، توسط وسایل سنگین خاک‌برداری دچار تخریب شده بود می‌توان نوع آن، نمای داخلی، معماری و همچنین محتویات آن را به‌وضوح مشاهده کرد. در ادامه کار، بخش زیرین گور تا کف ترانشه گودبرداری شد که در واقع همان دیواره غربی ترانشه بوده و تا عمق ۳۸۰ سانتی‌متری امتداد دارد. در این سکشن، لایه‌های متفاوتی از شن، سنگ‌ریزه، قلوه‌سنگ‌های ریز و متوسط قابل مشاهده است و هیچ‌گونه داده باستانی دیده نمی‌شود.

یافته

گور مکشوفه از نوع آجری و به‌صورت جناغی بوده و جهت آن شرقی - غربی است. فاصله کف خیابان تا بالای سقف گور حدود ۵۵ سانتی‌متر و مخلوطی از لایه‌های سنگ‌فرش، شن، قلوه‌سنگ و آجر فرش است. ساختمان گور از چهار دیواره شمالی، جنوبی،

در بهار سال ۱۳۹۸ در هنگام عملیات گودبرداری برای ایجاد ساختمان در بخش شمال شرقی محوطه مسجد خواهر امام شهر رشت، در دیواره ترانشه گوری نمایان شد که اعلان خبر تخریب آن در فضای مجازی و رسانه‌های محلی و استانی، سازمان میراث فرهنگی استان گیلان را بر آن داشت تا کارشناسان خود را به محل موردنظر اعزام کند. با مشاهده داده‌های باستانی و گور تخریب شده، یگان حفاظت میراث فرهنگی گیلان از ادامه کار گودبرداری توسط مالک جلوگیری به عمل آورد و پیشنهاد گمانه‌زنی و مستندسازی گور مکشوفه توسط کارشناسان میراث فرهنگی گیلان با هدف جلوگیری از ادامه تخریب و نجات بخشی آن گور و محوطه موردنظر ارائه شد. پس از دریافت مجوز لازم از پژوهشکده باستان‌شناسی به شماره ۹۸۱۰۸۸۵ از تاریخ ۱۳۹۸/۰۴/۱۱ تا تاریخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۱ این امر به سرپرستی خدیجه (سارا) ارجمندی به انجام رسید.

موقعیت و توصیف محوطه

مقبره و مسجد خواهر امام شهر رشت که محل تدفین فاطمه اخری، خواهر بزرگوار امام هشتم علی ابن موسی‌الرضا (ع) است. در بخش شرقی شهر رشت و در فاصله کمی از ساحل غربی رودخانه زرجوب در مختصات جغرافیایی ۳۷ درجه، ۱۶ دقیقه و ۲۶ ثانیه عرض شمالی و ۴۹ درجه، ۳۵ دقیقه و ۳۰ ثانیه طول شرقی واقع شده است (تصویر ۱ و ۲). داخل بقعه دارای تزیینات کاشی‌کاری و نیز چندین کتیبه مربوط به دوره قاجار است (برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به ستوده، ۱۳۷۴: ۲۹۶ - ۲۹۴). برای دسترسی به آن بایستی از میدان صیقلان شهر رشت به سمت جنوب و در خیابان سنگ‌فرش ساحل رودخانه زرجوب ادامه مسیر داده و با گذشتن از بافت سنتی و بازار با معماری قدیمی، به این محوطه رسید. گسترش و آبادانی شهر رشت در دوره تیموری و جایگاه و تقدس مقبره خواهر امام در آن بازه زمانی،

* * کارشناسی باستان‌شناسی از دانشگاه اهر



غربی و شرقی با سقفی جناغی تشکیل شده است. جهت گور به صورت شمالی- جنوبی و به طول ۸۰ سانتی متر است. فاصله دیواره‌های شرقی و غربی گور متغیر و بر اثر تخریب، غیرقابل اندازه‌گیری دقیق است (تصویر ۳ تا ۵).

مصالح اصلی گور آجرهایی به رنگ قرمز از جنس خاک رس با شاموت معدنی شامل شن ریزه، ماسه بادی به ابعاد $19 \times 19 \times 4$ یا $11 \times 23 \times 4$ سانتی متر است. میزان پخت تعدادی از این آجرها ناقص اما بیشترشان دارای پخت کافی هستند. در داخل گور و خصوصاً در بخش شرقی آن بقایایی از استخوان‌های پراکنده انسانی نظیر استخوان کرانیوم (جمجمه) به صورت شکسته، کتف، قفسه سینه (دنده‌ها)، بازو، ساعد و مفاصل انگشتان دست دیده می‌شود که قبلاً توسط عوامل انسانی مضطرب و پراکنده شده‌اند، اما استخوان‌های لگن و اندام تحتانی (ران و ساق پا و ...) در سر جای تدفین اولیه خود قرار داشته و به نظر می‌آید که نوع تدفین چنین می‌باشد. با ادامه پاک‌سازی، کاوش و تمیز کردن بقایای داخل گور و نمایان شدن باقیمانده اسکلت انسان، هیچ‌گونه شی یا موارد دیگری به غیر از استخوان به دست نیامد. این استخوان‌ها به صورت پراکنده در عمق ۲۰ سانتی متر تا یک متر به دست آمد.

نتیجه‌گیری

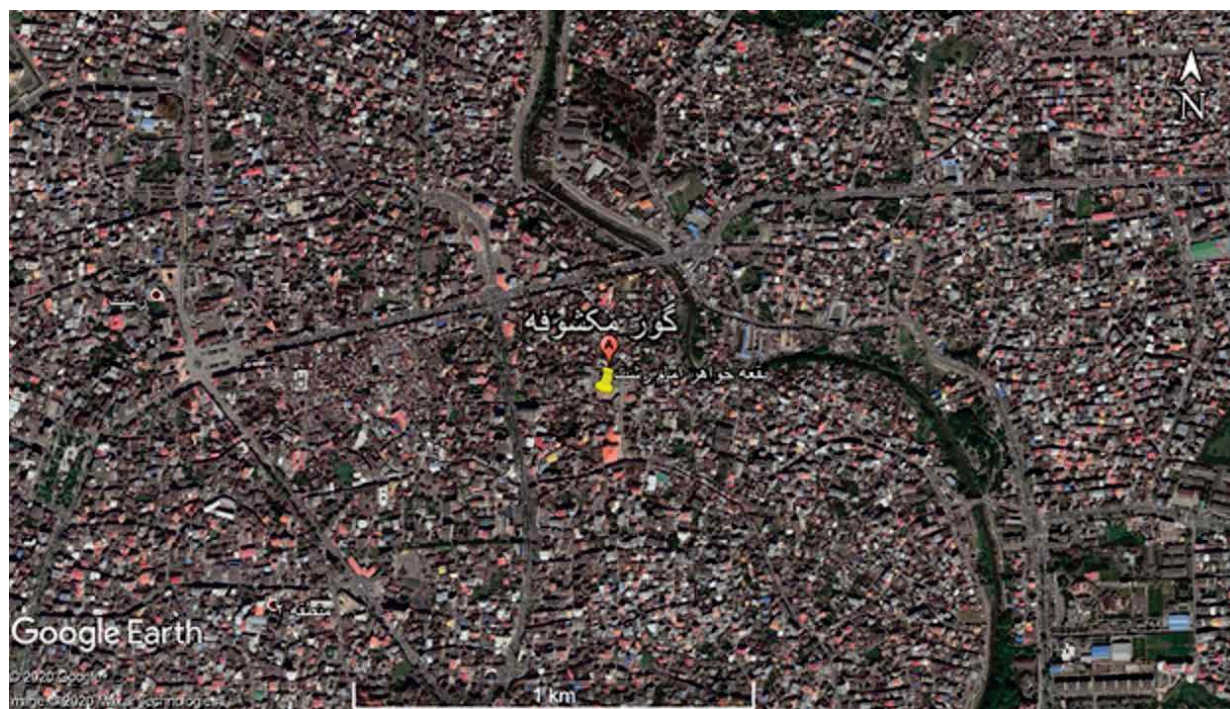
گور مکشوفه در محوطه بقعه خواهرامام واقع در بافت قدیمی شهر رشت آجری به شکل مستطیلی با سقف جناغی است که بر اثر ساخت‌وساز انجام شده در این بخش قسمت‌های زیادی از آن تخریب شده، تنها بخش اندکی از ساختار گور سالم مانده که بعد از گزارش به یگان حفاظت میراث استان از ادامه کار آنان جلوگیری شد و کار مطالعاتی باستان‌شناسی با ایجاد یک گمانه 2×2 متر به سرپرستی خدیجه ارجمندی به‌منظور آشکارسازی ساختار گور انجام شد. با مقایسه تطبیقی سایر محوطه‌های گورستانی در گیلان از جمله تپه پنج پیران به نظر می‌رسد این گور متعلق به سده ۹ تا ۱۱ هجری باشد. به‌غیراز قطعات پراکنده استخوان که بسیار پوک و پوسیده بودند، هیچ داده باستانی از این گور به دست نیامد.

کتاب‌نامه

جهانی، ولی
۱۳۹۴ گزارش کاوش محوطه پنج پیران لاهیجان، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی رشت (منتشر نشده).

ستوده، منوچهر

۱۳۷۴ / از آستارا تا استرآباد، جلد اول، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.



تصویر ۱. موقعیت گور مکشوفه (منبع: Google Earth)





تصویر ۲. موقعیت گور مکشوفه (منبع: Google Earth)



تصویر ۳. نمایی از گور مکشوفه



تصویر ۴. عملیات کاوش در گور مکشوفه



تصویر ۵. نمایی از گور مکشوفه



بررسی باستان‌شناسی سایت میراث جهانی دره شام، در حوزه فرهنگی ارس

ثریا افشاری*، لیلا افشاری و وحید عزیزی‌آبی

درآمد

برنامه بررسی باستان‌شناسی سایت میراث جهانی دره شام در حاشیه رود ارس با موافقت پژوهشکده باستان‌شناسی و با مجوز شماره ۹۸۱۰۹۷۲ از ۲۱ تیرماه تا ۱۹ مردادماه ۱۳۹۸ و با هدف کشف و شناسایی محوطه‌های دوره ایلخانی و همچنین درک و تحلیل الگوهای استقرار و بهره‌برداری از محیط‌زیست و ارزیابی وضعیت دره‌های منطقه شمال‌غرب در دوره مذکور انجام شد. منطقه مورد بررسی از نظر موقعیت جغرافیایی در حاشیه رود ارس، در منطقه شمال‌غرب ایران و در دو استان آذربایجان شرقی و غربی قرار دارد. موقعیت سوق‌الجیشی این منطقه با حوزه‌های پیرامونی خود چون قفقاز، ترکیه و آسیای مرکزی و نیز موقعیت ژئواکونومیکی آن به‌عنوان دالان ارتباطی سبب شده که از هزاره دوم پیش‌ازمیلاد تا دوره‌های متأخر، فرهنگ‌ها و تمدن‌های متعددی در این محدوده ایجاد کردند. به‌عبارت‌دیگر، عمده‌ترین عامل در روند شکل‌گیری این استقرارهای کهن قرارگیری در مسیر راه‌های تجاری، ارتباطات آسان درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای به‌ویژه در دوره ایلخانان مغول است که در روند تکاملی فرهنگ‌های دره شام نقش به‌سزایی داشته است. از سوی دیگر با توجه به اهمیت مذهبی این منطقه در دوره ایلخانان مغول بر پایه سیاست‌گذاری‌های خارجی (عبادی ۱۳۸۷) آنان و وجود کلیساهای مهمی چون کلیسای سنت استپانوس، قره کلیسا و کلیسای زور زور که ثبت جهانی شده‌اند و در پرونده آن‌ها هیچ‌گونه گزارش و مدرکی از فعالیت‌های باستان‌شناسی وجود ندارد؛ بنابراین بررسی دقیق این منطقه و همچنین مطالعه سفال‌های به‌دست‌آمده از محوطه‌های ذکرشده اطلاعات مفیدی از فناوری سفالگری و ساختار اجتماعی منطقه در ادوار مختلف فرهنگی به‌ویژه دوره ایلخانی ارائه داد.

موقعیت مکانی دره شام در حاشیه رود ارس

منطقه دره شام بر سر راه جلفای ارس به کلیسای استپانوس مقدس به طول ۲۴ کیلومتر در ساحل جنوبی رود ارس واقع شده است. این منطقه که ارمنی‌نشین بود، دارای دره‌های سرسبزی بود که بیشتر با نیزارها پوشانده شده بود. ارمنیان به نی «شامب» و به دره «دزور» می‌گفتند و به این منطقه «شامبادزور» می‌گفتند، چون تلفظ «دزور» کمی مشکل بود، به همین سبب با گذر زمان به دره شام، تغییر نام داد. روستائیان ارمنی دره شامب سال‌ها است که از این منطقه رفته و آن را خالی از سکنه کرده‌اند (هویان ۱۳۸۲: ۱۲۴). این دره از تلاقی دو رود بزرگ ارس با آق‌چای به وجود آمده که تا نزدیکی شهر خوی امتداد دارد و از گذشته تاکنون در زمینه ارتباطات تجاری و فرهنگی حائز اهمیت بوده است (تصویر ۱).

شرح عملیات میدانی

بررسی مسیر ۲۴ کیلومتری سایت میراث جهانی دره شام به‌صورت پیمایشی با استفاده از نقشه‌های توپوگرافی با مقیاس ۱/۵۰۰۰۰ و نیز عکس‌های هوایی که از سازمان نقشه‌برداری کشور تهیه شده بود انجام شد. همچنین با استفاده از دستگاه یابنده مختصات (GPS)، مختصات جغرافیایی و بلندی هر محوطه از سطح دریا ثبت شد. در شناسایی محوطه‌های باستانی، هرگونه پشته یا برآمدگی بر سطح زمین همچون تپه، بقایای معماری قابل مشاهده و نیز هرگونه آثار مشخص و منظم از خطوط سنگ‌چین و مشابه آن، پل، کاروانسرا و گورستان مورد بررسی قرار گرفت. اشیاء و مواد فرهنگی موجود در سطح محوطه‌ها نیز با انگیزه بازسازی تاریخ نسبی استقرار در هر محوطه جمع‌آوری شد. برای نام‌گذاری و شناسایی محوطه‌های باستانی منطقه دره شام با استفاده از روش پیشین دیگر هیئت‌های باستان‌شناسی، علاوه بر نام محلی هر محوطه، از حروف اختصاری ۲۰۱۹/ D.SH استفاده شد که حرف D به



* دانشجوی دکتری تخصصی باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران Soraya_afshari1362@yahoo.com

معنای دره و حرف SH به معنای شام است. در طی بررسی اهدافی که برای گروه باستان‌شناسی این منطقه در نظر گرفته شده بود شامل تمرکز بر بررسی میدانی روشمند بود که علاوه بر تاریخ‌گذاری مقدماتی که در ابتدا انجام می‌شد باید به منابع و تهیه مواد خام تولید، فناوری یافته‌ها و سپس شرایط اجتماعی، زمینه‌های اقتصادی و مسیرهای ارتباطی که با نقاط هم‌جوار چون ارمنستان و آذربایجان وجود دارد توجه می‌شد. علاوه بر این گروه باستان‌شناسی منطقه دره شام با شناخت و تشریح روند توسعه الگوهای استقراری در طول دوره‌های پیش‌ازتاریخ تا دوران اسلامی این منطقه را مورد بررسی و شناسایی قرار دادند؛ لذا توجه ویژه به این موضوع و ارزیابی بقایای بر جای مانده از ساختارها و سازه‌های معماری قابل‌شناسایی بسیار دقیق برداشت و با چشم‌اندازی دقیق پرداخت شد. به‌طوری‌که هرگونه ساختار باقی مانده در طی بررسی با ارزیابی اولیه از شرایط زیست‌محیطی، اقلیمی و کارکرد آن‌ها برای شرایط استقراری و مکان‌گزینی محوطه‌های بررسی شده بتواند به این الگوی استقراری کمک کند. روند فوق نشان‌دهنده شرایط بالقوه‌ای برای ادامه زمینه‌های استقراری در دوره‌های مختلف پیش‌ازتاریخ، تاریخی و اسلامی در این حوزه فرهنگی بود. از دیگر اهداف مهم این بررسی شناخت آثار در حال تخریب، وضعیت نگهداری این آثار و مقایسه آن با زمانی بود که این آثار در وضعیت مطلوب قرار داشتند. این نکته شایان‌ذکر است که حاشیه رودخانه ارس و دره‌های آن تا به امروز توسط گروه‌های متخصص باستان‌شناسی به‌صورت سامانمند مورد ارزیابی، بررسی قرار نگرفته بود (نقشه ۱).

یافته‌ها

بررسی سایت میراث جهانی دره شام در حاشیه رود ارس در شمال‌غرب ایران منجر به شناسایی ۵۳ محوطه شامل ۲۰ محوطه باستانی، ۱ کاروانسرا، ۳ پل، ۴ سازه آبی، ۵ کلیسا، ۷ گورستان، ۵ روستا، ۴ برج و دیوار دفاعی، ۳ بنا و ۱ پناهگاه شد. به‌جز تعدادی از کلیساها، پل‌ها و کاروانسراها که ثبت ملی و جهانی شده بودند و در این طرح بازنگری شد مابقی محوطه‌ها برای نخستین بار شناسایی و ثبت شدند. در این بررسی نیز همانند دیگر محوطه‌های باستانی سفال همچنان رایج‌ترین ماده فرهنگی موجود در سطح تپه‌ها و محوطه‌های شناسایی شده به شمار می‌رود که می‌توان آن‌ها را به دو دسته ساده و لعاب‌دار تقسیم کرد. بر اساس مطالعات و آزمایش‌های پتروگرافی انجام شده بر روی سفال‌های حاصل از بررسی مشخص شد ترکیب تمام سفال‌های مطالعه‌شده مربوط به منطقه است و با توجه به رسوبات رودخانه‌ای و آبرفت حاصل از رودخانه ارس و

رودخانه‌های فصلی و محلی، بیشتر سفال‌های مورد مطالعه به لحاظ ترکیب و ساختار، ترکیب رسوبی و کربناته دارند و متأثر از رسوبات آبرفتی منطقه هستند. همچنین با توجه به ترکیب و پتروفابریک نمونه سفال‌های مطالعه‌شده این محوطه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که این سفال‌ها از نظر ترکیب و منشأ تقریباً یکسان و مشابه‌اند. همچنین بایستی از دیگر مواد فرهنگی چون قطعات ابسیدین، سنگ‌های خاچکار (سنگ‌های صلیبی) یاد کرد که در بررسی محوطه‌ها و بناها مورد شناسایی و ثبت قرار گرفتند (طرح ۱-۳).

نتیجه‌گیری

دره شام با طول ۲۴ کیلومتر در منطقه جلفا قرار دارد. این دره به دلیل دارا بودن موقعیت سوق‌الجیشی، ژئوپولیتیکی، دفاعی و همچنین داشتن منابع دائمی آب، مکانی امن در مواقع جنگ و ناامنی بوده است. این منطقه به دلیل محدودیت اراضی کشاورزی به‌رغم وجود رودخانه‌های دائمی چون قیزیل‌چای توانایی پذیرش جمعیت انبوه را نداشته و تنها در دوره‌های جنگ و ناامنی بر جمعیت ساکن در آن افزوده می‌شده (وجود محوطه‌های تاریخی و اسلامی در حاشیه رودخانه‌ها) و در دوره‌های صلح و آرامش جمعیت مازاد آن به سمت دشت‌ها و سایر نقاط گسیل می‌شدند. دره شام علاوه بر موقعیت جغرافیایی از نظر مراکز مذهبی نیز در طول تاریخ به‌ویژه در دوره ایلخانان مغول و بنا بر سیاست‌های مذهبی آنان حائز اهمیت بوده و مراکز مذهبی بزرگ و فراوانی در تمامی نقاط آن به‌خصوص در حوالی رودخانه‌ها و ارتفاعات به چشم می‌خورد که از جمله آن‌ها می‌توان به آرامگاه جرجیس پیامبر و محل‌هایی موسوم به خضر و الیاس که هر دو از پیامبران الهی هستند، کلیسای سنت استپانوس مقدس، کلیسای چوپان، کلیسای ننه مریم و قره کلیسا اشاره کرد. با انجام بررسی‌های باستان‌شناسی در این منطقه به درکی وسیع از نقش محیط و نوسانات اقلیمی با شناسایی محوطه‌های باستانی، مطالعه الگوهای استقراری و بررسی خصوصیات توپوگرافی محوطه‌ها از کهن‌ترین استقرارهای انسانی در منطقه و توزیع مکانی استقرارها، اندازه و عملکرد و رابطه بین آن‌ها و تغییرات در طول دوره‌های استقراری رسیده شد. همچنین برای درک بهتر الگوهای استقراری این حوزه‌های فرهنگی از شاخص‌های محیطی همچون منابع آب، بارش، ارتفاع، شیب، اقلیم، پوشش گیاهی و کاربری اراضی و از مشخصات محوطه‌ها شامل وسعت، دوره‌بندی، پراکندگی آن‌ها با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی و روش آماري استفاده شد. روند فوق باعث شد تا شرایط جغرافیایی



پژوهشکده باستان‌شناسی، دکتر یوسف داداش‌زاده معاونت محترم فرهنگی - اجتماعی منطقه آزاد تجاری ارس، آقای مهدی عباسی مدیریت وقت گردشگری منطقه آزاد تجاری ارس و تیم بررسی باستان‌شناسی دره شام که با تمامی مشکلات و سختی‌ها همواره پشتیبان و یاری‌رسان من بودند سپاسگزارم.

کتاب‌نامه

عبادی، مهدی ۱۳۸۷ "تأملی در تسامح مذهبی مغولان در ایران"، *مجله تاریخ و تمدن اسلامی*، شماره هشتم، صص ۸۰-۶۵.

هویان، آندرانیك

۱۳۸۲ *کلیساهای ارمنیان/ایران*، تهران: اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی.

و زیست‌محیطی منطقه، تأثیرات قابل‌توجهی بر پراکندگی محوطه‌ها و شکل‌گیری فرهنگ‌های پیش‌ازتاریخ، تاریخی و اسلامی با توجه به قرارگیری‌شان در مسیر ارتباطات تجاری و با توجه به شرایط راهبردی دشت‌های حاصلخیز و وجود منابع آب فراوان چون رودهای ارس و قیزیل‌چای و دیگر شریان‌های آبی در منطقه داشته باشد. ساکنان این استقرارها در حاشیه این رودها چگونه توانسته‌اند روابط درون منطقه‌ای و برهمکنش‌های فرامنطقه‌ای خود را شکل داده که در طی هزاران سال منجر به تکوین و گسترش و پیشرفت فرهنگ‌ها و تمدن‌های باستانی در این حوزه فرهنگی شود.

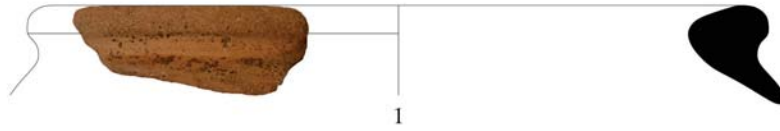
سپاسگزاری

از جناب آقای دکتر بهروز عمرانی، رئیس پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، دکتر روح‌اله شیرازی رئیس پژوهشکده باستان‌شناسی، دکتر سیامک سرلک معاون اجرایی



تصویر ۱. موقعیت جغرافیایی و توپوگرافی دره شام بر روی تصویر ماهواره‌ای (www.google.com, 2020)





1



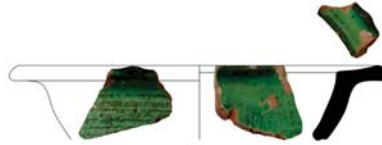
18



2



3



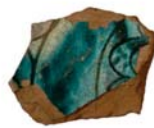
7



9



8



14



15



0 5cm
Kohneh Kand/C.007

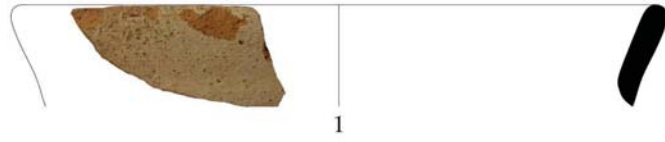
طرح ۱. طرح‌ها و تصاویر سفال‌های محوطه کهنه‌کند (کد محوطه ۰۰۷)



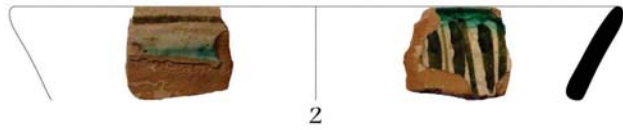
شماره	قطعه	ساخت	پخت	رنگ خمیره	شاموت	کیفیت		پوشش سطح		تزیین و توضیحات
						بیرون	درون	بیرون	درون	
۱	لیه	چرخ‌ساز	کافی	نارنجی	شن، ماسه، دانه‌های سفید و برقی	متوسط	متوسط	پوشش غلیظ نخودی	پوشش غلیظ نخودی	-
۲	لیه	چرخ‌ساز	کافی	قهوه‌ای	شن، ماسه	ظریف	ظریف	لعاب سفید	لعاب سفید	هر دو سطح نقاشی زیرلعاب هندسی به رنگ سبز تیره و روشن
۵	لیه	چرخ‌ساز	کافی	نارنجی	شن، ماسه، دانه‌های سفید	ظریف	ظریف	لعاب سفید	لعاب سفید	هر دو سطح نقاشی زیرلعاب هندسی به رنگ سبز تیره و روشن
۸	لیه	چرخ‌ساز	کافی	نارنجی روشن	شن، ماسه	ظریف	ظریف	لعاب آبی کمرنگ	ز	سطح درون نقاشی زیرلعاب هندسی به رنگ سبز
۱۹	بدنه	چرخ‌ساز	کافی	قهوه‌ای	ماسه	متوسط	ظریف	-	پوشش غلیظ نخودی	سطح بیرون تزیین شانه‌ای افقی، عمودی و موج
۲۰	بدنه	چرخ‌ساز	کافی	نخودی تیره	ماسه	متوسط	ظریف	-	لعاب سفید	سطح بیرون نقاشی زیرلعاب هندسی به رنگ بنفش
۲۴	بدنه	چرخ‌ساز	کافی	نارنجی	شن، ماسه	متوسط	ظریف	لعاب آبی کمرنگ	-	سطح درون نقاشی زیرلعاب هندسی، حیوانی به رنگ‌های سبز و بنفش
۲۷	بدنه	چرخ‌ساز	کافی	نخودی تیره	شن، ماسه	متوسط	ظریف	لعاب سفید	-	سطح درون نقاشی زیرلعاب هندسی به رنگ‌های سبز و آبی
۲۸	بدنه	چرخ‌ساز	کافی	قهوه‌ای	شن، ماسه	متوسط	متوسط	لعاب زرد تیره	-	سطح درون تزیین کنده زیرلعاب هندسی به رنگ قهوه‌ای
۴۰	کف	چرخ‌ساز	کافی	نخودی	شن، ماسه	ظریف	متوسط	لعاب سیاه	پوشش غلیظ نخودی	سطح درون نقاشی زیرلعاب هندسی به رنگ بنفش

جدول ۲. مشخصات فنی سفال‌های محوطه زربین ۲ (کد محوطه ۰۳۴)

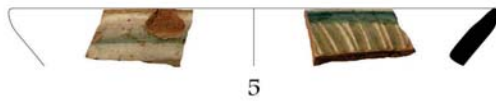




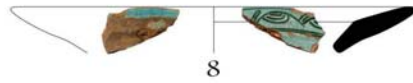
1



2



5



8



19



20



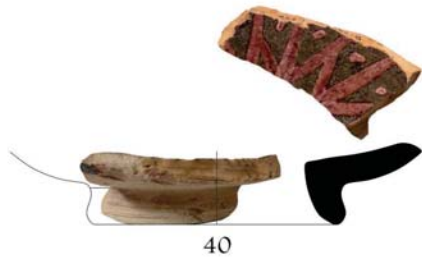
24



27



28

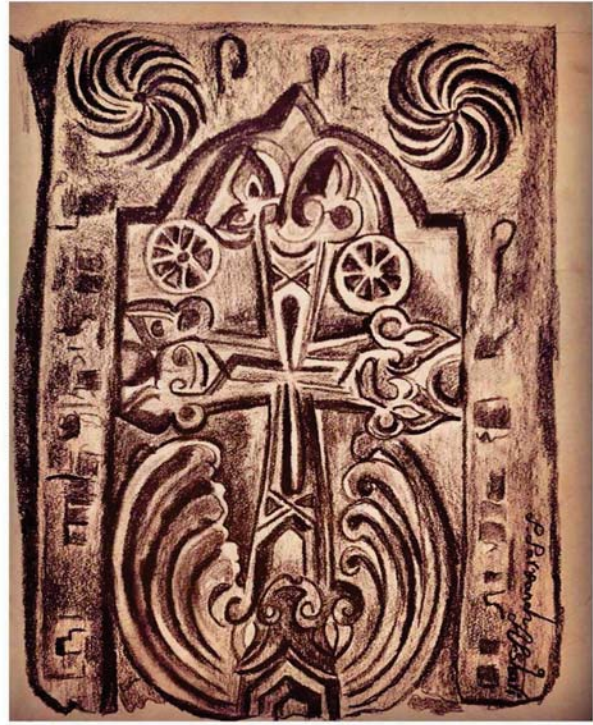
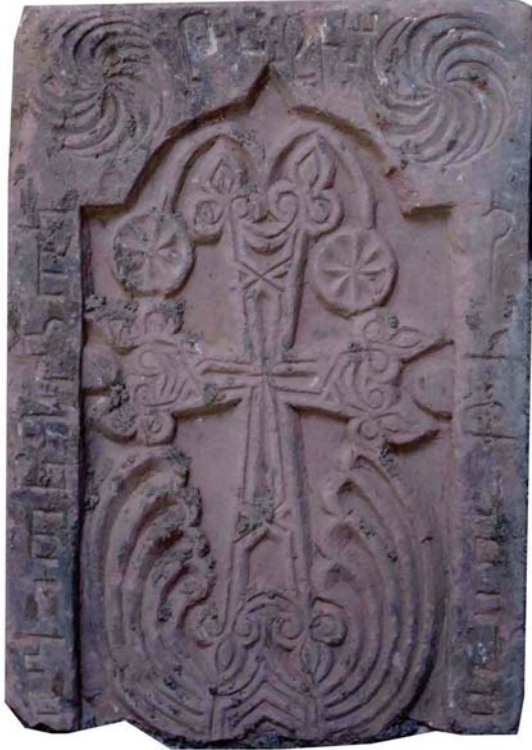


40

0 5cm
Zarabin 2/C.034

طرح ۲. طرح‌ها و تصاویر سفال‌های محوطه زربین ۲





طرح ۳. طرح‌ها و تصاویر خاچکارهای (سنگ‌های صلیبی) کلیسای ننه مریم



بررسی استقرارهای هخامنشی دشت رامهرمز جهت تکمیل نقشه باستان‌شناسی

لیلا افشاری^{*}، ثریا افشاری و وحید عزیزی‌آبی

درآمد

دشت رامهرمز در لبه جنوب‌شرقی استان خوزستان قرار دارد. موقعیت این دشت نشان می‌دهد که تحول آن بر اثر ارتباط فرهنگی و اقتصادی دشت شوشان با مرکز جمعیتی زاگرس به‌ویژه منطقه انشان در فارس بوده است (شیشه‌گر و دیگران ۱۳۹۵: ۳۰). اهمیت دشت رامهرمز در بخشی از سرزمین اصلی عیلام یعنی در مرکز شرق خوزستان با محوطه‌های باستانی پرشمار آن و به‌عنوان پل ارتباطی میان نواحی شرقی و شمالی خوزستان، از دشت شوش تا ایذه و در جنوب‌شرقی به دشت ارجان و قرار گرفتن این دشت در مسیر دشت شوش به فارس و مروشدت و هم‌جواری آن با مناطق فرهنگی شرق آن در کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال و بختیاری در شمال‌شرقی، اهمیت پژوهش‌های میدانی و غیرمیدانی در این دشت را به‌خوبی آشکار می‌کند (شیشه‌گر ۱۳۹۳: ۵۶۱). از میان مناطق باستانی در حوزه جنوب‌غرب ایران، کمترین پژوهش باستان‌شناختی در منطقه رامهرمز انجام شده است. این کمبود اطلاعاتی مهم‌تر جلوه می‌کند هنگامی که دریاپیم این دشت از دوران پیش‌ازتاریخ نقشی مهم در برقراری ارتباط بین حکومت‌های جلگه و کوهستان ایفا کرده است (علیزاده و دیگران ۱۳۹۵: ۵). نخستین پژوهش‌های باستان‌شناسی در دشت رامهرمز به مطالعات مک کاون در دهه ۱۹۴۰ باز می‌گردد (McCown, 1949, 1954). سایر پژوهش‌های انجام شده شامل کاوش آزمایشی در تل برمی است که توسط علی‌اکبر سرفراز انجام شد اما هرگز گزارشی از آن چاپ نشد (علیزاده ۱۳۹۵: ۶). تا پیش از بررسی رایب و کارتر یک گزارش کوتاه نیز توسط کالدول درباره سفال‌های گمانه پله‌ای و گمانه میخ چوبی تل گسر منتشر شد (Caldwell 1968) پس از آن این منطقه در

سال ۱۹۶۹ توسط هنری رایب و کارتر مورد بررسی قرار گرفت و نتایج آن در سال ۲۰۰۳ منتشر شد (Wright and Carter 2003). در سال ۱۳۴۲ آقای آندرانیک هویان نیز یک بررسی در کناره رود صندلی انجام داد، اما گزارش چاپ شده‌ای از این بررسی در دست نیست. دونالد ویتکام در سال ۱۹۷۱، پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را بر داده‌های گسر متمرکز کرد اما آن‌ها را چاپ نکرد (علیزاده ۱۳۹۵: ۶). آخرین بررسی دشت رامهرمز در سال ۱۳۸۵ به سرپرستی لیلی نیاکان و عباس علیزاده انجام شد که نتایج آن در سال ۲۰۱۴ به چاپ رسید (Alizadeh et al. 2014; نیاکان و علیزاده ۱۳۸۶). در بررسی‌های دشت رامهرمز بیشتر به آثار و استقرارهای دوران پیش‌ازتاریخ و عیلامی توجه شده و استقرارهای هخامنشی این دشت چندان موردتوجه قرار نگرفته است، این در حالی است که این منطقه از نظر ارتباطات فرهنگی و اقتصادی بین مناطق مختلف در دوره هخامنشی دارای اهمیت زیادی بوده است، به همین منظور و به دلیل اهمیت فراوان منطقه در پاسخ‌دهی به سؤالات موجود در زمینه ارتباطات فرهنگی و اقتصادی منطقه زاگرس و لزوم تکمیل مطالعات قبل، برنامه بررسی استقرارهای هخامنشی دشت رامهرمز برای تکمیل نقشه باستان‌شناسی با مجوز صادره از سوی پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری به شماره ۹۸۱۰۳۶۱۱ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۴ و حمایت‌های مالی دانشگاه آتاترک شهر ارزروم ترکیه و همکاری سازمان میراث‌فرهنگی و گردشگری شهرستان رامهرمز از ۱۳۹۸/۱۱/۱۷ لغایت ۱۳۹۸/۱۲/۳۰ انجام شد. در نتیجه بررسی‌های باستان‌شناختی انجام شده در دشت رامهرمز ۳۸ محوطه باستانی شناسایی شد که بعضی از آن‌ها تک دوره‌ای و فقط متعلق به دوره هخامنشی و دیگر محوطه‌ها دارای توالی استقراری از دوران پیش‌ازتاریخ تا دوران اسلامی بودند.



موقعیت و توصیف منطقه مورد بررسی

شهرستان رامهرمز در شرق استان خوزستان مرکب از بخش‌های مرکزی، رامشیر، هفتگل و مشتمل بر چندین دهستان است که شهر رامهرمز مرکز آن است (شیشه‌گر ۱۳۹۳: ۱۶). رامهرمز در شمال و شمال‌غرب به مناطق مسجدسلیمان و شوشتر، در شمال‌شرقی به باغ‌ملک و ایذه، در شرق به می‌داود و در غرب و جنوب‌غربی به مناطق اهواز و رامشیر محدود شده است (علیزاده ۱۳۹۵: ۹). نواحی شرقی این شهرستان به ارتفاعات زاگرس منتهی می‌شود (جعفری ۱۳۷۹، ج ۳: ۵۹۹). دشت رامهرمز در منطقه وسطای دشت خوزستان قرار گرفته است (نگهبان ۱۳۹۰: ۳۲-۳۴). مساحت شهرستان رامهرمز ۴۲۵۷ کیلومتر مربع و وسعت جلگه یا دشت آن بین ۴۰۰ تا ۶۲۰ کیلومتر ذکر شده است (شیشه‌گر ۱۳۹۳: ۱۶). این دشت و دشت‌های میان‌کوهی مجاور آن، یعنی بهبهان و زهره، نه تنها بخشی از راه ارتباطی و منطقه حائل فرهنگی بین کوهستان و دشت‌های پست خوزستان را تشکیل می‌دهند بلکه وسیع‌ترین منطقه قابل کشت در جنوب‌شرقی خوزستان هستند. بخش اعظم این دشت متشکل از یک نظام سنگلاخی و فعال و بخشی از ناودیس بزرگی است که بلافاصله پس از کوهپایه‌های زاگرس قرار دارد (نقشه ۱) (نیاکان و علیزاده ۱۳۸۶، ج ۲: ۳۹۷).

روش بررسی

بررسی باستان‌شناسی حوزه فرهنگی دشت رامهرمز به صورت پیمایشی با استفاده از نقشه‌های توپوگرافی با مقیاس ۱/۵۰۰۰۰ و نیز عکس‌های هوایی که از سازمان نقشه‌برداری کشور تهیه شده بود، انجام شد. همچنین با استفاده از دستگاه یابنده مختصات (GPS)، مختصات جغرافیایی و بلندی هر محوطه از سطح دریا ثبت می‌شود. در شناسایی محوطه‌های باستانی، هرگونه پشته یا برآمدگی بر سطح زمین همچون تپه، بقایای قابل مشاهده معماری و نیز هرگونه آثار مشخص و منظم از خطوط سنگ‌چین و مشابه آن و گورستان مورد بررسی قرار گرفت. مرکز هر محوطه جهت ثبت مختصات جغرافیایی آن در نظر گرفته شده، آنگاه بر روی نقشه قرار می‌گرفت. اشیاء و مواد فرهنگی سطحی به‌طور اتفاقی از هر محوطه نیز با انگیزه بازسازی تاریخ نسبی استقرار در هر محوطه جمع‌آوری شد. برای نام‌گذاری و شناسایی محوطه‌های باستانی منطقه با استفاده از روش پیشین دیگر هیئت‌های باستان‌شناسی، علاوه بر نام محلی از حروف اختصاری RH/ 2020 استفاده شد که حروف RH به معنای رامهرمز است.

یافته‌ها

بررسی باستان‌شناسی دشت رامهرمز منجر به شناسایی ۳۸ محوطه باستانی از دوران پیش از تاریخ تا دوران اسلامی شد که ۳۶ محوطه طی بررسی‌های پیشین ثبت شده بود که مورد بازنگری قرار گرفت و ۲ محوطه نیز برای نخستین بار شناسایی شدند. از میان ۳۶ محوطه باستانی که در بررسی‌های پیشین ثبت شده بود تنها در ۱۷ محوطه بقایای دوره هخامنشی شناسایی شده بود در صورتی که در این فصل نشانه‌های حضور هخامنشیان در هر ۳۸ محوطه باستانی مشاهده شد. در نتیجه بررسی انجام شده یافته‌های فرهنگی متنوعی به دست آمد. این یافته‌های فرهنگی از جمله آثار ارزنده‌ای هستند که علاوه بر اهمیت آن‌ها در امر گاهنگاری محوطه‌های باستانی نقش چشم‌گیری در روشن شدن زوایای تاریک و فراموش شده منطقه دارند. طی بررسی باستان‌شناسی دشت رامهرمز یافته‌های فرهنگی که از سطح محوطه‌ها به دست آمدند شامل قطعات شکسته سفال، ظروف شکسته سنگی و تعدادی ابزار سنگی است. همچنین در سطح برخی از محوطه‌ها بقایای معماری که با استفاده از مصالح قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای ساخته شده بودند نیز مشاهده شد (نقشه ۲؛ تصاویر ۱-۲) (طرح ۱-۲).

نتیجه‌گیری

منطقه مورد بررسی با وجود منابع فراوان آب، چشمه‌های طبیعی، رودخانه‌ها و همچنین استعدادهای کشاورزی شرایط ایده‌آلی را برای شکل‌گیری محوطه‌ها و استقرارهای انسانی در طول تاریخ به‌ویژه در دوره هخامنشی فراهم آورده است. یافته‌ها و مشاهدات بررسی دشت رامهرمز این موضوع را آشکار می‌کند که دشت مذکور نیز به‌مانند سایر مناطق هم‌جوار مطالعه شده دارای ویژگی‌های خاص خود از نظر وجود آثار باستان‌شناختی و به تبع آن دارای ارزش‌های فرهنگی است. وضعیت و ویژگی محوطه‌های شناسایی‌شده حاکی از اهمیت این دشت برای مطالعات باستان‌شناسی دوره هخامنشی و همچنین انتقال فرهنگ عیلام نو به دوره هخامنشی دارد.

سپاسگزاری

از جناب آقای دکتر بهروز عمرانی رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، دکتر روح‌اله شیرازی رئیس پژوهشکده باستان‌شناسی، دکتر سیامک سرلک معاون اجرایی پژوهشکده باستان‌شناسی و همچنین از تیم بررسی باستان‌شناسی دشت رامهرمز که با تمامی مشکلات و سختی‌ها همواره پشتیبان و یاری‌رسان بنده بودند سپاسگزارم.



کتابنامه

جعفری، عباس

۱۳۸۹ گیتاشناسی ایران، جلد سوم، دائرةالمعارف جغرافیایی ایران، تهران: موسسه جغرافی و کارتوگرافی گیتاشناسی.

شیشه‌گر، آرمان

۱۳۹۳ آرامگاه دویانوی عیلامی از خاندان شاه شوتور نهنوته پسرایندد دوره عیلام نو، مرحله ۳ ب (حدود ۵۸۵ تا ۵۳۹ پ.م)، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

علیزاده، عباس، لقمان احمدزاده و مهدی امیدفر

۱۳۹۵ سیستم‌های استقرار و فرهنگ‌های باستانی دشت رامهرمز جنوب غربی ایران (نتایج کاوش در تل گسر و بررسی منطقه‌ای رامهرمز)، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

نیاکان، لیلی و عباس علیزاده

۱۳۸۶ "گزارش مقدماتی بررسی مشترک باستان‌شناختی زیست‌محیطی پژوهشکده باستان‌شناسی و موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو در دشت رامهرمز، شهریور ۱۳۸۵"، مجموعه مقالات نهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، جلد دوم، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی.

نگهبان، عزت ا....

۱۳۹۰ شوش یا کهن‌ترین مرکز شهرنشینی جهان، تهران: سبحان نور با همکاری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

Alizadeh, Abbas, Loghman Ahmadzadeh and Mehdi Omidfar

2014 *Ancient Settlement Patterns and Cultures in the Ram Hormuz Plain, Southwestern Iran: Excavation at Tall-e Geser and Regional Survey in the Ram Hormuz Area*, Chicago: Oriental Institute Publications 140.

Caldwell, Joseph, R.

1968 "Tell-i Ghazir", *Reallexikon der Assyriologie und Vorderasiatischen Archäologie* 3: 348-355.

McCown, Donald, E.

1949 "The Iranian Project", *American Journal of Archaeology* 53/1: 54.

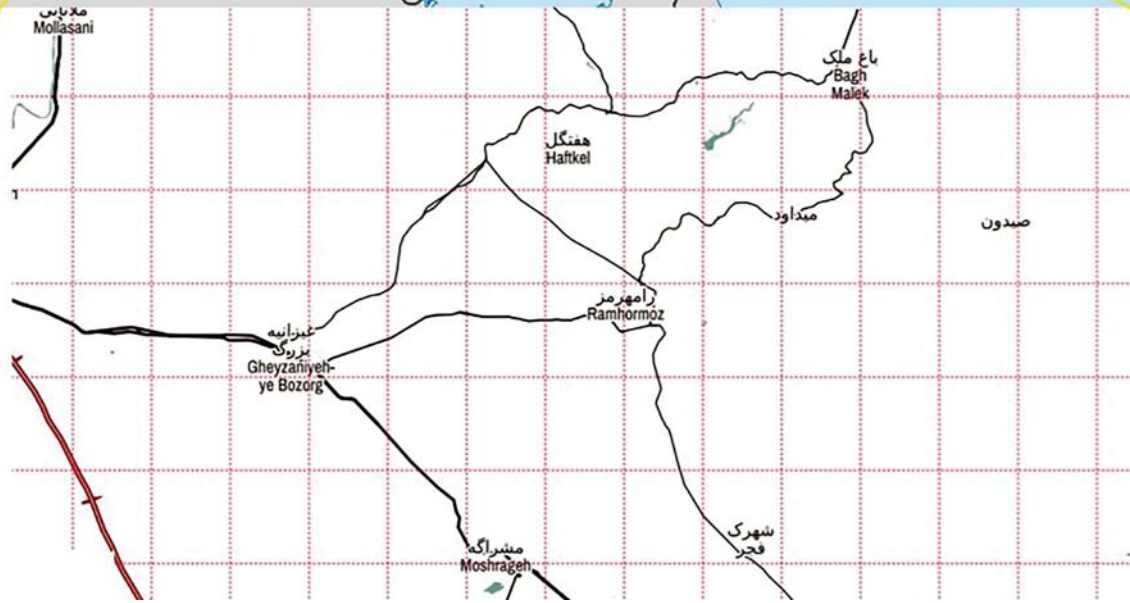
McCown, Donald, E.

1954 "The Relative Stratigraphy and Chronology of Iran", *In Relative Chronologies in Old World Archaeology*, edited by Robert W. Ehrlich, Chicago: University of Chicago Press, 56-67.

Wright, Henry, T. and Elizabeth Carter

2003 "Archaeological Survey on the Western Ram Hormuz Plain, 1969", In *Yeki Bud, Yeki Nabud: Essays on the Archaeology of Iran in Honor of William M. Sumner*, edited by Naomi F. Miller and Kammyar Abdi, Cotsen Institute of Archaeology Monograph 48. Los Angeles: University of California Press, 61-82.





نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی دشت رامهرمز





تصویر ۱. نمایی کلی از تپه ماوا، دشت رامهرمز

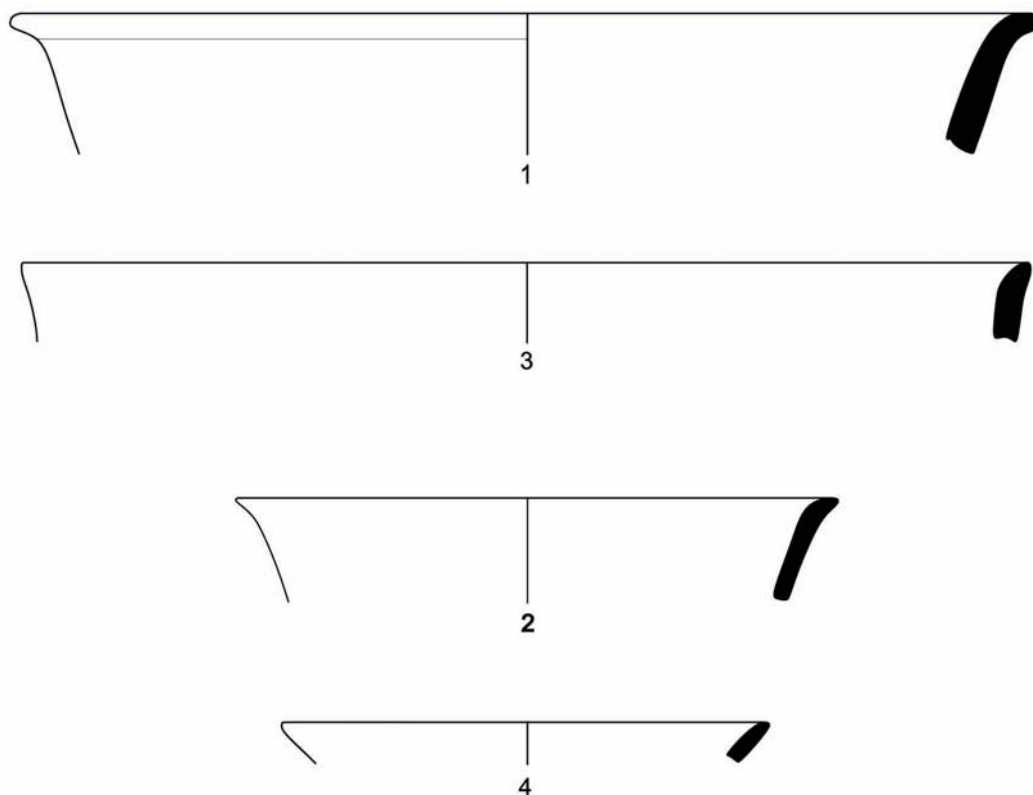


تصویر ۲. نمایی کلی از تل گسر، دشت رامهرمز



جدول ۱. مشخصات فنی سفال‌های هخامنشی تپه ماوا (کد محوطه ۰۴۰)

شماره	قطعه	ساخت	پخت	رنگ خمیره	شاموت	کیفیت		پوشش سطح	
						بیرون	درون	بیرون	درون
۱	لبه	چرخ‌ساز	کافی	نخودی تیره	کاه، دانه‌های براق	متوسط	متوسط	پوشش غلیظ قرمز مایل به قهوه‌ای	پوشش غلیظ قرمز مایل به قهوه‌ای
۲	لبه	چرخ‌ساز	کافی	قهوه‌ای روشن	کاه	متوسط	متوسط	پوشش رقیق قهوه‌ای	پوشش رقیق قهوه‌ای
۳	لبه	چرخ‌ساز	کافی	نخودی	کاه	متوسط	متوسط	-	پوشش غلیظ قرمز قهوه‌ای
۴	لبه	چرخ‌ساز	کافی	قهوه‌ای روشن	کاه، دانه‌های براق	متوسط	متوسط	-	پوشش غلیظ قرمز قهوه‌ای

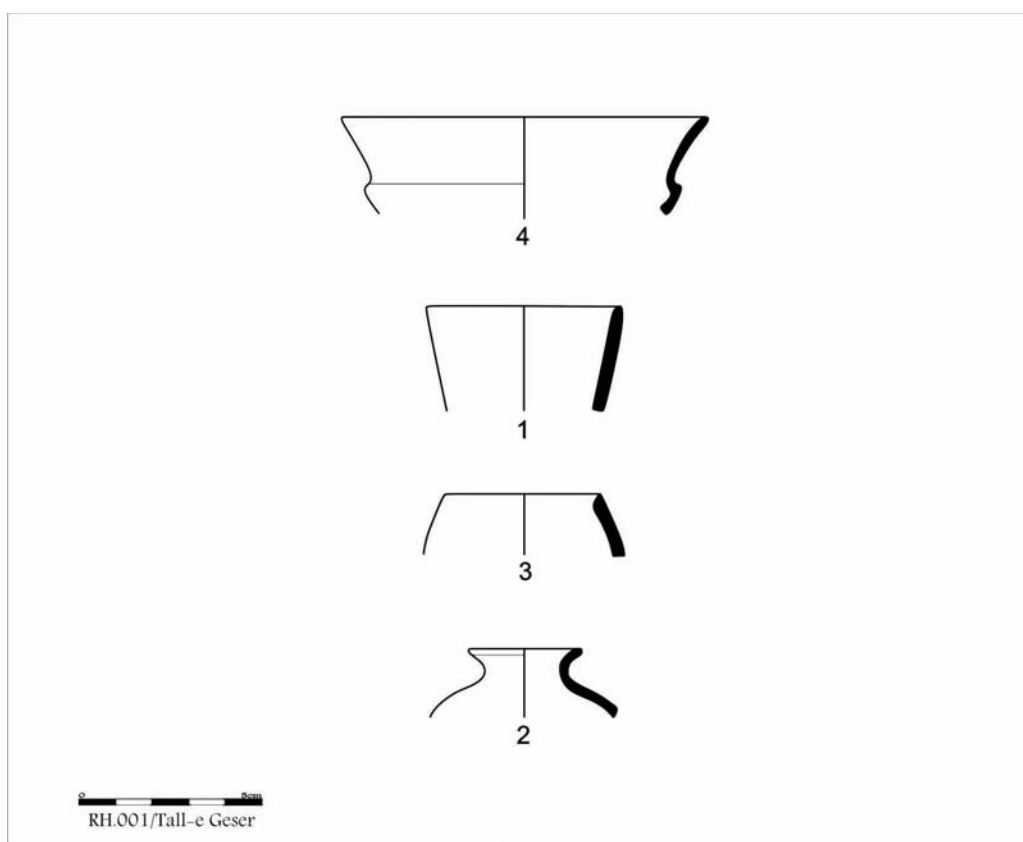


طرح ۱. طراحی فنی سفال‌های هخامنشی تپه ماوا



جدول ۲. مشخصات فنی سفال‌های هخامنشی تل گسر

شماره	قطعه	ساخت	پخت	رنگ خمیره	شاموت	کیفیت		پوشش سطح	
						درون	بیرون	درون	بیرون
۱	لبه	چرخ‌ساز	کافی	نخودی	کاه ریز و خرده‌های گچ	متوسط	متوسط	پوشش غلیظ قرمز قهوه‌ای	پوشش غلیظ قرمز قهوه‌ای
۲	لبه	چرخ‌ساز	کافی	نخودی	کاه	متوسط	متوسط	-	-
۳	لبه	چرخ‌ساز	کافی	نخودی	کاه و شن	متوسط	متوسط	-	-
۴	لبه	چرخ‌ساز	کافی	نخودی	شن و ماسه یز	ظریف	ظریف	پوشش غلیظ قرمز	پوشش غلیظ قرمز



طرح ۲. طراحی فنی سفال‌های هخامنشی تل گسر



گزارش بررسی محوطه‌های دارای شواهد فلزکاری کهن در دهستان گل‌گل کوه‌دشت لرستان

ثریا الیکای دهنو* و مرتضی گراوند

درآمد

بخش میانی سلسله جبال زاگرس از دیدگاه صنعت فلزکاری دارای اهمیت بسیار و به واسطه موقعیت خاص و شرایط زیست‌محیطی، از قدیمی‌ترین مراکز تولیدات آهنی بوده است. به‌طور کلی فراوانی و تنوع تکنیکی و فنی اشیا فلزی در این حوزه فرهنگی، گویای پیشرفت صنعت فلزکاری لرستان در دوره مفرغ و آهن است. وجود پسماندهای باقی مانده از فرایند ذوب فلز کهن در این منطقه خود دلیل ادعاست. با تعیین وضعیت فلزکاری باستان در این حوزه و بررسی و مطالعه پسماندها، مانند سرپاره، دیواره کوره و... همچنین بررسی کانسنگ‌های دارای آهن، برای شناسایی محل احتمالی معادن و تعیین سنگ فلز موردنیاز در محوطه‌های مورد بررسی می‌تواند به روشن کردن صنعت فلزکاری این حوزه فرهنگی کمک کند. برنامه فصل سوم بررسی و شناسایی محوطه‌های دارای شواهد فلزکاری کهن در دهستان گل‌گل کوه‌دشت با مجوز شماره ۹۸۱۰۳۰۳۷ پژوهشکده باستان‌شناسی از تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۰۱ در تکمیل فازهای پیشین انجام شد که طی این بررسی به مکان‌ها و محوطه‌های ذوب فلز بسیار محدودی دست یافتیم که نشان‌دهنده تمرکز کمتر فعالیت صنعتی در دهستان گل‌گل است. مکان‌های شناسایی‌شده، در جنوبی‌ترین بخش‌های دهستان گل‌گل یعنی در حد فاصل و مرز سیاسی کنونی دهستان کوه‌دشت جنوبی و شمالی‌ترین آن منطقه بلوران به‌طور پراکنده در دامنه ارتفاعات و بر روی تپه‌ماهورهایی که دارای شیب نسبی هستند شکل گرفته‌اند. در سطح و اطراف برخی از مکان‌های دارای شواهد فلزکاری، بقایایی مربوط به سازه‌های معماری دیده می‌شود که در بعضی از آن‌ها با استفاده از سنگ‌های آهکی به‌صورت خشکه‌چین ساخته شده است. به نظر می‌رسد سرپاره‌های جمع‌آوری شده از نوع سرپاره‌های آهنی هستند و نشان می‌دهد که در برهه‌ای از زمان در این منطقه فعالیت صنعتی هر چند به‌صورت بسیار

محدود وجود داشته است. با توجه به این نکته که مکان‌های شناسایی‌شده ارتباط چندانی با مکان‌های استقرار ندارند؛ ارائه گاهنگاری در ارتباط با مکان‌های دارای شواهد فلزکاری، نیازمند انجام مطالعات آزمایشگاهی است که نتایج نمونه‌های آزمایشگاهی هنوز مشخص نشده است. لیکن نتایج مطالعات آزمایشگاهی فصل اول دهستان جنوبی و فصل دوم دهستان شمالی کوه‌دشت نشان می‌دهد که به‌طور گسترده فعالیت صنعتی در این مناطق از دوره آهن II تا اواخر ساسانی و اسلامی رونق داشته است.

موقعیت منطقه مورد بررسی

شهرستان کوه‌دشت با مساحتی حدود ۳۹۰۴ کیلومترمربع در جنوب‌غرب استان لرستان قرار دارد. این شهرستان دارای چهار بخش، مرکزی، ترهان، درب گنبد و کونانی است (تصویر ۱) دهستان گل‌گل با وسعتی حدود ۳۳۵۰۰۸۱ کیلومترمربع یک منطقه کوهستانی و شامل جنگل‌های بلوط و در مرز زاگرس مرتفع و زاگرس چین‌خورده قرار گرفته است. کوه‌های منطقه در اثر کوه‌زایی آلیپی در زمان پلیوسن در نتیجه چین‌خوردگی نهشته‌های ژئوسینکلینال به‌صورت تاقدیس و ناودیس پدیدار شده‌اند و در جهت شمال‌غرب - جنوب‌شرق هستند. بالآمدگی کوه‌ها در دوره میوسن انجام شده و فرسایش و بالآمدگی‌ها، نهشته شدن حجم زیادی از رسوبات ماسه‌ای و شنی و قلوه‌سنگی را موجب شد که نتیجه آن سازند بختیاری است. رودخانه مادیان رود زه‌کشی اصلی منطقه سپیده گل‌گل است که در نهایت کلیه جریان‌های سطحی حوضه آبریز محدوده، به نام مادیان رود وارد رودخانه کشکان و سیمره می‌شوند. از نظر مطالعات زمین‌شناسی شهرستان کوه‌دشت یک منطقه رسوبی است و فاقد معادن و کانسار است که این وضعیت را به‌خوبی می‌توان در نقشه مناطق دارای پتانسیل معدنی مشاهده کرد (تصویر ۲)



شرح عملیات میدانی

فعالیت میدانی در دهستان گل‌گل با هدف دستیابی به محوطه‌های دارای شواهد فلزکاری کهن در کوهدشت بود که در راستای طرح مطالعه و پژوهش پیرامون معدن کاری و فلزکاری کهن در حوزه فرهنگی لرستان انجام شد. به علت فقدان مطالعات و پژوهش‌های میدانی در ارتباط با صنعت فلزکاری کهن در لرستان، اطلاعاتی از چگونگی محوطه‌های صنعتی منطقه در دست نیست. لذا به‌طور کلی طرح شناسایی محوطه‌های دارای شواهد فلزکاری کهن با اهداف مقدماتی و پژوهش ذیل انجام شده است.

۱. شناسایی محوطه‌های دارای شواهد فلزکاری در حوزه فرهنگی لرستان

۲. مطالعه سرباره‌ها برای تشکیل بانک اطلاعاتی به‌منظور شناسایی معادن احتمالی

۳. مطالعه و طبقه‌بندی سرباره‌های جمع‌آوری شده

۴. درک سیستم تأمین مواد خام اولیه از منابع تولید مرکزی

۵. شناخت و درک ارتباطات و تأثیرات و توسعه فرهنگی و تکنولوژیکی و صنعتی.

هدف این بررسی شناخت محوطه‌های مرتبط با صنعت فلزکاری در منطقه بود؛ بنابراین با توجه به این که اطلاعاتی در ارتباط با پراکنش محوطه‌ها، چگونگی شکل‌گیری و موقعیت قرارگیری آن‌ها در دهستان نداشتیم بر پایه نقشه توپوگرافی ۱/۲۵۰۰۰ و با پیمودن جاده، بازدید از روستاها، محوطه‌های باستانی، منابع آب (چشمه‌ها و آبکنده‌های فصلی) اقدام به شناسایی محوطه‌های سرباره‌ای کردیم. در این راستا برای سرعت بخشیدن به کار میدانی و کسب اطلاعات بیشتر از ساختار و پراکنش محوطه‌های سرباره‌ای هیئت با کسب اطلاعات از کشاورزان و افراد محلی سعی در شناسایی محوطه‌هایی را داشت که با توجه به موقعیت جغرافیایی منطقه، امکان دستیابی به آن‌ها مقدور نبود. این احتمال وجود دارد که برخی از محوطه‌ها به علت تسطیح شدن آن‌ها به‌واسطه فعالیت‌های عمرانی و کشاورزی و تغییرات انجام شده در ساختار مورفولوژی منطقه از نظر افتاده باشند. در این مرحله از بررسی، پس از توصیف مناطق شناسایی شده، اقدام به جمع‌آوری سرباره‌ها کردیم. سرباره‌های جمع‌آوری شده از سطح محوطه‌ها اندازه‌گیری، عکاسی، پشت‌نویسی و کدگذاری و نمونه‌هایی برای آنالیز عنصری انتخاب شد. از بررسی دهستان گل‌گل کوهدشت، تعداد محدودی محوطه و مکان سرباره‌ای^۱ حاصل از فعالیت‌های صنعتی شناسایی شد. محوطه‌های سرباره‌ای شناسایی شده با توجه به مورفولوژی منطقه، بر روی

۱. سرباره‌ها، تفرقه‌های سیلیکاته ناشی از فرایند ذوب هستند. سرباره‌ها را به‌صورت یک سیلیکات مذاب و یا به‌صورت مخلوطی از چند سیلیکات دیده می‌شوند (مامی ۱۳۸۳).

تپه‌ماهورها و پستی بلندی‌های دامنه ارتفاعات، واقع شده‌اند. در نزدیکی و مجاورت مکان‌های شناسایی شده، معمولاً آبکنده‌های فصلی و گاهی چشمه‌های دائمی وجود دارد. وسعت محوطه‌های شناسایی شده با توجه به پراکنش سرباره‌ها در سطح آن بین ۱۵ - ۲۰ متر با یکدیگر متغیر است.

از آنجایی که محوطه‌های سرباره‌ای بر روی بسترهای طبیعی شیب‌دار شکل گرفته‌اند، این تفاوت ابعاد، بیشتر ناشی از پراکنش سرباره‌ها در امتداد شیب و محیط پیرامونی آن‌هاست. در سطح و مجاورت برخی از محوطه‌ها ساختارهایی وجود دارد که با سنگ‌های قلوهای و لاشه‌سنگ‌ها به‌صورت خشکه‌چین بر روی هم چیده شده‌اند (تصویر ۳) این ساختارها اگرچه در وضع موجود به‌هم‌ریخته و تخریب شده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد در برهه‌ای از زمان مرتبط با فعالیت‌های صنعتی بوده است. محوطه‌های شناسایی شده از هم فاصله چندانی ندارند و به نظر می‌رسد یکی از دلایل نزدیکی کارگاه‌ها به یکدیگر و شکل‌گیری آن‌ها در دامنه ارتفاعات، تأمین مواد خام موردنیاز بوده است. هر چند در بخش اصلی دهستان گل‌گل به مکان و یا محوطه سرباره‌ای دست نیافتیم. این احتمال وجود دارد که صاحبان این کارگاه‌ها در شمالی‌ترین و بخش جنوب‌شرقی این دهستان برای دستیابی به مواد خام، نیازمند استفاده از سنگ‌های حاوی ترکیبات آهن شامل کنگلومرا با درصد بالای آهن بوده‌اند که در سینه‌کش کوه‌های برخی مناطق یافت می‌شود (تصویر ۴) از بخش‌های دیگر دهستان گل‌گل هیچ‌گونه شواهدی از فعل‌وانفعالات مربوط به ذوب فلز به دست نیامده است.

نتیجه‌گیری

طی بررسی مکان‌ها و محوطه‌های دارای شواهد فلزکاری کهن در دهستان گل‌گل کوهدشت تنها ۴ مکان و محوطه سرباره‌ای شناسایی شد. سرباره‌های جمع‌آوری شده در دهستان گل‌گل از نوع سرباره‌های آهنی هستند (تصویر ۵) نمونه‌های جمع‌آوری شده در این فصل در دهستان گل‌گل از نظر ویژگی ظاهری و نوع سرباره همانند نمونه‌هایی هستند که در فصول پیشین (الیکای دهنو و گراوند ۱۳۹۶ و ۱۳۹۴) به دست آمدند. طی بررسی دهستان گل‌گل، نمونه‌هایی از سرباره‌ها با بافت شیشه‌ای و کنگلومرایی، کنگلومرایی و متخلخل و سرباره‌های توده‌ای و نیز جریانی به دست آمد. در بسیاری از سرباره‌ها ذرات آهنک وجود دارد که با توجه به مطالعات پتروگرافی بر روی نمونه‌های فصول پیشین، آهنک به‌عنوان کمک ذوب و پایین آوردن درجه ذوب مورد استفاده قرار گرفته است. در سطح مکان‌های شناسایی شده، جز تفرقه‌های ناشی از فعل‌وانفعالات ذوب، وجود نمونه‌هایی از آهن اسفنجی، قطعاتی از دیواره کوره، سرباره‌ای از اطراف لوله دم و سرباره‌های کف کوره، مواد فرهنگی که بتواند در ارتباط با گاهنگاری و بازه زمانی محوطه‌های شناسایی شده یاری رساند



کتابنامه

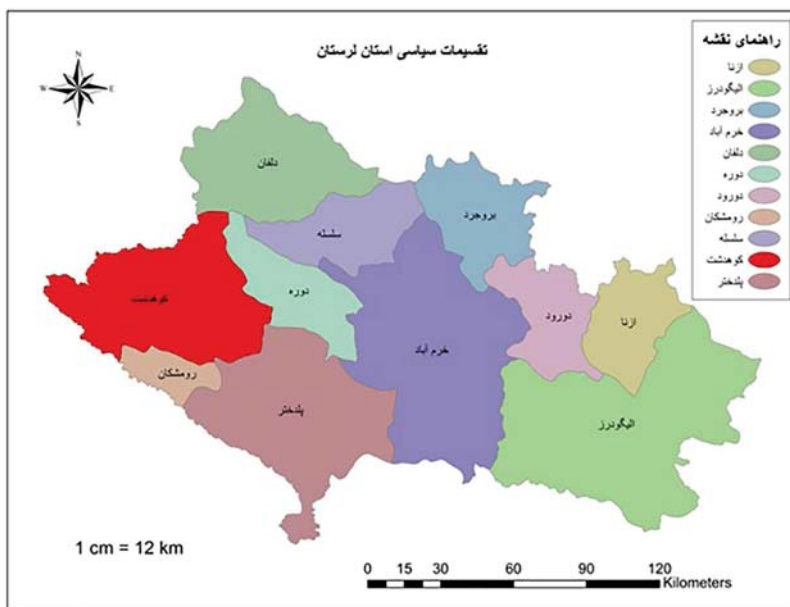
الیکای دهنو، ثریا و مرتضی گراوند
 ۱۳۹۶ گزارش بررسی و شناسایی محوطه‌های سرپاره‌ای دهستان کوه‌دشت
 شمالی، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی.

ملکی‌راد، زینب و همکاران
 ۱۳۹۴ "بررسی زمین‌شناسی دشت‌های لرستان و تأثیر آن بر کیفیت و کمیت
 منابع آب با استفاده از داده‌های ماهواره‌ای"، همایش منطقه‌ای زمین‌شناسی فلات
 ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرنده، ص ۴۱۷-۴۱۱.

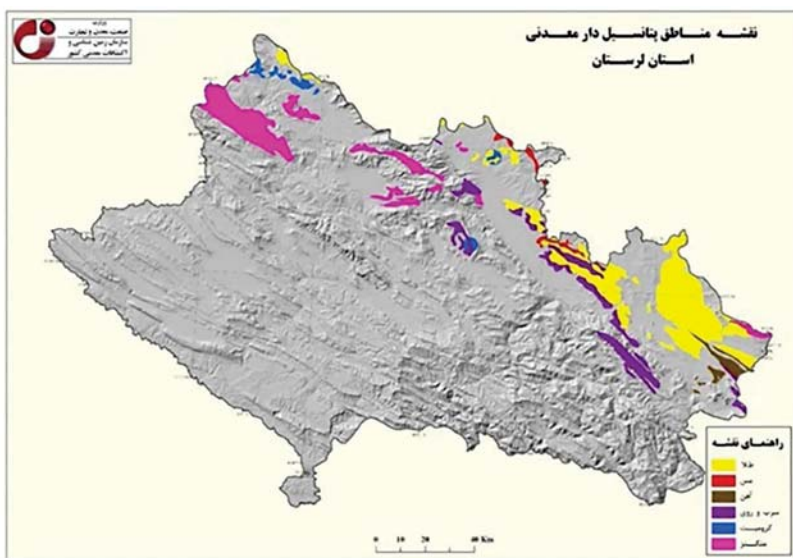
Elikay Dehno, S.; M. Emami M. Geravand

2017 "Ancient Metalworking in Southern kuhdasht County: A study
 of Smelting Slag from Botkhaneh Cave", *International Journal of the
 Society of Iranian Archaeologists for publication*, Vol. 3, pp. 88-96.

به دست نیامده است؛ اما محدود بودن مکان‌ها و محوطه‌ها در
 دهستان گل‌گل بیانگر عدم فعالیت‌های صنعت فلزکاری گسترده،
 مورد بحث است. برای دستیابی به بازه زمانی فعالیت‌های صنعتی
 در دهستان گل‌گل نمونه‌هایی از سرپاره‌ها در دست آنالیز عنصری
 و سالیابی قرار گرفته‌اند که نتایج آن هنوز مشخص نشده است.
 مطالعات آزمایشگاهی بر روی نمونه‌هایی از فصول پیشین نشان
 می‌دهد که فعالیت‌های فلزکاری ذوب و استحصال آهن در
 دوره‌های مختلف تاریخی تا اسلامی انجام شده است.

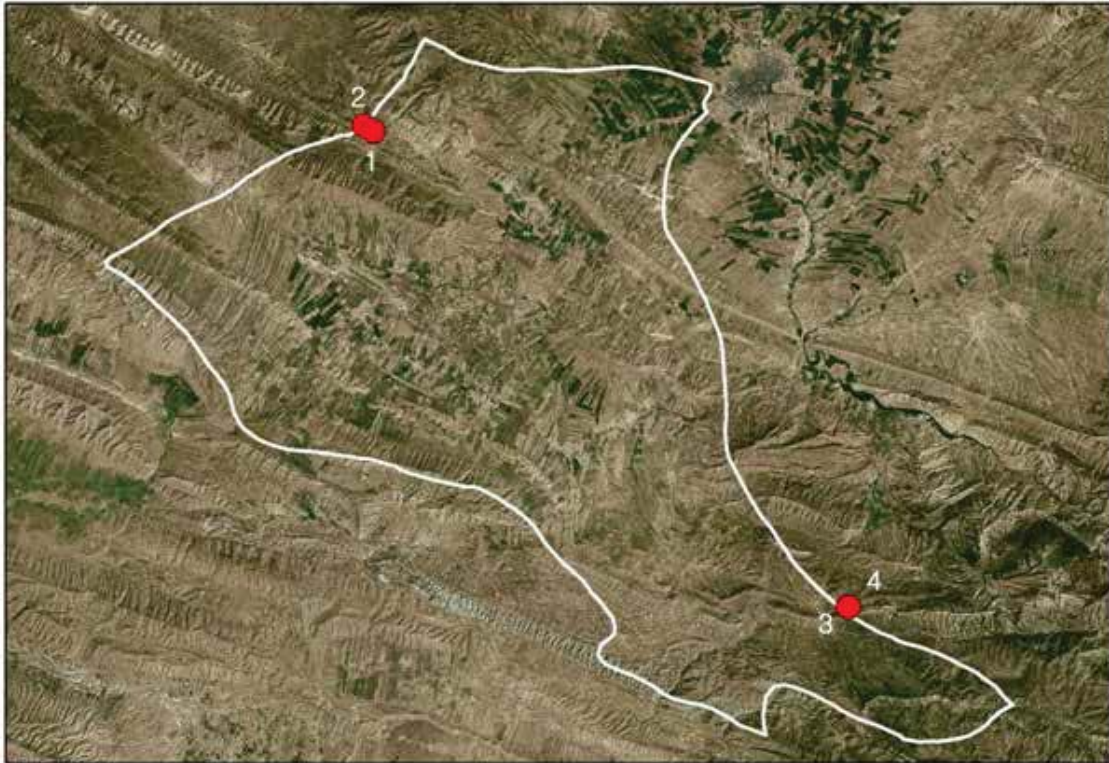


تصویر ۱. موقعیت شهرستان کوه‌دشت بر روی نقشه
 تقسیمات سیاسی استان



تصویر ۲. نقشه مناطق دارای پتانسیل معدنی استان





تصویر ۳. پراکنش محوطه‌های سرباره‌ای

NO.	NAME	Zone UTM	X	Y
1	بلین (Balin)	38S	727819	3711834
2	ناو شیراوند (Navch Shiravand)	38S	728155	3711630
3	پشته قلعه جغد 1 (Poshteh Ghaleh Joghhd)	38S	745411	3694351
4	پشته قلعه جغد 2 (Poshteh Ghaleh Joghhd)	38S	745446	3694342



تصویر ۴. سنگ‌های کنگلومرا حاوی ترکیبات آهن در دامنه کوه‌ها



تصویر ۵. منتخبی از سرباره‌های به‌دست‌آمده



فصل سوم کاوش باستان‌شناختی غار کلد

بهرروز بازگیر*

درآمد

فصل سوم کاوش باستان‌شناختی غار کلد را دو هدف یکی دستیابی به تاریخ‌نگاری لایه‌های پارینه‌سنگی میانه و دیگری تلاش برای دستیابی به فسیل انسانی طی دو مرحله از تاریخ ۱۳۹۸/۰۱/۱۷ تا ۱۳۹۸/۰۲/۱۹ و سپس از تاریخ ۱۳۹۸/۰۳/۳۱ تا ۱۳۹۸/۰۴/۳۰ با شماره مجوز ۹۸۱۰۴ آغاز و خوشبختانه دستیابی به هر دو هدف نیز محقق شد. نوشته حاضر شامل موقعیت و توصیف محوطه، شرح عملیات میدانی، یافته‌ها و نهایتاً نتیجه‌گیری است.

موقعیت و توصیف محوطه

غار کلد در منطقه حفاظت شده اداره کل محیط‌زیست استان لرستان در ارتفاع ۱۲۹۰ متری از سطح دریا قرار دارد. عمق غار حدود ۲۷ متر، عرض دهانه آن ۱۱ متر و ارتفاع آن از کف تا پیشانی غار ۷ متر است. کف داخل غار متشکل از نهشته‌های فرهنگی است. شیب دامنه ورودی غار ۱۶ درجه و حاوی ترکیبی از نهشته‌های فرهنگی-طبیعی، برون‌زده‌ها و آوارهای صخره‌ای است. رودخانه رباط که در ادامه مسیر به رودخانه خرم‌آباد تغییر نام می‌دهد از ۱ کیلومتری شرق اثر می‌گذرد. این محوطه در نزدیکی روستای قلعه‌سنگی (قلا بردی) در حدود ۸ کیلومتری شهرستان خرم‌آباد قرار دارد (تصویر ۱). این غار در تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۸۵ با شماره ۱۸۷۹۶ در لیست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

شرح عملیات میدانی

با استفاده از نقشه‌های تهیه شده در فصول پیش موقعیت گمانه و ترانше کاوش شده مشخص و سپس شبکه‌بندی جدید کف غار انجام شد. در این فصل از کاوش نقشه توپوگرافی پیشین برای مشخص کردن ترانشه جدید بر روی این نقشه استفاده شد (تصویر ۲). پیش از شروع کاوش کارگاه آموزشی ۳ روزه

فشرده‌ای برای اعضای تیم برای آشنایی کامل با روش کاوش برگزار شد. سپس آموزش ابزارشناسی، چگونگی ره‌گیری لایه‌های باستانی در کاوش به صورت محتوایی Contextual و آشنایی با سیر تکامل بشر از آفریقا، آسیا تا قاره اروپا با در نظر گرفتن نیاز هیئت برای به‌روزرسانی شدن تیم برگزار شد. پس از آن در دو نوبت کلاس باستان‌شناسی برای آشنایی بیشتر اعضای هیئت با گونه‌شناسی و شناخت ابزارها در لایه‌های باستانی برگزار شد. به‌منظور ثبت و ضبط تمامی مراحل کاوش، عکاسان و تصویربرداران حاذقی از ابتدا تا پایان کاوش برای مستندنگاری کاوش به خدمت گرفته شدند (تصویر ۳). پس از بررسی شرایط رسوبات فرهنگی نهشته‌شده در کف غار و باهدف دستیابی به فسیل انسانی که معمولاً در اعماق غارها قابل دستیابی هستند ترانشه‌ای با ابعاد ۱.۵×۱.۵ متر در دالان اول غار طراحی شد. در امتداد ترانشه‌های کاوش شده فصول پیش مربع‌های ترانشه جدید بدین ترتیب نام‌گذاری گردیدند: S1, S2, T1, T2. (تصویر ۴)؛ و سپس با اخذ مجوز از پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و پژوهشکده باستان‌شناسی به میزان ۵۰ سانتی‌متر از قسمت جنوب و شرق اجازه کاوش بیشتر داده شد که به نام‌های R1, R2, T1-1, T2-2 مشخص شدند (تصویر ۵). خاک‌برداری در ترانشه مذکور به دو روش مکمل متریک و محتوایی (Metric & Contextual) در قالب واحدهای ۳ و سپس ۵ سانتی‌متری انجام شد. برای ثبت و ضبط یافته‌های فرهنگی حاصل از کاوش از فرم‌های مخصوصی که حاوی اطلاعاتی شامل نام محوطه (Site name)، سال کاوش (Excavation year)، نام گمانه (Trench name)، نام مربع هر گمانه (Squar)، شماره لایه (Level No)، مواد (Material)، دسته/گروه (Category)، گونه گیاهی یا جانوری (Taxa)، مختصات یافته‌ها نسبت به محورهای X-Y، عمق فوقانی (Z Upper)، عمق تحتانی (Z Lower)، جهت قرارگیری یافته در رسوبات (Orientaion)، شیب قرارگیری یافته در رسوبات (DIP)، طول یافته (Length)، عرض یافته (Width)، قطر یافته



* موسسه دیرین‌بوم‌شناسی و تکامل اجتماعی بشر، تاراگونا، اسپانیا
behrouz.urv@gmail.com



(Thickness) و نهایتاً مشاهدات (Observations). اندازه‌گیری عمق هر یافته با استفاده از لیزر تاندولی اتوماتیک با درصد خطای تقریباً صفر ثبت شد. پس از ثبت و ضبط دقیق مواد فرهنگی مشاهده شده در حین کاوش، رسوبات مربوط به هر واحد ۵ سانتی‌متری در کیسه‌های مجزا با درج اطلاعات کامل از قبیل نام محوطه، نام مربع، عمق بالا و پائین و لایه برای انجام سرند خشک (Dry sieving) در لایه‌های هولوسن و سرند آبی (Water sieving/Wet sieving) در لایه‌های پلیستوسن به محل از قبل آماده شده که تانکر آب و کلیه وسایل سرند تعبیه شده بود انتقال و متعاقباً مورد بررسی قرار می‌گرفت. در سرند خشک سایزهای ۵/ و ۱/ و در سرند آبی سرندهایی با سایز ۱/، ۲/ و ۵/ میلی‌متر استفاده گردید. یافته‌های حاصل از این دو روش به دلیل عدم آگاهی از چگونگی قرارگیری آن‌ها نسبت به محورهای مختصاتی، به‌عنوان داده‌های مجهول مختصاتی یا به‌عبارتی دیگر داده‌های عمومی اما با آگاهی از مربع، لایه مربوطه و عمق دقیق در فرم‌ها ثبت شد. علاوه بر ثبت و ضبط دقیق داده‌ها، نمونه‌های متفاوتی از ابزارهای سنگی، زغال، استخوان، دانه‌های گیاهی و رسوبات لایه‌های مختلف برای انجام آنالیزهای در نظر گرفته شده گردآوری شد. علاوه بر روش متریک، با استفاده از روش محتوایی Contextual تیم ما موفق به رهگیری دقیق لایه‌ها بر اساس مقایسه و مطابقت لحظه‌به‌لحظه شواهد فرهنگی با عمق داده‌ها شد. ترانسه حاوی ۵ لایه نهشته‌شده با عمق نهایی ۲۰/۲ متر است. لایه ۱ که ما اصطلاحاً آن را Superfacial layer می‌نامیم با ضخامتی متغیر بین ۵ تا ۱۵ سانتیمتر حاوی آثار در هم آمیخته دوره اسلامی، تاریخی است. لایه ۲ با ضخامت تقریبی ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر در برگیرنده چندین زیر لایه با شواهد سفال‌های دوره مس و سنگ، مفرغ و آهن است. در همین لایه شاهد سفال‌های ابتدایی شبیه به نمونه‌های نوسنگی نیز هستیم اما با توجه به آشفتگی‌های موجود در این لایه نمی‌توان چندان در این خصوص اطلاعاتی ارائه داد. لایه ۳ که با تغییر رنگ و تراکم در عمق‌های پایین‌تر با ضخامت تقریبی ۲۵ تا ۳۰ سانتی‌متر است حاوی کف بستری روشن‌تر است دربرگیرنده مصنوعات سنگی دوره نوسنگی بدون سفال است. لایه بسیار نازک خاکستری و سپس لایه نازک آهکی این لایه را از لایه بعد مجزا می‌کند. لایه ۴ با ضخامت تقریبی ۳۵ تا ۴۵ سانتیمتر دربرگیرنده ۳ یونیت مختلف از نظر تنوع رنگ رسوبات است اما در هر سه یونیت مصنوعات سنگی پارینه‌سنگی جدید و همچنین تعدادی ابزار برادوستی/اریگناسی نیز مشاهده شد. لایه ۵ با ضخامتی حدود ۸۰ سانتی‌متر حاوی مصنوعات سنگی پارینه‌سنگی میانه است (تصویر ۶).

یافته‌ها

برجسته‌ترین یافته‌های این فصل کاوش شامل کشف فسیل انسانی در لایه ۴ (تصویر ۷)، مصنوعات شاخص سنگی موستری و لوآوا در لایه‌های پارینه‌سنگی میانه (تصویر ۸)، مصنوعات شاخص تیغه و ریز تیغه‌ای برادوستی/اریگناسی زاگرس (تصویر ۹)، گونه‌های جانوری پستانداران بزرگ شناسایی شده (تصویر ۱۰) شامل: گاو گونه Bos Taurus، درنده‌سان Carnivora (احتمالاً گرگ یا شغال)، بز کوهی گونه Capra، گاو میش گونه Bovini، سگ یا گرگ گونه Canis، گوزن قرمز گونه Cervus elaphus، لاک‌پشت گونه Chelonia، جوجه تیغی گونه Hystrix oid، گوزن زرد گونه Dama و روباه قرمز گونه Vulpes vulpes؛ و نهایتاً گونه‌شناسی آلو و دانه‌های بادام در لایه‌های پارینه‌سنگی این محوطه اشاره کرد. گونه‌های شناسایی شده پستانداران کوچک نیز در مقاله Ray Rodriguez et al. 2020 در دسترس هستند.

نتیجه‌گیری

شاید بتوان مهم‌ترین دستاورد فصل سوم کاوش غار کلدرا را کشف بخشی از فسیل انسانی دانست. ناگفته پیداست که با توجه به تعداد انگشت‌شمار فسیل انسان‌های هموساپین در جهان، کشف فسیل انسانی نه تنها در غار کلدرا بلکه در هر محوطه دیگری در هر نقطه از جهان می‌تواند بخش بزرگی از حلقه مفقوده سیر تطور و مسیر مهاجرتی انسان‌های هوشمند را در این پازل مشخص کند. تا به امروز نخستین نتیجه به دست آمده از این فسیل شامل گونه‌شناسی مورفولوژیکی آن به روش‌های رایج مقایسه‌ای و تأییدیه گونه‌شناسی انسانی آن پس از اسکن الکترونیکی لیزر ۳ بعدی (3D Electronic Scanning Laser) شده است. مطالعات مولکولی، پروتئینی و ژنتیکی این نمونه نیز در حال انجام است که با توجه به عدم اجازه نگارنده برای انتشار نمودار DNA به‌دست‌آمده از ساختار این قطعه فسیل تا اتمام مطالعات تکمیلی لازم است منتظر بمانیم.

یقیناً مقاله اخیر تیممان که در مجله Quaternary Sci-ence Reviews انتشار یافت (Ray Rodriguez et al. 2020) می‌تواند دومین دستاورد فصل سوم کاوش غار کلدرا باشد در مقاله مذکور از طریق مطالعه و گونه‌شناسی بقایای پستانداران کوچک تیم ما موفق به بازسازی شرایط اقلیمی محیط زیست انسان‌های نئاندرتال و هموساپین (انسان‌های هوشمند) شده است. مطالعات ما نشان می‌دهد که اغلب این گونه‌ها متعلق به مناطق خشک و نیمه‌خشک و شرایط اقلیمی در آن دوران سردتر از اقلیم کنونی بوده است. همچنین با احتساب محیط زیست گونه‌های شناسایی شده می‌توان نتیجه گرفت که تغییرات اقلیمی نقش چندان در انقراض نئاندرتالها و ظهور انسان‌های

نخاندن تال به این محوطه وجود دارد که امیدواریم در فصل‌های آینده به این مهم دست یابیم. به‌طور کلی در این مقاله سعی ما بر این بود که مهم‌ترین دستاوردهای این فصل را به اختصار بیان کنیم، چرا که هنوز تا ارائه نتیجه‌گیری جامع از این تحقیقات زمان زیادی باقی است. بخش‌های زیادی از آنالیزهای رزیدیو، یوزور، گرده‌های گیاهی و گونه‌شناسی جانوری (به‌ویژه پستانداران بزرگ) در حال انجام است و پس از اتمام آنالیزها ارائه یک نتیجه‌گیری معقول ممکن خواهد بود.

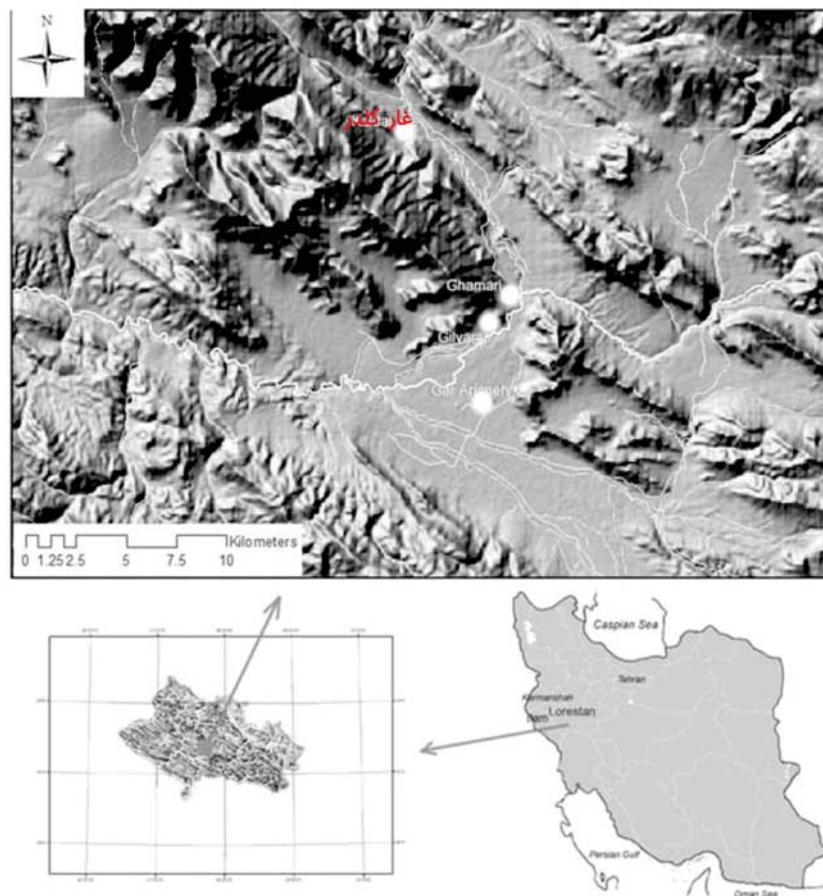
کتاب‌نامه

Rey-Rodríguez Ivan, Juan-Manuel Lopez-García, Hugues-Alexandre Blain, Emmanuelle Stoetzel, Christiane Denys, Mónica Fernandez-García, Laxmi Tumung, Andreu Olle, Behrouz Bazgir 2020 "Exploring the landscape and climatic conditions of Neanderthals and anatomically modern humans in the Middle East: the rodent assemblage from the late Pleistocene of Kaldar Cave (Khorramabad Valley, Iran)", *Quaternary Science Reviews*.

هوشمند نداشته است چرا که اغلب گونه‌های شناسایی شده در این فصل از کاوش در هر دو لایه ۴ و ۵ (پارینه‌سنگی میانه و پارینه‌سنگی جدید) کشف و شناسایی شده‌اند.

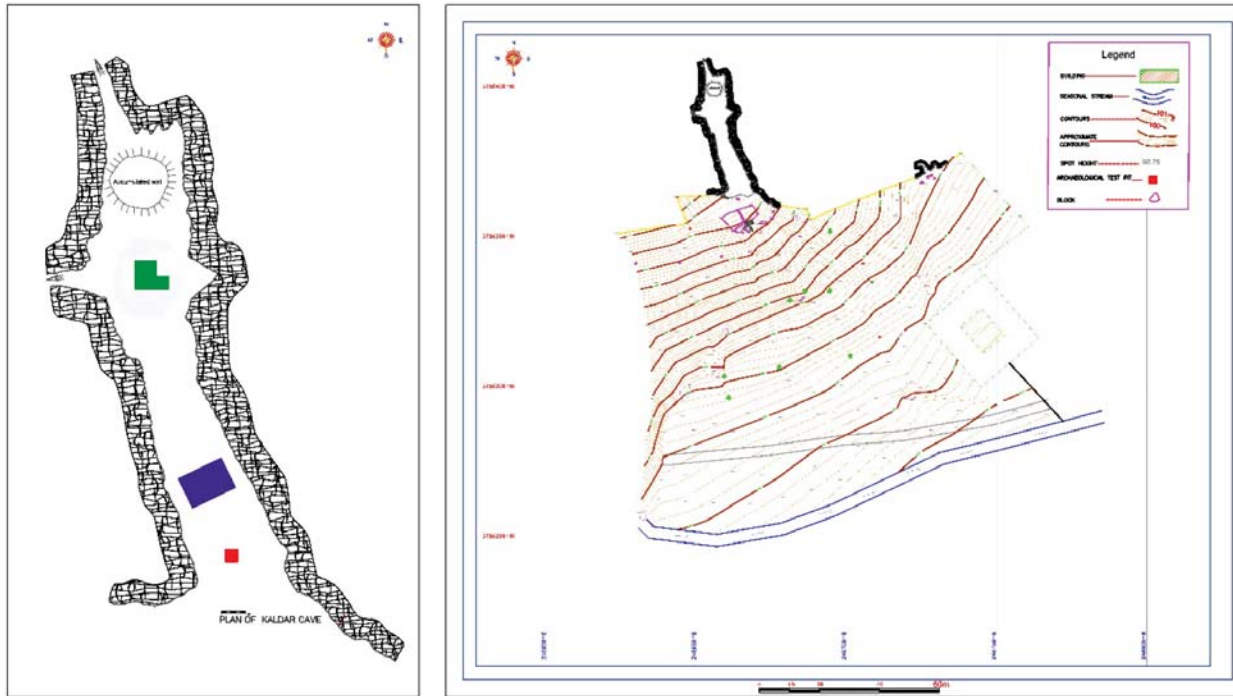
یکی دیگر از دست‌آوردهای مهم این فصل از کاوش شناسایی و کشف قدیمی‌ترین دانه‌های گیاهی در ایران و البته قاره آسیا است. جالب است که در معدود محوطه‌هایی در جهان این نوع شواهد به دست آمده است. این شواهد نشان می‌دهد که دانه‌هایی همچون بادام و آلو نقش فراوانی در رژیم غذایی جوامع شکارگر زاگرس داشته است.

در این فصل با استفاده از روش ترمولومینسانس موفق به تاریخ‌نگاری یک نمونه سنگ چخماق حرارت دیده در لایه ۵ غار کلدَر شدیم. این نمونه در عمق ۱۶۳ سانتی‌متری تاریخ 6120 ± 63044 سال را نشان داد. بدیهی است که با توجه به وجود نهشته‌های بیشتر در زیر نمونه مذکور (که تا عمق ۲۲۰ سانتی‌متری نیز ادامه دارد) امکان به دست آوردن تاریخ‌های قدیمی‌تر و احتمال دستیابی به نخستین تاریخ حضور انسان‌های



تصویر ۱. موقعیت محوطه در عکس ماهواره‌ای





تصویر ۲. نقشه توپوگرافی و پلان غار کلدرد. محل دقیق گمانه ایجاد شده فصل اول با رنگ قرمز، ترانسه فصل دوم با رنگ آبی و ترانسه فصل سوم با رنگ سبز مشخص شده است.



تصویر ۳. A کلاس فشرده روش کاوش B کارگاه آموزشی تئوری ابزارشناسی و رهگیری لایه‌ها C کارگاه‌های باستان‌شناسی تجربی برای اعضای هیات D تیم مستندنگار در کاوش E مراحل عملیات سرند نهشته‌های حاصل از کاوش.

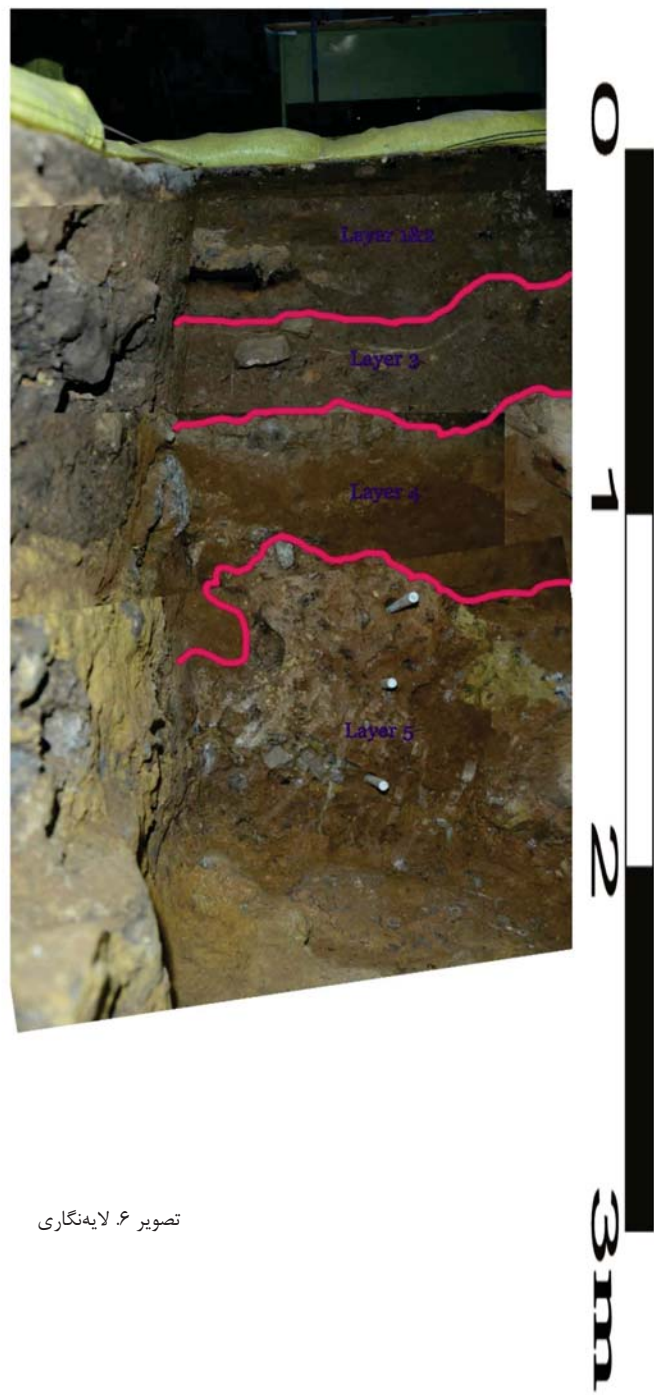
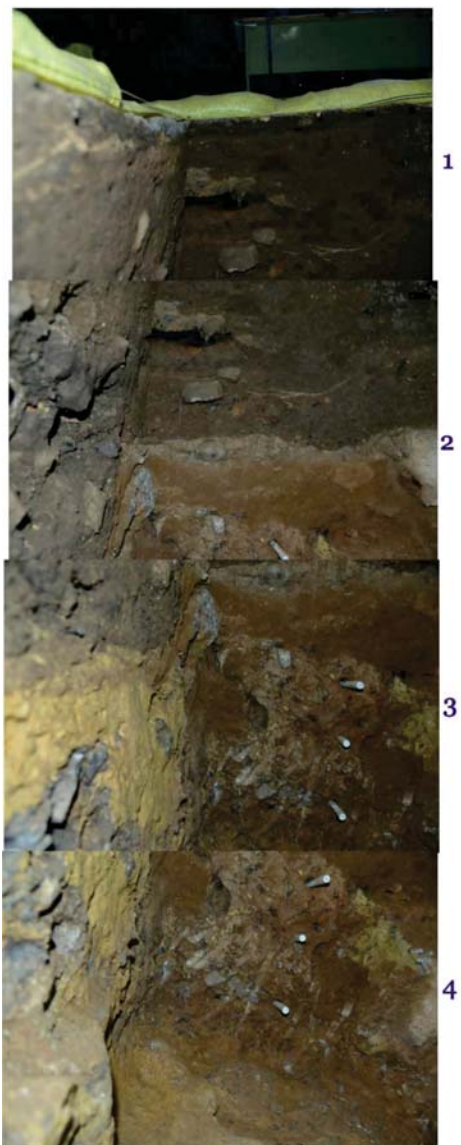


تصویر ۴. ترانسه ایجاد شده



تصویر ۵. قسمت‌های اضافه‌شده به ترانسه مورد کاوش با رنگ سبز نشان داده شده‌اند.



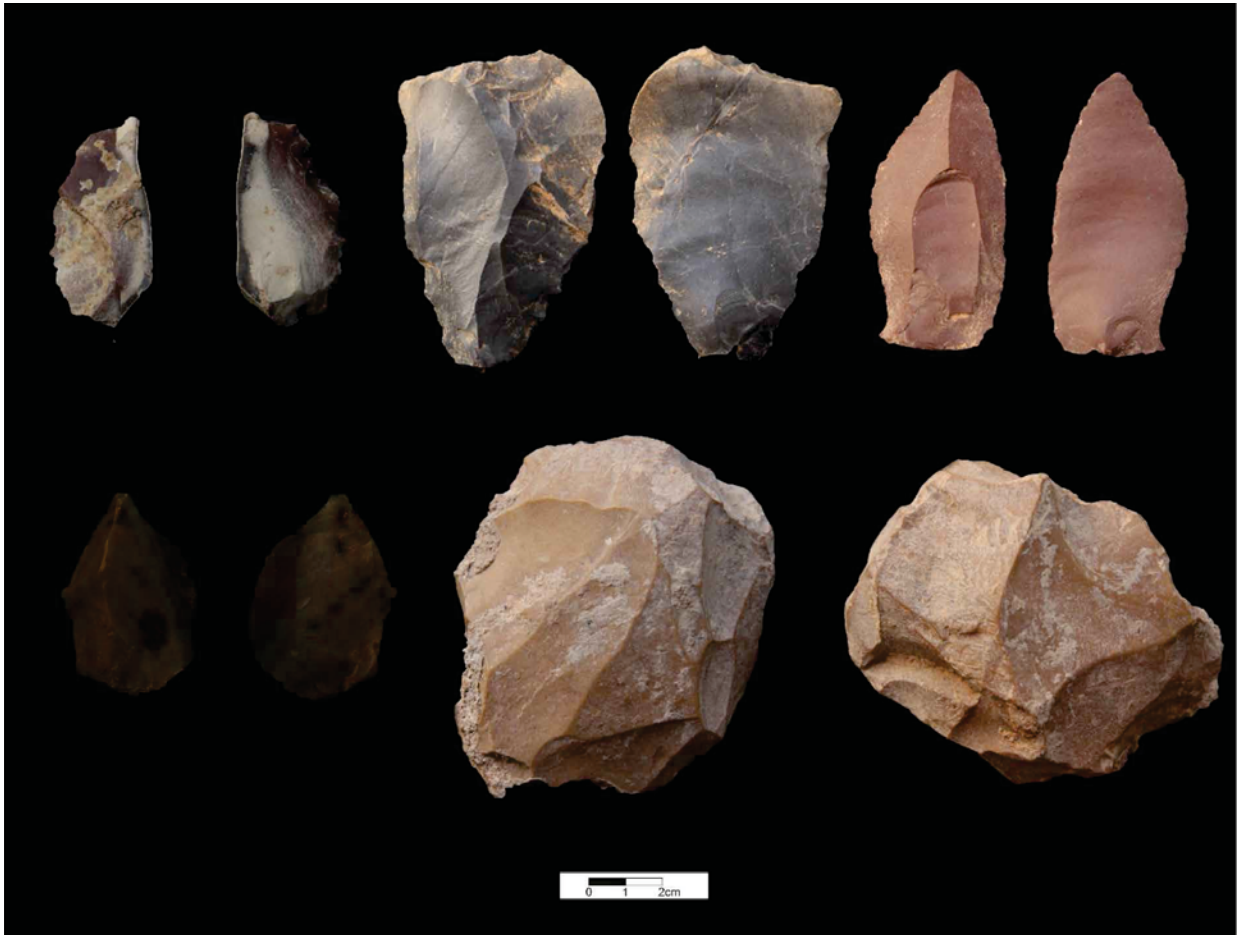


تصویر ۶. لایه‌نگاری





تصویر ۷. قطعه فسیل انسانی کشف شده

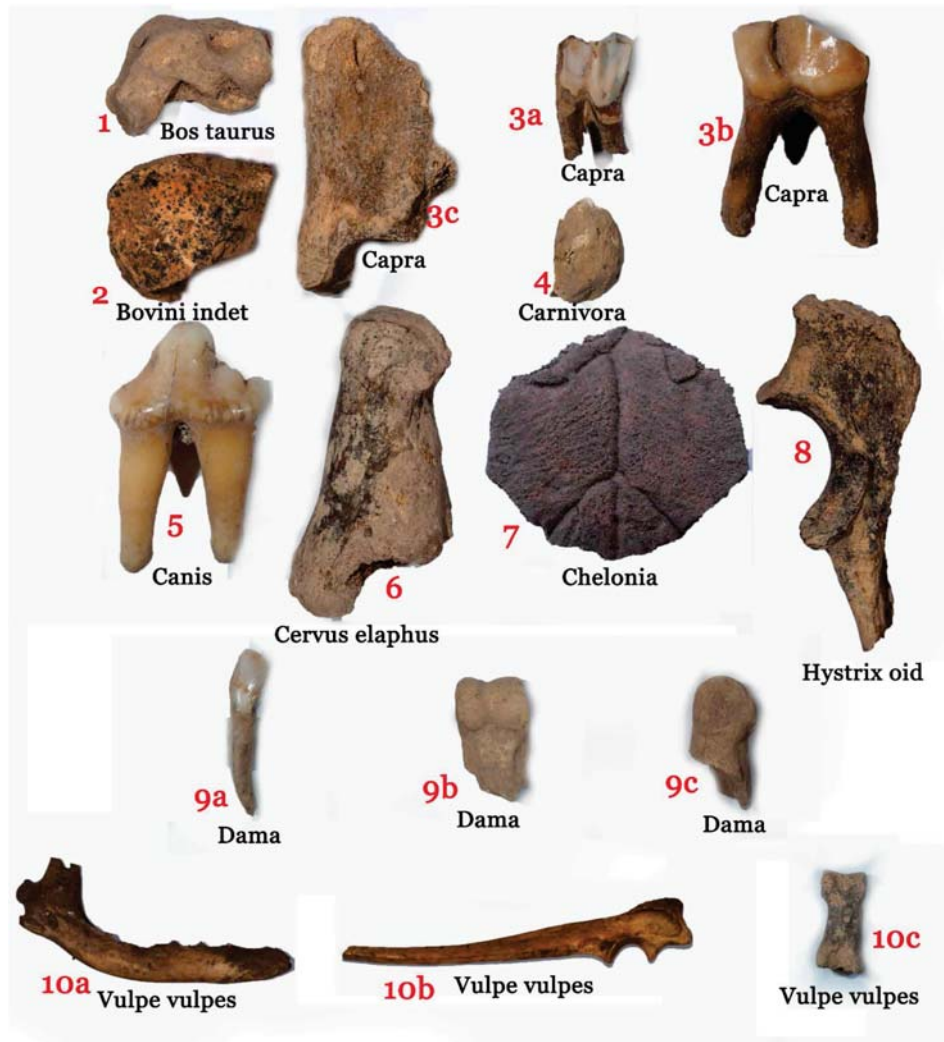


تصویر ۸. منتخبی از مصنوعات سنگی لایه ۵





تصویر ۹. منتخبی از مصنوعات سنگی لایه ۴



تصویر ۱۰. گونه‌های پستانداران بزرگ شناسایی شده



کاوش نجات بخشی محوطه سوغانلوی ۲ پیرانشهر

ابراهیم بداقی* و سعید ستارنژاد

درآمد

پروژه کاوش محوطه سوغانلوی ۲ در راستای پروژه نجات بخشی محوطه های کانی سیب شهرستان پیرانشهر (آذربایجان غربی) بر اساس مجوز شماره ۹۸۱۰۱۱۷۶ مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۰۱ پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری در مدت ۴۵ روز فعالیت میدانی به انجام رسید. در راستای پروژه نجات بخشی در محوطه سوغانلوی ۲ تعداد ۵ گمانه آزمایشی در نقاط مختلف محوطه به منظور شناسایی محدوده و لایه های فرهنگی محوطه ایجاد شد. داده های این گمانه ها شناخت کلی از وضعیت استقرار محوطه مشخص کرد که بر همین اساس محوطه سوغانلوی ۲ دارای یک استقرار موقت مربوط به دوره اشکانی بوده است.

شرقی محوطه سوغانلو و در قسمت شمال غربی سوغانلوی ۳ و در کرانه غربی رودخانه کاسه گران و در دامنه تپه ماهورهایی قرار گرفته که از دو سمت یعنی سمت غرب و جنوب به دره قمیش لی منتهی می شود (تصویر ۲). قرارگیری محوطه در کنار رودخانه یکی از عوامل شکل گیری استقرار موقت در آن بوده است. این محوطه امروزه بخشی از زمین های کشاورزی مردم روستای سوغانلو است. وجه تسمیه روستا از نام جای ترکی روستای مجاور خود یعنی «سوغانلو» گرفته شده که واژه سوغان در زبان ترکی به معنای پیاز است.

شرح عملیات میدانی

کاوش این محوطه با مجوز پژوهشکده باستان شناسی از تاریخ ۱۳۹۸/۰۵/۰۴ لغایت ۱۳۹۸/۰۵/۲۳ به مدت ۲۰ روز انجام پذیرفت. در بررسی سطحی محوطه آثار و شواهدی اندکی از وجود استقرار دائم با نهشته های باستان شناسی شناسایی شد. بر همین اساس به منظور مشخص کردن وضعیت استقراری و لایه های فرهنگی محوطه با ایجاد گمانه های در ابعاد ۱/۵×۱/۵ متر در نقاط مختلف محوطه آغاز شد. روش کاوش در ترانشه های محوطه سوغانلوی ۲ به صورت لوکوس - لوکوس انتخاب و به هر یک از تغییرات ایجاد شده در لایه ها یک لوکوس با شماره مجزا اختصاص داده شد. در این محوطه تعداد ۵ گمانه ایجاد شد که به ترتیب با شماره های ۱ الی ۵ مشخص شده اند. به طور کلی کاوش در این محوطه با ایجاد یک ترانشه به ابعاد ۵×۵ متر آغاز شد که در این ترانشه تعداد ۶ عدد لوکوس شناسایی شد (تصویر ۳). با توجه به عدم شناسایی لایه استقراری دائم در ترانشه مذکور، هیئت تصمیم گرفت در بخش های مختلف محوطه تعداد ۴ گمانه آزمایشی در ابعاد ۱/۵×۱/۵ متر ایجاد کند که بر همین اساس با کاوش گمانه ها وضعیت کلی محوطه مشخص شد. در تمامی گمانه های کاوش ۱/۵×۱/۵ شده تعداد ۳ لوکوس یکسان شناسایی شد. این لوکوس ها به ترتیب شامل لایه سطحی، انباشت خاک رس آغشته به ماسه و بستر طبیعی

موقعیت جغرافیایی محوطه سوغانلوی ۲ پیرانشهر

محوطه سوغانلو ۲ در مختصات جغرافیایی ۵۱۹۳۴۷.۰۵: ۳۸S: ۴۰۵۱۸۷۰.۵۲ در دشت میانکوهی حوضه رودخانه کاسه گران در شمال غرب ایران واقع شده است (تصویر ۱). این محوطه در کرانه غربی رودخانه کاسه گران و در فاصله ۹۰ متری از آن قرار گرفته است. محوطه کوچک سوغانلوی ۲ در دامنه تپه ماهورهایی قرار گرفته که از دو سمت یعنی سمت غرب و جنوب به دره قمیش لی (نیزار) منتهی می شود. ارتفاع بالاترین سطح محوطه از زمین های اطراف ۲ متر بوده و نسبت به گندمزار پیرامون خود که بر روی پشته طبیعی قرار گرفته در حدود ۱-۲ متر است. سه جبهه شمالی، جنوبی و شرقی با شیب ملایم به زمین های اطراف منتهی شده و تنها جبهه غربی هم سطح پشته طبیعی است که امروزه سطح آن جهت کشت گندم شخم زده شده است. محوطه سوغانلوی ۲ در سمت

* کارشناس ارشد باستان شناسی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

استان آذربایجان غربی e.bodagi5564@gmail.com



محوطه است. در محتویات این لوکوس‌ها، عمدتاً در لوکوس دوم که زیر لایه سطحی باشد قطعات سفالی و گهگاه استخوان شناسایی شده است. سفال‌های شناسایی شده تنها مدرک قابل استناد برای گاهنگاری محوطه است؛ بنابراین در اکثر ترانسه و گمانه‌هایی که در این کاوش به‌منظور کسب اطلاعات از تمامی بخش‌های محوطه، ایجاد شده‌اند، یک استقرار ضعیف دیده می‌شود. به طوری که در کاوش انجام شده شواهدی از وجود لایه‌های استقرار دائم شناسایی نشد. بر اساس یافته‌های سفالی این استقرار فصلی به دوران تاریخی به‌خصوص دوره اشکانی مربوط می‌شود. حجم کم یافته‌های سفالی در سطح و داخل گمانه‌ها نشان‌دهنده استقرار ضعیف این دوره در این محوطه است. سفال‌های شناسایی و ثبت شده عموماً سبک محلی دارند.

یافته‌های حاصل از فصل اول کاوش محوطه سوغانلوی ۲ پیرانشهر

مهم‌ترین یافته فرهنگی ترانسه‌های کاوش شده محوطه سوغانلوی ۲ قطعات سفالی بدون لعاب است. این سفال‌ها عموماً در لایه سطحی و لایه دوم هر گمانه شناسایی شده‌اند. سفال‌ها بیشتر ساده و بدون لعاب و تزیین و با تکنیک چرخ ساخته شده‌اند. برخی از این سفال‌ها با نمونه‌های از محوطه کاسه‌گران ۲ (بدائی، ۱۳۹۷)، قلعه زُهاک هشترود (قندگر، ۱۳۷۹؛ Kleiss 1978: 184-185، بیستون کرمانشاه (Kleiss 1970: 158-168)، قلعه بختک ملکان (عبدی و واحدی ۱۳۹۵: ۵۹۴-۵۸۴)، قلعه ماه‌نشان زنجان (عالی و خسروزاده ۱۳۸۹: ۹۰) قابل مقایسه هستند (تصویر ۴). از یافته‌های دیگر محوطه سوغانلوی ۲ یک قطعه سنگ کار شده است. این سنگ در داخل ترانسه ۱ شناسایی شد. این تخته سنگ از نوع رودخانه‌ای بوده و طول آن ۹۴ سانتی‌متر، عرض ۵۰ و ضخامت ۲۷ سانتی‌متر است. در قسمت مرکزی آن یک حفره به قطر ۸ و عمق ۱۲ سانتی‌متر ایجاد شده است (تصویر ۵).



برآیند

کاوش محوطه سوغانلو ۲ با ایجاد ۵ گمانه در نقاط مختلف محوطه آغاز شد. بر اساس این گمانه‌ها مشخص شد که محوطه دارای استقرار ضعیفی است که بر همین اساس در گمانه‌های ایجاد شده شواهدی از لایه‌های فرهنگی برجای شناسایی نشد. بر اساس داده‌های سفالی به‌دست‌آمده از گمانه‌ها و مقایسه نسبی با سایر محوطه‌ها به نظر می‌رسد این محوطه متعلق به دوره اشکانی است. در این دوره محوطه در ایام خاصی از سال استفاده می‌شد بر همین اساس محوطه دارای یک استقرار ضعیف بوده و به‌صورت موقت شکل گرفته است.

کتاب‌نامه

بدائی، ابراهیم

گزارش فصل اول کاوش محوطه کاسه‌گران ۲، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.

خسروزاده، علیرضا و ابوالفضل عالی

۱۳۸۹ "توصیف، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های دوره اشکانی و ساسانی شهرستان ماه‌نشان زنجان"، مجموعه مقالات همایش مال‌عرب، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی، صص ۹۲ - ۷۵.

عبدی، سرور و مرتضی واحدی

۱۳۹۵ "مطالعه و مقایسه سفال‌های قلعه بختک لیلان با مناطق هم‌جوار"، مجموعه مقالات همایش سفال و باستان‌شناسی، به کوشش حسین علیزاده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه.

قندگر، جواد

۱۳۷۹ گزارش مقدماتی فصل اول کاوش قلعه زهک، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

Kleiss, W.

1970 *Zur Topographie des "Partherhanges" in Bisutun.*

Kleiss, W.

1973 "Qal'eh Zohak in Azerbaidjan", *AMZ*, NS, 6, pp. 163-188.



تصویر ۱. تصویر هوایی محوطه سوغانلوی ۲



تصویر ۲. تصویری از دورنمای محوطه سوغانلوی ۲



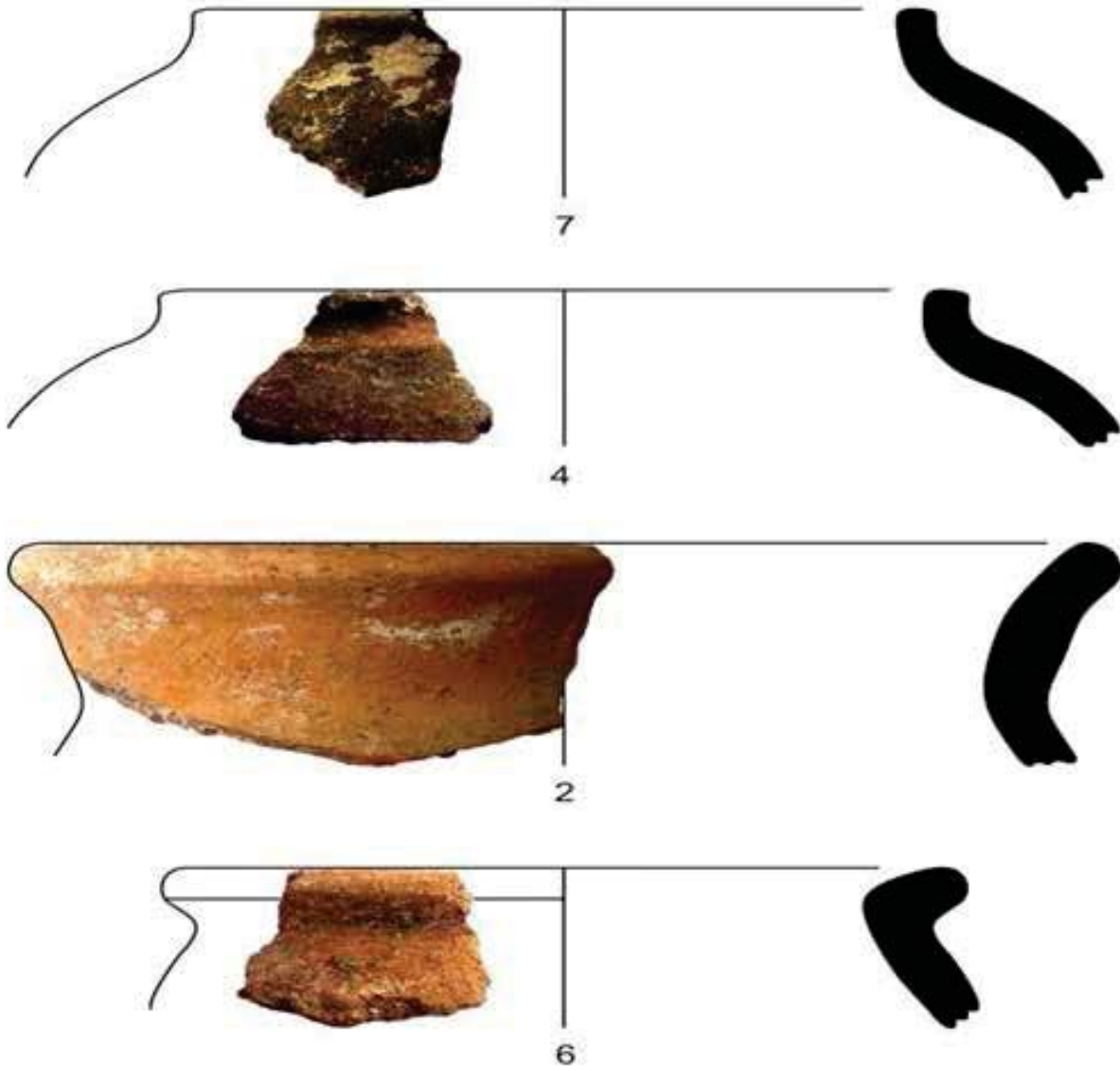


تصویر ۳. تصویری از سنگ در مرکز محوطه سوغانلوی ۲



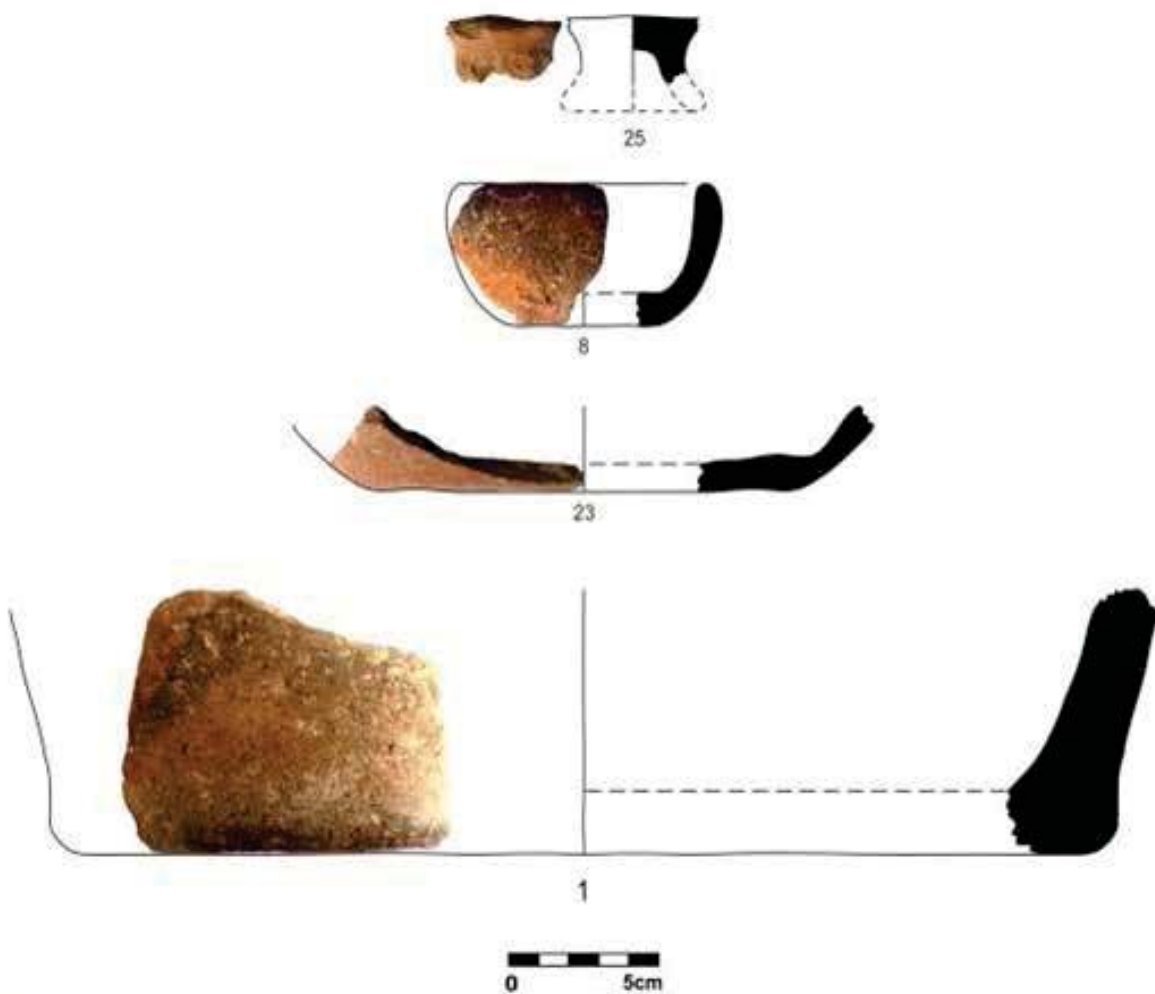
تصویر ۴. نمایی از ترانسه محوطه سوغانلوی ۲





تصویر ۵. نمونه قطعات سفالی محوطه سوغانلوی ۲





تصویر ۶. نمونه‌ای دیگر از قطعات سفالی محوطه سوغانلوی ۲



لایه‌نگاری محوطه برکمران پیرانشهر شواهدی از دوره مفرغ قدیم تا اسلامی

ابراهیم بداقی* و سعید ستارنژاد

درآمد

پروژه کاوش محوطه برکمران در راستای پروژه نجات‌بخشی محوطه‌های کانی سیب پیرانشهر بر اساس مجوز به شماره ۹۸۱۰۲۱۵۸ به تاریخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۵ تا ۱۳۹۸/۰۹/۰۹ پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری در ۴۵ روز فعالیت میدانی انجام شد. در راستای پروژه نجات‌بخشی در محوطه برکمران یک ترانسه لایه‌نگاری با هدف شناخت وضعیت دوره‌های فرهنگی موجود در محوطه ایجاد شد. داده‌های این ترانسه در راستای تکمیل نقشه باستان‌شناختی حوضه دریاچه ارومیه به‌خصوص قسمت‌های جنوبی حائز اهمیت است و ارتباطات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای این محوطه را با مناطق هم‌جوار نشان می‌دهد.

موقعیت جغرافیایی محوطه برکمران پیرانشهر

محوطه برکمران (N۴۰۶۰۷۸۹.۰۳ - E۳۸S: ۵۲۰۰۴۹.۲۱) در ارتفاع ۱۳۰۰ متری از سطح دریا در دشت میان‌کوهی حوضه رودخانه لاین در شمال‌غرب ایران واقع شده است (تصویر ۱). این محوطه بر روی یک پشته طبیعی شکل گرفته است. محوطه در راستای شرقی - غربی به طول ۱۰۰ متر و در راستای شمالی - جنوبی ۴۴ متر و ارتفاع ۱۵ متری از کف رودخانه است (تصویر ۲). قسمت شمالی محوطه در اثر سیلاب‌های فصلی رودخانه لاین دچار تخریب شده است. قرارگیری رودخانه لاین در سمت شمالی این محوطه، احتمالاً یکی از مهم‌ترین منابع آبی ساکنان برکمران تپه را تشکیل می‌دهد. سطح محوطه در دوران اسلامی به‌عنوان قبرستان اهالی روستای برکمران مورد استفاده قرار گرفته است؛ همچنین گفتنی است که نام محوطه از روستای مجاور خود (برکمران) گرفته شده است.

شرح عملیات میدانی

با توجه به وسعت محوطه و محدودیت زمانی در این فصل یک ترانسه لایه‌نگاری به‌صورت پلکانی در غرب تپه که بیشترین توالی لایه‌های فرهنگی را در خود داشت با ابعاد ۳ در ۹ متر در جهت غربی - شرقی مورد کاوش قرار گرفت (تصاویر ۳ و ۴). کاوش در این ترانسه موجب شناخت بسیار دقیقی از لایه‌ها و ادوار فرهنگی در تپه برکمران شد. کاوش باستان‌شناختی ترانسه لایه‌نگاری تا عمق ۱۳/۵ متر از نقطه ثابت (MB) تا خاک بکر (رسوب رودخانه‌ای) ادامه پیدا کرد که لایه‌های شناسایی‌شده به‌طور دقیق مستندنگاری شدند؛ همچنین روش کاوش در این ترانسه به‌صورت لوکوس - لوکوس انتخاب و به هر یک از تغییرات ایجاد شده در لایه‌ها یک لوکوس با شماره مجزا اختصاص داده شد. گفتنی است که شماره لوکوس‌ها از عدد ۱۰۰۰ (Loc. 1000) آغاز و تا لوکوس ۱۰۲۲ (Loc. 1022) ادامه پیدا کرد. بر همین اساس با کاوش لایه‌های محوطه، دوره‌های فرهنگی مستقل شامل دوره و فازهای هر دوره مشخص شد. کاوش ترانسه لایه‌نگاری در ۲۲ لوکوس (۱۰۲۲-۱۰۰۱) که شامل انباشت‌های مختلف فرهنگی و آثار ساختمانی و قبور دوره اسلامی بودند، انجام شد (تصویر شماره ۵). دوره اول که با نام برکمران I شناخته می‌شود در لوکوس‌های ۱۰۸ الی ۱۲۱ شناسایی شد. این دوره به‌عنوان نخستین دوره استقرار در محوطه را شامل می‌شود. بر اساس گاه‌نگاری نسبی سفال‌های شناسایی‌شده از این لوکوس‌ها با محوطه حسن علی (Faraji and et al. 2015: 335-336)، تپه سیلوه پیرانشهر (عابدی و ابراهیمی ۱۳۹۷: ۲۴۵) این دوره شامل مفرغ قدیم که در جنوب دریاچه ارومیه بیشتر با نام فرهنگ «حسن علی» شناخته می‌شود.

مفرغ قدیم حوضه جنوبی دریاچه ارومیه بیشتر با سبک محلی که با نام فرهنگ «حسن علی» یا «نینوای V» مشهور است. از این دوره قسمتی از ساختارهای معماری که به‌صورت سنگ‌چین با سنگ‌های از نوع قله‌ای ساخته شده‌اند، شناسایی



* کارشناس ارشد باستان‌شناسی اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان آذربایجان غربی e.bodagi5564@gmail.com

شد؛ همچنین قسمتی از یک سازه معماری که دارای ساختار خشتی باشد شناسایی شد. محوطه برکمران پس از وقفه‌ای حدود دو هزار ساله مجدد در هزاره اول مورد استفاده جوامع انسانی منطقه قرار می‌گیرد. این دوره با نام برکمران II شناخته می‌شود. از این دوره قسمتی از ساختارهای معماری سنگ‌چین همانند دوره مفرغ قدیم شناسایی شد. یکی از جالب‌توجه‌ترین ساختارهای معماری این دوران مربوط به یک کف سنگ‌فرش است، سنگ‌های این سازه از نوع قلوهای رودخانه‌ای است (تصویر شماره ۶). با توجه به اینکه تنها قسمتی از ساختار کف سنگ‌چین در داخل ترانسه شناسایی شد امکان تشریح کاربری آن امکان‌پذیر نیست. پس از این دوره محوطه مجدد متروک شده و بعدها در دوره اسلامی (احتمالاً سده‌های میانی و متأخر اسلامی) به‌عنوان گورستان مردم محل مورد استفاده قرار می‌گیرد. این گورها در راستای شرقی - غربی بوده و صورت اجساد رو به سمت جنوب‌غربی که قبله باشد قرار گرفته‌اند. گورها عموماً ساختار منظم داشته و روی آن‌ها را لایه‌ای از خاک به ضخامت حدود ۵۰-۴۰ سانتی‌متر پوشانده است. این گورها به‌طور کامل سطح محوطه را پوشانده‌اند و ماهیت برخی از اشخاص متوفی در گورستان برای مردم روستای برکمران شناخته شده است. مهم‌ترین آسیب به لایه‌های فرهنگی محوطه برکمران حفاری غیرمجاز و سیلاب‌های فصلی رودخانه لاورین بوده است که باعث تخریب قسمتی از لایه‌های فرهنگی محوطه از سطح محوطه تا خاک بکر شده است.

یافته‌های حاصل از فصل اول کاوش محوطه برکمران پیرانشهر

مهم‌ترین یافته فرهنگی ترانسه لایه‌نگاری (Tr. 1) یافته‌های سفالی است. قطعات سفالی محوطه به‌خصوص فاز مربوط به برکمران I نشانگر فرهنگ حسن علی یا نینوای V است (تصویر ۷). این سفال‌ها به‌صورت منقوش بوده و با نمونه‌های یافت شده از محوطه قلعه وزیری سلماس، حسن علی اشنویه (Kroll 2004: 691)، تپه علی‌آباد بوکان (Fara and et al. 335-336)، تپه سیلوه پیرانشهر (عابدی و ابراهیمی ۱۳۹۷: ۲۴۵) قابل‌مقایسه است که بر همین اساس می‌توان گاه‌نگاری این دوره را متعلق به دوره مفرغ قدیم (۲۵۰۰ - ۳۰۰۰ پیش‌از‌میلاد) در نظر گرفت. گروه دیگری

از یافته‌های جالب‌توجه دو قطعه سنگ کار شده که قسمتی از آن سوراخی جهت عبور نخ ایجاد شده است. این دو قطعه سنگ از نوع سنگ‌های رودخانه‌ای است و به نظر می‌رسد در دوره برکمران I (مفرغ قدیم) به‌عنوان آویز گردن استفاده می‌شده است (تصویر ۸).

برآیند

فصل نخست کاوش محوطه برکمران با ایجاد یک ترانسه لایه‌نگاری آغاز گردید. در این ترانسه آثاری از دوره مفرغ قدیم (فرهنگ حسن علی یا نینوای V)، استقرار نسبتاً ضعیفی از هزاره اول پیش‌از‌میلاد و گورهایی از دوره اسلامی شناسایی شد. استقرار اولیه محوطه مربوط به دوره مفرغ قدیم بوده که بر اساس داده‌های سفالی با محوطه‌های منطقه و فرامنطقه‌ای در ارتباط بوده است.

سپاسگزاری

از جناب آقای قادر ابراهیمی به پاس در اختیار نهادن برخی از منابع مطالعاتی و خانم هلاله بایزیدی که زحمت طراحی سفال‌ها را بر عهده داشتند سپاسگزاری می‌شود.

کتاب‌نامه

عابدی، اکبر و قادر ابراهیمی،
۱۳۹۷ "گزارش اولین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه تپه سیلوه پیرانشهر"، مجموعه مقالات سالانه باستان‌شناسی ایران، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران.

Faraji, N.; Y. H. Zadeh and M.P. Mahadevaiah
2015 "Reconnaissance of the Bronze Age Site in the Southern Lake Urmia Basin, Northwest of Iran: Ali Abad Tape", *Asian Journal of Research in Social Sciences and Humanities*, 5(7), pp. 320-343.

Ahearne-Kroll, S.P.; A. G. Sagona and C. A. Burney
2004 "Aurel Stein in Hasan Ali. Bemalte frühbronzezeitliche Keramik im Gebiet des Urmia-Sees: Hasan Ali Ware", *A view from the highlands*, pp. 677-692.



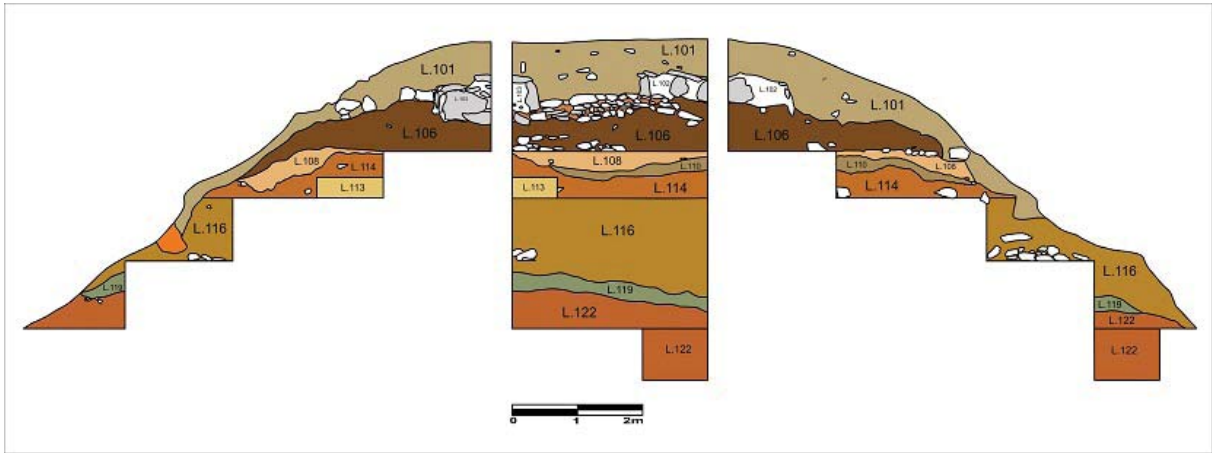


تصویر ۱. تصویر هوایی محوطه برکمران



تصویر ۲. دورنمای محوطه برکمران





تصویر ۳. تصویر از سکنش ترانشه لایه‌نگاری محوطه برکمران



تصویر ۴. تصویر لایه‌نگاری محوطه برکمران





تصویر ۵. تصویری از قبور یافت‌شده در محوطه برکمران

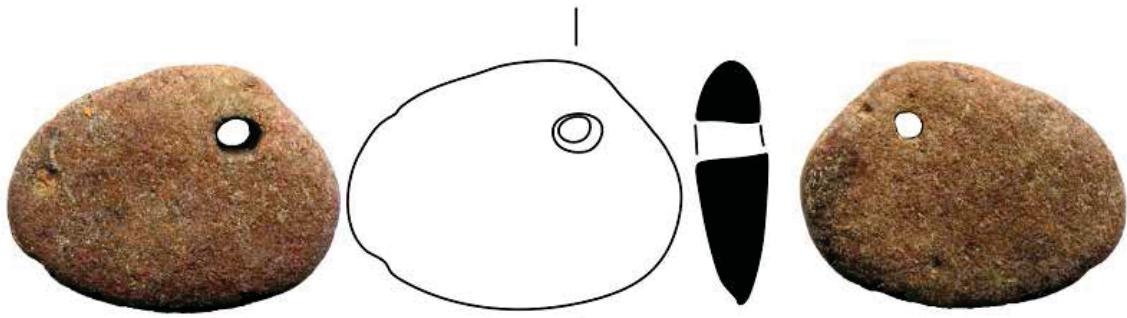


تصویر ۶. تصویری از سنگ فرش یافت‌شده در محوطه برکمران





تصویر ۷. تصویری از سفال‌های یافت‌شده از محوطه برکمران



RN:1010



تصویر ۸. تصویری از سنگ گردن آویز از محوطه برکمران



گزارش کاوش مقدماتی محوطه ۹۱ سد چم شیر

مجید بدیعی گورتی*

درآمد

فصل نخست کاوش‌های نجات بخشی حوضه آبگیر سد چرم شیر به کاوش چند محوطه در استان کهگیلویه و بویراحمد شهرستان گچساران اختصاص یافت که محوطه شماره ۹۱ سد چرم شیر با تراز ۵۷۵ متری از سطح آب‌های آزاد یکی از محوطه‌های ذیل است. هدف از کاوش محوطه مورد نظر مشخص کردن بقایای معماری، کاربری هریک از فضاها، گاه‌نگاری و دوره‌های سکونت در محوطه فوق است. به همین منظور ۲ گمانه در نقاط مختلف محوطه حفر شد. در این گمانه‌ها با توجه به معماری مشهود سطحی در این محوطه یافته‌های آن معماری قلوه‌سنگی و قطعات شکسته سفال بوده است. با در نظر گرفتن محدودیت زمانی و مهم بودن محوطه و اهمیت دقت کار تصمیم گرفته شد تا مناسب‌ترین شیوه کاوش و ثبت و ضبط داده‌ها برای آغاز کار انتخاب شود، بر همین اساس روش کاوش پی‌گردی و کاوش گسترده با استفاده از تکنیک لوکوس، جهت کاوش عرضی و عمقی کارگاه و تطبیق داده‌ها با لایه‌ها و فضاها به‌عنوان یک روش علمی مطمئن و مقبول در دستور کار قرار گرفت. در سال ۱۳۹۱ آقای نعمت‌الله سراقی کار بررسی محوطه‌های سد چرم شیر را انجام داد که منجر به شناسایی تعدادی محوطه شد (سراقی ۱۳۹۱: ۴۱). در سال ۱۳۹۵ آقای محمدتقی عطایی به کاوش و گمانه‌زنی محوطه‌هایی در سد چرم شیر پرداخته است (عطایی ۱۳۹۵).

موقعیت جغرافیایی استان کهگیلویه و بویراحمد

استان کهگیلویه و بویراحمد با ۱۶ ۲۶۴ کیلومتر مربع وسعت در جنوب غربی ایران از شمال با استان چهارمحال و بختیاری، از جنوب با استان‌های فارس و بوشهر، از شرق با استان‌های

اصفهان و فارس و از غرب با استان خوزستان همسایه است (فرجی ۱۳۶۶: ۲۳۴). شهرستان گچساران از شهرستان‌های ایران در جنوب غربی استان کهگیلویه و بویراحمد است. مرکز این شهرستان، شهر دوگنبدان است و در زمان‌های گذشته جز استان فارس بوده است. جمعیت این شهرستان در سال ۱۳۹۰، برابر با ۱۱۹،۲۱۷ نفر بوده است. شهرستان گچساران در جنوب غربی استان کهگیلویه و بویراحمد واقع شده و ۶۸۳/۴ کیلومتر مربع مساحت دارد (سازمان جغرافیایی کشور ۱۳۸۲: ۶۷).

گزارش کاوش محوطه ۹۱ سد چرم شیر

محوطه ۹۱ در سد چم شیر در یک صد متری شمال جاده بابا کلات واقع شده است. موقعیت جغرافیایی آن شامل طول جغرافیایی: E50.92613، عرض جغرافیایی: N30.1499 است. شکل این محوطه مانند یک بیضی ناقص است که از یک سو به ارتفاعات مجاور متصل است. فاصله این محوطه تا تلخاب حدود یک صد متر است. این رود کوچک و دائمی از چشمه‌ای در قسمت جنوبی محوطه سرچشمه گرفته و اطراف آن مملو از نی‌های بلند است. به نظر می‌رسد این رود کوچک یا جوی بزرگ تنها منبع آبی نزدیک به محوطه است. فاصله این محوطه تا رود زهره حدود هزار متر است. این محوطه نسبتاً کوچک بوده و حدود ۶۰۰ مترمربع آثار معماری دارد، همچنین به نظر می‌رسد در ضلع شمالی محوطه آثار چند گور نیز وجود دارد. هرچند که گورستان تیره محمدصالح از طایفه کشکولی‌ها نیز در جنوب این محوطه نمایان است. در مجموع پنج کارگاه در این محوطه احداث شد. تمامی این کارگاه‌ها برای مشخص شدن وضعیت معماری این محوطه برپا شد. سه کارگاه یک، سه و پنج در مرکز محوطه و کارگاه چهار در جنوب و کارگاه دو در شمال شرق محوطه باز شد. یک کارگاه در شمال محوطه



در کاوش سال ۱۳۹۵ برای خوانا سازی معماری این تپه احداث شده بود.

کارگاه شماره یک: این کارگاه برای مشخص کردن وضعیت بقایای معماری موجود در وسط محوطه ۹۱ چم شیر در ابعاد ۲۵۰ سانتی متر در ۲۵۰ سانتی متر کاوش شد. یافته‌های این کارگاه شامل دیوارهای ساخته شده از لاشه سنگ است که سراسر بخش شمالی تا جنوبی این کارگاه را دربر می‌گیرد. یافته‌های فرهنگی کارگاه شامل قطعات سفال و اشیاء سنگی است. در مجموع در این کارگاه ۱۷ لوکوس که شامل دیوارهای سنگی با ملاط گچ و لایه‌های خاک است، شناسایی شد.

کارگاه شماره دو: این کارگاه برای مشخص کردن وضعیت بقایای معماری موجود باز شد. این کارگاه به ابعاد ۳۰۰ در ۲۰۰ سانتی متر در گوشه شمال شرق محوطه ۹۱ قرار دارد. به علت مشاهده بقایای معماری اقدام به برپایی این کارگاه شد. کارگاه شماره ۲ حداکثر ۵۰ سانتی متر عمق دارد و به صورت تک دوره‌ای است و بقایای معماری آن بر روی خاک بکر قرار دارد. یافته‌های فرهنگی این کارگاه شامل قطعات سفال و اشیاء سنگی است. در مجموع در این کارگاه ۴ لوکوس که شامل دیوارهای سنگی با ملاط گچ و لایه‌های خاک است، شناسایی شد.

کارگاه شماره سه: این کارگاه برای مشخص کردن وضعیت بقایای معماری موجود که آثار و رد آن در تصاویر هوایی مشخص هست و همچنین تکمیل پلان بنای محوطه در مرکز محوطه واقع شده و ابعاد آن ۳۰۰ سانتی متر در ۳۰۰ سانتی متر است این کارگاه شامل یازده لوکوس در یک دوره است. یافته‌های فرهنگی آن شامل قطعات سفال و اشیاء سنگی است. در مجموع در این کارگاه ۱۱ لوکوس که شامل دیوارهای سنگی با ملاط گچ و لایه‌های خاک است شناسایی شد.

کارگاه شماره چهار: این کارگاه به ابعاد ۳۰۰ در ۲۰۰ سانتی متر جهت مشخص نمودن وضعیت بقایای معماری موجود در جنوب مرکز محوطه ۹۱ قرار دارد. به علت مشاهده بقایای معماری اقدام به برپایی این کارگاه شد و حداکثر ۵۰ سانتی متر عمق آثار آن است و به صورت تک دوره‌ای است که بقایای معماری آن بر روی خاک بکر قرار دارد. یافته‌های فرهنگی این کارگاه شامل قطعات سفال و اشیاء سنگی است. در مجموع در این کارگاه ۶ لوکوس شامل دیوارهای سنگی با ملاط گچ و لایه‌های خاک شناسایی شد.

کارگاه شماره پنج: این کارگاه برای مشخص کردن وضعیت بقایای معماری موجود در میان کارگاه‌های یک و سه واقع شده و به سبب شواهد معماری و همچنین ارتباط آن‌ها با دو کارگاه جانبی احداث شد. این کارگاه به خاطر این که فاصله بین کارگاه یک و سه را کاملاً پر کند، طول آن چهارصد و سی سانتی متر و عرض آن سیصد سانتی متر است. یافته‌های فرهنگی این کارگاه شامل قطعات سفال و اشیاء سنگی است. در مجموع در این کارگاه ۲۴ لوکوس شامل دیوارهای سنگی با ملاط گچ و لایه‌های خاک است.

یافته‌های سفالی محوطه ۹۱ چم شیر

در مجموع در این محوطه ۱۱ گونه سفالی شناسایی شده است. در سفالگری این محوطه خاک مورد استفاده سفالگر برای ساخت این گونه سفالی به‌رغم وجود دانه‌های شن، خاک نسبتاً پاکی بوده و فاقد ناخالصی قابل مشاهده با چشم غیر مسلح است. خمیره مورد استفاده سفالگر در حد قابل قبولی ورز داده شده و سفال از بافت پیوسته و مستحکمی برخوردار است، به طوری که قطعات سفال در هنگام برخورد با زمین صدای زیری مشابه صدای جلینگ از خود تولید می‌کنند. شکل‌دهی مناسب ظروف و تناسب فرم و دقت در اجرای تزئینات مؤید استفاده از چرخ سفال‌گری است با این وجود در سطح داخلی بسیاری از قطعات سفالی به‌سختی می‌توان خطوط قاطع و منظمی از چرخ را مشاهده کرد و در غالب موارد رد چرخ با آثار دست مرطوب سفالگر که بدون نظم در سطح داخلی سفال کشیده شده، گم شده است. سفال‌ها از شرایط پخت مناسبی برخوردار بوده و قطعات از کیفیت پخت یکسانی برخوردار است. اشکال شناسایی شده در این محوطه شامل کاسه و خمره‌های کوچک و متوسط با لبه‌های ساده و کشیده شده به بیرون است. بیشتر ظروف در این گونه سفالی از نوع ظروف با دهانه باز هستند که اغلب دارای لبه‌های به بیرون تاخورد و کف‌های تخت هستند. علاوه بر این، نمونه‌هایی از ظروف با دهانه‌های باز و جام‌های کوچک نیز در بین اشکال مختلف قابل مشاهده است. کف‌های شناسایی شده از نوع کف‌های تخت هستند که متعلق به ظروفی با بدنه‌های کروی شکل و یا نیم‌کروی شکل هستند.

نتیجه‌گیری

کاوش در محوطه ۹۱ چم شیر در پنج کارگاه انجام شد. در تمام کارگاه‌های کاوش شده آثار معماری وجود داشته و همه آثار معماری متعلق به یک دوره تاریخی هستند. برخی شواهد



نشان‌دهنده دو مرحله بودن معماری هستند؛ مانند مرمت دیوار انبار در کارگاه پنج و همچنین وجود سفال در داخل ملاط در کارگاه سه که نشان می‌دهد حداقل در دو دوره معماری وجود داشته است. هرچند که کف‌های استقراری نیز این موضوع را تأیید می‌کرد، زیرا که در سه کارگاه دو کف استقراری وجود داشت. یک لایه خاکستر تمامی محوطه را پوشش می‌داد و این لایه در عمق خاصی مشاهده شد که به نظر می‌رسد آخرین وضعیت استقراری این محوطه را نشان می‌دهد که به سبب آتش‌سوزی این استقرارگاه متروک شده و دیگر روی آبادانی به خود ندیده است. وجود دو درگاهی و همچنین وجود دو کریاس (پاشنه در) در ورودی درگاهی، مؤید این موضوع است. کریاس حفره‌های کوچک داشته که به نظر می‌رسد درهای ورودی کوچک بوده و احتیاج به پاشنه در بزرگ و عمیق نداشته است. سه انباری کوچک که از کارگاه‌های یک و پنج یافت شد نشان می‌دهد که استقرارگاه، محوطه مسکونی بوده است.

سفال‌های این محوطه همگی متعلق به بازه زمانی دوره ساسانی و اوایل اسلام است. احتمالاً با توجه به محل قرارگیری این محوطه در منطقه گچساران و همچنین مطالعاتی که پژوهشگران انجام داده‌اند این محوطه ممکن است یکی از محوطه‌های منطقه ارجان قدیم باشد. مقدار و تعداد سفال‌های

ذخیره آذوقه مسئله جالبی است که باید به آن دقیق‌تر نگاه کرد؛ زیرا که تعداد سفال‌های ذخیره آذوقه جز از یک گونه از تمامی گونه‌ها بیشتر بود. سفال پیش‌ازتاریخ دروغین از گونه‌های خاص سفالی این محوطه است که کاملاً متفاوت از سفال‌های پیش‌ازتاریخ است و فقط از لحاظ نقش به آن شبیه است. برخی گونه‌ها مانند گونه یک به نظر می‌رسد وارداتی‌اند؛ زیرا که هیچ علامتی از ذرات گچ که در تمامی گونه‌ها مشاهده می‌شد، در این گونه وجود نداشت، ضمناً خاک منطقه در تمامی لایه‌ها مملو از ذرات ریز و درشت گچ است.

کتاب‌نامه

- فرجی، عبدالرضا و همکاران
۱۳۶۶ *جغرافیای کامل ایران*، تهران: شرکت چاپ و نشر ایران.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
۱۳۸۲ *جغرافیای استان کهگیلویه و بویراحمد*. تهران: نشر نیروهای مسلح.
- سراقی، نعمت‌الله
۱۳۹۲ *گزارش مقدماتی بررسی پشت سد چمشیر، پژوهشکده باستان‌شناسی* (منتشر نشده).
- عطایی، محمدتقی
۱۳۹۵ *گزارش مقدماتی گمانه‌زنی محوطه ۹۱ سد چمشیر، پژوهشکده باستان‌شناسی* (منتشر نشده).





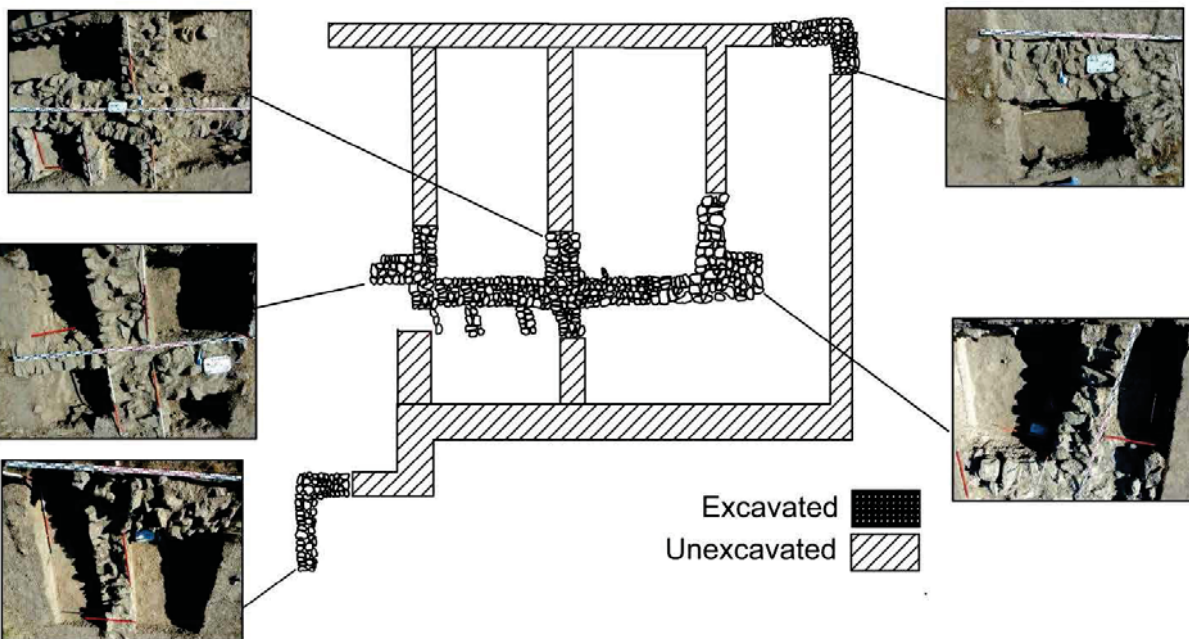
تصویر ۱. تصویر هوایی از محوطه



تصویر ۲. تصویر هوایی کارگاه‌های ۱ تا ۵

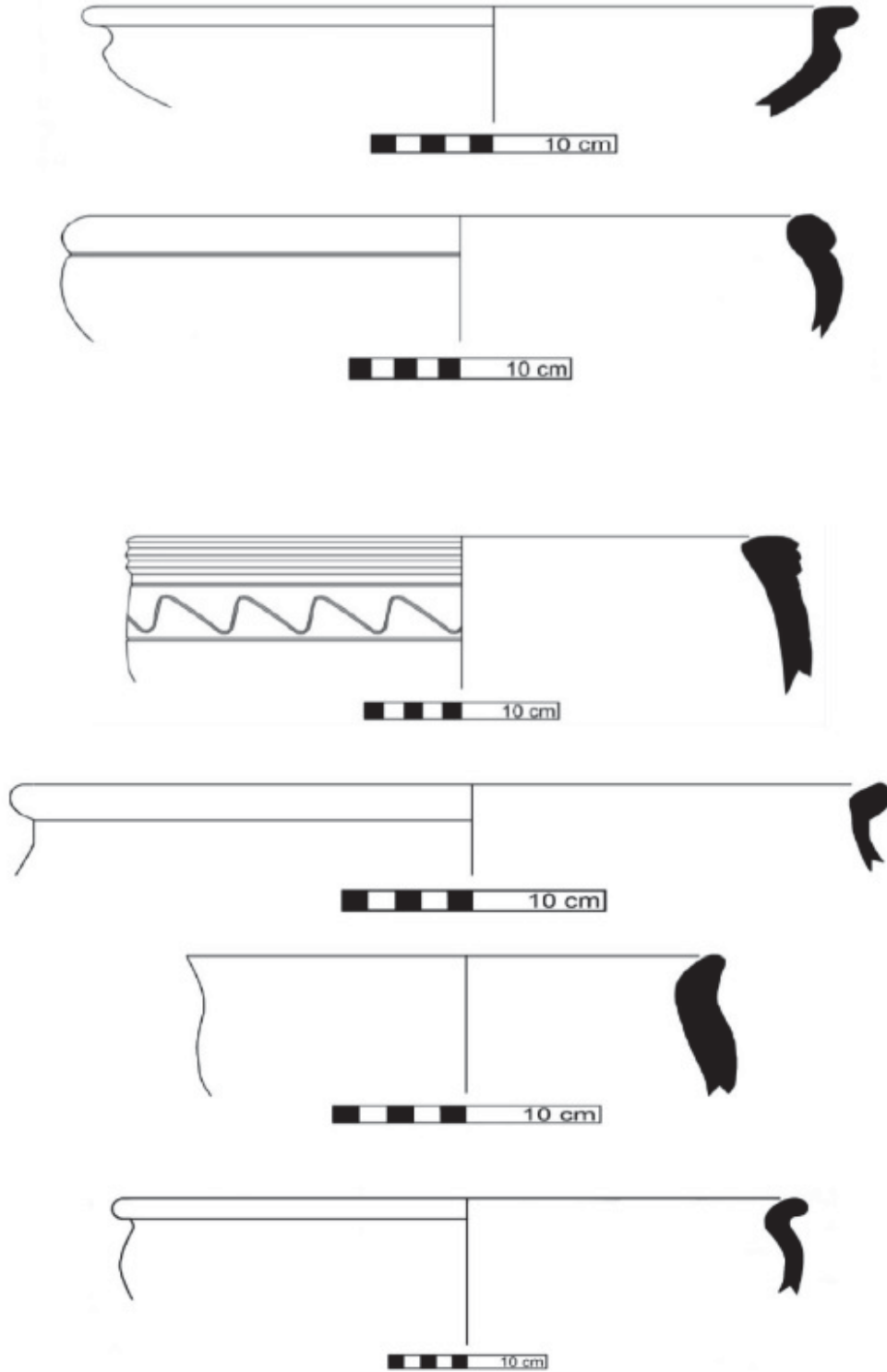


tepe 91 charmshir dam



تصویر ۳. وضعیت کلی معماری محوطه ۹۱ سد چرم شیر





تصویر ۴. طرح سفال محوطه ۹۱ سد چرم شیر



گزارش کوتاه بررسی باستان‌شناسی شهرستان گراش

سیروس برفی*

درآمد

برنامه بررسی و شناسایی شهرستان گراش در راستای تکمیل نقشه و اطلس باستان‌شناسی ایران با حمایت اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی فارس و طی نامه مجوز پژوهشکده باستان‌شناسی با شماره ۹۷۱۰۵۳۱۱ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۲ زیر نظر پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۵ شروع شد. مجوز مذکور یک‌بار تمدید شد تا روز پایانی برنامه بررسی و شناسایی شهرستان گراش ۳۰ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ باشد.

موقعیت و توصیف منطقه

لارستان بزرگ بخش‌های جنوبی استان فارس و قسمتی کوچک از تقسیمات سیاسی امروز استان‌های بوشهر و هرمزگان را تشکیل می‌داد. این خطه در قرون میانه و متأخر اسلامی نقش مهمی در جغرافیای سیاسی ایالت فارس و حتی ایران بازی می‌کرده است. لارستان بزرگ به‌مرور زمان به بخش‌های مختلف و سپس به شهرستان‌های متعددی از جمله گراش، خنج، اوز و لامرد تقسیم شد. شهرستان گراش از شمال با شهرستان اوز، از شرق و جنوب با شهرستان لارستان، از غرب با شهرستان لامرد و از شمال‌غرب با شهرستان خنج همسایه است. بخش گراش در تاریخ ۱۱ بهمن‌ماه ۱۳۸۸ از شهرستان لارستان جدا شده و تحت‌عنوان شهرستان گراش، بیست و هفتمین شهرستان استان فارس نام گرفت. طبق مصوبه اولیه دولت، این شهرستان شامل سه بخش گراش، اوز و بیرم بود که با اعتراضات انجام شده در لار، بخش‌های اوز و بیرم مجدداً به شهرستان لارستان الحاق شد. از دیدگاه جغرافیای طبیعی این شهرستان با طول شرقی - غربی حدود ۱۱۰ کیلومتر و عرض شمالی - جنوبی حدود ۵۰ کیلومتر دارای سه دشت میان‌کوهی مهم و نسبتاً گسترده به نام‌های ارد، گراش و فداغ است. بخش‌های کوچکی از این دشت‌های میان‌کوهی در تقسیمات

۱. البته بخش اوز در ۱۰ مهر سال ۱۳۹۸ به شهرستان اوز ارتقاء یافت.

* اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی فارس cyrusbarfi@gmail.com

سیاسی در شهرستان گراش قرار ندارد و این از دیدگاه چیدمان استقرارهای دوره‌های مختلف پیش‌ازتاریخی و تاریخی معضلی بزرگ برای بررسی‌های باستان‌شناختی به حساب می‌آید. شهر گراش مرکز بخش مرکزی است که دو دهستان فداغ و خلیلی را در خود جای داده است. همچنین شهر ارد که به تازگی دارای شهرداری شده، مرکز بخش ارد است که شامل دو دهستان ارد و سبزپوش می‌شود. ۵۲ درصد سطوح شهرستان گراش را کوه، ۳۶ درصد را دشت و ۱۲ درصد را تپه ماهورها تشکیل می‌دهد. شهرستان گراش دارای آب‌وهوای گرم و خشک با تابستان‌های طولانی و بسیار گرم و زمستان‌های ملایم و کوتاه است و تقریباً بدون برف و باران است. در دشت میان‌کوهی گراش رودخانه دائمی یا رودخانه فصلی بزرگی وجود ندارد. آب‌انبارهای این شهر از مسیل‌های پرشمار حوضه آبریز کل تغذیه می‌شوند و مازاد آن از طریق آب‌های فصلی به رودخانه‌های معروف پنت و بزئرد می‌ریزد. در دشت میان‌کوهی فداغ و ارد داستان کمی متفاوت است. در آن دشت‌ها دو رودخانه فصلی وجود دارد که آب آن‌ها از مسیل‌های کوه‌های اطراف تغذیه می‌شود. رودخانه فصلی شور در دشت میان‌کوهی ارد از شرق دشت به غرب آن سرازیر است و در میانه دشت پس از عبور از کنار شهر ارد به سمت غرب و روستای چاه طوس در شهرستان خنج سرازیر می‌شود. در دشت میان‌کوهی فداغ اما رودخانه فصلی بزرگ فداغ از به هم پیوستن مسیل‌ها و رودخانه‌های فصلی کوچکی مانند رودخانه فصلی بالنگستان و مسیل‌های کوه لینو در شمال روستای فداغ تشکیل شده و پس از همراه شدن با آب مسیل‌های بزرگی که از دامنه جنوبی کوه مز سرازیر می‌شود به طرف جنوب غربی ادامه مسیر می‌دهد تا سرانجام به رودخانه علامرودشت بپیوندد. در مورد وجه تسمیه گراش نظرهای متفاوتی آمده است که در این میان دو نظر منطقی‌تر است. نخستین آن که گراش هم‌ریشه خراش و غراش بوده و به معنی پراکنده و پریشان است (دهخدا ۱۳۷۷). گروهی اعتقاد بر این دارند که این آبادی در زمان‌های گذشته صرفاً در محل گراش امروزی نبوده، بلکه تشکل یافته از چند آبادی پراکنده بوده



که امروزه آثاری هرچند اندک که از آن‌ها به جای مانده، مانند تپه برغال قابل مشاهده است (صلاحی ۱۳۹۵). در کتاب تاریخ لارستان آمده است وجه تسمیه گراش این طور بوده که چون آن قریه روی شن کوه قرار داشته و شن به اصطلاح لاری‌ها آن را گرشه نامند. از این جهت قریه نامبرده به گراش موسوم شده است (مورخ لاری ۱۳۷۱). شهر گراش به‌عنوان تنها شهر قدیمی در شهرستان با وجود گسترش شهر و ساخت‌وسازهای نو به‌ویژه در بافت قدیمی آن هنوز می‌توان رد بافت قدیم شهر را مشاهده کرد. شوربختانه بسیاری از خانه‌های قدیمی در شهر گراش در جریان ساخت‌وسازهای امروزی از بین رفته است.

شرح عملیات میدانی

برای بررسی و شناسایی در شهرستان گراش ابتدا مطالعه تصاویر ماهواره‌ای با استفاده از نرم‌افزار گوگل ارث (Google Earth) و سپس تطبیق داده‌های به‌دست‌آمده از تصاویر ماهواره‌ای با نقشه‌های قدیمی مقیاس یک پنجاه‌هزارم منطقه در دستور کار هیئت قرار گرفت. مرحله دوم گردآوری داده‌ها از منابع مکتوب و مطالعه جغرافیای تاریخی منطقه بود. در این مرحله، دانش و پژوهش‌های پیشین آقای عبدالعلی صالحی و حضور ایشان در تیم بررسی بسیار سودمند بود. مرحله بعد عملیات میدانی بود که با کمک سه نفر از همکاران میسر شد. در این مرحله با استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده از مطالعات تصاویر ماهواره‌ای، نقشه‌ها و بهره بردن از افراد آگاه و بومی مطلع در منطقه بررسی، دامنه کوه‌ها و گستره دشت به‌صورت پیمایشی، پیاده و سواره بررسی شد. در مرحله بعد فرم‌های پژوهشکده که برای بررسی باستان‌شناسی تهیه شده بود و شامل یک فرم عمومی برای همه نوع آثار و یک فرم اختصاصی برای هر دسته از آثار پرشده و در صورت وجود اطلاعات خارج از فرم‌های در نظر گرفته شده در بخش توضیحات و اطلاعات شفاهی اضافه گردیده است. در پایان عکاسی در چهار جهت اصلی و در آثار ویژه عکاسی از جزییات، ترسیم کروکی و پلان سردستی به همراه کلیه اطلاعات فوق، در بانک اطلاعاتی (ژئودیتابیس) درخواستی واحد نقشه باستان‌شناسی پژوهشکده باستان‌شناسی تحت نرم‌افزار آرک جی‌آی‌اس تکمیل شده است.

آثار و یافته‌ها

بررسی و شناسایی شهرستان گراش از بخش ارد شروع شد که شامل دو دهستان ارد و سبزپوش است. در تقسیمات سیاسی این دو دهستان سه چهارم دشت میان کوهی ارد را به خود اختصاص داده است و یک چهارم باقی مانده از این دشت را اراضی روستای چاه‌طوس بخش محمله از شهرستان خنج دربر گرفته است. در بخش ارد ۵۴ اثر شامل قلعه و برج دیدبانی، گورستان قدیمی، آسیاب، آب‌انبار، بند و سد، محوطه و تپه، پناهگاه صخره‌ای و غار از دوره‌های پارینه‌سنگی تا سده‌های متأخر اسلامی شناسایی

شد. حاصلخیزی در دشت میان کوهی ارد مهم‌ترین دلیل از بین رفتن محوطه‌ها و تپه‌های پیش‌ازتاریخی و تاریخی به‌ویژه در مرکز دشت شده است. تنها نیمه شمالی دشت فداغ - خلیلی در محدوده شهرستان گراش قرار دارد و نیمه جنوبی آن در محدوده بخش علامرودشت شهرستان لامرد قرار گرفته است. این دشت از پتانسیل بالایی برای استقرار برخوردار بود و از این رو با توجه به وسعت حدود یک سوم این دشت که در محدوده شهرستان گراش قرار گرفته است تعداد ۵۲ اثر از دوره پارینه‌سنگی تا معاصر در آن شناسایی شد. ۴۸ اثر در بررسی و شناسایی محدوده دشت گراش که سومین دشت میان کوهی در شهرستان است، مطالعه شد.

در مجموع ۱۵۴ اثر شناسایی شده در بررسی شهرستان گراش شناسایی و ثبت و ضبط شد. در این میان ۲۷ اثر پیش‌تر در فهرست آثار ملی قرار گرفته بودند که عمده آن‌ها در دشت گراش قرار داشت و تعداد بسیار اندک و تقریباً شاخص هم پیش‌تر در کتاب جامعه‌شناسی گراش تألیف عبدالعلی صلاحی به‌صورت کوتاه معرفی شده بودند. آثار شناسایی شده در شهرستان گراش با کد - شماره از نخستین اثر که گورستان قدیمی روستای تازه شهر شده ارد است شروع شد و تمام محوطه‌ها روی نقشه یک بیست‌وپنج هزارم پیاده‌سازی شد. آثار شناسایی شده و دوره احتمالی آن‌ها به ترتیب از قدیمی‌ترین دوره تا معاصر به ترتیب در ادامه به‌صورت گذرا خواهد آمد. قدیمی‌ترین محوطه‌هایی که در بررسی باستان‌شناسی شهرستان گراش شناسایی شده است هفت محوطه روباز کارگاهی است. بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده از بررسی سطحی و همچنین مقایسه ریخت‌شناسی این یافته‌ها با محوطه‌های دیگر تاریخ‌گذاری پیشنهادی برای این محوطه‌های روباز دوره پارینه‌سنگی میانی است. پنج محوطه غار و پناهگاه صخره‌ای با آثاری از دوره فراپارینه‌سنگی و نوسنگی از دیگر محوطه‌هایی بود که از عصر سنگ در بررسی شهرستان گراش شناسایی شدند. دو محوطه تمب سفید و تل تلمبه یک بر اساس یافته‌های سطحی به دوره مس‌سنگی تعلق دارد. بیشتر محوطه‌هایی که در دشت ارد و فداغ قرار داشته در جریان گسترش زمین‌های کشاورزی از بین رفته است. در دوره تاریخی محوطه‌های بزرگی از دوره اشکانی و ساسانی مانند محوطه بزرگ برغال در دشت گراش و جاشهر در دشت ارد شناسایی شده است. جنوب فارس یکی بهترین نمونه‌های مدیریت آب‌های سطحی را به نمایش می‌گذارد. بیشتر این سازه‌های آبی به دوره تاریخی به‌ویژه دوره ساسانی ساخته شده و بنا به اهمیتی که در منطقه داشته‌اند چندین بار در دوره اسلامی مرمت و تعمیر شدند؛ سد تنگاب گراش نمونه‌ای از آثار دوره منتسب به ساسانی است که جهت تأمین آب ساکنان محوطه بزرگ برغال ساخته شده است. بیشترین آثار شناسایی شده در شهرستان گراش به دوره‌های مختلف اسلامی تعلق دارند. این آثار شامل قلعه، قلعه - روستا، گورستان، آب‌انبار، بند، کاروانسرا، حمام، مسجد و خانه‌ها می‌شود.



نتیجه‌گیری

رودخانه‌های فصلی و مسیل‌ها مهم‌ترین منبع آب برای گروه‌های انسانی در دوره پارینه‌سنگی به‌ویژه دوره پارینه‌سنگی میانی در جنوب فارس به‌شمار می‌رود. محوطه‌های شناسایی شده در بررسی شهرستان گراش و همچنین محوطه‌هایی که پیش‌تر در شهرستان لامرد و لار شناسایی شده است مؤید این مطلب است (برفی و حمزوی زرقانی ۱۳۹۷؛ سرداری و سرخوش ۱۳۹۸). وجود رودخانه شور بهترین پتانسیل برای جوامع کشاورز دوران مس - سنگی است که دشت ارد زیستگاه آن‌ها بود. در دوره تاریخی به خصوص با مدیریت آبی که به وجود آمده بود شاهد افزایش بالای جمعیت در سه دشت مهم میان‌کوهی منطقه هستیم. تراکم زیاد جمعیت در دوره اسلامی نیز ادامه داشته است، اما افزایش تعداد قلعه‌ها شاید گواه کشمکش‌های زیاد در منطقه لارستان و عدم امنیت بوده است.

سپاسگزاری

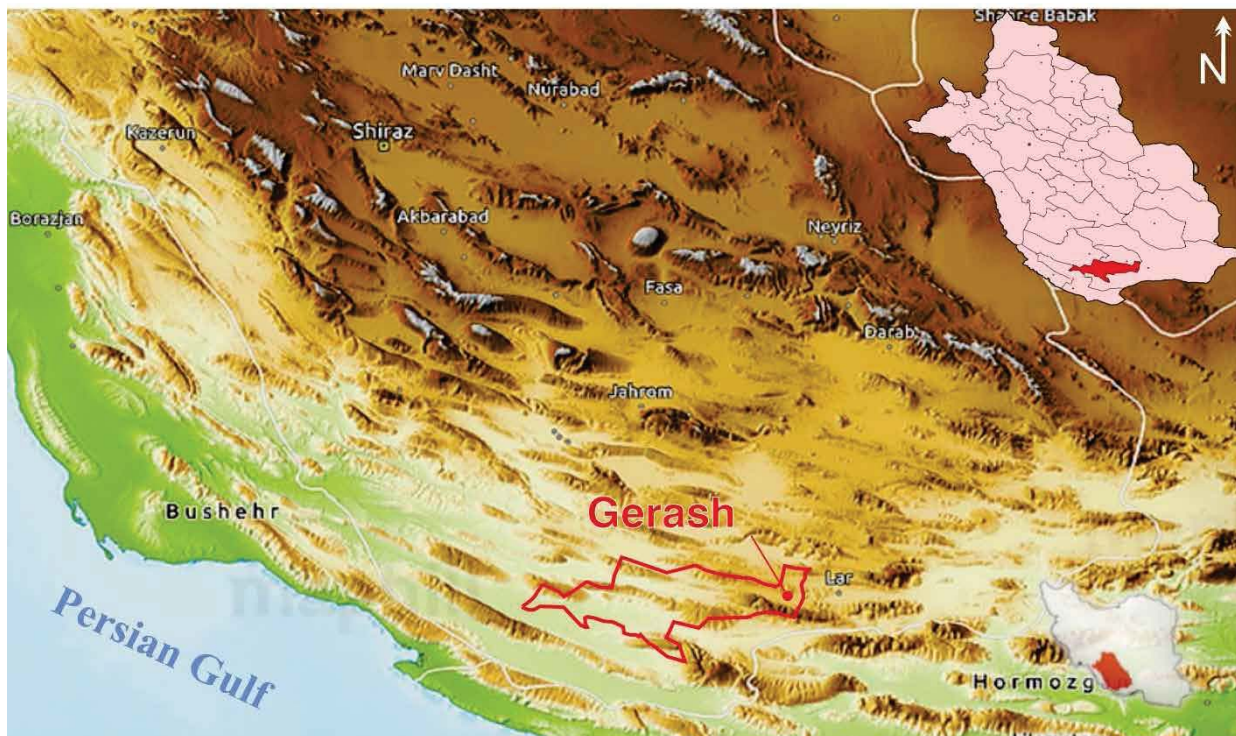
از اعضای هیئت بررسی آقایان عبدالعلی صلاحی، محمد کیانی و محمدحسن پاک‌نژاد و بانو سمیرا جعفری صمیمانه سپاسگزاری می‌شود. همچنین نگارنده بر خود لازم می‌دارد از آقایان روح‌الله

جمالی شهردار شهر ارد، نگهبان قاسمی رییس شورای اسلامی شهر ارد، مصیب امیری مدیر کل میراث فرهنگی استان فارس، رضا نوروزی، حسن مرادی، محمدجواد جعفری و بانو صدیقه عبدالهی به پاس همکاری و یاری برای انجام برنامه بررسی تشکر فراوان دارد.

کتاب‌نامه

- صلاحی، عبدالعلی ۱۳۹۵ *جامعه‌شناسی گراش، گراش، نشرالناحق، شیراز: دانشنامه فارس.*
- مورخ لاری، سیدعلالدین ۱۳۷۱ *تاریخ لارستان، تصحیح و تحشیه محمدباقر وثوقی، شیراز: راه دلگشا.*
- برفی، سیروس و سامان حمزوی زرقانی ۱۳۹۷ *گزارش بررسی شناسایی شهرستان لامرد (بخش مرکزی و اشکنان)، آرشو سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان فارس.*

سرداری، علیرضا و احمد سرخوش ۱۳۹۸ *”بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان لارستان، فارس“، گزارش‌های هفدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران (مجموعه مقالات کوتاه ۱۳۹۷) (جلد اول)، به کوشش روح‌اله شیرازی و شقایق هورشید، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.*



تصویر ۱. موقعیت شهرستان گراش و وضعیت ناهمواری‌ها در جنوب استان فارس





تصویر ۲. غار تنگ بس‌په‌ای از دوره پارینه سنگی



تصویر ۳. نمایی از قلعه گود قلات، دید از غرب





تصویر ۴. نمایی از سد تنگاب گراش



تصویر ۵. نمای جنوبی آسیاب آفتاب





تصویر ۶. نمونه سنگ گور در گورستان قدیمی شهر ارد



تصویر ۷. کاروانسرای زینال آباد



کاوش در غار وزمه و بررسی منطقه اطراف آن در کوه‌های قاضی‌وند،

دشت اسلام‌آباد غرب، کرمانشاه ۱۳۹۸

فریدون بیگلری^{*}، مرجان مشکور، سونیا شیدرنگ، مرتضی رحمتی، حسین داوودی، امیر ساعدموشی
کمال طاهری، سجاد سمیعی و کامیار عبدی

درآمد

در این گزارش خلاصه‌ای از نتایج کاوش غار وزمه^۱ و بررسی بخشی از منطقه اطراف آن به شعاع دو کیلومتر در کوه‌های قاضی‌وند، دشت اسلام‌آباد غرب، در استان کرمانشاه ارائه می‌شود. این برنامه میدانی از ۱۵ آبان‌ماه تا ۳ آذرماه ۱۳۹۸ به مدت ۱۹ روز با مجوز پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری (شماره مجوز: ۹۸۱۰۲۳۲۵، مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۱۲) انجام شد.

موقعیت و توصیف محوطه و منطقه بررسی

غار وزمه در ۴۶ کیلومتری جنوب‌غرب کرمانشاه و ۱۰ کیلومتری جنوب‌شرق اسلام‌آباد غرب، در ارتفاعات قاضی‌وند قرار دارد (تصویر ۱). این غار در ارتفاع حدود ۱۴۳۰ متری از سطح دریا، حدود ۶۰ متر بالاتر از کف یک دره جانبی در دامنه غربی کوه قاضی‌وند و مشرف بر دامنه‌ای با شیب تند است (تصویر ۲). دهانه غار با ۲ متر عرض و ۱/۵ متر ارتفاع رو به شمال است (تصویر ۳). دالان و شافت انتهایی غار در مجموع ۲۷ متر طول دارد و مساحت کل کف غار حدود ۱۶۰ متر مربع است. دالان اصلی غار با محور شمالی-جنوبی حدود ۱۵ متر طول و بین ۱/۷ تا ۲/۲ متر عرض و ۱ تا ۱/۲ متر ارتفاع دارد. دالان اصلی در انتها با زاویه ۹۰ درجه به سمت غرب می‌پیچد و پس از حدود چهار متر به شافت انتهایی غار می‌رسد. شافت انتهایی غار با محور شمالی-جنوبی، ۴/۶ متر طول، ۱/۳ متر عرض و ۷ متر ارتفاع دارد. با توجه به کوچک بودن دهانه غار و جهت شمالی آن فقط چند متر ابتدای دالان اصلی طی روز روشن است و داخل غار به‌خصوص ۱۵ متر انتهایی آن کاملاً در تاریکی قرار دارد.

پیشینه پژوهش‌ها

غار وزمه طی پروژه پژوهش‌های باستان‌شناسی دشت اسلام‌آباد به کوشش کامیار عبدی شناسایی و ثبت شد. این غار در دومین فصل بررسی‌های دشت اسلام‌آباد در اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۹ بررسی و متعاقباً در سال بعد گمانه‌زنی شد (Abdi et al. 2002). در بررسی اولیه شمار زیادی استخوان و دندان گونه‌های مختلف جانوری از دامنه مقابل دهانه غار گردآوری شد که در نتیجه حفاری غیرمجاز شافت انتهایی غار در سال ۱۳۷۴ از بستر اولیه خود خارج و همراه با رسوبات در دامنه انباشت شده بودند. علاوه بر این شماری بقایای استخوانی انسان و همچنین قطعات سفال دوره مس و سنگ گردآوری شد. با توجه به اهمیت این یافته‌ها، غار در مرداد ۱۳۸۰ تحت‌نظر کامیار عبدی به مدت چند روز نقشه‌برداری و گمانه‌زنی شد. یک گمانه به ابعاد ۲/۵ در ۳ متر و به عمق حدود ۷۰ سانتی‌متر در بیرون از دهانه غار کاوش شد که منجر به شناسایی سه لایه و یک سازه احتمالی خشکه‌چین سنگی و شماری قطعات سفال و دست تراش سنگی شد. علاوه بر این شش گمانه کوچک با فواصل حدود دو متر در دالان اصلی غار کاوش شد که در عمق‌های ۳۷ تا ۷۸ سانتی‌متری به سنگ بستر دالان غار رسیدند. از این گمانه‌ها تعدادی قطعات سفال عمدتاً مربوط به دوره‌های مس‌وسنگ قدیم و میانه و همچنین شماری بقایای جانوری به دست آمد. علاوه بر این رسوبات حفاری غیرمجاز انباشت‌شده بر دامنه مقابل دهانه غار سرند و شمار زیادی بقایای جانوری و تعداد کمی بقایای انسانی و قطعات سفال به دست آمد.

مجموعه بقایای استخوانی به‌دست‌آمده توسط مرجان مشکور و همکاران وی بررسی شد که در نتیجه آن اطلاعات مهمی از تنوع جانوری منطقه در پلیستوسن جدید به دست آمد (Mashkour et al. 2009). تعدادی نمونه دندان خرس قهوه‌ای، کفتار خالدار و گراز به شیوه سری اورانیوم سن‌سنجی شدند که در نتیجه تاریخ‌هایی بین ۷۰ تا ۱۱ هزار سال پیش به دست آمد. به نظر می‌رسد در بازه زمانی مذکور درندگان از

۱. غار وزمه در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۸۵ با شماره ۱۷۸۴۳ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

* معاون امور فرهنگی و مسئول بخش پارینه سنگی، موزه ملی ایران
fbiglari@gmail.com



این غار احتمالاً به صورت کوتاه مدت استفاده کرده‌اند (Ibid). تصور اولیه این بود که شمار اندک بقایای انسانی یافت شده مربوط به دوره‌های مس‌سنگی و متأخرتر هستند. اما بررسی این مجموعه از بقایای انسان به همت اریک ترینکاوس، روشن ساخت که یکی از دندان‌ها با توجه به ابعاد و ویژگی‌های آن می‌تواند مربوط به پلیستوسن جدید باشد (Trinkaus et al., 2008). این دندان آسیای کوچک آرواره بالایی کودکی است که در زمان مرگ سنی بین ۶ تا ۱۰ سال داشته است. این دندان در دانشگاه پواتیه با استفاده از تصویربرداری سه بعدی میکروسی‌تی از طریق پرتو ایکس برش نگاری شد و از این طریق بخش‌های داخلی از جمله محل اتصال عاج به مینای دندان بررسی و اندازه‌گیری شد. این تصویربرداری سه بعدی مینا و عاج دندان مشخص کرد که نمونه وزمه دارای ویژگی‌های دندان انسان نئاندرتال است و از سوی دیگر تاج دندان در این نمونه از لحاظ ابعاد در میان بزرگ‌ترین نمونه‌های دندانی انسان‌های اواخر پلیستوسن جای می‌گیرد (Zanolli et al., 2019). با در نظر گرفتن اینکه گوشت‌خواران بین ۷۰ تا ۱۱ هزار سال پیش به طور مکرر از غار استفاده کرده‌اند و این مسئله که انسان‌های نئاندرتال در حدود ۴۰-۴۵ هزار سال پیش منقرض شدند، کودک نئاندرتال وزمه به احتمال زیاد در مقطع زمانی بین ۷۰ تا ۴۰ هزار سال پیش در این منطقه می‌زیسته است.

شرح عملیات میدانی

دور دوم برنامه میدانی شامل گمانه‌زنی در انتهای غار وزمه به منظور شناسایی نهشته‌های برجا، سرند نهشته‌های حاصل از حفاری غیرمجاز در دامنه مقابل غار به منظور گردآوری بقایای جانوری، سفال، دست‌ساخته‌های سنگی و سایر بقایای احتمالی و بررسی اطراف غار وزمه به شعاع دو کیلومتر به منظور شناسایی سایر مکان‌های احتمالی و منابع سنگ خام در محدوده غار بود. پیش از شروع گمانه‌زنی در انتهای غار، ابتدا نهشته‌های به هم ریخته سطحی برداشت شد و پس از رسیدن به نهشته‌های برجا گمانه‌ای به ابعاد $1/5 \times 1$ متر با محور شمالی-جنوبی در کف شافت کاوش شد (تصویر ۴). به منظور جلوگیری از ریزش دیواره شرقی گمانه در عمق ۸۰ سانتی‌متری، ۵۰ سانتی‌متر از عرض گمانه کاسته شد. این گمانه با ابعاد $1/5$ در $0/5$ متر تا عمق ۱۲۰ سانتی‌متری کاوش شد. در این کاوش سه لایه طبیعی با رسوبات قهوه‌ای تیره شناسایی شد که در بخش بالایی دارای قطعات کوچک سنگ آهک بود. شمار قطعات سنگ آهک در واحد لایه‌نگاری دوم کاهش یافته و رسوب متراکم‌تر بود. واحد لایه‌نگاری سوم دارای رسوبات متراکم‌تر با قطعات پراکنده سنگ آهک بود. هر سه واحد لایه‌نگاری از

لحاظ رنگ تقریباً مشابه بودند. در این واحدهای لایه‌نگاری عمدتاً بقایای جوندگان و ریزمهره‌داران به دست آمد و هیچ نوع بقایای باستان‌شناختی یافت نشد. هفت نمونه رسوب برای بررسی ریزریخت‌شناسی توالی نهشته‌های برجا از دیواره شمالی و جنوبی گمانه برداشت شد.

سرند دقیق نهشته‌های به هم ریخته دامنه غار منجر به گردآوری مجموعه بزرگی از بقایای جانوری، سفال، و شمار کمی دست‌تراش سنگی شد. شرح این یافته‌ها در ادامه گزارش خواهد آمد.

در بررسی اطراف غار چند پناهگاه صخره‌ای و غار با یافته‌هایی شامل دست‌تراش سنگی و قطعات سفال یافت شد که به پارینه‌سنگی میانی، فراپارینه‌سنگی و احتمالاً نوسنگی یا مس‌سنگی مربوط است (تصویر ۵). یک برونزد سنگ چرت در نزدیکی تنگ قاضی‌وند شناسایی شد که شماری دست‌تراش سنگی از آن گردآوری شد. این برونزد سنگ احتمالاً در دوره پارینه‌سنگی میانی مورد استفاده قرار گرفته است.

یافته‌ها

طی این کاوش مجموعه‌ای بزرگ و غنی از بقایای جانوری کشف شد. استخوان‌های مکشوفه وضعیت حفظ‌شدگی مناسبی دارند. فرایندهای پس از انباشت، به خصوص رسوب‌گذاری داخل غار و جذب و دفع رطوبت، بر استخوان‌ها تأثیر چندانی نگذاشته است. البته آثار شکستگی و درز سطحی حاصل از هوازدگی در تعدادی از استخوان‌ها دیده می‌شود. بیشتر بقایای جانوری در رده پستانداران قابل طبقه‌بندی هستند. گوشت‌خواران و علفخواران دو راسته اصلی هستند. گوشت‌خواران متنوعی از خانواده کفتارسانان (کفتار خالدار)، خرس‌سانان (خرس قهوه‌ای) (تصویر ۶)، سگ‌سانان (روبا و گرگ)، گربه‌سانان (شیر) و راسوسانان (راسوی قاقم) در مجموعه شناسایی شدند. البته گوشت‌خواران بزرگ و کوچک در وزمه، تنوع زیادی دارند و گونه‌شناسی دقیق آنها نیازمند بررسی دقیق یافته‌ها است. استخوان علفخواران شناسایی شده به گاوسانان (گاو وحشی و آهو)، گوسفندسانان (بز و گوسفند وحشی)، گوزن‌سانان (مرال)، اسب‌سانان (اسب وحشی و گورخر)، خوک‌سانان (گراز)، کرگدن و جوندگان (خرگوش و موش‌سانان) مربوط است. لازم به توضیح است که برخی از استخوان‌های گوسفندسانان، به گونه‌های اهلی تعلق دارند و از نظر زمانی، عمدتاً به استقرارهای دوره نوسنگی و مس‌سنگی در این مکان مربوط می‌شوند. تعداد

۲. متأسفانه به‌رغم انجام مکاتبات لازم برای صدور مجوز انتقال مجموعه به موزه ملی ایران جهت پژوهش‌های دقیق‌تر، به علت کارشکنی یکی از کارشناسان اداره کل موزه‌ها و اموال منقول فرهنگی-تاریخی مجوز انتقال با تاخیر تقریباً یک‌ساله صادر شد و در نتیجه امکان ارایه نتایج مطالعات دقیق‌تر در این مقاله فراهم نشد (ف.ب).



زیادی استخوان نیز از رده پندگان، خزندگان (لاکپشت و بزوجه)، سخت‌پوستان (خرچنگ)، شکم‌پایان (حلزون) و ماهی‌ها در مجموعه وزمه وجود دارد. بقایای جانوری غار وزمه از نظر کمیت و تنوع گونه‌های جانوری، اطلاعات ارزشمندی درباره تنوع زیستی جانوران، به‌ویژه گوشتخواران در اواخر دور پلیستوسن و چگونگی بهره‌برداری انسان از حیوانات در اواخر پیش‌ازتاریخ در اختیار ما قرار می‌دهد.

مجموعه کوچکی از دست‌تراش‌های سنگی در نهشته‌های به‌هم‌ریخته انتهای غار و بیرون غار به‌دست‌آمده که قابل انتساب به دوره‌های پارینه‌سنگی میانی و دوره نوسنگی هستند (تصویر ۶). مجموعه‌ای از قطعات سفال در نهشته‌های آشفته انتهای بیرون غار جمع‌آوری شد که به لحاظ گاهنگاری مربوط به دوره‌های نوسنگی، مس‌سنگ قدیم، مس‌سنگ میانه و جدید و نیز دوران تاریخی/اسلامی است (تصویر ۷). سفال‌های دوره نوسنگی شامل دو نوع سفال‌های ساده و منقوش است. سفال‌های منقوش این دوره دارای پوشش نخودی با نقوش قرمز رنگ در سطح خارجی بدنه است. نوارهای افقی پهن با خطوط عمودی باریک‌تر طرح‌های چهارگوش منفی را ایجاد کرده است (تصویر ۴، شماره ۱). کاسه از فرم‌های رایج این گروه است. چنین سفال‌هایی را می‌توان در دوره نوسنگی میانه زاگرس مرکزی مانند تپه گوران مشاهده کرد؛ در تپه گوران این سفال‌ها در گروه سفال‌های منقوش استاندارد طبقه‌بندی شده‌اند. سفال‌های قابل انتساب به دوره نوسنگی جدید شامل قطعات سفال ساده قرمز رنگ با پوشش قرمز غلیظ، خمیره قهوه‌ای تا قرمز کم رنگ، غالباً دارای پخت ناکافی، کیفیت ظریف تا زمخت و دست‌ساز هستند (تصویر ۴، شماره ۲ و ۳). این سفال‌ها با مکان‌هایی چون سیاه‌بید و سراب قابل مقایسه هستند (Levine and Young 1987).

سفال‌های دوره مس‌سنگ قدیم شامل سفال‌های نوع I است. خمیره سفال‌های این گروه به رنگ نخودی، دارای پخت مناسب، پوشش رقیق، با کیفیت ظریف و متوسط، شاموت ریز گیاهی و کانی است که به‌صورت دست‌ساز و چرخ‌ساز ساخته شده‌اند. سطح آنها با رنگ قهوه‌ای پوشانده شده و سپس روی آن نقوش هندسی کار شده است. نوع دیگر این سفال‌های منقوش دورنگ با رنگ زمینه بادمجانی و نقوش مثلثی آویزان تیره‌تر روی سطح خارجی آن است (تصویر ۴، شماره ۴). نوع دیگر سفال‌های یافت شده سفال‌های نخودی ساده و منقوش (Black on Buff) دوره مس‌سنگی میانی است (تصویر ۴، شماره ۵). رنگ خمیره این سفال‌ها نارنجی و نخودی با پوشش نخودی و کرم، با شاموت کانی و مواد آلی ریز، غالباً دارای پخت کافی و سطح بدنه صاف است که در برخی موارد اثر پوشش

دست مرطوب در داخل آنها دیده می‌شود. نقوش این گونه سفال شامل خطوط سیاه رنگ افقی و هندسی در سطح بیرونی ظرف است. نوع بعدی سفال‌های این دوره، گونه زمخت نخودی تا صورتی رنگ است که معمولاً قسمت اعظم بدنه ضخیم آنها پخت ناکافی دارد. شاموت گیاهی و در برخی موارد شاموت شنی در بدنه آنها استفاده شده و با دست ساخته شده‌اند. مقدار زیادی از پوشش سطحی سفال‌های این گروه دچار فرسایش شده است. سفال‌های این گروه با مرحله سیاه‌بید و نیز نمونه‌های حاصل از کاوش پیشین غار وزمه مشابه و به دوره مس‌سنگ میانه متعلق است (Abdi et al. 2002). سفال‌های مس‌سنگی جدید شامل نوع کاهرو به رنگ نخودی، قهوه‌ای، کرم، و نارنجی است. میزان سفال‌های منقوش آنها کم و به دلیل استفاده زیاد از شاموت کاه در بدنه، نشانه‌های کاه در سطح سفال قابل مشاهده است (تصویر ۴، شماره ۶ و ۷). این سفال‌ها علاوه بر غرب زاگرس مرکزی در گستره وسیعی از شمال بین‌النهرین و شمال غرب ایران دیده می‌شود (Stein and Alizadeh 2014). علاوه بر سفال‌های فوق چندین قطعه سفال دوره‌های تاریخی نیز به دست آمد.

نتیجه‌گیری

در این فصل علاوه بر گردآوری مجموعه‌ای غنی از بقایای جانوری که از لحاظ تنوع گونه‌های جانوری در چارچوب کلی فون شناخته‌شده از غار وزمه و منطقه قرار می‌گیرند، یافته‌های جدیدی به‌دست‌آمده نشان می‌دهد غار در دوره‌های پارینه‌سنگی میانی و نوسنگی نیز به‌طور گذری مورد استفاده بوده است. تا پیش از این فقط بر اساس بقایای انسانی یافت شده می‌دانستیم که غار علاوه بر دوره مس‌سنگی، طی دوره پارینه‌سنگی میانی و نوسنگی نیز به‌نوعی استفاده شده یا حاوی بقایای انسانی این دوره‌ها است. اما مواد فرهنگی به‌دست‌آمده اطلاعات بیشتری درباره کاربرد احتمالی غار طی دوره‌های مذکور ارائه می‌کند. همچنین چندین مکان دوران پارینه‌سنگی و متأخرتر در اطراف غار شناسایی شد که ما را در درک بهتر جایگاه غار وزمه در یک چشم‌انداز کلی تر کمک می‌کند. بقایای ریزمهره‌داران یافت‌شده در توالی نهشته‌های کاوش‌شده نیز در صورت سن‌سنجی می‌تواند درباره تغییرات محیطی در بازه زمانی احتمالی اشکوب‌های ایزوتوپی دریایی ۳ تا ۵ اطلاعات جدیدی ارائه کند. بررسی دقیق‌تر یافته‌های این فصل می‌تواند ما را در رسیدن به پاسخ پرسش‌هایی چون چگونگی کاربری این غار توسط جوامع انسانی و جانوری پلیستوسن جدید و هولوسن و دیرینه محیط غار یاری کند.



Abdi, K.; F. Biglari, S. Heydari

2002 "Islamabad Project 2001. Test Excavations at Wezmeh Cave", *Archäologische Mitteilungen aus Iran und Turan*. 34, 171-194.

Broushaki, F.; MG. Thomas, V. Link V, S. López, L. van Dorp, K. Kirsanow, Z. Hofmanová, Y. Diekmann, LM. Cassidy, D. Díez-del-Molino, A. Kousathanas, C. Sell, HK. Robson, R. Martiniano, J. Blöcher, A. Scheu, S. Kreutzer, R. Bollongino, D. Bobo, H. Davoudi, O. Munoz, M. Currat, K. Abdi, F. Biglari, OE. Craig, DG. Bradley, S. Shennan, KR. Veeramah, M. Mashkour, D. Wegmann, G. Hellenthal, J. Burger

2016 "Early Neolithic genomes from the eastern Fertile Crescent", *Science* 14 Jul 2016: DOI: 10.1126/science.aaf7943.

Djamali, M.; F. Biglari, K. Abdi, V. Andrieu-Ponel, J-L. de Beaulieu, M. Mashkour and Ph. Ponel

2011 "Pollen analysis of coprolites from a late Pleistocene-Holocene cave deposit (Wezmeh Cave, west Iran): insights into the late Pleistocene and late Holocene vegetation and flora of the central Zagros Mountains", *Journal of Archaeological Science* 38: 3394-3401.

Levine, L.D. and T.C. Young

1987 "A Summary of the Ceramic Assemblages of the Central Western Zagros from the Middle Neolithic to the Late Third Millennium B.C. in Préhistoire de la Mésopotamie". *La Mésopotamie Préhistorique et L'exploration Récente du Djebel Hamrin* (ed. J.L. Huot), 15-53, CNRS, Paris.

Mashkour, M.; H. Monchot, J. L. Reyss, E. Trinkaus, S. Bailon, F. Biglari, S. Heydari & K. Abdi

2009 "Carnivores and their preys in the Wezmeh cave (Kermanshah, Iran): a Late Pleistocene refuge in the Zagros". *International Journal of Osteoarchaeology*, 19: 678-694.

Monchot, H.

2008 "Des hyenes tachetées au Pleistocene supérieur dans le Zagros (grotte Wezmeh, Iran)". *Archaeozoology of the Near East VIII: Proceedings of the Eighth International Symposium on the Archaeozoology of Southwestern Asia and Adjacent Areas*. Villa, E., Gourichon, L., Chyke, A. M., and Butenhuis, H., (eds), pp.65-78, Mison de l'Orient.

Stein, J. G.; A. Alizadeh

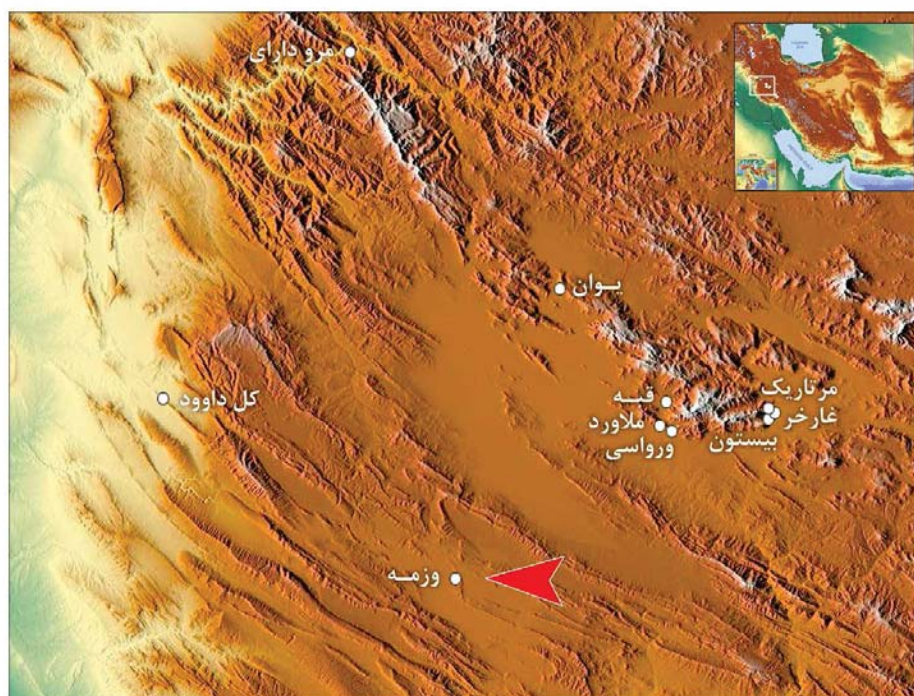
2014 *Surezha, Kurdistan? Oriental Institute 2013-2014 Annual Report*. pp. 133-146, Chicago, Oriental Institute Publications.

Trinkaus E.; F. Biglari, M. Mashkour, H. Monchot, J-L. Reyss, H. Rougier, S. Heydari, K. Abdi

2008 "Late Pleistocene Human Remains from Wezmeh Cave, western Iran". *American Journal of physical Anthropology*.135 (4):371-80.

Zanolli, C.; F. Biglari, M. Mashkour, K. Abdi, H. Monchot, K. Debue, A. Mazurier, P. Bayle, M. Le Luyer, H. Rougier, E. Trinkaus, R. Macchiarelli

2019 "Neanderthal from the Central Western Zagros, Iran. Structural reassessment of the Wezmeh 1 maxillary premolar". *Journal of Human Evolution*, Vol: 135. <https://doi.org/10.1016/j.jhevol.2019.102643>

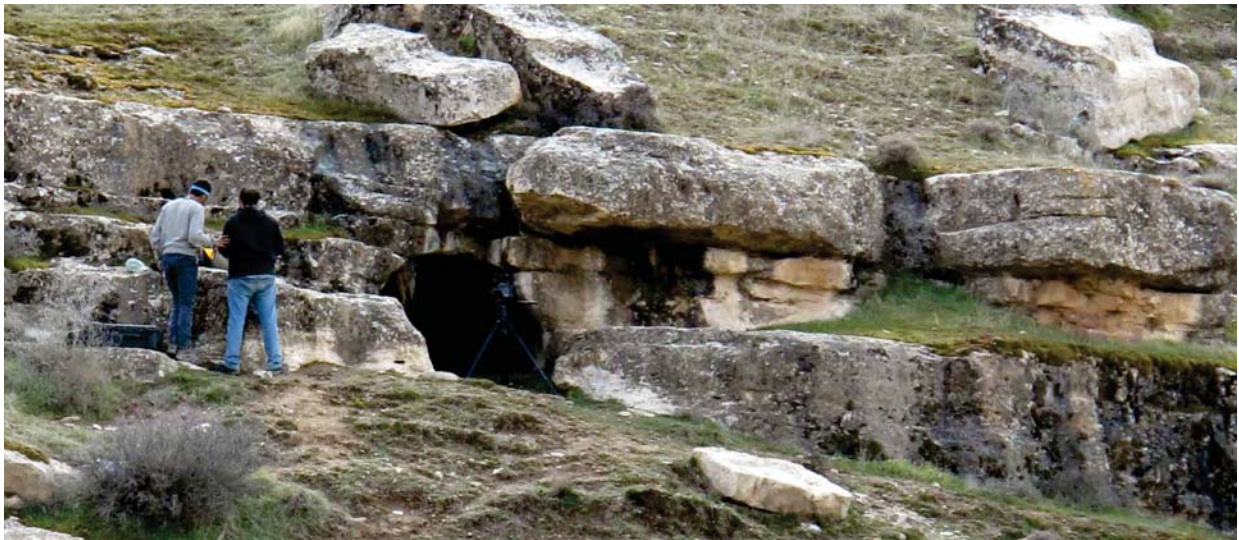


تصویر ۱. موقعیت غار وزمه و شماری از مکان‌های پارینه‌سنگی کاوش‌شده در کرمانشاه





تصویر ۲. نمای عمومی منطقه و موقعیت دهانه غار وزمه که با علامت فلش مشخص شده است



تصویر ۳. نمای نزدیک دهانه غار وزمه





تصویر ۴. موقعیت گمانه در کف شافت انتهای غار وزمه، ۱۳۹۸



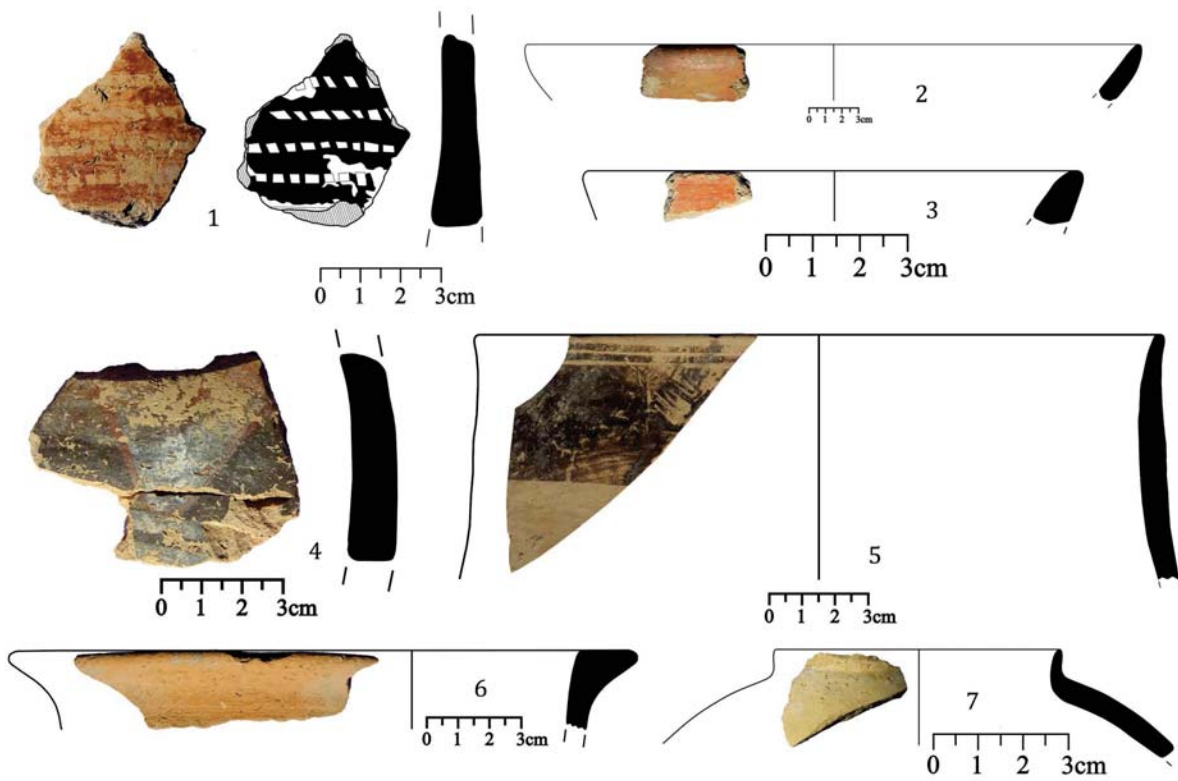


تصویر ۵. غار قاضی‌وند، یکی از مکان‌های شناسایی‌شده در بررسی اطراف غار وزمه، ۱۳۹۸



تصویر ۶. منتخبی از یافته‌های کاوش سال ۱۳۹۸ در غار وزمه، ۱-۳. دندان آسیا و نیش خرس قهوه‌ای، ۴-۵. دست‌تراش‌های سنگی





تصویر ۷. منتخبی از قطعه سفال‌های یافت‌شده در غار وزمه، سال ۱۳۹۸



کاوش نجات بخشی تپه ریک آباد، حوضه زاب کوچک

علی بیننده*

درآمد

در چند دهه اخیر بحران آب در خاورمیانه و ایران موجب شده دولت‌ها برای مهار و ذخیره آب، سدهای متعددی با اهداف متفاوت احداث کنند. این روند در ایران شتاب بیشتری دارد به طوری که در سال‌های اخیر چندین سد فقط در حوضه رودخانه زاب کوچک ساخته شده و به بهره‌برداری رسیده است. سد کانی سیب در حوضه زاب کوچک در شمال غرب ایران روزهای پایانی ساخت خود را پشت سر می‌گذارد. حوضه آب‌ریز و آبگیر کانی سیب با توجه به شرایط مساعد جغرافیایی، محیطی و اقلیمی در بردارنده محوطه‌های باستانی متعددی از دوره‌های مختلف است که با آب‌گیری سد، چندین محوطه زیر آب خواهند رفت و بعضی نیز در جوار مخزن آبگیر سد تا حدی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. محوطه ریک‌آباد به صورت کامل زیر آب نخواهد رفت. در پروژه‌های مشترک بین وزارت نیرو و سازمان میراث فرهنگی، عملیات نجات بخشی باستان‌شناسی در منطقه مذکور انجام شد. عملیات کاوش محوطه ریک‌آباد با هدف به دست آوردن مجموعه‌ای از مواد فرهنگی برای تاریخ‌گذاری، مشخص کردن توالی احتمالی لایه‌های فرهنگی، شناخت ارتباطات درون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای انجام شد. احداث چندین سد در حوضه زاب کوچک موجب شده است در سال‌های اخیر مطالعات باستان‌شناسی نسبتاً خوبی در منطقه انجام شود، پیش از آن نیز کاوش‌های تپه ربط (Kargar and Binandeh 2009، حیدری ۱۳۸۶) بررسی استقرارهای پیش از تاریخی این حوضه (Binandeh et al. 2012) و کاوش تپه لایین (بیننده ۱۳۹۰؛ Nobari et al. 2012) از مهم‌ترین فعالیت‌های باستان‌شناسی این حوضه بودند. نخستین فصل کاوش مطابق مجوز صادره شماره ۹۸۱۰۱۳۵۳ مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۹ به مدت ۳۰ روز در مردادماه و شهریورماه ۱۳۹۸ انجام شد.

موقعیت و توصیف محوطه

تپه ریک‌آباد یکی از محوطه‌های باستانی حوضه آبگیر سد کانی سیب است که در طی فصل کنونی مورد کاوش نجات بخشی قرار گرفت. تپه ریک‌آباد در ۱۰ کیلومتری جنوب شرق شهر پیرانشهر در استان آذربایجان غربی و در فاصله یک کیلومتری متری شرق رودخانه لایین (زاب کوچک) قرار گرفته است (تصویر ۱). تپه در بین خانه‌های روستای امروزی ریک‌آباد محصور است و آسیب‌های جدی به آن وارد شده است. ایجاد یک پایگاه نظامی در رأس تپه در جریان ناآرامی‌های دهه ۷۰ در منطقه، برپایی میدان مین در اطراف پایگاه و خاک‌برداری وسیع در جوانب جنوب غربی تا شمالی تپه برای احداث راه دسترسی به پایگاه، باعث نابودی بخش‌های وسیعی از لایه‌های فوقانی آن شده است، پس از آن دو بار دیگر محوطه تخریب شده است. نخست در سال ۱۳۸۵ و پس از برچیده شدن پایگاه نظامی به بهانه مین‌روبی و خطر زایی محدوده اطراف پایگاه یا همان بخش مرکزی و مرتفع تپه، بالغ بر ۵ متر از رأس آن به وسیله بولدوزر و دیگر ماشین‌آلات راه‌سازی کاملاً زیرورو شده است. در اقدام دوم در سال‌های اخیر (از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶) در سه نوبت خاک‌برداری‌های وسیعی در بخش جنوبی دامنه‌ی تپه انجام شده و هر بار بیش از پیش عرصه به تپه تنگ شده است! آنچه امروز از تپه باقی مانده مساحتی در حدود ۳.۵ هکتار و بلندترین نقطه آن از سطح زمین‌های اطراف به ۷.۵ متر می‌رسد. خاک‌برداری‌های جدید برای استفاده خاک غنی تپه در زمین‌های سنگلاخی اطراف روستا انجام شده و در نهایت در همان بخش جنوبی تا دل تپه پیش رفته و برشی به طول ۳۵ متر و با ارتفاع ۱ تا ۷ متر پدید آورده است. وجود این برش با بقایای دیوارهای خشتی و سنگی و ردّ مشخص لایه‌های طبیعی و فرهنگی، موقعیت مناسبی را برای ایجاد یک کارگاه لایه‌نگاری فراهم آورده و در نتیجه مکان کاوش در فصل نخست از فعالیت‌های باستان‌شناختی تپه ریک‌آباد در همین نقطه انتخاب شد (تصویر ۲ و ۳).



شرح عملیات میدانی

پس از بررسی سطحی با توجه به عوارض و ناهمواری‌های سطح محوطه و همچنین شواهد و آثار قابل توجه، در دو کارگاه کاوش انجام شد. لازم به ذکر است که در پی تخریب گسترده محوطه و آلوده بودن آن به مین که برخی از این مین‌ها به صورت رها شده قابل مشاهده هستند و برخی دیگر به صورت نامنظم در زیر بافت جابجاشده تپه مدفون هستند. بدون شک بخش‌های زیادی از انباشت‌های فرهنگی تخریب شده است، از این رو انتخاب محل کارگاه‌ها با دقت فراوانی انجام شد که تا حد ممکن از خطر احتمالی انفجار مین کاسته شود و کمترین میزان تخریب و شواهد بیشتر دوره‌ها به دست آید.

اطلاعات به دست آمده از این کاوش با توجه به اهداف کاوش، به روش لوکوس - لوکوس تعریف شد که با این شیوه روشمند به ثبت ارتباط بین لایه‌ها و ساختارها پرداخته شده، به گونه‌ای که به هر انباشت طبیعی یا فرهنگی و هرگونه تغییر در خصوصیات فیزیکی و انباشت (خاک) اعم از تغییر در بافت، دانه‌بندی رطوبت، ترکیبات، تراکم و... تحت عنوان یک لوکوس معرفی شد همچنین ساختارهای معماری احتمالی و سنگ‌چین‌ها و هرگونه نظمی در چیدمان سنگ‌ها با عنوان لوکوس جداگانه معرفی شده. شماره‌گذاری لوکوس‌ها در هر کارگاه به ترتیب از ۱۰۱ و به صورت پیاپی آمده است و برای هر کارگاه به صورت مستقل شماره‌گذاری شد. کارگاه‌های ایجاد شده به ترتیب کاوش با حروف انگلیسی بزرگ نام‌گذاری شده‌اند که مجموعاً طی فصل اول دو کارگاه A، B و گمانه‌های تعیین عرصه در بخش‌های مختلف بر اساس جهت جغرافیایی مورد کاوش قرار گرفتند.



یافته‌ها

به طور کلی می‌توان روند شکل‌گیری عوارض، لایه‌ها، معماری و دیگر پدیده‌های کاوش شده در ترانشه B و A را دربردارنده فرهنگ‌های دوره آهن، مفرغ و مس و سنگ جدید منطقه هستند. آثار به دست آمده از گمانه‌های تعیین عرصه نیز دوره‌های مختلفی را دربرمی‌گیرند.

از نخستین مرحله ترانشه A بخشی از دو دیوار خشتی در کف محل کاوش شناسایی شد. دومین مرحله مربوط به نهشته‌های طبیعی است که حاوی شمار قابل توجهی ابزار سنگی است. فوقانی‌ترین بخش این نهشته در مرحله بعد به عنوان کف استقرار استفاده شده است. سومین مرحله بخش‌های ناقصی از دو قطعه دست‌آس شناسایی شد که به نظر می‌رسید بر روی یک سطح یا کف همسان واقع شده‌اند. چهارمین مرحله یک لایه نهشته که حاوی دو عدد کوزه سفالی کوچک و بزرگ

است. پنجمین مرحله قسمتی از یک تنور به دست آمد. مرحله ششم دو مورد از خشت‌های مخروطی به شکل نامنظم است. مرحله هفتم مربوط به لایه‌های غیراستقراری ۱۳۷ و ۱۳۶ است. مرحله هشتم مربوط به یک توده گلی حاوی رد اجاق یا سازه حرارتی است. مرحله نهم حاوی دو پدیده شامل یک لایه استقرار و یک تنور است. مرحله دهم حاوی یک عدد مشته یا کوبه سنگی (تصویر ۴)، بخشی از یک دست‌آس (؟) و بقایای خاکستر است. مرحله یازدهم حاوی رگه‌هایی از زغال و دانه‌های آهک است. در مرحله دوازدهم بخشی از یک پیاله منقوش، بخشی از یک دست‌آس است. مرحله سیزدهم مربوط به نهشته طبیعی است. مرحله چهاردهم بقایای یک سازه حرارتی خشتی است (تصویر ۵). مرحله پانزدهم بقایای آوار یک دیوار خشتی و مرحله شانزدهم شامل یک دیوار خشتی، پی سنگی دیوار است. هفدهمین مرحله به عنوان مرحله فترت بین دو دیوار خشتی پایین و دیوار خشتی بالا است. هجدهمین مرحله شامل یک دیوار خشتی در راستای شمال غربی-جنوب شرقی است. لایه‌های مرحله نوزدهم متعلق به پس دوره ساخت دیوار لاشه-سنگی است. بیستمین مرحله مربوط به بقایای یک دیوار لاشه-سنگی است که با استفاده از ملاط گل و لاشه سنگ و قلوه‌سنگ احداث شده است. بیست و یکمین و آخرین مرحله بر روی دیوار لاشه-سنگی مرحله بیستم است که در نتیجه فعالیت‌های معاصر به شدت زیر و رو و مضطرب شده است.

قطعات سفالی به دست آمده از قدیمی‌ترین دوره سفال‌های کاه‌روی را شامل می‌شوند که بیشتر در دوره مس و سنگ جدید رایج هستند و همچنین قطعات سفالی منقوش که در حوضه دریاچه ارومیه به سفال‌های حسنعلی و در شمال بین‌النهرین مشابه نینوا V مشهورند که بیشتر در دوره پایانی مفرغ دیده می‌شوند، در این میان قطعات محدودی از سفال‌های کورارس هم در این بین وجود دارند. در دوره‌های جدیدتر سفال‌های مفرغ جدید و دوره آهن که در حوضه دریاچه ارومیه متداول بوده‌اند، به دست آمد.

نتیجه‌گیری

وجود مین در سطح و اطراف محوطه و خطر احتمالی انفجار در هنگام کاوش موجب شد کاوش فقط به صورت لایه‌نگاری و در نقاط مشخص و محدود انجام شود، با این حال نتایج مطلوبی در مورد چگونگی توالی فرهنگ‌های حوزه زاب کوچک به دست آمد (تصویر ۶). در بررسی سطحی محوطه شواهدی از دوره مس و سنگ تا دوره میانی اسلامی دیده می‌شد. در نتیجه کاوش آثار دوره آهن تا مس و سنگ جدید به دست آمد. نبود آثار فرهنگ‌هایی که در بررسی سطحی محوطه دیده می‌شد ناشی از تخریب است. شواهد باستان‌شناختی به دست آمده نشان می‌دهد

کتابنامه

حیدری، رضا

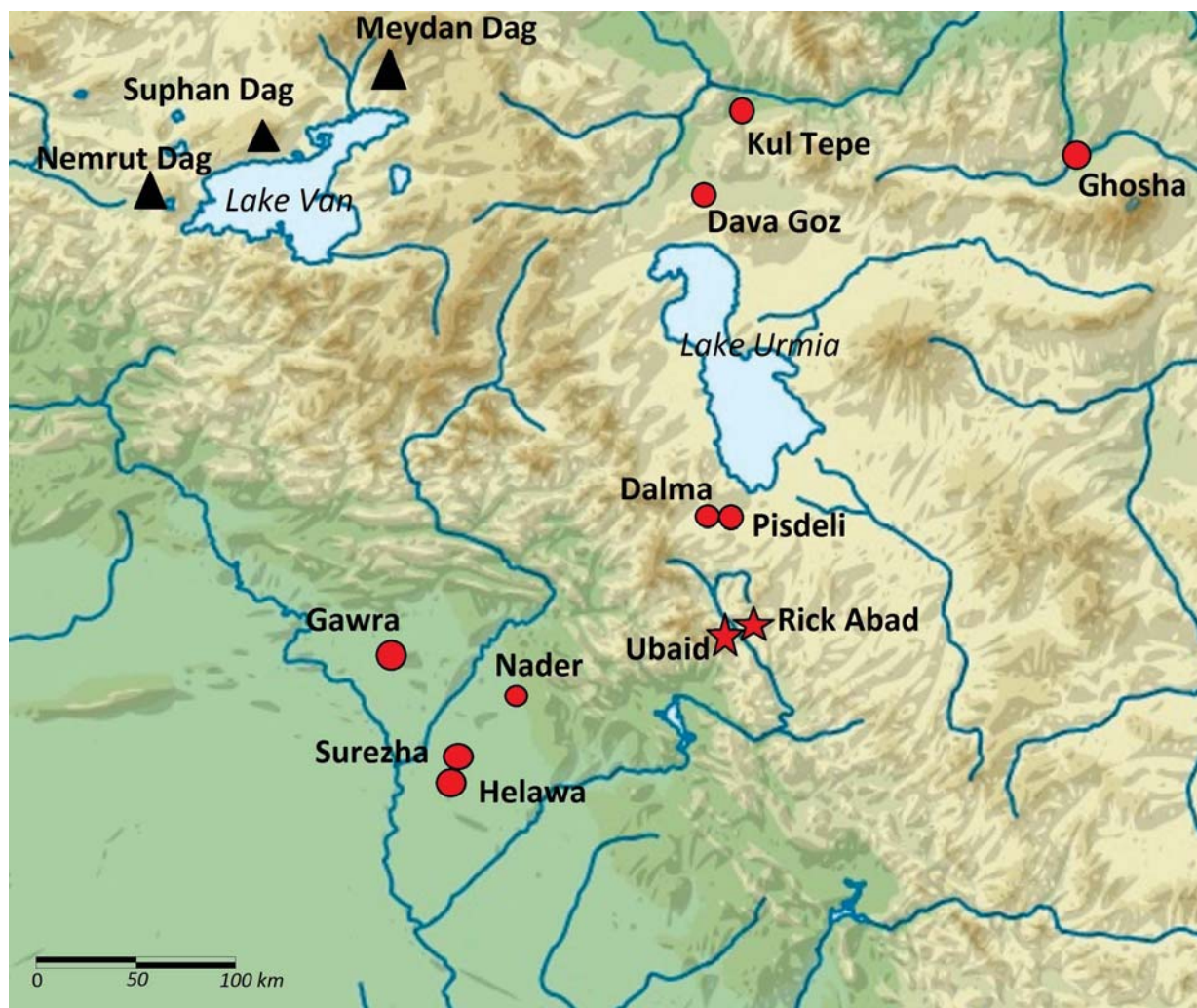
۱۳۸۶ "نتایج دومین فصل پژوهش‌های باستان‌شناختی در محوطه باستانی ربط سردشت ۱۳۸۵"، گزارش‌های باستان‌شناسی ۷ ج ۱، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.

Binandeh, A.; A. H. Nobari, J. Neyestani, and H. Vahdati Nasab
2012 "New Archaeological Research in North West of Iran, Prehistoric Settlement of Little Zab River Basin", *International Journal of Humanities*, Vol. 19(2), pp. 27-42.

Kargar, B. & A. Binandeh
2009 "A preliminary report of excavations at Rabat tepe (NW-Iran)", *Iranica Antiqua* XLIV, pp 113-129.

Nobari, A. H; A. Binandeh, J. Neyestani, and H. Vahdati Nasab
2012 "Excavation in Lavin Tepe in Northwest Iran", *Ancient Near Eastern Studies* Vol 49, pp. 95-117.

این حوزه ارتباط نزدیکی با شمال بین‌النهرین و شرق آناتولی داشته است. این ارتباط از طریق گذرگاه‌های حاجی عمران / تمرچین و کیله شین با شمال بین‌النهرین و نواحی شرقی آناتولی بیشتر محتمل است. افسیدین‌های مورد استفاده در ریک‌آباد از معادن نمروداغ در شرق آناتولی تأمین می‌شده است که یکی از مسیرهای احتمالی این مبادله از شمال عراق بوده که از لحاظ فرهنگ‌های هم‌زمان هم قرابت نزدیکی باهم دارند. شواهد سفالی کورارس و حسنعلی و پیش از آن کاسه‌های لبه‌وار یخته اواخر دوره مس و سنگ نشان از برهمکنش‌های فرهنگی قابل توجه دارد و احتمالاً در برخی موارد نقطه تلاقی و آخرین مرزهای گسترش فرهنگ مفرغ قدیم شمال غرب ایران باشد.



تصویر ۱. موقعیت تپه ریک‌آباد در شمال غرب ایران





تصویر ۲. نقشه توپوگرافی و موقعیت تپه در داخل روستا



تصویر ۳. محل کارگاه‌های کاوش





تصویر ۴. کوبه سنگی

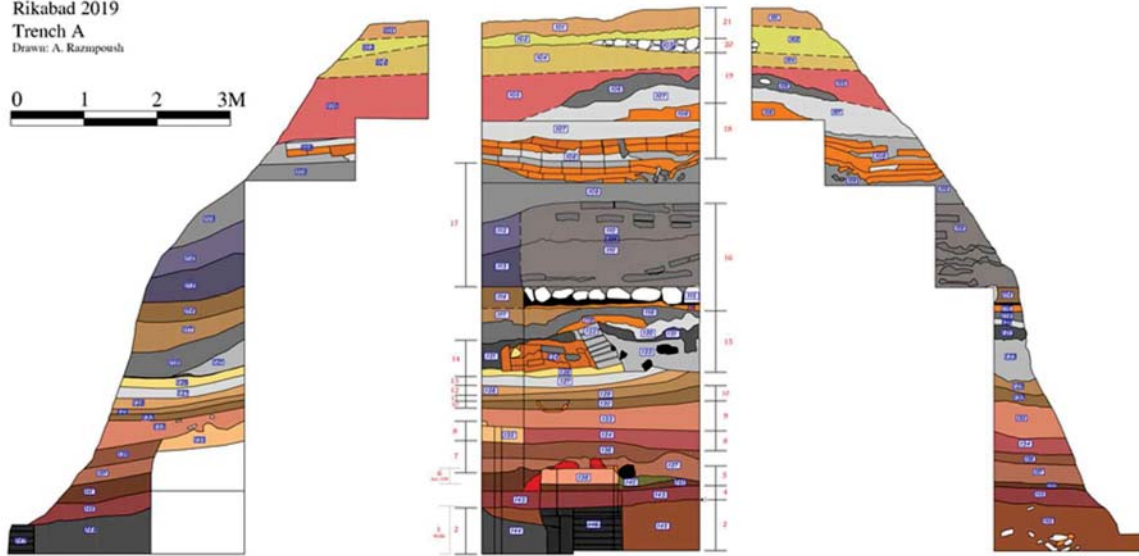


تصویر ۵. بقایای سازه حرارتی به دست آمده از کارگاه A

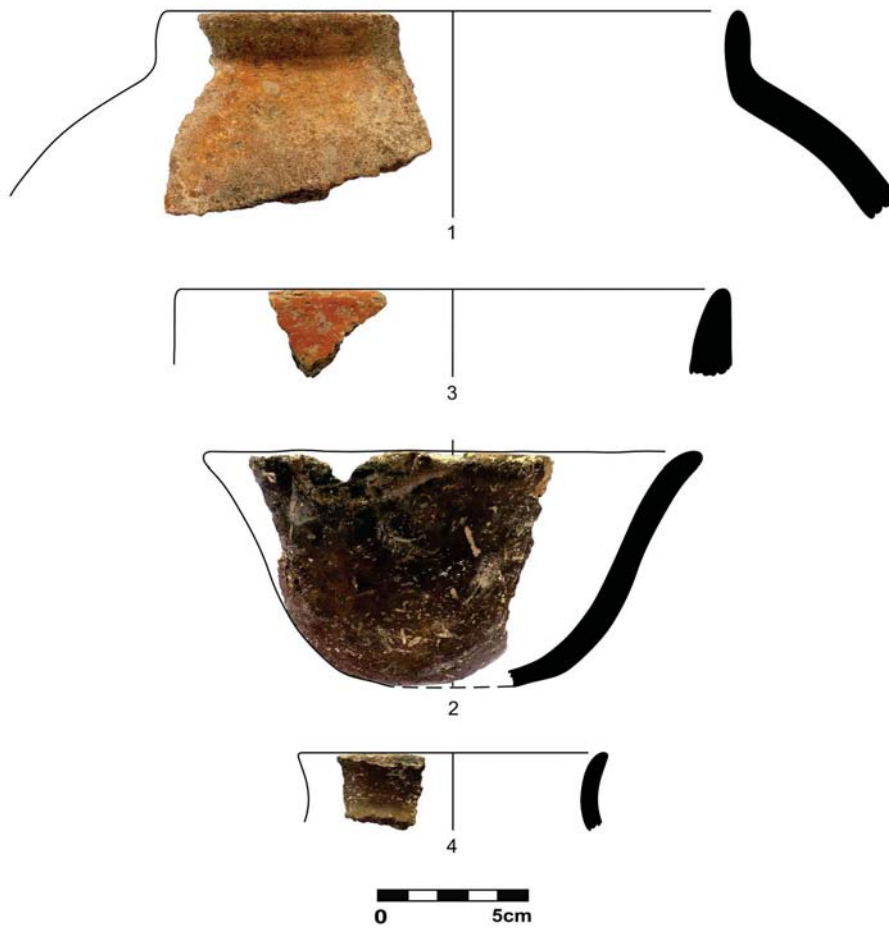


Rikabad 2019
Trench A
Drawn: A. Razmpoosh

0 1 2 3M



تصویر ۶. مرحله بندی ترانشه A



تصویر ۷. قطعات سفالی مفرغ قدیم/ مس و سنگ جدید



گزارش کوتاه کاوش باستان‌شناختی به‌منظور خواناسازی کشتی تاریخی قروق

حسین توفیقیان*

درآمد

کشتی تاریخی قرق تالش با مجوز کاوش شماره ۹۸۱۰۲۹۶۴ مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۴ باهدف "گمانه‌زنی باستان‌شناختی به‌منظور خواناسازی کشتی تاریخی قرق در شهرستان تالش" از سوی پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری صادر شد؛ و هیئت کاوش در دی‌ماه سال ۱۳۹۸ برای انجام کاوش به منطقه اعزام شد. طی این کاوش، کشتی تاریخی قرق در سواحل تالش استان گیلان مورد گمانه‌زنی به‌منظور خواناسازی قرار گرفت و کارشناسان پژوهشکده حفاظت و مرمت پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری بر این فرایند نظارت داشتند. در طی کاوش رسوبات داخل کشتی تخلیه شد و دو ترانسه کوچک در طرفین کشتی جهت شناسایی وضعیت بیرونی کشتی و سنجش ابعاد و اندازه‌های آن، تعیین و مورد کاوش قرار گرفت. بر این اساس، آنچه امروزه از کشتی تاریخی قرق در اختیار ما است نیمه یک شناور تاریخی است که شامل بخش تحتانی کشتی، شاه‌تیرهای عرضی و طولی اسکلت، ساتور و پایه قرارگیری دکل اصلی است.

تا ۴۵۰ کیلومتر متفاوت است و عمیق‌ترین نقطه آن ۱۰۲۵ کیلومتر است. دریای کاسپی دارای ۱۳۰ رودخانه است که از حوزه‌های آبریزی تقریباً ده برابر بزرگ‌تر از خود این دریاچه به آن سرازیر می‌شوند. از حدود ۴۴۰۰ کیلومتر خط ساحلی دریای کاسپی حدود ۸۲۰ کیلومتر به کشور ایران تعلق دارد که بخش قابل‌توجهی از آن در حوضه استان گیلان قرار گرفته است. ویژگی اصلی نظام آب‌شناختی دریای کاسپی نوسان در تراز سطح آب آن به‌واسطه عوامل اقلیمی و انسان‌زاد است، که تأثیر شگرفی روی پژوهش‌های باستان‌شناختی دریایی دارد. استان گیلان از شرایط مطلوب آب و هوایی در سطح کشور ایران برخوردار است، یعنی معتدل و مرطوب که به آب‌وهوای خزری معتدل مشهور است. شرایط مؤثر بر آب‌وهوای این منطقه می‌تواند به هم‌جواری با رشته‌کوه‌های البرز، ارتفاع منطقه، دریای کاسپی، پوشش گیاهی، بادهای محلی و غیره اشاره کرد. منطقه مورد پژوهش سواحل روستای قروق از توابع شهرستان تالش در غرب استان گیلان است و شامل بقایای کشتی تاریخی قروق و سواحل پیرامون آن است.

موقعیت محدوده مورد کاوش

کشور ایران از شمال به دریای کاسپی متصل است. این دریا و سواحل پیرامون آن دارای اهمیت بسیار زیادی از جنبه‌های راهبردی، زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی است که امروزه بایستی جنبه باستان‌شناسی دریایی را نیز بدان افزود. در حال حاضر، وسعت دریاچه کاسپی برابر با ۰.۴ میلیون کیلومتر است و حدود ۱۸ درصد از مساحت کلی دریاچه‌ها بر روی سطح کره زمین را به خود اختصاص داده؛ حداکثر طول این دریا از شمال به جنوب ۱۲۰۰ کیلومتر و پهنا (عرض) آن از ۲۰۰

شرح عملیات کاوش

در گمانه‌زنی کشتی تاریخی قرق به‌منظور خواناسازی، روش کاوش خاک‌برداری لایه به لایه به ضخامت بیست سانتی‌متر بوده که در لایه‌های بالایی به‌وسیله بیل انجام شد و در لایه‌های پائین‌تر و نزدیک به بدنه کشتی به لایه‌های ده سانتی‌متری و ابزار کمچه و بروس تبدیل شد. پیش از آغاز گمانه‌زنی ابتدا دورتادور کشتی به‌وسیله طناب زردرنگ محصور شد تا از ورود افراد متفرقه به داخل کارگاه کاوش جلوگیری شود. سپس سواحل پیرامون به‌وسیله پهباد نقشه‌برداری و سپس شبکه‌بندی شد، به‌طوری‌که کشتی در درون شبکه‌های ده متر در ده متر قرار گرفت. با توجه به طول ۲۷ متر و عرض ۶ متری این کشتی، سه شبکه ده در ده به‌عنوان محدوده کاوش کشتی

* پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی دریایی htofighian@yahoo.com





تعیین و نام‌گذاری شد. در ادامه کار درون کشتی به‌عنوان ترانسه A به ابعاد ۲۷ در ۶ متر و دو ترانسه B و C در جانب شمالی و جنوبی به ابعاد دو و نیم متر در سه متر تعیین و نخ کشی شد. سپس نقاطی در ابتدا و انتهای کشتی به‌عنوان نقاط کنترل تعیین شد تا از نظر ارتفاعی نیز یافته‌های احتمالی درون کشتی به‌درستی ثبت و ضبط شود. با پایان خاک‌برداری هیچ‌گونه لایه فرهنگی شناسایی نشد اما ساختار کشتی از زیر ماسه‌های ساحلی نمایان شد. در نتیجه این کاوش امکان خواناسازی کشتی تاریخی قروق و مطالعه بخش‌های مختلف آن فراهم شد.

یافته‌ها

با اتمام کاوش و آشکار شدن کف کشتی وارد مرحله طراحی و ثبت و ضبط این شناور تاریخی شدیم. آنچه در یک نگاه کلی از کشتی تاریخی قروق می‌توان استنباط کرد این است که این شناور شامل یک کشتی تاریخی است که به پهلو در سواحل دریای کاسپی آرمیده است، بخش‌های فوقانی کشتی از بین رفته و تنها بخش تحتانی آن شامل بخش‌هایی از اسکلت عرضی و طولی و لایه‌های تخته بیرونی و داخل کشتی باقی مانده است. ابعاد باقی‌مانده این شناور ۲۷ متر طول و ۶ متر عرض است که پایه قرارگیری دکل اصلی کشتی در بخش جبهه جنوبی شناور قابل تشخیص است (تصاویر ۶-۱). کشتی قروق در جهت شرقی-غربی به‌صورت دماغه رو به دریا و پاشنه کشتی به سمت ساحل، در ساحل قروق تالش در سمت غرب دریای کاسپی قرار داد. اندازه دقیق این کشتی به طول ۲۷ و عرض ۶ متر و دارای ۳۴/۱۶۱ مترمربع مساحت موجود است که تماماً در خشکی واقع شده است. در سال‌های نه چندان دور نیمی از شناور درون آب و نیم دیگر در ساحل بوده است.

بقایای بخش فوقانی شامل عرشه، دکل‌ها، انبارها و سایر اجزاء از بین رفته و وجود ندارد. ارتفاع باقی مانده کشتی حدود دو متر است که شامل بخش تحتانی کشتی و ساختار اصلی آن یعنی اسکلت عرضی، اسکلت طولی و تخته کوب‌های بیرونی و داخل کشتی است. مهم‌ترین جزء این کشتی پایه قرارگیری دکل است که در کف کشتی و جبهه شرقی واقع شده است. چنین به نظر می‌رسد کشتی از وسط به دو نیم تقسیم شده و نیمه دوم آن احتمالاً می‌بایست در نزدیکی کشتی و در زیر رسوبات مدفون است و ممکن است بخش از آن در اثر امواج و جریان‌ها از میان رفته باشد.

جنس بدنه کشتی چوبی است که شامل الوار درختان سوزنی برگ (کاج) است که دارای منشأ ایرانی نیست. البته گاهی از چند نوع چوب در ساخت کشتی‌ها استفاده می‌شده؛

اما در ساخت کشتی قروق از یک نوع چوب روسی استفاده شده است. شیوه ساخت بدنه چوبی شناور قروق هنوز بر ما مشخص نیست اما طبق مشاهدات از روش نسبتاً پیچیده‌ای برای ساخت آن استفاده شده و الوار و قطعات چوبی تنومندی در ساختار این شناور به کار رفته است و هم‌چنین برای چفت‌وبست کردن این عناصر چوبی از میخ‌های فلزی بلند و قطعات چوب بهره گرفته شده است که میخ‌ها در اثر واکنش‌های شیمیایی اکسیده شده‌اند. علاوه بر آن پوششی از یک ماده شیمیایی سیاه‌رنگ نیز بر سطح داخلی بدنه شناور دیده شد که احتمالاً برای حفظ بدنه چوبی این شناور در برابر خطراتی احتمالی همچون حمله جانوران دریایی و پوسیدگی مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

به دلیل فقدان بخش فوقانی کشتی، نوع پاشنه کشتی و ابعاد و اندازه‌های آن مشخص نیست. سکان وظیفه هدایت کشتی را بر عهده دارد و به‌طور ثابت در قسمت پاشنه کشتی نصب می‌شود. یک سوراخ در بخش پاشنه به چشم می‌خورد که می‌تواند محل نصب سکان بوده باشد اما به دلیل تخریب شدید پاشنه کشتی اعلام نظر قطعی در این مورد نیازمند مطالعات دقیق‌تر و مقایسه آن با شناورهای مشابه است.

در جبهه جنوبی کشتی و در بدنه کشتی یک سوراخ نسبتاً بزرگ به ابعاد تقریبی سی سانتیمتر به چشم می‌خورد که می‌تواند دلیل غرق شدن این شناور تاریخی باشد. در این خصوص نیز به دلیل عدم دسترسی به مدارک بیشتر نمی‌توان اظهار نظر قطعی کرد.

در کاوش بخش میانی کشتی هیچ‌گونه قطعات طناب، سیم، طناب بادبانی و دیگر اسباب و اجزای دکل و بادبان شناسایی نشد. تنها یک توده از یک کابل با روکش کف و رشته‌های فلزی در بخش جلویی و نزدیک به ساتور کشتی جلب توجه کرد که به دلیل رسوب گرفتگی به‌شدت سخت شده است. اگرچه در خصوص تعلق این کابل درهم‌تنیده به کشتی تاریخی قروق اطمینان لازم وجود ندارد اما این کابل تنها شیء به دست آمده از کشتی قروق است.

کاربری کشتی تاریخی قروق روشن نیست و به دلیل تخریب بخش فوقانی کشتی و عرشه آن، تعیین عملکرد این شناور غیرممکن است. کاربری‌های اصلی کشتی‌های بزرگ به‌صورت کشتی‌های مسافری Passenger Ship یا کشتی‌های باری Car- go Ship است که عمدتاً برای حمل چوب بکار می‌رفته‌اند. همچنین از بخش‌های میانی کشتی مانند انبارها (Ceilling) و سایر اجزاء مانند دکل و سکان اثری به چشم نمی‌خورد و فقدان اطلاعات و اسناد و مدارک تعیین کاربری شناور قروق را غیرممکن ساخته است. در ادامه این مطلب به معرفی تعدادی از اجزای شناسایی‌شده کشتی تاریخی قروق پرداخته می‌شود:

پاشنه کشتی، ساتور کشتی، مقر قرارگیری بادبان، اتصالات کشتی، میخ‌ها و قطعات چوبی، اسکلت اصلی، الوار عمود بر اسکلت، تخته‌های بیرونی و داخلی.

نتیجه‌گیری

با انجام گمانه‌زنی به‌منظور خواناسازی کشتی تاریخی قرق، ساختار، ابعاد و اندازه‌های کشتی مشخص شد و وضعیت کلی این شناور برای هیئت مطالعاتی روشن شد. با انجام کاوش باستان‌شناختی وضعیت واقعی کشتی تاریخی قرق شامل نیمه سمت راست این کشتی نمایان شد. بخش‌هایی از پاشنه، بدنه، بخش موج‌شکن کشتی و پایه قرارگیری دکل اصلی کشتی شناسایی و ثبت و ضبط شد. تا پیش از انجام این کاوش تصور بر آن بود که بقایای شناور قرق شامل بخش تحتانی یک کشتی بزرگ است که بخش فوقانی آن از بین رفته است. کاوش‌های باستان‌شناختی نشان داد که این شناور تنها شامل نیمی از کشتی است و می‌بایست در سواحل پیرامون به دنبال نیمه دیگر آن به جستجو بپردازیم. مطالعات تکمیلی شامل مطالعه چوب بکار رفته در کشتی، میخ‌ها و بست‌های فلزی، ساختار لایه چهارگانه کشتی، منشأ الوار به کار رفته در کشتی، تاریخ‌گذاری، محل ساخت و تعیین مالکیت کشتی و ده‌ها سؤال و فرضیه دیگر در حال انجام است.

کتاب‌نامه

افشاری آزاد، محمد و هاله پورکی
۱۳۹۱ "طبقه‌بندی و تحلیل پدیده‌های ژئومورفیکی سواحل غربی خزر با رویکردی به نوسانات سطح آب دریا"، *مجله جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای* ۱۹.

حسینی، سید رحمان

۱۳۸۷ "جایگاه برادران کوسیس و تئوفیلاکتوس در تجارت چوب میان ایران و روسیه در عصر قاجار با تکیه بر اسناد آرشیوی (۱۳۰۱-۱۳۲۵ ق. ۱۸۸۳-۱۹۰۸ م.)"، *فصلنامه گنجینه اسناد*، ۲۲.

یاقوت الحموی، ابوعبدالله
۱۳۸۰ *معجم البلدان (ج ۱)*، ترجمه: منزوی، علی نقی، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور: ۶۲۶-۱۹.

۱۳۸۰ *معجم البلدان (ج ۲)*، ترجمه: منزوی، علی نقی، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور: ۵۸۱-۲۹۲.

رنجبر، محسن

۱۳۸۸ "نوسان سطح آب دریای خزر و تأثیر آن در شکل‌گیری لند فرم‌های ناشی از دینامیک دریا و رودخانه‌ها"، *فصلنامه جغرافیایی سرزمین*، ۲۳: ۱۱۹.
فاخته جوبنه، قربان
۱۳۸۳ *کرنولوژی تاریخ گیلان*، رشت: نشر گیلکان.

قاجار، ناصرالدین‌شاه

۱۳۶۷ *روزنامه سفر گیلان (نسخه ۱)*، تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، گیلان: انتشارات فرهنگی جهانگیری.

مستوفی، حمدالله

۱۳۶۲ *نزهة القلوب*، به اهتمام و تصحیح گای لسترنج، تهران: دنیای کتاب.

مسعودی، علی بن حسین

۱۳۷۴ *ترجمه فارسی مروج الذهب (ج ۱)*، ترجمه پاینده، ابوالقاسم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم: ۲۰۱-۱۲۳.

مشفق‌فر، ابراهیم

۱۳۸۴ "رشد تاریخی فرمانروایی و حاکمیت قدرت‌های ساحلی بر دریای خزر"، *مجله دانشکده علوم انسانی*، ۱۱۰-۸۱.

ملگونف

۱۳۶۳ *سفرنامه ایران و روسیه، عزالدوله - ملگونف*، به کوشش محمد گلبن و فرامرز طالبی، تهران: انتشارات دنیای کتاب.

وثوقی، محمد باقر

۱۳۸۷ *نیروی دریایی ایران در دوره قاجار*، تاریخ روابط خارجی ۳۶.





تصویر ۱. کشتی تاریخی قروق پیش از کاوش باستان‌شناختی



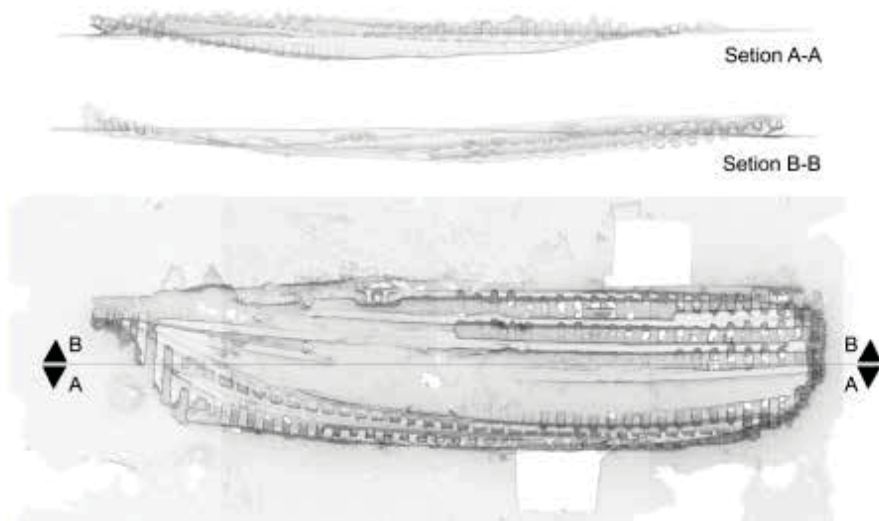
تصویر ۲. موقعیت ترانسه‌های سه گانه و وضعیت کشتی تاریخی قروق بعد از پایان کاوش باستان‌شناختی





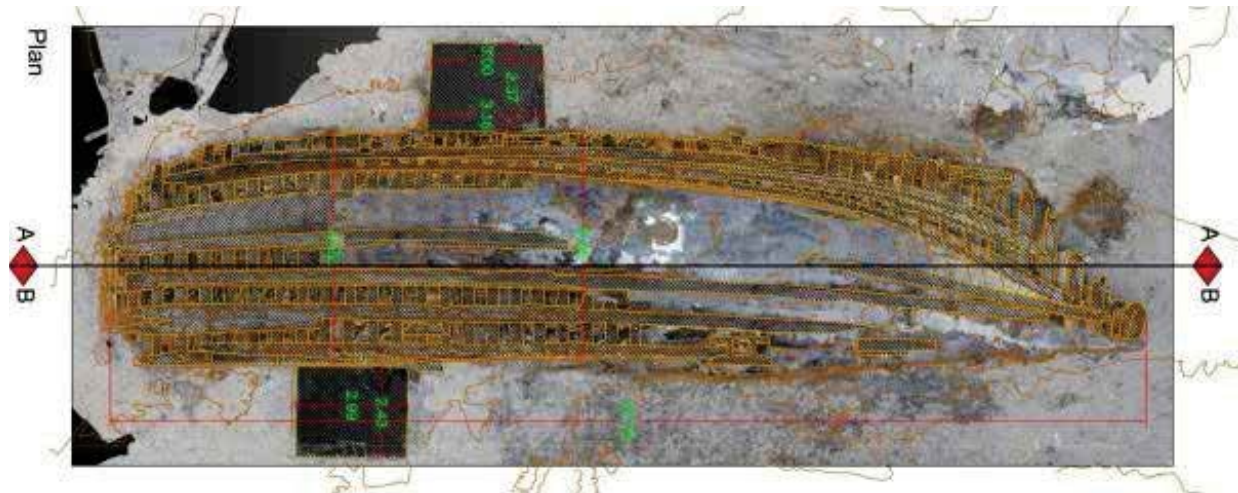
تصویر ۳. دورنمای کشتی تاریخی قروق بعد از پایان کاوش باستان‌شناختی، دید از شمال

Point Cloude Data

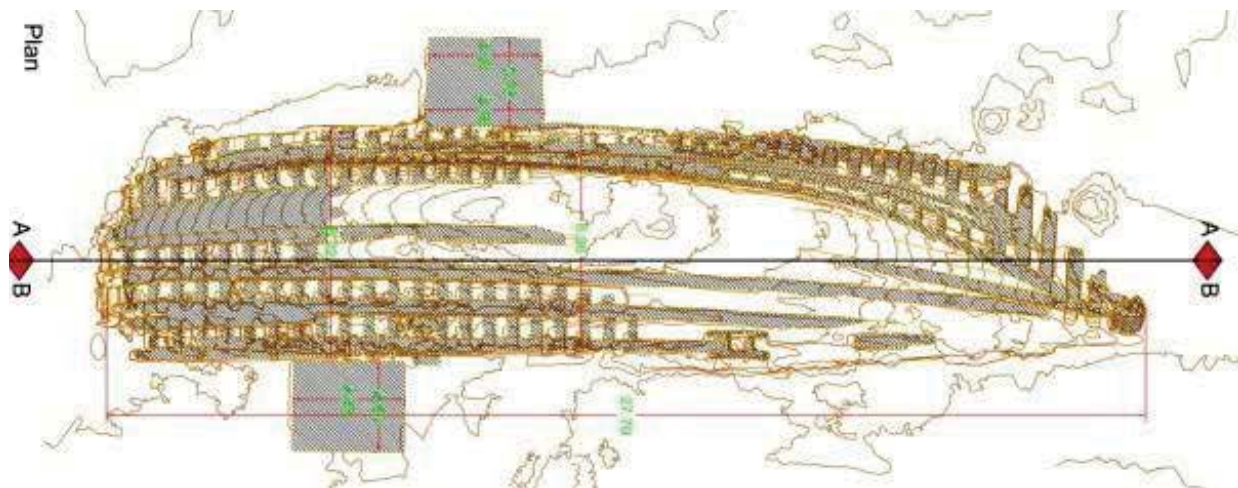


تصویر ۴. پلان کشتی بر اساس ابر نقاط





تصویر ۵. پلان کشتی و نقشه تیرکها و اتصالات شناور قروق تالش و موقعیت نیمرخهای آن با پس زمینه ابر نقاط



تصویر ۶. پلان کشتی و نقشه تیرکها و اتصالات شناور قرق تالش و موقعیت نیمرخهای آن



کاوش بخش جنوبی خیابان چهارباغ عباسی

محسن جاوری*

درآمد

خیابان چهارباغ عباسی یکی از محورهای اصلی شهرسازی دوره صفوی در اصفهان است که پس از انتخاب این شهر به عنوان پایتخت توسط شاه عباس اول به مرحله اجرا گذاشته شد. این خیابان طی دوره‌های قاجار و پهلوی دستخوش تغییرات زیادی شده تا به شکل فعلی خود در آمده است. با توجه با اینکه سازمان نوسازی و بهسازی اصفهان در سال ۱۳۹۸ به دنبال انجام کف‌سازی در این خیابان بود و طرح اجرایی مربوطه در شورای فنی وزارت میراث فرهنگی کشور مطرح و به انجام گمانه‌زنی و کاوش باستان‌شناسی برای شناخت وضعیت لایه‌های زیرین و دوره‌های مربوطه که در طی چند سال گذشته در زیر لایه‌های زیرسازی خیابان‌کشی دوره معاصر مدفون شده بود مشروط شد. در همین راستا انجام یک برنامه کاوش توسط نگارنده به پژوهشکده محترم باستان‌شناسی پیشنهاد و مورد موافقت قرار گرفت. پس از صدور مجوز کاوش باستان‌شناسی بخش جنوبی خیابان چهارباغ این برنامه از تاریخ مقرر ۱۳۹۸/۰۹/۲۶ طبق محل‌های پیشنهادی گمانه‌ها آغاز شد. بدین منظور ۴ کارگاه به شماره‌های ۵،۴،۲ و ۶ در مرحله نخست برای کاوش انتخاب شد (نقشه ۱). محل کارگاه‌ها درست در محور میانی خیابان در محلی که پیش از تغییرات فعلی ترافیکی شهر اصفهان مبنی بر تبدیل این خیابان به محور پیاده یعنی در محدودهایی که طی دوره معاصر صرفاً به عنوان پیاده‌رو استفاده می‌شده انتخاب گردید. شایان‌ذکر است از دو سوی این بخش دو خیابان با مسیر شمالی- جنوبی تا پیش‌ازاین وجود داشت که آسفالت شده و برای عبور و وسایل نقلیه مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت. با توجه به اسناد موجود اعم از طرح‌ها و تصاویر باقی‌مانده از دوره صفوی تا دوره معاصر صرفاً بخش میانی چهارباغ بود که بقایای

خیابان تاریخی را می‌توانست در خود محفوظ داشته باشد البته با ذکر این نکته که این بخش نیز طی چند دهه گذشته بر اساس شواهد موجود چندین بار با عبور دادن انواع مختلف مسیر لوله‌ها و تأسیسات شهری اعم از شاه‌لوله انتقال آب با قطر ۱۱۰ سانتی‌متر و کابل‌های متعدد برق، مخابرات و فیبر نوری و حتی احداث سرویس بهداشتی زیرسطحی بارها دستخوش تغییر و تخریب سطح و تحت‌الارضی شده است.

نظر به اینکه طرح کف‌سازی خیابان چهارباغ پس از طی مراحل اداری در حال اجرا بود با توجه به احتمال وجود شواهدی از کف خیابان چهارباغ این طرح به صورت موقت متوقف شد و انجام یک برنامه کاوش با هدف مستندسازی هرچه بیشتر کف تاریخی این خیابان منظور نظر قرار گرفت. بر همین اساس در مرحله نخست چهار کارگاه فوق‌الذکر انتخاب و برنامه کاوش شروع شد که خلاصه‌ای از فعالیت انجام‌شده در ذیل ارائه می‌شود؛ شایان توجه است گزارش حاضر به‌عنوان یک گزارش ابتدایی از روند کاوش است و به‌منظور بهره‌برداری برای اخذ تصمیم برای تداوم اجرای طرح کف‌سازی در قسمت مشخص شده روی نقشه ارائه می‌شود و تصمیم‌گیری در مورد بخش‌های تحت کاوش منوط به نظر شورای فنی میراث فرهنگی خواهد بود.

عملیات میدانی

کارگاه ۶: این کارگاه به عرض ۸ متر و طول ۸ متر در منتهی‌الیه بخش شمالی قسمت میانی درست به موازات ضلع جنوبی مدرسه چهارباغ قرار دارد. در این کارگاه که مفصل‌ترین یافته‌های باستان‌شناسی این کاوش را در بر دارد بقایای دو کف شامل کف آجر فرش با آجرهای ۲۵×۲۵×۵ سانتی‌متر در عمق ۱۲۰- سانتی‌متری با قدمت صفوی و کف سنگفرش که ۲۵ سانتی‌متر بالاتر در دوره قاجار روی کف صفوی را پوشانده به دست آمد (تصاویر ۱ و ۲). در بخش شرقی ترانشه یک نهر

* عضو هیئت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه کاشان
Javeri@kashanu.ac.ir



ساخته شده از سنگ‌های تراش خورده و منظم با جهت شمالی - جنوبی (در امتداد خیابان) نیز به دست آمد که درست عمود بر آن یک نهر دیگر نیز با استفاده با همان نوع سنگ‌ها وجود دارد. کاوش به صورت پیگردی برای خوانا سازی هر چه بیشتر کف‌های و سایر عوارض موجود در ادامه کاوش دنبال شد و به مشخص کردن وضعیت کف چهارباغ در این قسمت منجر شد. هر چند کف موجود دارای اصالت است اما دست‌کاری‌های مکرری در آن انجام شده به طوری وضعیتی مضطرب دارد اما آنچه مسلم است کف خیابان در این قسمت سنگ‌فرش بوده که با استفاده از قلوه‌سنگ‌های نسبتاً بزرگ رودخانه‌ای با چینش یکدست و منظم اجرا شده بوده است.

اجرای تأسیسات شهری مختلف معاصر طی دوره پهلوی و دوره حاضر که بدون اخذ و اطلاع میراث فرهنگی صورت پذیرفته شدت به این قسمت مهم خیابان که درست در نقطه مرکزی و محوری خیابان بوده آسیب فراوان زده و چهره آن را دچار لطمه جبران‌ناپذیر و تغییر عمده کرده است. این تأسیسات عبارت‌اند از: ۱. تعبیه یک شاه‌لوله با قطر بیش از یک متر از عمق ۲ متری از کف ۲. عبور دادن کابل‌های مخابراتی در چند مرحله مختلف و جداگانه ۳. عبور دادن کابل‌های برق در چند مرحله جداگانه ۴. لوله‌گذاری برای انتقال آب ۵. دخل تصرف‌های موردی برای اقداماتی از قبلی خیابان‌کشی و چمن‌کاری که با بتن‌ریزی انجام شده است. این اقدامات مدیریت نشده و غیراصولی که با انجام کاوش‌های عمقی و دخل تصرف‌های متعدد در این قسمت همراه بوده متأسفانه به بافت تاریخی این قسمت آسیب فراوان زده به طوری که صرفاً بخش‌های اندکی از این قسمت باقی مانده است (تصویر ۱).

با توجه به داده‌های به دست آمده مشخص شد که این خیابان طی دوره اولیه خود (احتمالاً صفوی) در این قسمت دارای کف آجرفرش بوده و سپس در مرحله بعدی با سنگ‌فرشی که در کاوش به دست آمد جایگزین شده است. این لایه آجر فرش که با کف‌سازی خاصی اجرا شده بوده به این ترتیب که ابتدا یک ردیف سنگ‌چینی و زیرسازی با قلوه‌سنگ و ساروج دارد و سپس با سه لایه آجری فرش شده است (تصویر ۴). این وضعیت در گمانه‌زنی لایه‌نگاری انجام شده کارگاه شماره ۵ به طور دقیق در مقطع گمانه مشخص شد (طرح ۱). ظاهراً در دوره قاجاری طی اقدامی که زمان آن مشخص نیست کف‌سازی این قسمت از چهارباغ تغییر داده شده است که این تغییر شامل تغییر مسیر عبور آب نیز شده و عبور آب از یک نهر میانی را به دو نهر موازی تغییر داده است (تصاویر ۲ و ۳). وضعیتی که تا دوره انتهایی این لایه یعنی دوره پهلوی همچنان موجود بوده و به تدریج با اقدامات خیابان‌کشی مدفون شده است. در همین

خصوص جا دارد از متصدیان اجرای این خیابان تشکر کنیم که بدون هیچ دست‌کاری و تخریبی داده‌های موجود را در جای خود حفظ و اقدامات خود را صرفاً به اجرای یک لایه جدید محدود کرده‌اند و همان‌طور که شرح داده شد تخریب‌های چند دهه اخیر عامل تخریب داده‌های تاریخی بوده است.

کارگاه ۵: این کارگاه با ابعاد ۸×۱۳ متر با اندکی فاصل از کارگاه ۶ قرار دارد. این محل به شدت توسط مسیرهای مختلف لوله‌ها و تأسیسات شهری مورد تخریب قرار گرفته اما با این وجود در قسمت‌های دست‌نخورده شواهدی از کف‌سازی‌های دو دوره صفوی شامل کف آجر فرش صفوی و کف سنگ‌فرش دوره قاجاری همانند بقایای به دست آمده از ترانشه ۶ به دست آمد (تصویر ۴). در کل وضعیت کف‌سازی‌های دو دوره در این کارگاه بر اثر انجام دخل و تصرف‌های غیراصولی پیش‌گفته شده دچار تخریب‌های زیاد شده بود لذا محل انجام گمانه‌زنی لایه‌نگاری در بخش شمالی این قسمت انتخاب شد. شایان‌ذکر در حین کاوش برخورد سر کلنگ یکی از کارگران با کابل برق باعث پرتاب وی و قطع برق چهارباغ برای ساعتی شد. با توجه به عایق بودن دسته کلنگ و همچنین پوشیدن کفش عایق مناسب خوشبختانه کارگر دچار برق‌گرفتگی نشد و صرفاً بر اثر پرتاب قدری دچار مصدومیت جزئی شد.

در ادامه کار در این کارگاه یک محل در بخش شمالی برای باز کردن یک گمانه لایه‌نگاری انتخاب شد و از آنجا که در شهر اصفهان به جز گمانه‌زنی لایه‌نگاری انجام شده توسط نگارنده در سال ۱۳۸۳ در کاوش میدان عتیق کار دیگری انجام نشده بود لذا این گمانه‌زنی دارای اهمیت خاصی محسوب می‌شد. در این گمانه تا عمق ۴/۶۰ متری یعنی بستر طبیعی ماسه‌ای که خود متشکل از چند لایه شن و ماسه بود ادامه داده شد (تصویر ۶). این لایه‌نگاری که درست در قلب شهر اصفهان و در میانه خیابان چهارباغ عباسی به انجام رسید اطلاعات مهمی را در اختیار گذاشت زیرا یک توالی تاریخی و بدون دست‌خوردگی را به ترتیب شامل: دوره معاصر، قاجاری، صفوی، ایلخانی، قرون میانی، صدر اسلام، تاریخی و هزاره چهارم پیش‌ازمیلاد در اختیار گذاشت (طرح ۱). در این گمانه یک سکه از دوره احتمالاً عباسی (سده سوم هجری) از جنس نقره هم به دست آمد که برای پتینه شده بود و لذا برای تمیزکاری در اختیار گروه مرمت دانشگاه هنر قرار داده شد و متأسفانه هنوز مراحل مربوطه به اتمام نرسیده است. در طی این گمانه‌زنی مقادیر قابل توجهی انواع سفال از دوره‌های مختلف یادشده به دست آمد که متأسفانه با عدم انجام تعهدات مربوطه توسط سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری اصفهان ادامه و تکمیل مطالعات مربوطه میسر نشد و به‌رغم تلاش‌های نگارنده و پیگیری از



طریق اداره کل استان تا کنون نتیجه‌ای دربر نداشته لذا به اجبار گزارش به صورت ناقص است و داده‌های مهم سفال‌های این گمانه هنوز مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند.

کارگاه ۴: این کارگاه درست در مقابل خیابان موسوم به کوالامپور (پارس سابق) قرار دارد (نقشه ۱) و داده‌هایی دقیقاً مطابق با بقایای ترانسه ۵ به دست آمد با وصف اینکه تخریب‌های عمده ناشی از عبور تأسیسات شهری شامل دو مسیر کابل برق که کانال عبورشان را با ردیفی از آجر پوشانده‌اند و شاه‌لوله آب (تصویر ۸) که تمامی امتداد خیابان از ابتدا تا انتها تعبیه شده و کف‌سازی‌ها و تداخلات سال‌های اخیر از قبیل باغچه‌بندی و قرار دادن سنگ‌های جدول خیابان و بتن‌ریزی‌های مکرر به بافت آن لطمه وارد کرده است. کف سنگ‌فرش قاجاری و قسمت‌هایی از آجرفرش دوره صفوی در قسمت‌هایی از بخش میانی خیابان همچنان باقی مانده است (تصاویر ۷ و ۸).

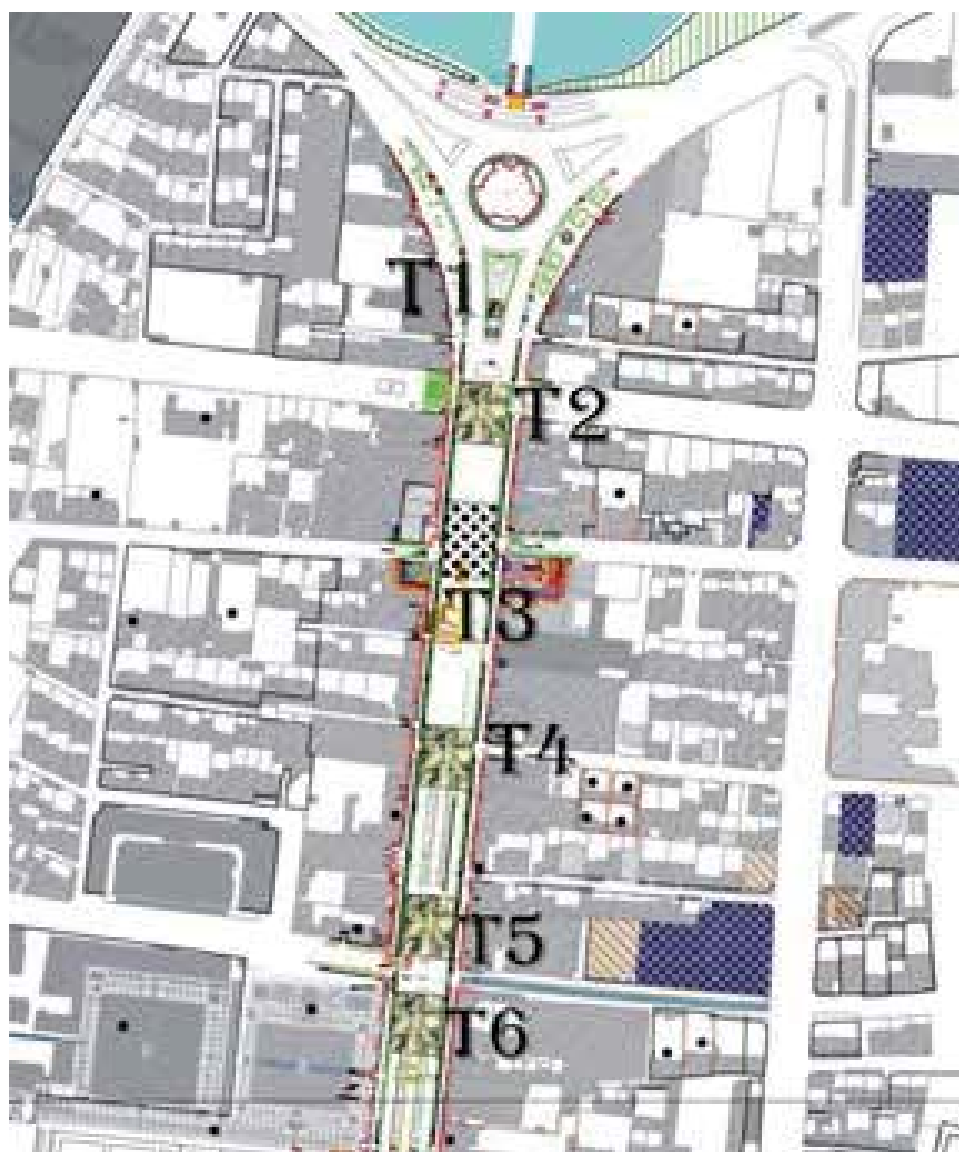
کارگاه ۲: این کارگاه در منتهی‌الیه خیابان فعلی چهارباغ عباسی درست در محل تقاطع عبور مادی نیاصرم از زیر آن به عرض ۸ و طول ۱۳ متر قرار دارد. در این کارگاه بقایای سقف آبراه مادی نیاصر بر روی کف در ترانسه مشخص شد. در ضمن ۵ عدد سنگ بزرگ تراش خورده لبه شرقی خیابان تاریخی به دست آمد که حضور آن‌ها حائز اهمیت خاصی است زیرا بقایای لبه خیابان تاریخی چهارباغ را نشان می‌دهد و لازم است در طرح کف‌سازی فعلی به‌عنوان شواهد تاریخی مورد لحاظ قرار گیرد (تصویر ۱۰). به دلیل تخریب شدید کف در این کارگاه که به برطرف کردن وسیع کف‌های تاریخی در زمانی نامعلوم منجر شده هیچ اثری از کف‌سازی مشابه مواردی که در کارگاه‌های دیگر به دست آمد، مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری

خیابان چهارباغ عباسی بر اساس داده‌های حاصل از کاوش دو مرحله تاریخی را پشت سر گذاشته در مرحله اصلی که متعلق به دوره صفوی است این خیابان دارای یک سطح آجر فرش بوده که برای اجرای آن ابتدا یک زیرسازی با شفته آهک کرده‌اند و سپس با سه رج آجرچینی یکی بر روی دیگری کف‌سازی را انجام داده‌اند. شایان‌ذکر است در هیچ‌کدام از کارگاه‌ها اثری از حوضی که در امتداد محور طولی چهارباغ درست در وسط خیابان جریان داشته و در مدارک تصویری باقی مانده از این دوره و همچنین گزارش‌های سفرنامه نویسان مشهود است به دست نیامد. در مرحله بعدی که مربوط به دوره قاجاری است با یک لایه سنگ‌فرش که بر روی کف‌سازی صفوی انجام گرفته کف خیابان حدود ۲۵ سانتی‌متر بالاتر آمده و با استفاده از قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای و شفته آهک، کف دوره جدید را ایجاد کرده‌اند. این کف در دوره معاصر بارها مورد تعرض قرار گرفته و با تداخلات ناشی از عبور تأسیسات و باغچه‌بندی و خیابان‌کشی به شدت دچار آسیب شده است.

با توجه به اینکه یک گمانه برای لایه‌نگاری نیز در این برنامه زده شد در نتیجه مشخص شد در زیر لایه صفوی با یک توالی تاریخی بدون دست‌خوردگی مواجه هستیم که با توجه به داده‌ها به ترتیب شامل: صفوی، ایلخانی، سده‌های میانی اسلامی، صدر اسلام، تاریخی و هزاره چهارم پیش‌ازمیلاد است. امید است با پیگیری مسئولین مربوطه مطالعات مربوط به یافته‌های سفالی به دست آمده از این کاوش نیز به انجام برسد و اطلاعات مهم حاصله راهگشای مطالعات بعدی شود به‌خصوص که در زمینه باستان‌شناسی اطلاعات اندکی از اصفهان موجود است.





نقشه ۱. محل ترانشه‌های کاوش





تصویر ۱. عبور تأسیسات شهری مختلف و دخل و تصرف‌های غیراصولی اعم از بتن در دو دایره قرمز محل دو کابل برق که برای انجام کاوش قطع و برطرف شده است دیده می‌شود





تصویر ۲. دو مرحله کف‌سازی خیابان چهارباغ و مسیر عبور آب در ترانسه ۶



تصویر ۳. کف‌سازی خیابان چهارباغ و مسیر عبور آب





تصویر ۴. کفسازی دوره صفوی با آجر فرش



تصویر ۵. کفسازی خیابان چهارباغ در کارگاه ۵





تصویر ۶. لایه‌نگاری خیابان چهارباغ





تصویر ۷. کفسازی خیابان چهارباغ در کارگاه ۴





تصویر ۸. کفسازی خیابان چهارباغ در کارگاه ۴ و دخل و تصرف‌های مکرر در محل

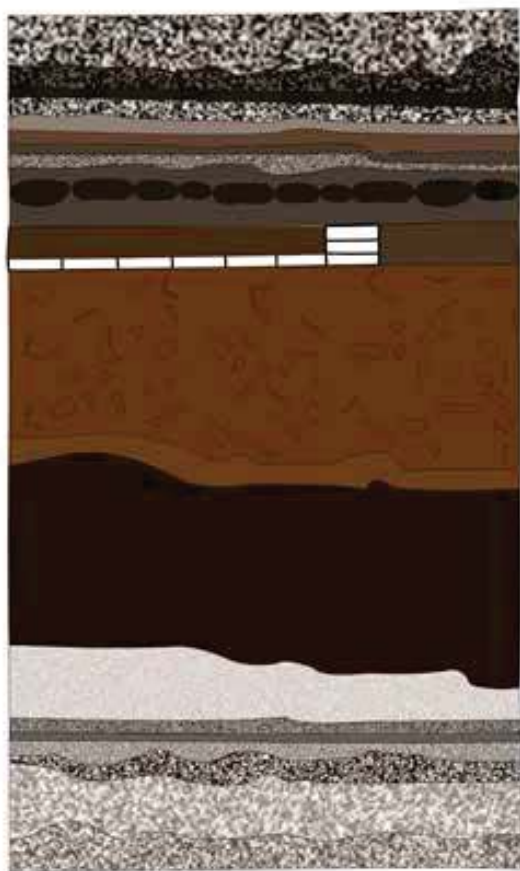


تصویر ۹. عبور شاه‌لوله آب به قطر ۱ متر که با تخریب شدید لایه‌های تاریخی منجر شده است



تصویر ۱۰. تخریب کامل کف‌سازی‌های تاریخی و حفظ ۵ سنگ تراش‌خورده لبه خیابان در کارگاه ۲





- لایه های ۱ تا ۸، خاکریزی های دوره معاصر
- لایه ۹، سنگفرش دوره قاجار
- لایه ۱۰، کف آجر فرش چهارباغ در دوره صفوی
- لایه ۱۱، دوره ایلخانی
- لایه ۱۲، قرون اولیه اسلامی
- لایه ۱۳، دوره تاریخی
- لایه ۱۴، هزاره چهارم پیش از میلاد
- لایه های ۱۵ تا ۲۰، ماسه و شن کف دریاچه

طرح ۱. لایه‌نگاری چهارباغ



بررسی و شناسایی غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای پارینه‌سنگی دشت ایذه

(فصل دوم: شمال و شرق تالاب میانگران)

مژگان جایز*

با همکاری تهمینه ایزدیاری، فریبا بختیاری‌نسب، رضا رافعی، میراحمد زوار موسوی نیاکی، ساناز شیروانی، عالیہ عبداللهی، علی فیضی

درآمد

طرح «بررسی و شناسایی غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای پارینه‌سنگی دشت ایذه (فصل دوم: شمال و شرق تالاب میانگران)» از تاریخ ۱۳۹۸/۰۹/۰۱ تا ۱۳۹۸/۱۰/۲۰ با مجوز شماره ۹۸۱۰۲۵۹۸ انجام شده است. منطقه مورد بررسی در این طرح، کوهپایه‌های دشت ایذه در شمال شرق استان خوزستان است. ایذه و مناطق اطراف آن از دهه ۱۹۷۰ تاکنون و به‌ویژه به دلیل ساخت سدهای کارون در منطقه و رشد مطالعات پارینه‌سنگی در ایران در دهه‌های اخیر مورد بررسی‌های نسبتاً گسترده‌ای قرار گرفته‌اند. نخستین پژوهش‌های عصر سنگ در ایذه، به مطالعات هنری رایت و همکاران او در دهه ۱۹۷۰ بازمی‌گردد (Wright 1979) که منجر به کشف محوطه‌هایی شد که اکثراً مربوط به پارینه‌سنگی متأخر بودند. سایر بررسی‌های انجام شده شامل طرح نجات‌بخشی محوطه سد کارون ۳، به سرپرستی جعفر مهرکیان و بررسی نجات‌بخشی حوضه سد کارون ۲ (سعیدی ۱۳۸۷؛ میراسکندری ۱۳۸۶) می‌شود. در بهار ۱۳۸۶، با بررسی ۵۰ درصد کوهپایه‌های دشت ایذه به صورت غیر پیمایشی، ۵۴ محوطه دارای دست‌ساخته‌های سنگی عصر سنگ شناسایی شدند (جایز ۱۳۸۶، ۱۳۹۲؛ نیکنامی و جایز ۱۳۹۰؛ Niknami and Jayez 2008; Jayez 2015). بخش دیگری از دشت ایذه با عنوان تنگه پیون در شمال غرب آن در سال ۱۳۸۷ مورد بررسی پیمایشی فشرده قرار گرفت که منجر به شناسایی ۱۹ غار و پناهگاه صخره‌ای پارینه‌سنگی شد (جایز و همکاران ۱۳۹۲؛ Jayez et al. 2019). در فصل نخست طرح حاضر نیز با بررسی پیمایشی تنگه تالاب بندون ۶۹ غار و پناهگاه صخره‌ای پارینه‌سنگی شناسایی شدند (جایز ۱۳۹۹). اهمیت فراوان منطقه در پاسخدهی به سؤالات موجود در زمینه پارینه‌سنگی متأخر منطقه زاگرس و لزوم تکمیل مطالعات

قبل، منجر به ادامه بررسی‌های فشرده و پیمایشی در ایذه برای شناسایی طیف کامل محوطه‌های پارینه‌سنگی در منطقه شد.

منطقه مورد بررسی

دشت ایذه، دشتی رسوبی واقع در شمال شرقی استان خوزستان، مابین ۳۱ ۴۷ تا ۳۱ ۵۴ شمالی و ۴۷ ۴۹ تا ۵۰ ۰۰ شرقی است (تصویر ۱). این دشت پوشیده از رسوبات آبرفتی ناهمگنی است که محصول فرسایش انواع ساختارهای کربناته آسماری، پابده، گورپی و ایلام-سروک در اطراف دشت هستند. ایذه در واقع دره مرتفعی است که ارتفاع متوسط آن ۷۵۰ متر بالاتر از سطح دریاست. دو دریاچه نسبتاً وسیع معروف به شط میانگران و تالاب بندون در شمال و جنوب شرقی شهر ایذه واقع شده‌اند که جریان‌های سطحی ایجاد شده به داخل آن‌ها می‌ریزند. با توجه به اینکه منطقه پیون در شمال غرب ایذه در سال ۱۳۸۷ به صورت کامل بررسی شده بود (بنگرید به Jayez et al. 2019)، پیمایش در این فصل از شرقی‌ترین نقطه آن در روستای بادامزار آغاز و کوهپایه‌های پس از آن به سمت شرق در حاشیه روستاهای بادامزار، کمالوند، یارعلی‌وند، خونگ اژدر و پرچستان فاضل یکی پس از دیگری در شمال و شرق تالاب میانگران پیمایش شد (تصویر ۱).

روش بررسی

چشم‌انداز کلی منطقه مورد بررسی ابتدا با اتکا به تصاویر ماهواره‌ای و نسخه حرفه‌ای گوگل ارث (Google Earth Pro) برای تهیه عکس‌های هوایی و استفاده از نقشه توپوگرافی terrain گوگل، برای شناخت عوامل مختلف زیست‌محیطی منطقه مانند کوهپایه‌ها، جریان‌های فصلی، چشمه‌ها، مراکز مسکونی و صنعتی و ... مورد ارزیابی قرار گرفت تا بتوان استراتژی کلی بررسی را مشخص کرد. با توجه به گستردگی منطقه مورد بررسی و هدف اصلی طرح حاضر، یعنی کشف غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای،



تمرکز اصلی محل تلاقی رسوبات حاشیه دشت با کوهپایه‌ها بود. پیمایش به صورت پیاده از بادامزار در شمال غرب دشت آغاز و با گذر از خونگ کمالوند، خونگ یارعلیوند، خونگ اژدر، در پرچستان فاضل به اتمام رسید (تصویر ۱).

در بررسی حاضر، محوطه‌ها فقط در قالب غار و پناهگاه صخره‌ای ثبت شده‌اند. این مکان‌ها به دو دسته دارای آثار مشهود از دوران پارینه‌سنگی و فاقد آثار مشهود از دوران پارینه‌سنگی تقسیم می‌شوند. ثبت مکان‌های دارای آثار پارینه‌سنگی که منحصرأ محدود به دست‌ساخته‌های سنگی سطحی در فضای داخلی و دامنه بیرونی محوطه می‌شوند، به صورت ثبت ویژگی‌های آن‌ها در «فرم ثبت محوطه‌های پارینه‌سنگی ایران» انجام شد. در هر کدام از این محوطه‌ها به صورت جداگانه عکاسی و پلان برداری (و در مورد غارها برداشت برش ساختار) انجام شد. نمونه برداری در این محوطه‌ها به صورت کنترل شده انجام شد. در محوطه‌هایی که تراکم دست‌ساخته‌های سنگی سطحی کمتر از ۱ عدد در مترمربع بود همه دست‌ساخته‌های سنگی سطحی قابل مشاهده گردآوری می‌شدند. در محوطه‌هایی که تراکم بالاتر از ۱ عدد در مترمربع بود، شبکه‌ای با مساحت معادل درصدی مابین ۱ تا ۱۰ درصد سطح پراکنش، بسته به شرایط حفاظتی سطح دامنه محوطه، روی دامنه مشخص و هر آنچه از دست‌ساخته‌های سنگی که داخل این شبکه مشاهده می‌شد برداشت می‌شد. در مورد هاون‌های صخره‌ای که در فضای باز به آن‌ها برخورد می‌شد، موقعیت و ابعاد آن‌ها ثبت و تصویربرداری می‌شدند.

یافته‌ها

بررسی کوهپایه‌های شمال و شرق تالاب میانگران در دشت ایذه منجر به ثبت مشخصات ۵۹ غار و پناهگاه صخره‌ای عصر سنگ شد که ۴۷ عدد از آن‌ها برای اولین بار شناسایی شدند و باقی آن‌ها قبلاً شناسایی شده بودند و در این طرح مورد نقشه‌برداری و بازخوانی قرار گرفتند (تصویر ۱). همچنین در این بررسی مشخصات ۳۰ غار و پناهگاه صخره‌ای که آثار پارینه‌سنگی از دامنه آن‌ها به دست نیامد نیز ثبت شد. دست‌ساخته‌های سنگی به دست آمده از دامنه سطحی محوطه‌های مذکور مربوط به پارینه‌سنگی جدید (شاخصه‌هایی همچون سنگ مادرهای ریزتیغه یکسویه و مخروطی، ریزتیغه‌های تابدار، اسکنه‌ها و خراشنده‌های زورقی، فراوانی ریزتیغه‌ها، خراشنده‌های انتهایی)، فراپارینه‌سنگی (فراوانی ریزتیغه‌ها، سنگ مادرهای ریزتیغه، خراشنده‌های ناخنی فراوان، میکرولیت‌های هندسی و قطعات کولدار) و در موارد نادری نوسنگی (سنگ مادرهای فشاری و تیغه‌های داس)

هستند (تصویر ۲ و ۳). تاریخ‌گذاری مطلق این محوطه‌ها منوط به گمانه‌زنی به منظور شناسایی انباشت‌ها و لایه‌نگاری در محوطه‌هایی است که در آن‌ها نهشته‌های فرهنگی مشاهده شده است.

تراکم دست‌افزارهای سنگی سطحی محوطه‌های دشت ایذه بسیار متغیر است. پناهگاه صخره‌ای کمالوند (IZ19111)، غار کمالوند (IZ19113)، پناهگاه صخره‌ای قلعه گژدم (IZ19122)، پناهگاه‌های صخره‌ای پرچستان فاضل (IZ19143, IZ19154) محوطه‌هایی هستند که تراکم دست‌ساخته‌های سطحی آن‌ها بالا و بیش از ۱ عدد در مترمربع است و همه آن‌ها دارای نهشته فرهنگی هستند. اگر تنها بر اساس تعداد دست‌افزارهای گردآوری شده قضاوت کنیم، بزرگ‌ترین مجموعه و تراکم سطحی دست‌ساخته‌های سنگی، از پناهگاه صخره‌ای قلعه گژدم (IZ19122) به دست آمده است (تصویر ۴) که صنایع سنگی آن نشانگر پارینه‌سنگی جدید و فراپارینه‌سنگی (اسکنه و خراشنده زورقی، سنگ مادرهای مخروطی ریزتیغه، خراشنده ناخنی، ریزتیغه‌های رتوشدار و کولدار) است. از دیگر محوطه‌هایی که تعداد دست‌افزارهای سنگی گردآوری شده از آن‌ها نشان از اهمیت آن‌ها دارد، می‌توان به مجموعه پناهگاه‌های صخره‌ای پرچستان اورک شالو (IZ19146)، (IZ19147) و مجموعه پناهگاه‌های صخره‌ای قلعه گژدم (فازم) و غار دودر (IZ19123, IZ19124, IZ19125) اشاره کرد. وسیع‌ترین محوطه‌هایی که از آن مصنوعات سنگی گردآوری شده مجموعه پناهگاه‌های صخره‌ای قلعه گژدم (فازم) و غار دودر (IZ19123, IZ19124, IZ19125) و مجموعه پناهگاه‌های صخره‌ای پاتوه و غار گرموشا (IZ19129, IZ19126, IZ19127, IZ19128) هستند (تصویر ۵) که یافته‌های سطحی آن‌ها در مساحت گسترده‌ای روی دامنه بیرونی آن‌ها پراکنش دارد. در فصل دوم طرح بررسی پارینه‌سنگی دشت ایذه همچنین ۳۶ عدد هاون صخره‌ای در فاصله کمی از غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای پارینه‌سنگی شناسایی شد که بسیار متنوع هستند (تصویر ۶) و تاریخ‌گذاری دقیق آن‌ها را نمی‌توان با قطعیت اعلام کرد. در این فصل، با همکاری سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی اقدام به مغزه‌گیری از رسوبات تالاب‌های بندون (۱۰ متر) و میانگران (۳ متر) جهت مطالعه و بازسازی دیرین‌اقلیم منطقه شد.

نتیجه‌گیری

بررسی پیمایشی کوهپایه‌های شمال و شرق تالاب میانگران در دشت ایذه نشانگر تعدد محوطه‌ها و اهمیت فراوان منطقه در مطالعات پارینه‌سنگی است. در مجموع در سه فصل بررسی



پیمایشی در بخش‌های پیون در شمال غرب ایذه (Jaye et al. 2019)، تالاب بندون در جنوب غرب دشت ایذه (جایز ۱۳۹۹) و حاشیه شمال و شرق تالاب میانگران (فصل حاضر)، ۱۴۷ غار و پناهگاه دارای آثار سطحی پارینه‌سنگی و ۸۰ غار و پناهگاه صخره‌ای فاقد آثار مشهود پارینه‌سنگی شناسایی شده است (تصویر ۱). اکثر این محوطه‌ها در دوران پارینه‌سنگی جدید و فراپارینه‌سنگی و تعداد محدودی نیز در آغاز نوسنگی مورد استفاده بوده‌اند، اگرچه که استفاده از فضاهای مسقف غارها و پناهگاه‌ها هرگز متوقف نشده و تا امروز هم ادامه دارد. کشف هاون‌های صخره‌ای فراوان در فاصله نزدیکی از این محوطه‌ها شاید بتواند به بازسازی معیشت زیستی آن‌ها کمک کند، گرچه هنوز تاریخ‌گذاری دقیقی برای این هاون‌ها صورت نگرفته است. بازسازی دیرین‌اقلیم منطقه بر مبنای مغزه‌های استخراج شده، تداوم بررسی در سایر مناطق دشت ایذه و برنامه‌ریزی برای کاوش روشمند از اهداف آینده طرح مطالعات پارینه‌سنگی دشت ایذه هستند.

سپاسگزاری

از دکتر بهروز عمرانی، رئیس پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، دکتر روح‌اله شیرازی رئیس پژوهشکده باستان‌شناسی، دکتر سیامک سرلک معاون اجرایی پژوهشکده باستان‌شناسی، آقای مهدی فرجی مدیر اداره میراث‌فرهنگی ایذه، دکتر جواد درویشی خاتونی سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی، محمدرضا رکنی کارشناس گروه نقشه باستان‌شناسی پژوهشکده باستان‌شناسی سپاسگزارم.

کتاب‌نامه

جایز، مؤگان ۱۳۸۶ *شناسایی و تحلیل الگوی مکانی محوطه‌های عصر سنگ دشت ایذه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته باستان‌شناسی، دانشگاه تهران (منتشر نشده).
 ۱۳۹۲ "تغییر خط سیر تولید ریزتیغه‌ها از فراپارینه‌سنگی به نوسنگی در دشت ایذه، شمال شرق خوزستان"، *مطالعات باستان‌شناسی* ۵ (۲): ۵۷-۳۹.

۱۳۹۹ *غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای پارینه‌سنگی کوهپایه‌های ایذه، شمال شرق استان خوزستان (فصل نخست: تنگه تالاب بندون)*، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

جایز، مؤگان، خدیجه ملامیرزایی و کمال‌الدین نیکنامی ۱۳۹۲ "گزارش محوطه‌های عصر سنگ در دشت پیون، جنوب غرب ایران"، *باستان‌شناسی ایران* ۴: ۳۹-۲۳.

سعیدی، سهند ۱۳۸۷ *هیئت بررسی و گمانه‌زنی سد کارون ۲ (جلد اول، گزارش مقدماتی بررسی دشت سوسن حوزه آبخیز سد کارون ۲)*، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

میراسکندری، سیدمحمود ۱۳۸۶ *گزارش بررسی و شناسایی دشت سوسن (ایذه)*، تابستان ۱۳۸۶، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

نیکنامی، کمال‌الدین و مؤگان جایز ۱۳۹۰ "محوطه‌های عصر سنگ دشت ایذه: شناسایی و تحلیل الگوی مکانی"، *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، سال اول، شماره اول، ۸۰-۵۷.

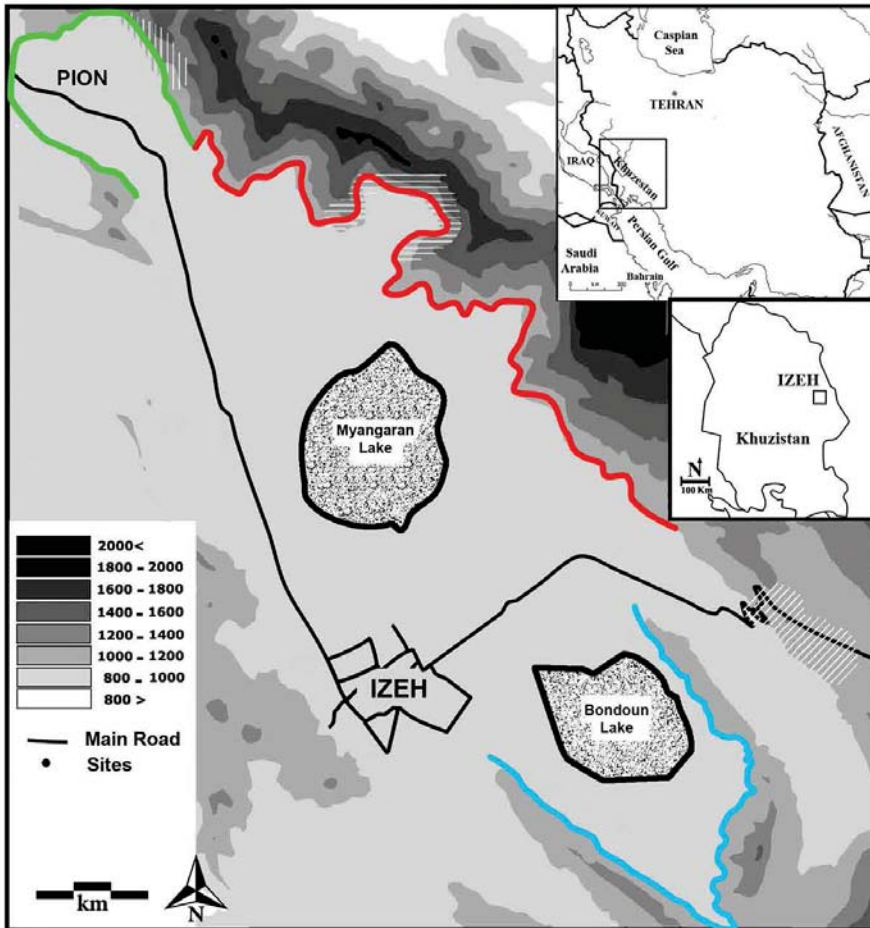
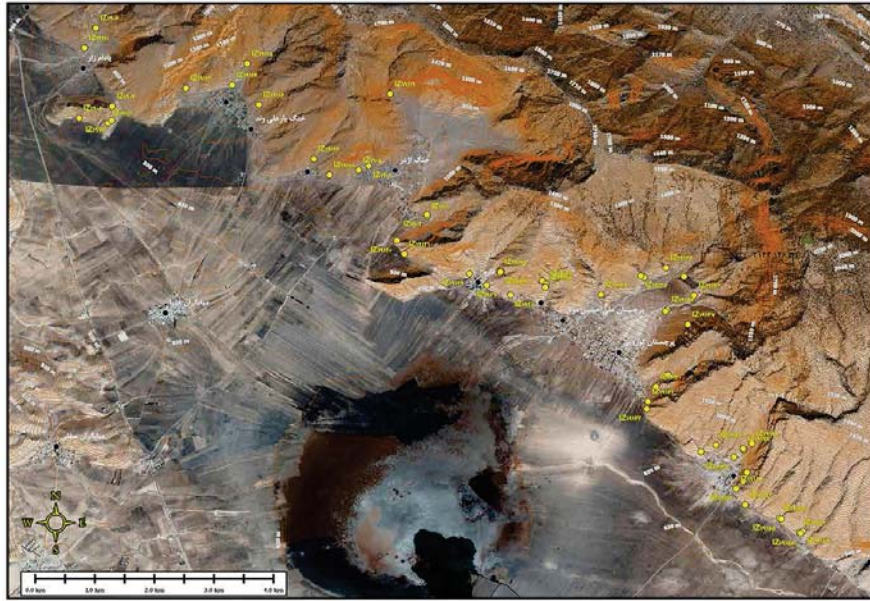
Jaye, M. 2015 "The Shift in Bladelet Production Trajectory from Late Palaeolithic to Neolithic: The Case Study of Izeh, Khuzestan, Iran". *Lithic Technology* 40 (1): 52-67.

Jaye, M.; K. Molla Mirzai and K. Niknami 2019 "Introduction of Late Pleistocene cultural material of an intermediate region: Paleolithic sites of Pion and Izeh plain between central and Southern Zagros, southwest Iran". *Quaternary International* 512: 52-66.

Niknami, K. and M. Jayez 2008 "Spatial Patterning of Epipalaeolithic-Early Neolithic Site Structure of Izeh Plain, Southwestern Iran". In: Ioannides, A., Addison, A., Georgopoulos, A., and Kalisperis, L. (Eds.), *VSM 2008, Digital Heritage, Proceedings of the 14th International Conference on Virtual Systems and Multimedia*, pp. 139-145.

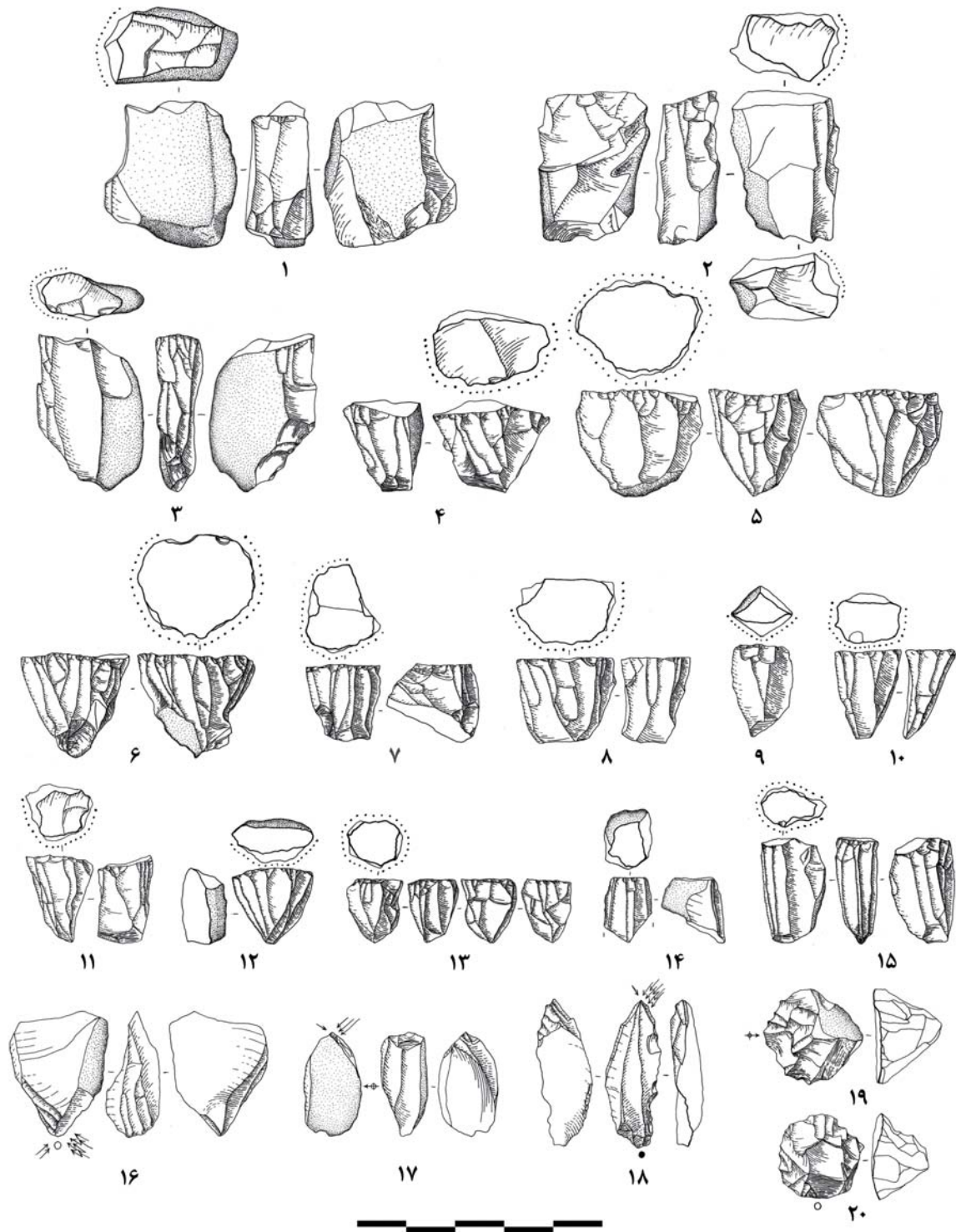
Wright, H. T. 1979 *Archaeological Investigations in Northeastern Xuzestan, 1976*, University of Michigan Museum of Anthropology, Ann Arbor, Technical Report 10.



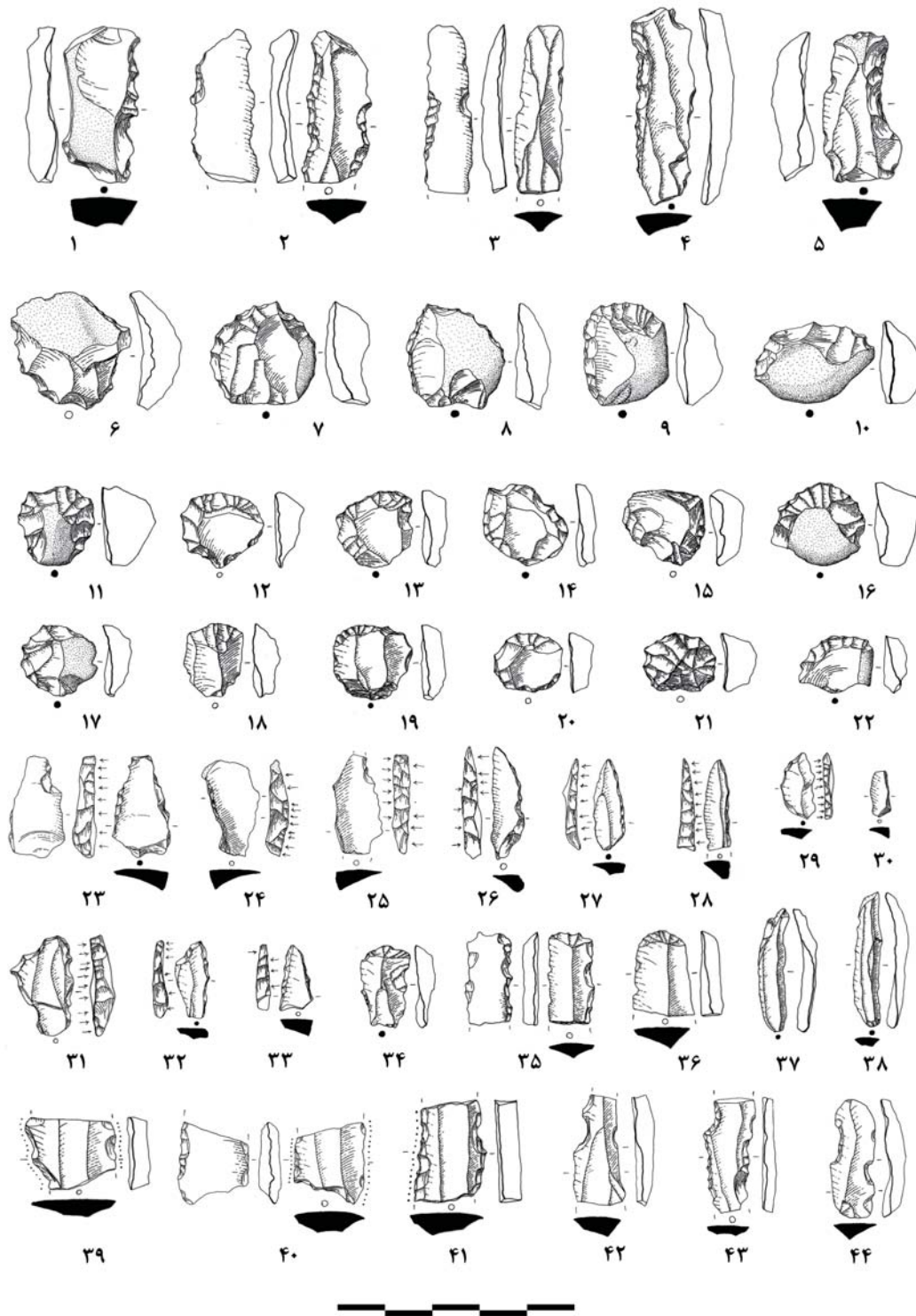


تصویر ۱. بالا: نقشه توپوگرافی و تصویر ماهواره‌ای منطقه مورد بررسی در فصل دوم طرح مطالعات پارینه‌سنگی دشت ایذه و موقعیت محوطه‌های ثبت شده؛ پایین: موقعیت دشت ایذه در شمال شرق خوزستان و محدوده مناطق مورد بررسی در سه فصل بررسی پیمایشی (سبز: دشت پیون ۱۳۸۷؛ آبی: تنگه تالاب بندون ۱۳۹۷؛ قرمز: شمال و شرق تالاب میانگران ۱۳۹۸). تنظیم نقشه محوطه‌ها از محمدرضا رکنی در بخش نقشه باستان‌شناسی پژوهشکده باستان‌شناسی.





تصویر ۲. طرح دست‌ساخته‌های سنگی شاخص پارینه‌سنگی از محوطه‌های پارینه‌سنگی دشت ایذه در فصل دوم بررسی (۱-۳). سنگ مادرهای ریزتیغه با سطح برداشت باریک؛ ۴-۱۳. سنگ مادرهای منشوری ریزتیغه؛ ۱۴-۱۵. سنگ مادرهای ریزتیغه فشاری؛ ۱۶-۱۸. اسکنه زورقی؛ ۱۹-۲۰. خراشنده زورقی. طراحی مؤگان جابز.

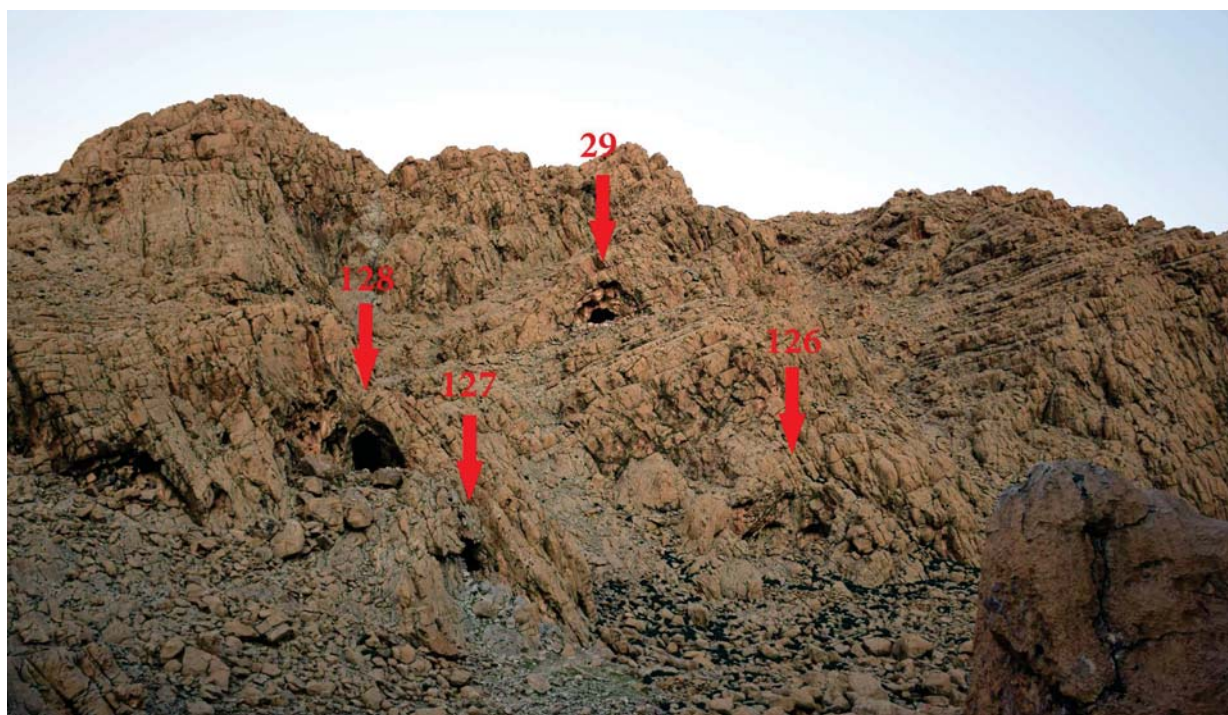


تصویر ۳. طرح دست‌ساخته‌های سنگی شاخص پارینه‌سنگی از محوطه‌های پارینه‌سنگی دشت ایذه در فصل دوم بررسی (۱-۵). تیغه و ریزتیغه رتوشدار؛ ۶-۷. خراشنده گرد؛ ۸. خراشنده جانبی؛ ۹. خراشنده جانبی و انتهایی؛ ۱۰. خراشنده انتهایی؛ ۱۱-۲۲. خراشنده ناخنی؛ ۲۳-۳۰. ریزتیغه کولدار؛ ۳۱-۳۳. میکرولیت هندسی؛ ۳۴-۳۶. خراشنده انتهایی روی ریزتیغه؛ ۳۷-۳۸. ریزتیغه تابدار؛ ۳۹-۴۱. تیغه با جلای داس؛ ۴۲-۴۴. ریزتیغه کنگره‌دار. طراحی مزگان جایز.



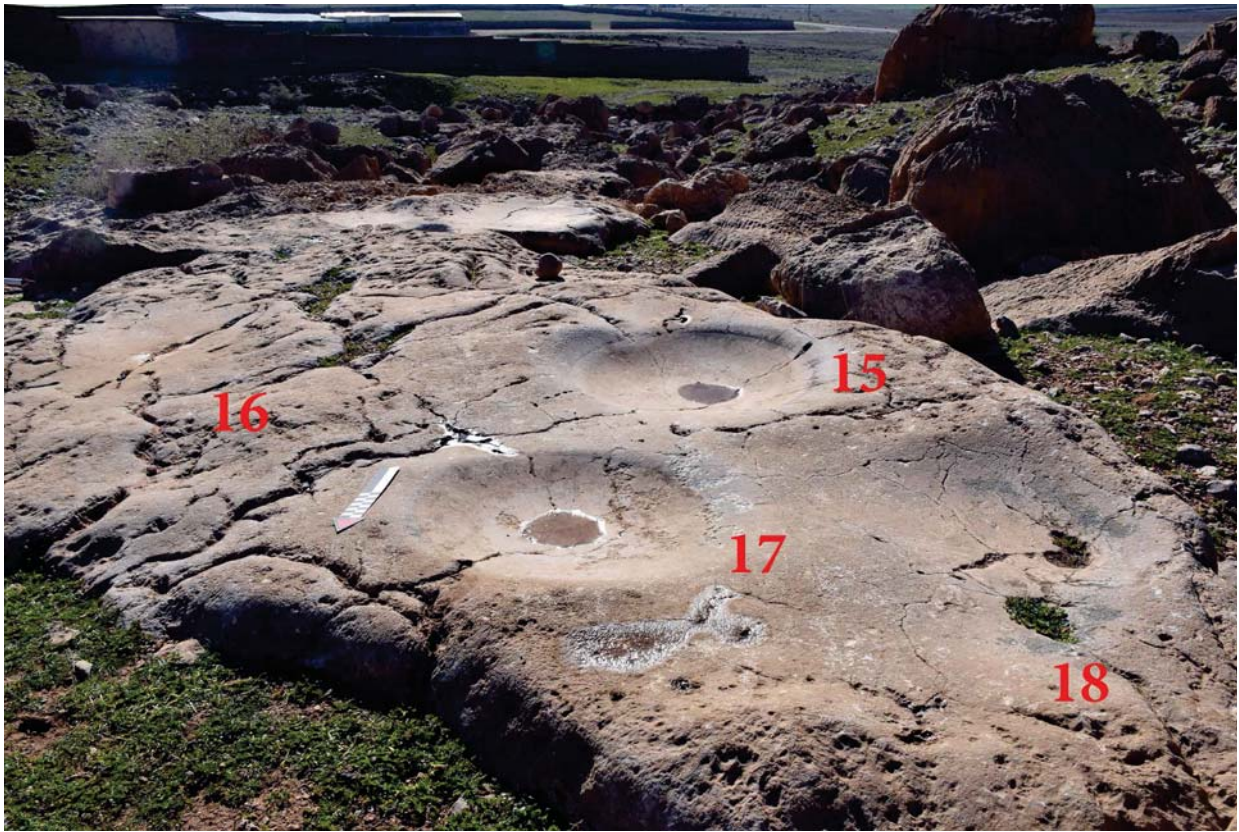


تصویر ۴. پناهگاه صخره‌ای قلعه گزدم (IZ19122) در شمال تالاب میانگران و دشت ایذه و موقعیت شبکه نمونه‌برداری در دامنه محوطه.



تصویر ۵. مجموعه پناهگاه‌های صخره‌ای پاتوه و غار گرموشا (IZ1929, IZ19126, IZ19127, IZ19128) در شمال تالاب میانگران و دشت ایذه





تصویر ۶. مجموعه هاون‌های صخره‌ای در کنار پناهگاه صخره‌ای پرچستان اورک شالو (IZ19143)



گزارش فصل هفتم پژوهش‌های باستان‌شناسی محوطه ریوی دشت سملقان، خراسان شمالی

محمدجواد جعفری* و یودیت تومالسکی**

درآمد

فصل اول و دوم پژوهش‌های باستان‌شناسی در محوطه تاریخی ریوی بر لایه‌نگاری و تعیین عرصه و حریم متمرکز بود. از فصل سوم (بهار ۱۳۹۵) مطالعات ریوی با همکاری موسسه باستان‌شناسی آلمان ادامه یافت که بررسی ژئوفیزیک، مطالعه مواد سطحی محوطه، برداشت فتوگرامتری و حفاظت و مرمت اضطراری گمانه‌ها و اشیاء حاصل از فصول گذشته، اقدامات انجام شده فصل سوم بود. در فصل چهارم (پاییز ۱۳۹۵) علاوه بر ادامه بررسی ژئوفیزیک، پنج گمانه با هدف کاوش افقی و شناخت عناصر معماری در محوطه ریوی ایجاد شد. پژوهش‌های میدانی فصل پنجم (پاییز ۱۳۹۶) در سه بخش باستان‌شناسی، ژئومورفولوژی و باستان محیط زیست انجام شد. گمانه‌های باستان‌شناسی در سه شبکه M3، G12 و F16 متمرکز بودند که دستاورد آن کشف یک ساختمان بزرگ خشتی در مرکز محوطه، یک ساختمان با تالار ستوندار در جنوب محوطه و یک گورستان دوره مفرغ در شمال محوطه بود. با توجه به اهمیت و شگفتی نتایج فصل پنجم تمرکز پژوهش‌ها در فصل ششم (پاییز ۱۳۹۷) نیز بر روی یافته‌های فصل قبل قرار گرفت و بخش‌های بیشتری از گمانه‌های فصل قبل کاوش شد. فصل هفتم کاوش با مجوز شماره ۹۸۱۰۱۷۵۳ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۵ پژوهشگاه محترم میراث‌فرهنگی کشور از تاریخ ۱۳۹۸/۰۶/۳۰ تا ۱۳۹۸/۰۸/۱۳ انجام شد که در این نوشتار کوتاه به شرح نتایج آن می‌پردازیم.

در استان خراسان شمالی قرار دارد (تصویر ۱). دشت سملقان محصور در رشته کوه‌های البرز شرقی است. رودخانه سملقان با جهت غرب به شرق در میان این دشت جاری است و محوطه ریوی در ۲۰۰ متری شمال این رودخانه قرار دارد این رودخانه در مسیر خود به جلگه مانده و در نهایت به رودخانه اترک می‌پیوندد (تصویر ۲). محوطه ریوی از چهار تپه A، B، C و D تشکیل شده است. این تپه‌های چهارگانه در راستای شمالی-جنوبی و با فاصله ۳۰۰ تا ۶۰۰ متر از یکدیگر قرار دارند. تپه ریوی A در بخش جنوبی محوطه واقع شده و حدود ۵۸۱۸ مترمربع مساحت و ۸ متر بلندا دارد. تپه ریوی B در بخش شمالی محوطه و در فاصله ۶۰۰ متری تپه ریوی A قرار دارد. مساحت تپه ریوی B حدود ۳۳۴۶ مترمربع و بلندای آن از سطح زمین‌های اطراف ۵ متر است. تپه ریوی C با ۴۰۰۰ متر مساحت و ۲ متر بلندا در مرکز محوطه و در میان دو تپه دیگر قرار گرفته است. متأسفانه از تپه ریوی D تنها یک چهارم با ارتفاع ۴ متر باقی مانده و سایر بخش‌های آن توسط کوره آجرپزی تخریب شده است. طبق بررسی تصاویر هوایی، پیش از سال ۱۳۵۷ یک تپه دیگر در مرکز محوطه ریوی وجود داشته که وسعت آن از تمامی تپه‌های ذکر شده بیشتر بوده، اما متأسفانه در دهه ۶۰ شمسی با استقرار دو کوره آجرپزی در مرکز محوطه، این تپه نیز کاملاً تخریب شده است (تصاویر ۳ و ۴).

شرح عملیات میدانی

کاوش باستان‌شناسی، مرمت بقایای معماری، ایجاد پوشش حفاظتی و تهیه تصاویر سه بعدی هوایی به‌وسیله پهباد، راهبرد و برنامه‌های انجام شده در روند فصل هفتم کاوش محوطه تاریخی ریوی بود. در روند فصل پنجم و ششم کاوش، در محدوده تپه ریوی A با بقایای ساختمان خشتی برخورد شد که شاخص‌ترین فضای معماری آن یک تالار ستوندار بود و شناخت بیشتر پلان این ساختمان در اولویت برنامه‌های فصل هفتم نیز قرار گرفت؛

موقعیت و توصیف محوطه

محوطه ریوی در شمال شرق دشت کوچک میان کوهی سملقان (سمنگان) و در ۱۰ کیلومتری جنوب حوضه آبریز اترک میانی

* کارشناس باستان‌شناسی و پژوهش اداره کل میراث‌فرهنگی خراسان شمالی
j.jafari@ut.ac.ir

** رئیس موسسه باستان‌شناسی آلمان در ایران
udith.thomalsky@dainst.de



شکل بود که عرض آن ۲.۵ متر بود اما طول اتاق در برش گمانه ادامه داشت و به نظر می‌رسد با شناخت اولیه‌ای که از پلان حاصل شده طول این اتاق حدود ۱۱ متر است. کاوش در این اتاق تا دستیابی به وضعیت کف تا عمق ۴ متر از سطح گمانه ادامه یافت که در کف این اتاق دو خمره سفالی کشف شد که هر دو آن‌ها کامل اما شکسته و خرد شده بودند. در لایه‌های آواری این اتاق تعداد ۱۱ اثر مهر گلی و تعداد فراوانی گل‌های ورز داده شده مربوط به مهر و موم کردن دهانه خمره‌ها یافت شد. نقوش اثر مهرها هندسی، حیوانی و در یک مورد انسانی (۴) بود. گمانه G12-5 در فاصله ۱۰ متری از غرب گمانه G12-1 ایجاد شد در این گمانه بخش انتهایی غربی ساختمان خشتی آشکار شد که دو پنجره پیکانی شکل نیز در دیواره‌های آن نمایان شد. به دلیل تدابیر حفاظتی کاوش این گمانه تا کف بنا ادامه نیافت و خرده سفال به تعداد اندک تنها مواد کشف شده از این گمانه بود. کاوش در بخش شمالی گمانه F16-1 نیز در این فصل با ایجاد ۸ گمانه به ابعاد ۴×۴ متر ادامه داشت که حاصل آن کشف دیوارها خشتی و ادامه فضاهای معماری گمانه F16-1 بود. کاوش در این گمانه‌ها صرفاً جهت پیگردی وضعیت پلان انجام شد و عمق گمانه‌ها بیش از ۵۰ سانتی‌متر ادامه نیافت.

در شبکه M3 تمرکز بر روی کاوش گورستان دوره مفرغ ریوی قرار داشت. گمانه M3-1 و گمانه M3-4 در سال گذشته ایجاد شده بودند و کاوش آن در فصل هفتم نیز ادامه داشت. علاوه بر دو گوری که در فصل قبل در این گمانه‌ها کشف شده بود تنها یک گور دیگر در بخش جنوب‌شرقی گمانه M3-4 کشف شد که برش یک پیت از دوران تاریخی باعث تخریب نیمه شمالی گور شده بود. گمانه‌های M3-5, M3-6, M3-7 نیز علاوه بر دو گمانه سال گذشته ایجاد و کاوش شد و در این گمانه‌ها در مجموع ۳ گور کشف و مستندنگاری شد. ساختار حفره در تمامی گورها به شکل چکمه‌ای بود و حفره تدفین در هیچ‌کدام آن‌ها سالم نبود. رسوبات و ریزش دیواره‌های گور موجب فشرده شدن مواد تدفینی با انباشت خاک شده بود و آشکار کردن وضعیت اسکلت و اشیاء تدفینی به‌سختی انجام می‌شد. کاسه‌های پایه‌دار و لوله‌دار خاکستری، تنگ‌های آشپزخانه‌ای نخودی رنگ، پیاله‌های کوچک خاکستری و سیاه رنگ، سوزن‌ها و چاقوهای مفرغی، مهره‌ها و مهره‌های استامپی سفید رنگ گچی (۴) و سرگرزهای سنگی از جمله اشیاء تدفینی کشف شده از گورستان ریوی بود. شبکه S12 در شرق محوطه و در محدوده بقایای باستان‌شناسی دوران اسلامی قرار داشت و با توجه به لزوم شناخت از وضعیت سکونتگاه دوران اسلامی ریوی دو گمانه به ابعاد ۵×۵ متر در این محدوده در فصل هفتم ایجاد شد. دستاورد کاوش در این گمانه‌ها نیز کشف بقایای معماری

بنابراین در بخش شمالی تالار ستوندار، ۸ گمانه جهت پیگیری پلان ساختمان ایجاد شد (تصویر ۵). در محدوده تپه ریوی D نیز کاوش به‌منظور شناخت پلان ساختمان خشتی D ادامه یافت. تعداد چهار گمانه به مساحت ۱۰۲ مترمربع در بخش‌های شمالی، غربی و شرقی گمانه G12-1 کاوش شد (تصویر ۶). شبکه M3 در محدوده تپه ریوی B و در بخش شمالی محوطه قرار داشت. در این محدوده علاوه بر کشف بقایای استقرار مربوط به دوران اشکانی و ساسانی با یک گورستان دوره مفرغ پایانی نیز برخورد شد که طی فصل‌های ششم و هفتم تمرکز کاوش در محدوده شمالی محوطه بر روی این گورستان قرار گرفته بود. در این گورستان ساختار گورها به شکل چکمه‌ای (shaft grave) بود که در لایه‌های خاک بکر کشف شدند و لایه‌ها و بقایای معماری دوران تاریخی بر روی این گورستان قرار گرفته بود (تصویر ۷). شبکه S12 محدوده دیگری در شرق محوطه ریوی بود که در فصل هفتم مورد کاوش قرار گرفت. گمانه S12-1 و S12-2 در مجموع به مساحت ۵۰ مترمربع در محدوده شرقی محوطه به‌منظور شناخت بقایای استقرار دوران اسلامی محوطه تاریخی ریوی کاوش شد. با توجه به لزوم حفاظت از یافته‌های کاوش هر ساله بخشی از فعالیت‌های باستان‌شناسی محوطه تاریخی ریوی به اقدامات حفاظتی و مرمتی اختصاص دارد. در فصل هفتم بخش‌هایی از فضاهای معماری به دست آمده در گمانه‌های F16 و G12 مرمت و ساماندهی شد و پوشش حفاظتی فلزی به مساحت ۲۰۰ مترمربع نیز بر روی گمانه‌های یاده شده نصب شد (تصویر ۸).

یافته‌ها

اهمیت نتایج کاوش در محدوده شبکه‌های G12, F16 و M3 باعث شد تا علاوه بر دو فصل گذشته بخشی از فعالیت‌های فصل هفتم نیز متمرکز بر این گمانه‌ها شود. گمانه G12-2 در بخش شرقی گمانه G12-1 با هدف پیگردی پلان ساختمان بزرگ خشتی D به ابعاد ۶×۹ متر ایجاد شد و دستاورد این گمانه آشکار شدن بخشی از دیوارهای مربوط به بر خارجی بنا بود که تعداد ۸ عدد پنجره (نورگیر؟ تیرکش؟) به شکل پیکان در آن قرار داشت. به دلایل حفاظتی تنها بخشی از این گمانه به ابعاد ۲×۳ متر تا کف ساختمان (عمق ۴ متر از سطح گمانه) کاوش شد تا باقی مساحت باقی مانده با ایجاد پوشش حفاظتی مسقف شود و سپس کاوش در آن ادامه یابد. مهم‌ترین شیء کشف شده در این گمانه یک عدد اثر مهر گلی با نقش شیر و کتیبه مخدوش شده آرامی؟ بر روی آن بود. گمانه G12-3 در بخش شرقی گمانه G12-2 به ابعاد ۵×۴ متر ایجاد شد و دستاورد کاوش این گمانه کشف بخشی از یک اتاق مستطیل



خشتی به همراه انبوه خرده سفال و اشیاء آهنی و مفرغی بود. خرده سفال‌های لعابدار سبز و آبی رنگ، سفال‌های نخودی با نقوش موسوم به سفال نیشابور مهم‌ترین گونه‌های سفالی کشف شده از گمانه S12 بود. علاوه بر خرده سفال‌های فراوان، قطعاتی از اشیاء مفرغی و آهنی، پی‌سوز مفرغی و قطعات شیشه‌ای از جمله اشیاء به دست آمده از این گمانه بود.

در مجموع، مهم‌ترین یافته‌های این فصل بقایای معماری و تدفینی از دوران اواخر مفرغ تا اسلامی بود. مهم‌ترین آثار فرهنگی منقول کشف شده نیز شامل ظروف و اشیاء گورستان دوره مفرغ بود. علاوه بر ساختمان‌های بزرگ خشتی، خرده سفال‌ها، خرده‌های بزرگ ذخیره آذوقه، سنگ‌ساب‌ها، اشیاء آهنی و مفرغی و نمونه‌های زغالی، گیاهی و استخوان جانوری نیز مهم‌ترین دستاوردهای مطالعاتی فصل هفتم کاوش محوطه ریوی بود.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از کاوش فصل هفتم نیز، بخشی از پرسش‌های ایجاد شده در روند کاوش گمانه‌های M3، F16 و G12 را پاسخ داد اما برای شناخت کامل وضعیت این گمانه‌ها کافی نبود. در گمانه‌های F16 تا کنون تنها بخش‌هایی از یک ساختمان خشتی بزرگ آشکار شده و شناخت کامل وضعیت پلان این ساختمان زمان و فصول بیشتری نیاز دارد اما به‌طور کل بقایا و نهشته‌های باستان‌شناسی گمانه‌های F16 را می‌توان به سه فاز تقسیم نمود فاز سطحی مربوط به بقایای استقرارهای موقت کوچ‌رویی بود. در فاز میانی بنا دچار تغییراتی در پلان شده و مهم‌ترین شاخصه این فاز اندود گچی است با رنگ سبز که بر سطح تعدادی از دیوارها کشف شد. فاز تحتانی مربوط به ساختمان اصلی بنا بود که دارای معماری خشتی مستحکم با تالار ستوندار و پایه ستون‌های سنگی بوده است. از فاز اصلی بنا نمونه‌های قابل اطمینان برای تاریخ‌گذاری یافت نشد؛ اما نتایج حاصل از آزمایش کربن ۱۴ نمونه‌های زغالی به دست آمده از فاز میانی و دوره دوم استقرار بنا، سده چهارم تا اول پیش‌ازمیلاد را پیشنهاد کرد. اشکال مختلف خرده سفال‌های به‌دست‌آمده از این گمانه با تورنگ (De-) IV, V (shayes 1974) و نرگس تپه (عطایی و عباسی، ۱۳۸۷؛ عباسی، ۱۳۹۰) و معماری آن با بخشی از بنای هخامنشی به دست آمده از محوطه "Kalaly qyr" در شمال ترکمنستان (Minardi 2017) قابل‌مقایسه است. در کاوش تپه "ریوی D" تمرکز بر روی شناخت پلان بود و کاوش در گمانه‌های G12-2, 3, 5 ادامه داشت. آنچه از وضعیت پلان بنا در پیگردی بخش‌های شرقی مشخص گردید تکرار شکل پلان در بخش شرقی همانند بخش غربی بود که شاخصه آن اتاق‌های بلند و برج‌های چهارگوش

بود. لذا با توجه به اینکه تنها یک چهارم حجم مخروطی شکل تپه ریوی D باقی‌مانده و باقی آن کاملاً تخریب شده است به نظر می‌رسد بقایای معماری ساختمان کشف شده هم یک چهارم پلان کلی آن است. حجم اصلی پلان در این یک چهارم باقی مانده اتاق‌های مستطیل شکل بلند با عرض ۲/۵ متر و طول ۹ تا ۱۱ متر (؟) است. با توجه به شکل پلان و نتایج به‌دست‌آمده گاهنگاری، شاید بتوان نمونه‌های مشابه "ساختمان D" تپه ریوی را در فاز آهن III تپه گودین (Gopnik 2011)، نوشیجان تپه (Roaf 1995)، تپه ازبکی (مجیدزاده ۱۳۷۹)، الغ تپه (Xin 2012 & Lecomte) و اخیراً در گونسپان تپه (Naseri & et al. 2016) یافت. در فصل هفتم تعدادی اثر مهر گلی در گمانه G12-3 و گمانه G12-2 کشف شد که نقش یکی از این اثر مهرها شیری در حال دویدن با دو حرف از یک کتیبه آرامی (؟) بود. متأسفانه بخشی از این اثر مهر از بین رفته بود و نقش آن نیز پر واضح نیست و نقش و کتیبه آن نیاز به بررسی بیشتر دارد. همچنین نقش اسب نیز بر روی یکی از اثر مهرها قابل تشخیص بود و نقوش هندسی لوزی شکل بر سطح اثر مهرهای دیگر. با توجه به تعداد کم اثر مهرهای کشف‌شده و وضوح کم آن‌ها، تردیدهای فراوانی در خصوص تاریخ‌گذاری آن‌ها وجود دارد و شاید بتوان در این مرحله تاریخی از دوران هخامنشی تا اشکانی را برای این اثر مهرها پیشنهاد کرد.

در بخش شمالی محوطه ریوی و در کاوش گمانه‌های M3 در مجموع ۴ گور مطالعه و مستندنگاری شد. به نظر می‌رسد ساختار این گورها چکمه‌ای شکل (shaft grave) است اما در هیچکدام از ۴ گوری که در گورستان ریوی کاوش شد ساختار و برش گور به‌درستی تشخیص داده نشد. در مجموع آنچه از مطالعات گورستان ریوی B حاصل شد تشابه نزدیک ویژگی‌های تدفینی گورستان ریوی با ویژگی‌های تدفینی فرهنگ سومبار (Chlopin 1986) در جنوب غرب ترکمنستان بود.

کتاب‌نامه

عطایی، محمدتقی و قربانعلی عباسی
۱۳۸۷ "نرگس تپه و نشانه‌هایی از دوره ماد و هخامنشی در گرگان"، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال بیست و دوم، شماره پیاپی ۴۴: ۵۵-۴۲.

مجیدزاده، یوسف
۱۳۸۰ نخستین و دومین فصل حفاریات باستان‌شناسی در محوطه ازبکی سولجبلاغ، گزارش‌های باستان‌شناسی پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.

Deshayes, J.
1974 "XIe Campagne de fouille à Turéng-Tépe (17 juillet-7 septembre 1975)", *Paléorient*, vol. 2, no. 2.

Chlopin, I.N.
1986 *Jungbronzezeitliche Gräberfelder im Sumbar-Tal, Südwest-*



Turkmenistan. Materialien zur Allgemeinen und Vergleichenden Archäologie 35, München.

Gopnik, H.

2011 *On the High Road: The History of Godin Tepe, Iran*. Bibliotheka Iranica: Archaeology, Art & Architecture Series I, Toronto/Costa Mesa.

Jafari, J. and J. Thomalsky

2019 “The Iranian-German Tappe Rivi Project (TRP), North-Khorasan”: Report on the 2016 and 2017 fieldworks. *Archäologische Mitteilungen aus Iran und Turan* 48: 77-120.

Minardi, M.; A. Betts and G. Khozhaniyazv

2017 “Columned Halls in Ancient Chorasamia”, *Iran*, 55 (2): 208-226.

Naseri, R.; M. Malekzadeh & A. Naseri

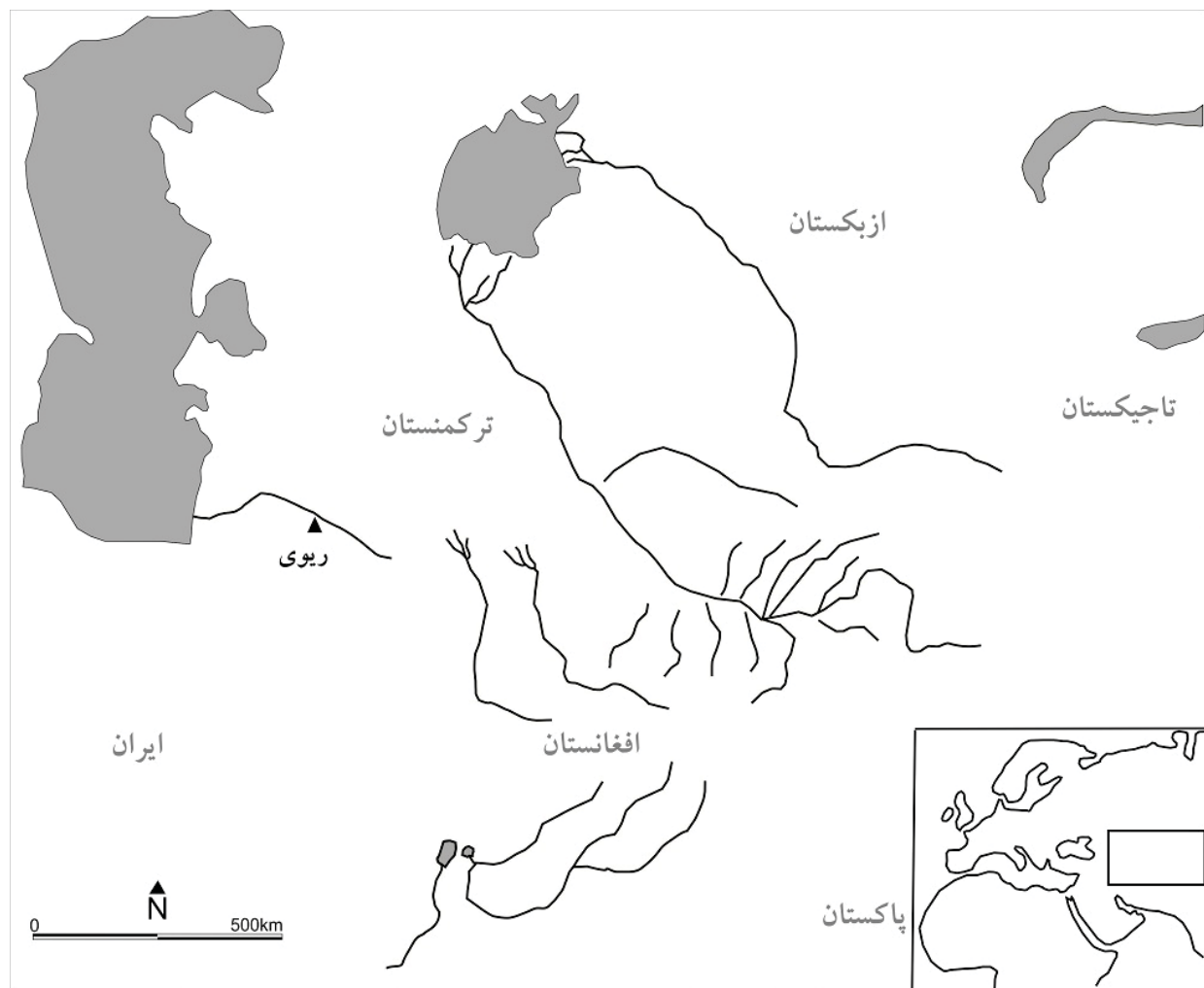
2016 “Günespân: a late Iron Age site in the Median heartland”, *Iranica Antiqua* 51: 13-139.

Roaf, M.

1995 “Media and Mesopotamia: History and Architecture”, In: J.Curtis (ed) *Later Mesopotamia and Iran: Tribes and Empires 1600-539 BC. Proceedings of a seminar in memory of Vladimir G. Lukonin*, London. The Trustees of the British Museum, pp. 54-66.

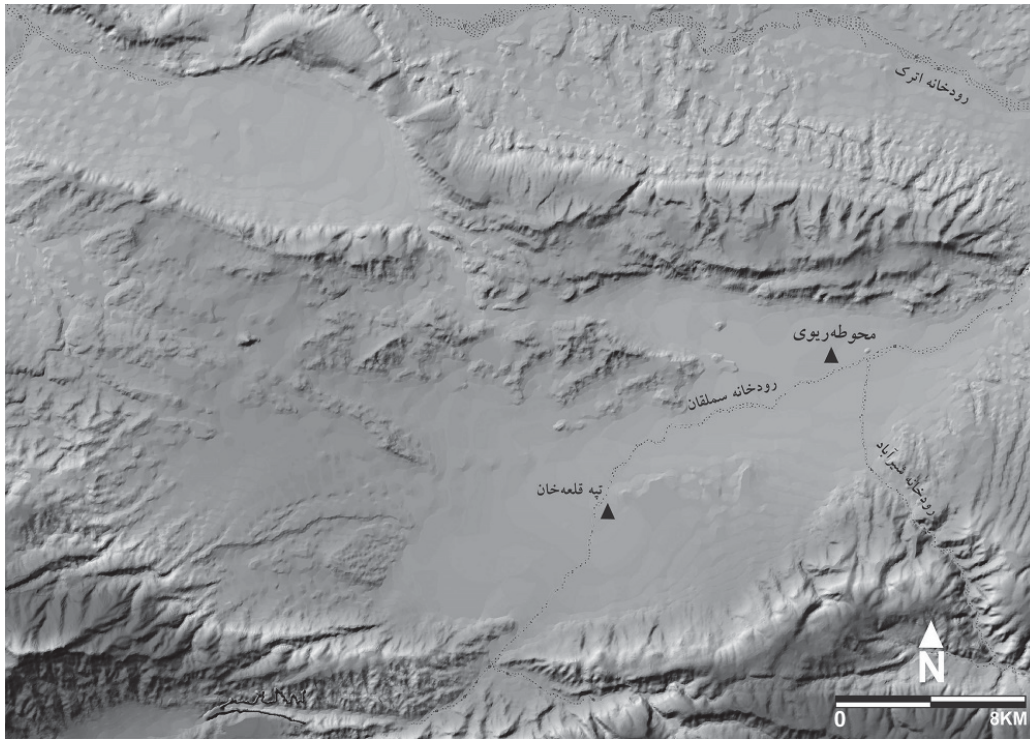
Xin, W. and O. Lecomte

2012 “Clay Sealing from the Iron Age Citadel at Ulug Depe”, *Archäologische Mitteilungen aus Iran und Turan*, XLIV: 313-328.



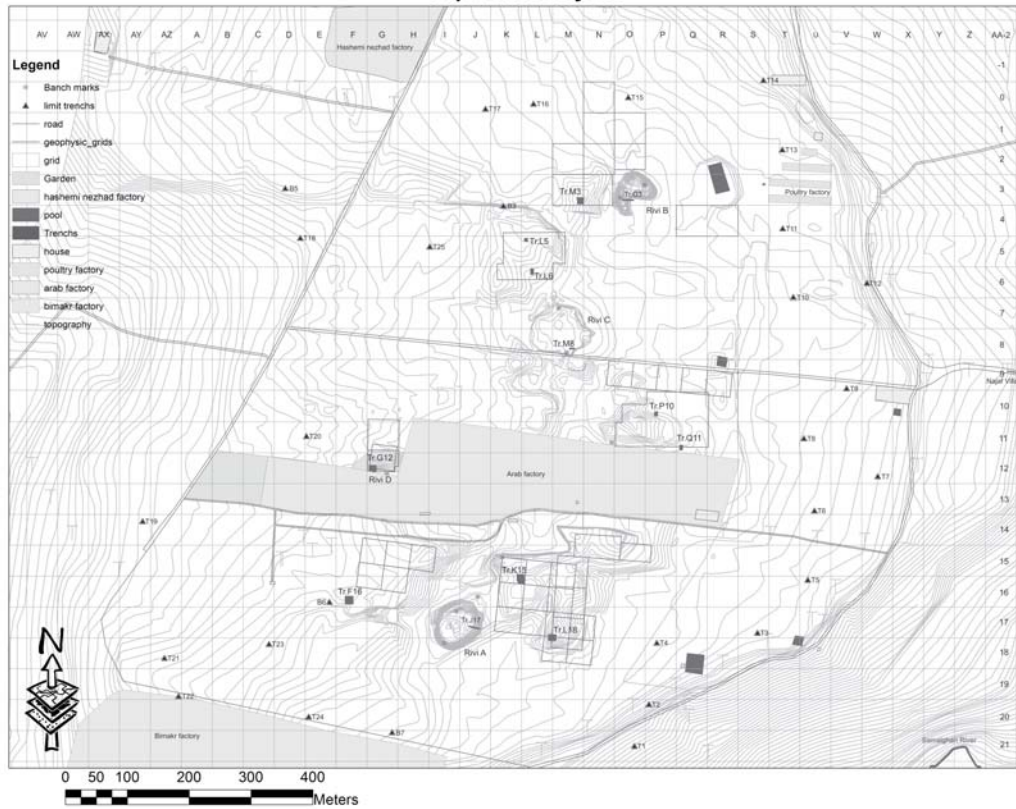
تصویر ۱. نقشه موقعیت محوطه ریوی در شمال شرق ایران





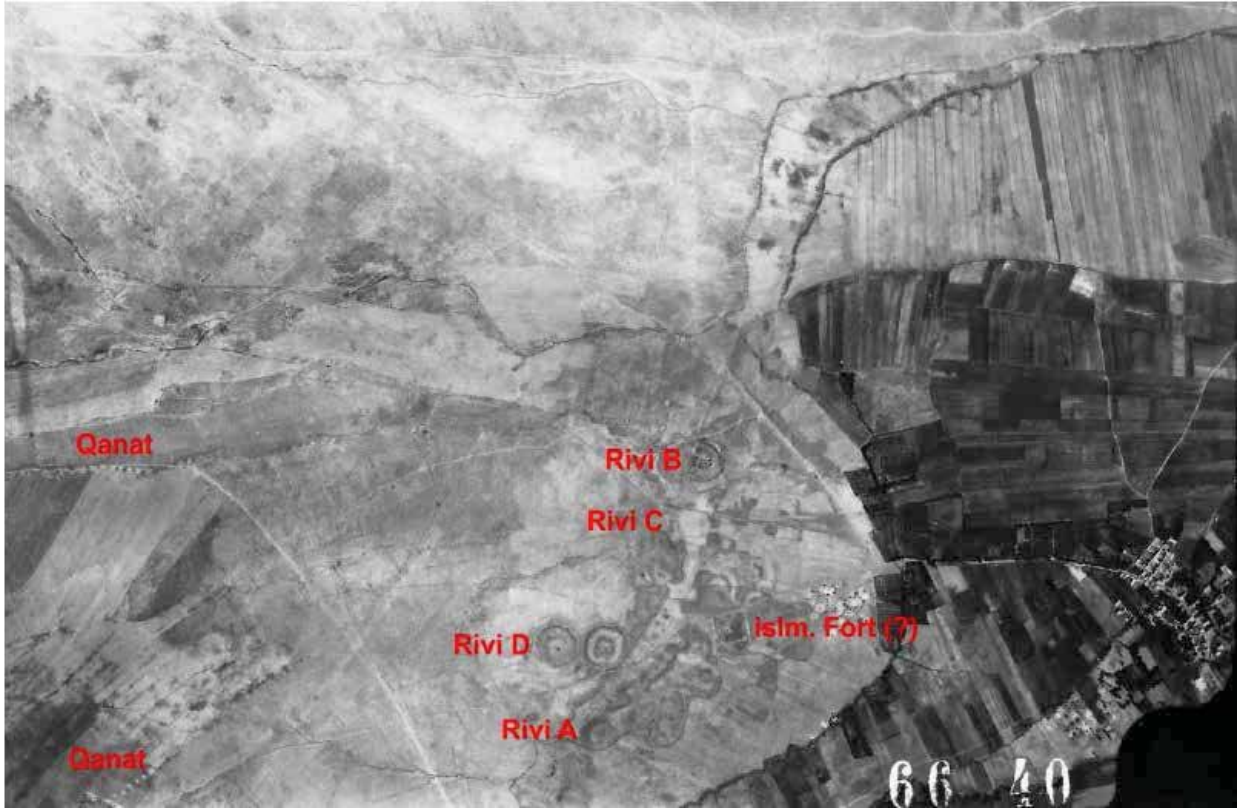
تصویر ۲. نقشه موقعیت محوطه ریوی در دشت سملقان

Tape Rivi Project

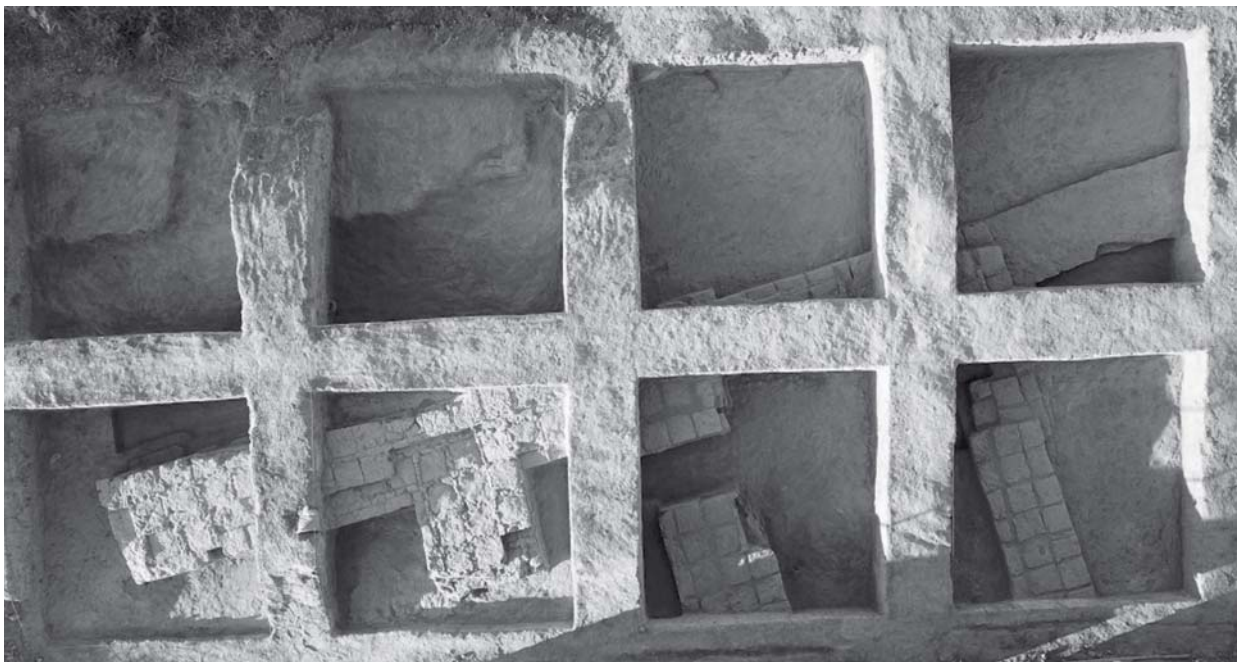


تصویر ۳. نقشه توپوگرافی محوطه ریوی



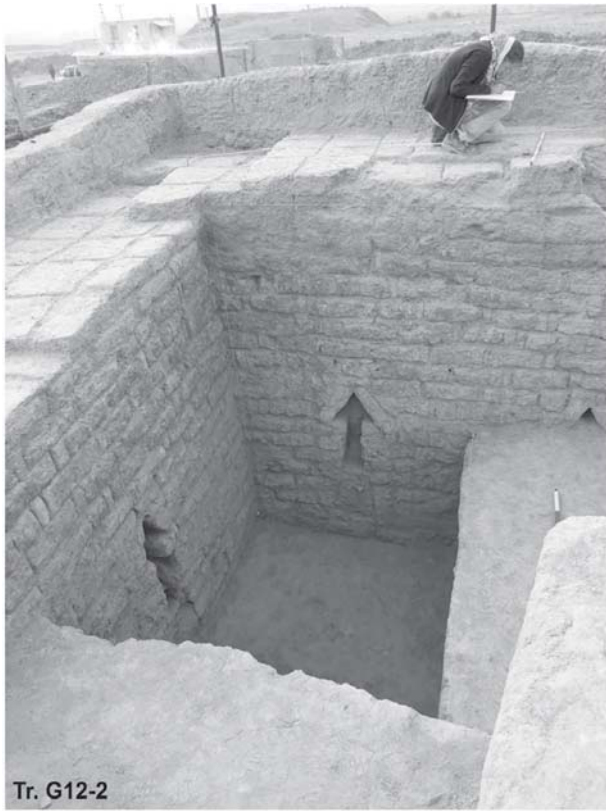


تصویر ۴. تصویر هوایی سال ۱۳۴۵ خورشیدی از محوطه ریوی

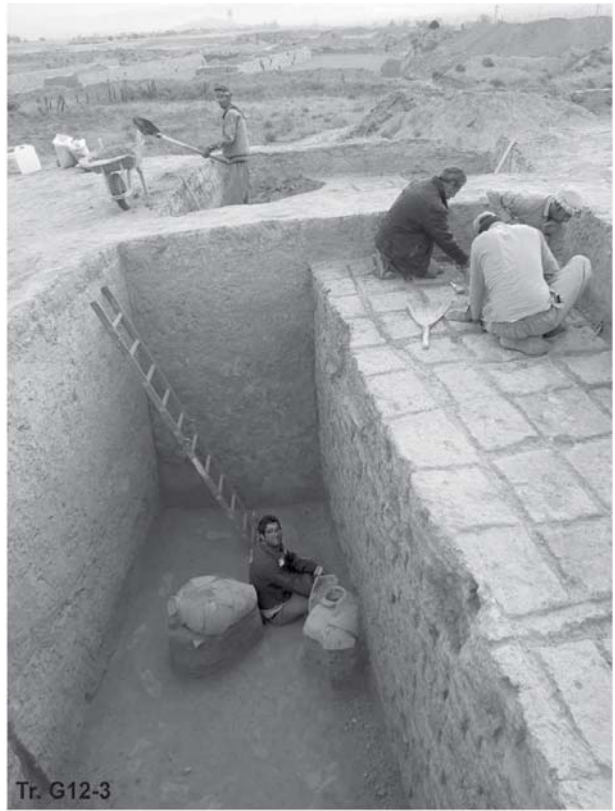


تصویر ۵. تصویر ۸ گمانه ایجاد شده در شمال گمانه F16.1

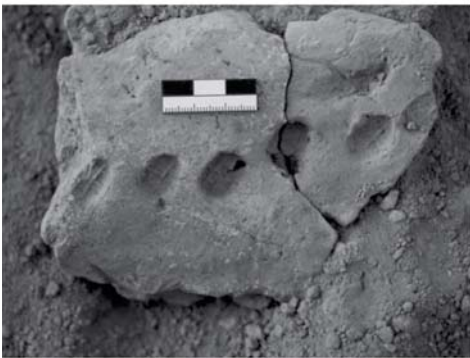




Tr. G12-2

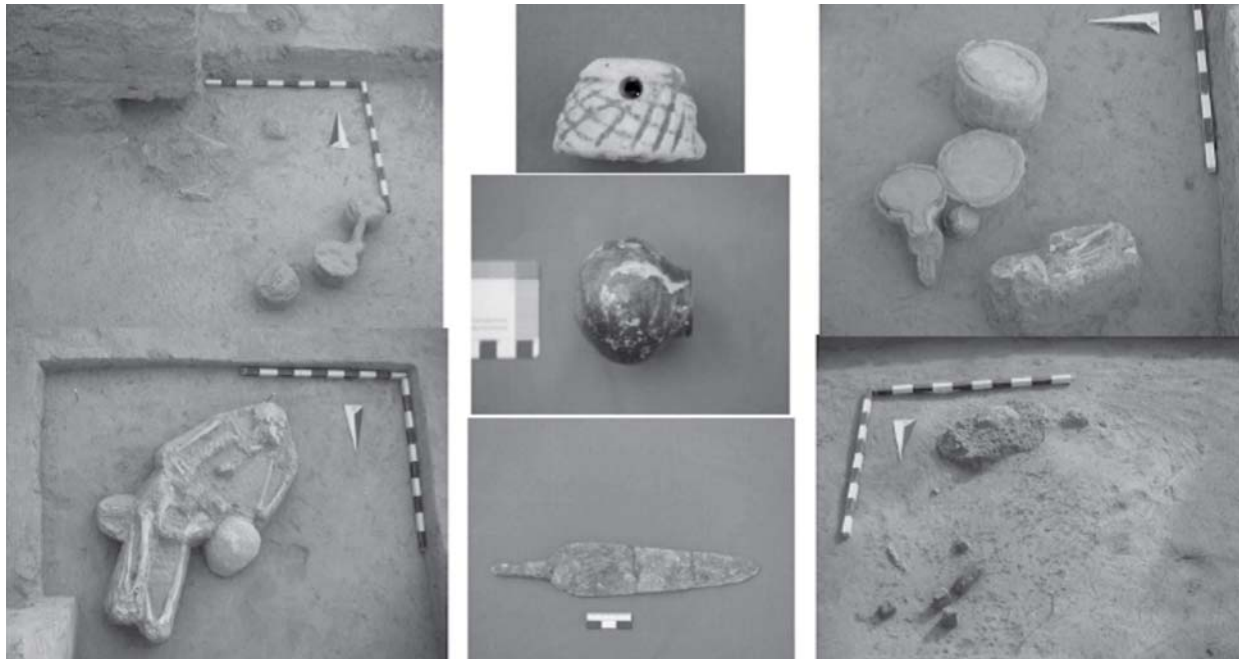


Tr. G12-3



تصویر ۶. تصویرگمانه G12.2 و G12.3 و تعدادی از اثر مهرهای کشف شده در آن





تصویر ۷. تعدادی از گورها و اشیاء کشف شده از گورستان ریوی B



تصویر ۸. تصویری از روند مرمت و اجرای سقف پوششی در گمانه F16.1

